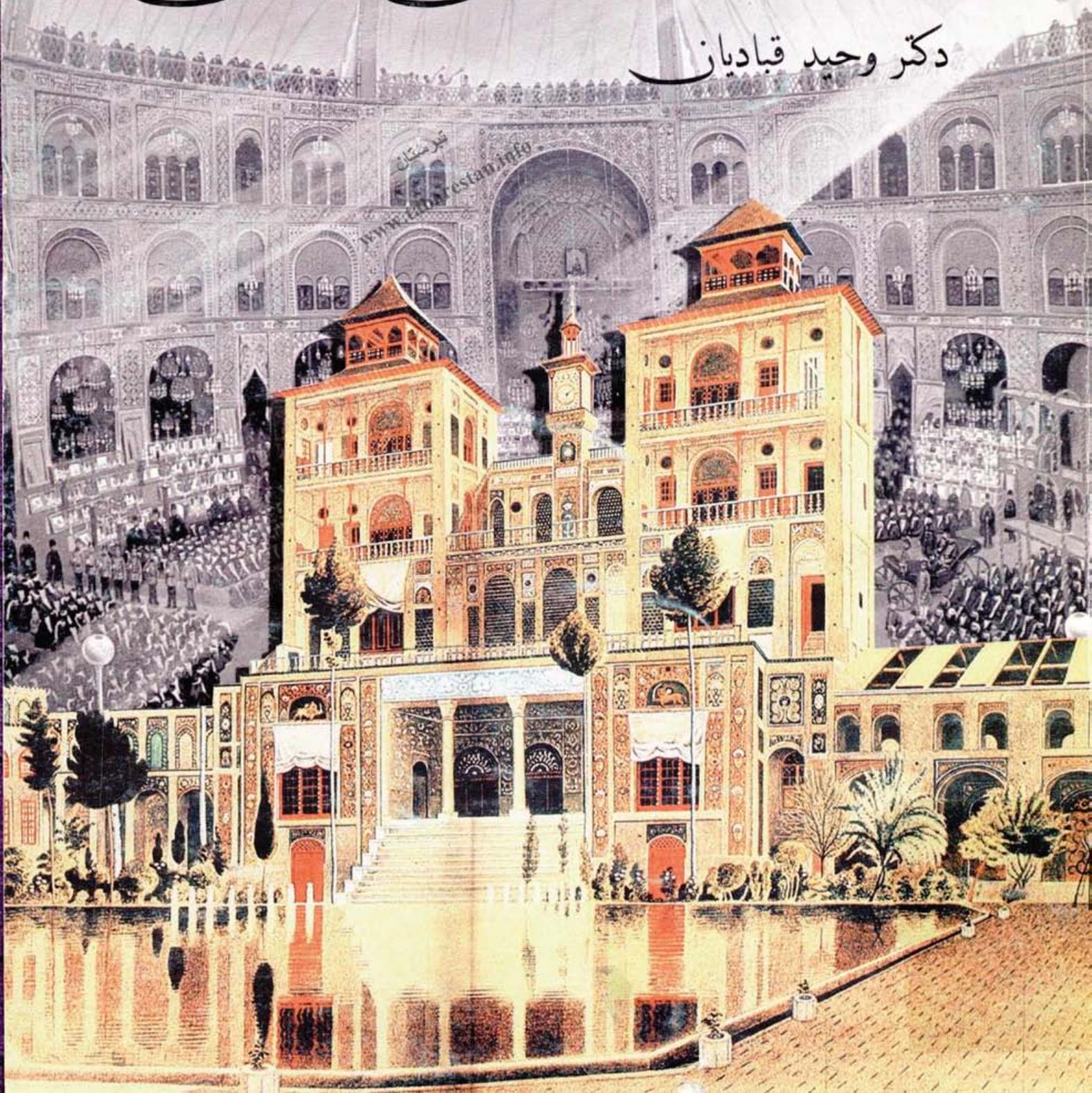


# معماری در دارالخلافه ناصری

سنت و تجدد در معماری معاصر تهران

دکتر وحید قبادیاز



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

تبرستان

www.tabarestan.info

# معماری در دارالخلافه ناصری

سنت و تجدد در معماری معاصر تهران

تألیف : دکتر وحید قبادیان

قبادیان، وحید، ۱۳۳۵-

معماری در دارالخلافه ناصری (سنت و تجدد در  
معماری معاصر تهران) / مولف وحید قبادیان.-

تهران: پژوهشگاه اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۸۴

۲۶۶ ص: مصور، نقشه، جدول.

ISBN 964-7136-25-0

تیرستان

Architecture of tehran

ص.ع. به انگلیسی:

Dur ing Naserdin Shah Period.

کتابنامه: ص. ۲۴۶ - ۲۵۵

۱. معماری - ایران - - تهران. ۲. تهران - -

آثار تاریخی. الف. عنوان.

۷۲۰/۹۵۵۱۲۲۲

NA ۱۴۸۷/۹

۸۲ - ۲۹۳۲۲

کتابخانه ملی ایران

معماری در دارالخلافه ناصری (سنت و تجدد در معماری معاصر تهران)

مولف: دکتر وحید قبادیان

ناشر: نشر پژوهشگاه اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۴

نوبت چاپ: دوم

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۶۴-۷۱۳۶-۲۵-۰

چاپ: سارنگ ۶۴۶۳۶۵۲

لیتوگرافی: زاویه ۸۸۰۹۸۱۷

مرکز پخش: انتشارات دانشگاه - خیابان انقلاب - فلسطین شمالی

جنوب دانشکده هنر و معماری - پلاک ۳

تلفن ۶۴۱۸۹۴۷ - تلفن ۶۴۸۱۷۱۶

قیمت: ۵۹۰۰ ریال

با تشکر از همیاری و همفکری  
همسرم ترانه داوری  
که بدون او انجام اینکار میسر  
نمی بود.

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

## سپاسگزاری

برخود لازم می‌دانم که از استاد گرانقدر مرحوم جناب آقای دکتر محمد ضیمران که در امر تحقیق و تدوین این کتاب راهنمایی‌های ارزشمندی نمودند سپاسگزاری کنم. از مساعدت شرکت مهندسین مشاور معماری سفید بالاخص جناب آقایان مهندس محمدعلی جمالی‌زاده و مهندس فرامرز مهدی‌زادی تقدیر بعمل می‌آورم. از جناب آقایان دکتر اسکندر مختاری، مهندس فرامرز پارسی، مهندس امیرحسین ذاکرزاده، جواد هستی و همچنین سازمانها و اداراتی چون سازمان میراث فرهنگی کشور و تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران، عکاسخانه کاخ گلستان و سایر مراجع علمی و تحقیقی که در مراحل مطالعاتی و جمع‌آوری اسناد و مدارک همکاری نمودند، قدردانی می‌نمایم. از آقای محمد گل محمدی و خانم آناهیتا غلامی که طراحی روی جلد را انجام داده اند سپاسگزارم. و بالاخره از جناب آقای ذوالریاستین، مدیر محترم نشر پژوهنی که در طبع و نشر این کتاب سعی و اهتمام شایسته به خرج دادند تشکر می‌کنم.

وحید قبادیان

فلسفی آن سوی دکرگونی‌های اجتماعی- مادی  
دگرگونی‌های دو سده اخیر در ایران به  
عصر جدید از دوران نوزایی و پروتستانیسم تا  
روشنگری و پی‌آمدهای آن عناصر و معانی،  
اندیشگی تازه‌ای در گستره فرهنگی غرب رواج  
یافته که فهم عمیق دکرگونی‌های تازه در گرو  
ادران و تحلیل این عناصر است. این عناصر و  
مبانی را باید در چارچوب مفهوم مدرنیته مدنظر  
قرار داد.

مدرنیته امروزه دیگر یک اندیشه تازه است، و  
اگر هم غرب بوجود آورنده آن بوده است اکنون  
دیگر به غرب محدود نیست، بلکه در کلیه شئون  
زندگی سکنه کره زمین نفوذ پیدا کرده است.

دگرگونی‌های دامن زده که در غرب شکل گرفته  
است. هرچند که این تحولات دارای زمینه‌ها و  
علل مادی، اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی است،  
اما با نگرشی عمیق مسلم می‌گردد که یک رشته  
تحول در اعمق اندیشه‌ها و انگاره‌های ذهنی  
صورت گرفته است. در این سرزمین مسایل و  
علل و زمینه‌های مادی، اقتصادی، اجتماعی و  
سیاسی مؤثر در تحولات جدید همواره مورد  
عنایت بوده است، اما متأسفانه اندیشه‌ها، نگره‌ها  
و انگاره‌هایی که این تحولات را موجب گردیده  
پیوسته از نظرها دور مانده است. از دیدگاه

حال باید بپذیریم که مدرنیته چیزی نیست جز سودای رسیدن به عقلانیت فردباوری و نیل به سعادت این جهانی. این پدیده یک جبهه شرقی هم دارد که در گستره آسیا، آفریقا، خاورمیانه و به ویژه ایران پدیدار شده است. می‌توان گفت برخورد ایران با غرب بعد از مواجهه این کشور با اسلام یکی از شگرفترین حادثه‌های فرهنگی تاریخ این سرزمین محسوب می‌شود. اگر مورخان آغازینه برخورد جدید را عصر صفوی معرفی می‌کنند، اما واقعیت این است که برخورد گیج کننده ایرانیان با غرب با پایان گرفتن جنگهای ایران و روسیه آغاز شد. شکست‌های خردکننده ایران از روسیه بعضی از ایرانیان را از خواب عمیق قرون وسطایی این سرزمین بیدار کرد. عباس میرزا که خود طعم تلخ شکست از روسیه را چشیده بود به ضعف و عقب ماندگی علمی و فنی ایران پی برد و وزیرش قائم مقام فراهانی با او در این زمینه همداستان شد. غائله روس حالت آگاهی و تنبیه

مدرنیته تنها حرکت در زندگی انسان امروزی است که با دگرگونی عمیق در قلمرو شعور ناظر به بعد زمان رخ می‌دهد. از این رو می‌توان مدرنیته را وجهی شعور نسبت به گستالت اعصار پیشین تلقی نمود. این گستالت ریشه در چند عنصر انسانی دارد. یکی ظهور خردباوری تو و حجت یافتن عقل بشری در برابر فرادهش سنت‌های دیرپایی فرهنگی، دینی، دیگر استیلای روش تجربی و استقرایی، پرهیز از هر نوع قیاس انتزاعی و دور از تجربه، عنايت به صورت کمی و تحصل‌گرای واقعیت‌ها، گرایش به عینیت، عمل و بسط اقتدار زمینی علم به اغراض و مقاصد تضمین‌کننده قدرت و توانائی بشر، تأکید بر اهمیت و اعتبار زندگی زمینی و علایق این جهانی، حفظ و حرمت آزادی و استقلال فردی، اعمال تشکیک در آراء گذشتگان و جانشین کردن تحلیل به جای تقدیر و تقدیس متأثر گذشته و تسامح و تساهل نسبت به آراء مخالف و نفی جزم‌اندیشی مذهبی.

تحصیلات خود را انجام داده بود و بیشتر در رشته قلعه‌سازی تخصص داشت و مدرسه را هم به همان صورت طراحی کرد.

مدرسه دارالفنون به عنوان اولین نهاد آموزشی صرفاً به منظور تعلیم مواد درسی مدرن به دانشجویان بنا شده بود. چند مدرسه دیگر در تبریز و ارومیه به همین منظور بنا گردید. بدیهی است که میراث سازی شهر پابه‌پایی معماری در آن دوران رشد نکرد، یعنی هرچند بناهای جدید از دوران ناصرالدین شاه در قالب کلاه‌فرنگی احداث شد، اما پنجاه سال بعد یعنی در زمان رضاشاه بود که جلوه‌هایی از نوسازی شهری آغاز شد و احداث خیابان‌های بزرگ از این زمان شروع گردید. باروهای شهر رفته‌رفته تخریب شد و به تدریج چهره شهر تهران تغییر نمود. این تغییر در همه ابعاد و زمینه‌ها تحقق نیافت بدین معنا که نوسازی و معماری به هیچ روی ریشه در اندیشه و فرهنگ بومی نداشت. از این رو گونه‌ای گسست میان دو وجهه زندگی (مدرن

انفعالی در ایرانیان را برانگیخت و در پی این بیداری نوخواهی و نوآندیشی رفته‌رفته سر برآورد.

از آن زمان همواره ایرانیان میان دو طیف غرب‌گرایی و نوجوشی از یک سو، غرب سنتیزی و سخت باوری از سوی دیگر در نوسان بوده‌اند.

گفتنی است که نوسازی ایران در آغاز فراگردی عمودی و از بالا به پایین بود، یعنی مقامات حکومتی در پی نوسازی سیمای ایران برآمدند. برای مثال فکر ایجاد یک مدرسه به سبک پلی‌تکنیک فرانسه به منظور تدریس علوم جدید از ناحیه عباس میرزا مطرح شد، اما او نتوانست به این ایده جامه عمل بپوشاند. میرزا تقی خان امیرکبیر در ابتدای صدارت خود اجازه بنای مدرسه‌ای عالی در ارگ سلطانی را در مجاورت کاخ سلطنتی گرفت. او طرح این ساختمان را به مهندسی موسوم به میرزارضا مهندس باشی داد. او در انگلیس در رشته مهندسی ساختمان

سلطنت ناصرالدین شاه بوده که الحق از عهده این مهم برآمده‌اند. ایشان دامنه تحقیق خود را به قلمرو معماری محدود نساخته، بلکه جلوه‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر این عهد را هم مدتنظر قرار داده‌اند. امید است که سایر دانشجویان و محققین علاقمند در راستای این انگیزه نقاط تاریک و ابهام‌انگیز تاریخ معاصر

ایران را <sup>از</sup> منظر برخورد سنت و مدرنیته مورد بازبینی قرار دهند.

دکتر محمد ضیمران

تهران، آبان ماه ۱۳۸۱

و سنتی) ایجاد شد و این گستاخ هنوز هم در کلیه شئون و ارکان فرهنگی این جامعه ملاحظه می‌شود. مطالعه ارتباط میان سنت و مدرنیته به خصوص در حوزه شهرسازی و معماری موضوعی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آقای دکتر قبادیان این موضوع را دغدغه خود قرار داده و کوشیده‌اند تا مناسبت این دو شیوه زندگی را در دوران قاجاریه، به خصوص عصر ناصرالدین شاه مورد مطالعه قرار دهند و هدف اصلی ایشان در این تحقیق تجزیه و تحلیل عناصر نوگرایی و سنت و ساختمان‌های شاخص ناصری در تهران بوده است. به همین لحاظ ضمن بکار گیری روش کیفی و بکارگیری اسناد تاریخی معتبر میدان توپخانه، کاخ گلستان و مجموعه سپهسالار و کاخ ملیجک را به صورتی دقیق مورد بحث قرار داده‌اند. در این پژوهش آن طور که نگارنده این سطر را یادآور گردیده‌اند، هدف، پاسخ به پرسش پیرامون تغییرات کیفی در حوادث معماری در دوران

## فهرست مطالب

صفحة	عنوان
۳	سپاسگزاری
۴	پیشگفتار
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۴	فصل اول : سابقه تاریخی
۱۴	۱-اهمیت موضوع
۱۷	۲-تعريف واژه‌ها و اصطلاحات
۱۹	۳-بررسی سنت و تجدد
۲۰	۳-۱-نظرگاهها در حوزه سنت و تجدد
۲۵	۳-۲-علم و هنر در حوزه سنت و تجدد
۲۹	۳-۳-تاریخگرایی و سنتگرایی در معماری
۳۴	فصل دوم : رویارویی سنت و تجدد در عهد ناصرالدین شاه
۳۶	۱-تحولات نظامی و سیاسی
۴۳	۲-تحولات اجتماعی، هنری و مدرنیزاسیون
۵۸	۳-تحولات رخ داده در ساختمانهای تهران در عهد ناصرالدین شاه
۶۰	۳-۱-تهران در آغاز تحول
۶۲	۳-۲-بررسی دیدگاهها
۶۲	۳-۲-۱-دوره اول-سلطنت ناصرالدین شاه
۶۶	۳-۲-۲-دوره دوم-سلطنت پهلوی
۷۱	۳-۲-۳-دوره سوم-جمهوری اسلامی
۸۶	فصل سوم : معماری در دارالخلافه ناصری
۱۰۲	۱-نقشه‌های شهر تهران
۱۰۷	۲-میدان توپخانه
۱۲۱	۳-کاخ گلستان
۱۴۰	۴-مجموعه سپهسالار
۱۵۱	۵-مشاهده ساختمانها
۱۵۸	۵-۱-عمارت شمس‌العماره
۱۶۱	۵-۲-منبع الهام شمس‌العماره
۱۶۳	۵-۳-نوع مصالح و سازه

صفحه	عنوان
۱۶۴	۳-۱-۵-عناصر تشکیل دهنده ساختمان
۱۶۵	۴-۱-۵-تزریقات
۱۶۷	۵-۱-۵-شکل کالبدی
۱۶۸	۶-۱-۵-سبک ساختمان
۱۶۸	۷-۱-۵-تحلیل نهایی
۱۸۰	۲-۵-مسجد مدرسه سپهسالار
۱۸۲	۱-۵-متبوع الهام مسجد سپهسالار
۱۸۵	۲-۲-۵-نوع مصالح و سازه
۱۸۵	۳-۲-۵-عناصر تشکیل دهنده ساختمان
۱۸۷	۴-۲-۵-تزریقات
۱۹۰	۵-۲-۵-شکل کالبدی
۲۰۴	۶-۲-۵-سبک ساختمان
۲۰۴	۷-۲-۵-تحلیل نهایی
۲۰۵	۳-۵-کاخ ملیجک
۲۰۹	۱-۳-۵-متبوع الهام کاخ ملیجک
۲۰۹	۲-۳-۵-نوع سازه و مصالح
۲۱۰	۳-۳-۵-عناصر تشکیل دهنده ساختمان
۲۱۱	۴-۳-۵-تزریقات
۲۱۲	۵-۳-۵-شکل کالبدی
۲۱۲	۶-۳-۵-سبک ساختمان
۲۲۶	۷-۳-۵-تحلیل نهایی
۲۲۲	فصل چهارم : دلایل بروز و ظهور تجدد در معماری معاصر تهران
۲۴۳	پیوستها
۲۴۴	-تاریخها و وقایع مهم دوره قاجاریه
۲۴۵	-سبکهای رایج معماری در دوره قاجاریه در تهران
۲۴۶	-فهرست منابع
۲۵۶	-مواخذ اشکال
۲۶۳	-خلاصه انگلیسی

## فهرست جداول و نمودارها

۸۸	جدول ۱-۳-نفوذ معماری اروپائی در ساختمانهای شاخص عصر قاجاریه تا پایان دوره ناصرالدین شاه
۱۵۲	جدول ۲-۳-ساختمانهای شاخص ساخته شده در زمان سلطنت ناصرالدین شاه ۱۳۱۳-۱۲۶۴ ه.ق
۲۳۷	نمودار ۱-۴-دلایل ظهور نوگرائی در شئون مختلف زندگی ایرانیان در دوره قاجاریه
۲۳۸	نمودار ۲-۴-روند تأثیر معماری اروپائی بر بخش‌های مختلف ساختمانهای شاخص عصر ناصری در تهران
۲۴۴	جدول ۱-۵-تاریخ‌ها و وقایع مهم در دوره قاجاریه با تأکید بر دوره سلطنت ناصرالدین شاه
۲۴۵	نمودار ۱-۵-سبکهای رایج معماری در دوره قاجاریه

## مقدمه مؤلف

در دنیای مدرن کنوئی با دیگر کشورها و فرهنگ‌ها شد؟

مسلمًا برای پی‌جويى و پاسخ‌گويى به اين  
مباحث بايکاريه خاستگاه زمانى و مكانى معماري  
معاصر ايران و پيش‌زمينه‌ها و تحولات رخ داده  
در آن حوزه مشخص توجه نمود.

موضوعات مهم دیگري نيز در اين كتاب مورد  
تفحص قرار خواهد گرفت و پيش‌زمينه طرح  
سؤالاتي بنديارين مطرح خواهد شد. پرسش‌هاي  
همچون منابع الهام معماري معاصر کشور ما  
چه مى‌باشد و آيا سمت و سويي که دارد  
صحيح است؟ و بالاخره اينکه چرا معماري  
ستني ما با سابقه چند هزار ساله در اثر مواجهه  
با مدرنيته به حاشيه رانده شد؟

در اين كتاب مسائل و عواملی که بر معماري

تجزие و تحليل معماري معاصر ايران و بررسی  
مباني نظری آن، بدون توجه به نقطه آغازين و  
شرایط ذهنی و عینی آن مقطع تاریخی ممکن و  
میسر نمی‌باشد. معماران ما جهت تبیین و تفسیر  
شرایط کنوئی معماري با پرسشهای متعددی  
مواجه هستند. پرسشهایی مانند اینکه معماري  
معاصر ما از چه الگوهای شکلی و مفهومی  
پیروی می‌کند، جایگاه و رابطه آن با فرهنگ و  
سنت ایران زمین چگونه است و چه ارتباطی با  
معماری بين‌المللی و بالاخص معماري غرب  
دارد؟ و اينکه رابطه معماري ما با جهان خارج از  
چه زمانی به صورت يك سويه و يك طرفه در  
آمد و آيا امكان خارج شدن معماري ما از اين  
حالت حاشيه‌نشيني و خوش‌نشيني وجود دارد،  
و آيا می‌توان مجدداً وارد حوزه گفتگو و تبادل

اختصاص دارد. در این فصل، این تحولات در مورد بافت شهری تهران، مجموعه کاخ گلستان و سپهسالار و سه ساختمان مهم این دوره تجزیه و تحلیل شده است.

خلاصه و نتایج مباحث عنوان شده و پیشنهادات برای مطالعات بعدی، آخرین فصل کتاب است. مقوله سنت و نوگرایی یکی از مباحث بنیادین در زندگانی امروز ما ایرانیان است. در حال حاضر این موضوع در علم مختلف انسانی و هنری در کشور ما به صورت مژده مذکور برسی قرار دارد. لذا امید است که این کتاب سرآغازی برای مطرح شدن این مبحث در حوزه معماری معاصر ایران باشد.

نقد و نظر همکاران مورد امتنان نگارنده خواهد بود.

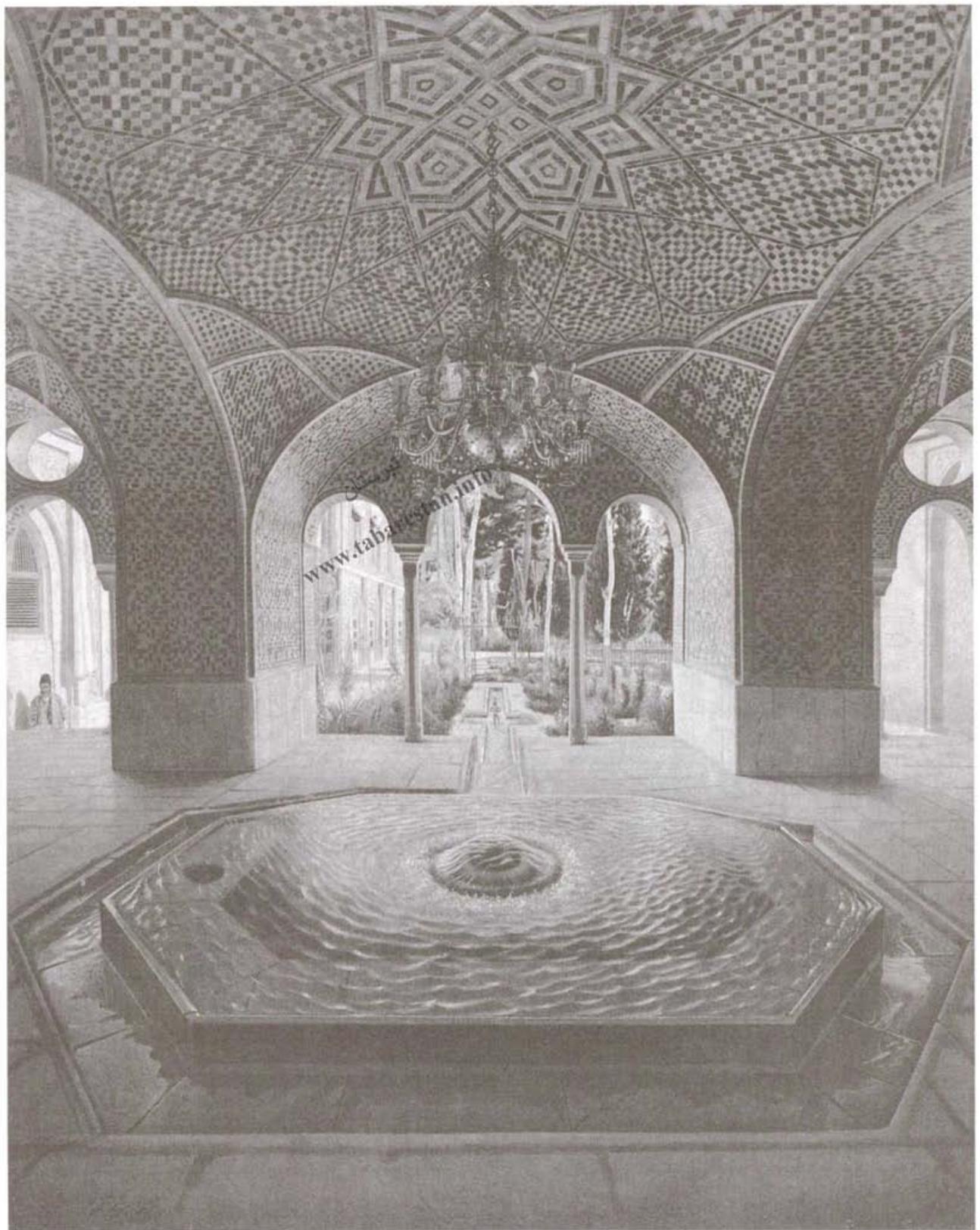
وحید قبادیان

تهران-مهر ۱۳۸۱

تهران در دوره سلطنت ناصرالدین شاه تأثیرگذار بوده، تجزیه و تحلیل شده است. در این رابطه خصوصاً به دو مقوله سنت و نوگرایی و گذار از جهان سنت به جهان مدرن، توجه خاص مبذول گردیده است.

کتاب حاضر در چهار فصل تدوین شده: فصل اول، سابقه تاریخی موضوع است. در این فصل اهمیت موضوع و مقوله سنت و تجدد، تشریح و تبیین گردیده است. در فصل دوم، ابتدا تحولات نظامی، سیاسی، اجتماعی و هنری که در اثر مواجهه با جهان مدرن در ارکان تمدن ما به وجود آمده عنوان شده، سپس وضعیت اجتماعی و کالبدی شهر تهران در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تبیین و در پی آن نظرگاههای مختلف در مورد تحولات معماری تهران در عصر ناصری مطرح گردیده است.

فصل سوم مشخصاً به معماری تهران و تحولات بوجود آمده در عصر ناصری



حوض جوشان، عمارت کریمخانی، کاخ گلستان، تابلوی رنگ روغنی، کار محمد غفاری، کمال الملک، ۱۳۰۷ هـ ق.

## فصل اول : سابقه تاریخی

تبرستان

www.tabarestan.info

به حساب می‌آید و از این زمان است که به تدریج فرم ساختمانهای ما به ظاهر غربی درمی‌آید و تبعیت از فرم‌های سنتی کمرنگ می‌شود. لذا تحولات صورت گرفته در این دوره و دلایل آن موضوع اصلی این کتاب است.

با توجه به اینکه یکی از وجوده زندگی ما ایرانیان که تحت تأثیر مدرنیته قرار گرفته، ساختمانها و به طور کلی معماری ما بوده است، در این کتاب سعی در پژوهش در مورد علل پدید آمدن این شرایط در پاییخت خواهد شد.

ما امروز شاهدیم که معماری ما تحت تأثیر

پدیده سنت و تجدد دو عامل بسیار مهم و کلیدی در معماری معاصر تهران است. خاستگاه و

معماری غرب و موضوع مدرنیزاسیون قرار دارد. فرض بر این است که دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه نقطه عطفی در معماری ما



شکل ۱-۱- تصویر کشیده شده از ناصرالدین شاه بر روی صفحه اول اولین شماره روزنامه شرف.

شد و حصار جدید ناصری به دور شهر کشیده شد و مساحت شهر بیش از چهار برابر مساحت قبلی آن گردید. مساجد و مدارس قدیمی بسیاری مرمت گردید و مسجد سپهسالار و تکیه دولت به عنوان مهمترین مسجد و تکیه شهر در این دوره ساخته شدند. همچنین دو مدرسه جدید دارالفنون و نظام در داخل ارگ حکومتی احداث گردید.

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

با بررسی ساختمانهای دوره ناصرالدین شاه، به این نکته پی می‌بریم که علاقه اول وی ساختن کاخ بوده است. کاخهای بسیار زیادی به دستور ناصرالدین شاه احداث شد (به جدول ۳-۲ نگاه کنید) و تقریباً تمامی کاخهای قدیمی در تهران به امر وی مرمت و یا بازسازی گردید. به نظر نگارنده، تا کنون هیچ پادشاهی در ایران در پایتخت خود و شاید در کل مملکت این تعداد کاخ ساخته است.

دلیل سوم اهمیت این دوره به این خاطر است که یک تحول بنیادین در معماری پایتخت کشور

ریشه‌یابی این دو پدیده در معماری تهران، می‌تواند در تحلیل شرایط امروزین معماری ما نقش مؤثر و کلیدی داشته باشد.

دوره سلطنت ناصرالدین شاه از سه حeta حائز اهمیت است. اول اینکه دوره سلطنت ۵۰ ساله ناصرالدین شاه بیش از یک‌سوم کل دوره حکومت قاجاریه را شامل می‌شود. در طی این دوره، مملکت در یک آرامش نسبی قرار داشت. آقا محمدخان قاجار، فتحعلی‌شاه و محمدشاه هر یک جنگهای بسیاری با نیروهای متخاصم داخلی و خارجی داشتند.

پس از سلطنت ناصرالدین شاه نیز مملکت آرامش سیاسی و اجتماعی نداشت. آغاز جنبش مشروطه، نفوذ همه جانبی دول روس و انگلیس و آغاز جنگ جهانی اول فرصت و امکانی جهت ساخت و ساز و عمران مملکت میسر نمی‌ساخت.

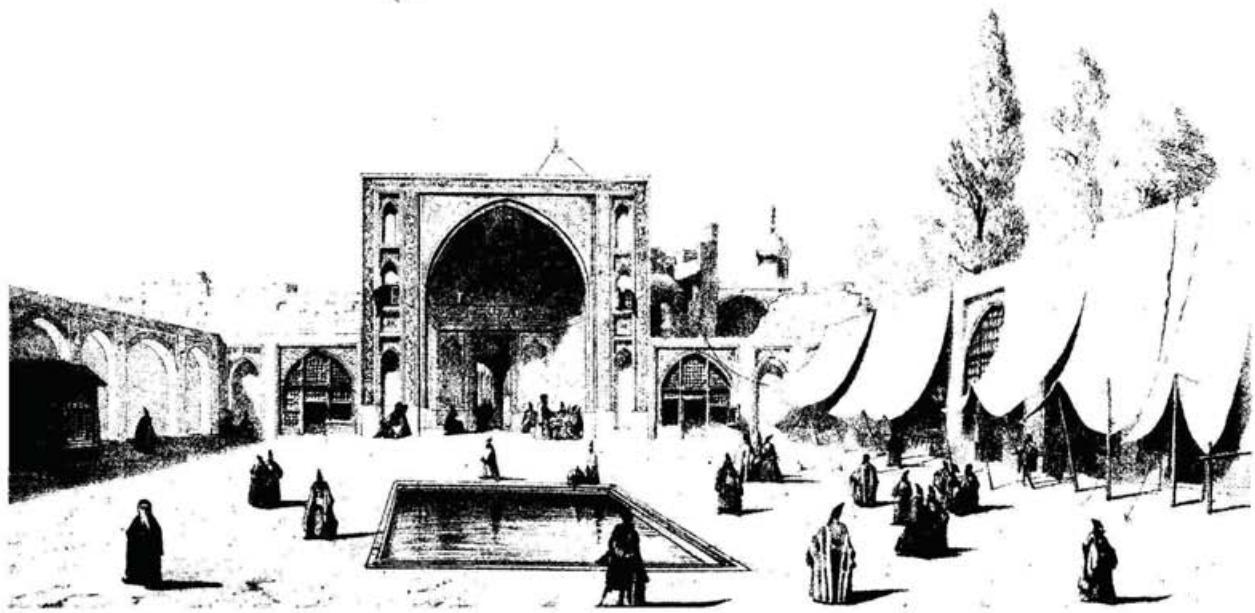
مطلوب دوم، در این دوره شهر به سرعت گسترش یافت. حصار قدیم طهماسبی برچیده

## تعريف واژه‌ها

معماری سنتی ایران : شیوه ساختمان سازی از نظر شکلی، ساختاری و مفهومی است که از آغاز یک‌جاشینی<sup>(۱)</sup> در ایران تا اواسط قرن نوزده میلادی، نسل اندر نسل و به صورت پیوسته ادامه داشته است. در معماری سنتی -

صورت گرفت و نفوذ گونه‌ای معماری در این دوره ظاهر شد که سابقه در معماری سرزمین ما نداشت. کاخها و بناهای مهم حکومتی که در این دوره ساخته شدند از نظر منبع الهام، شکل کالبدی و نوع تزئینات متفاوت از ساختمانهای دوره‌های قبلی هستند.

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)



شکل ۲-مسجد امام (شاه سابق) به صورت حیاط مرکزی چهار ایوانی در زمان فتحعلی‌شاه (۱۲۴۰ ه.ق.) احداث شده است. این مسجد در ادامه روند سنت معماری ایران زمین طراحی گردیده است. تعمیرات آن و احداث دو مناره بزرگ سر در آن در عهد ناصرالدین شاه انجام شده است.

**معماری رمانسیک:**<sup>(۳)</sup> این سبک معماری در طی سالهای ۱۸۸۰-۱۷۸۰ میلادی در اروپای غربی رایج بوده است. معماری ابهام برانگیز قرون وسطی بالاخص معماری رومانسیک و گوتیک منبع الهام این سبک بوده است. این سبک در معماری تهران در عصر ناصری زیاد تأثیرگذار نبوده، شاید به دلیل اینکه این سبک به گستردگی سبک نئو کلاسیک در اروپا و بالاخص در روسیه و ترکیه رایج نبوده است.

**معماری التقاطی:**<sup>(۴)</sup> این سبک از سال ۱۸۸۰ میلادی تا اوایل قرن بیستم در انگلستان و آمریکا و تا حدود بلژیک و ایتالیا رایج بوده است. در اواخر قرن نوزده، معماری رومانتیک به تدریج جای خود را به معماری التقاطی داد. در این دوره، معماران دیگر خود را محدود به اقتباس از یک دوره تاریخی نمی دیدند، بلکه هر دوره‌ای در هر مکانی از گذشته می‌توانست منبع الهام باشد.

فنون، شیوه‌ها، تزئینات و فرم‌های ساختمانی همواره به تبعیت از راه و روش گذشتگان و در سیر تکاملی آن اجرا شده است. به عبارت دیگر منبع الهام در معماری سنتی میراث گذشته است. مسجد امام (شاه) و مدرسه مروی دو نمونه از معماری سنتی در تهران است.

**معماری نئو کلاسیک:**<sup>(۲)</sup> سبک معماری است که عمدها از نیمه قرن هجده تا نیمه قرن نوزده میلادی در اروپای غربی رایج بوده است. این سبک تحت تأثیر جنبش منورالفکری (Enlightenment) ابتدا در فرانسه، انگلستان و آلمان آغاز شد و سپس به سایر نواحی اروپا و روسیه منتقل گردید.

منبع الهام این سبک، معماری دوره کلاسیک یونان و روم باستان بوده است. این سبک از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه برای کاخهای سلطنتی و ساختمانهای حکومتی مورد تقلید قرار گرفت. عمارت خوابگاه و کاخ ابیض دو نمونه از این معماری در تهران است.

### ۳- بروسی سنت و تجدد

سنت بنا بر تعریف آداب، رسوم، اعتقادات و رفتارهایی است که از گذشتگان به میراث رسیده است. سنت دینی آن اعمال و رفتارهایی و مناسکی است که توسط بانیان هر مذهب انجام شده و یا بیان گردیده و نسل اندر نسل مورد تقليید قرار گرفته است. لذا سنت چه سنت عرفی و یا دینی تأثیر بسیار مهمی بر شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد و بخش بسیار مهمی از فرهنگ تمدن محسوب می‌شود. رفتارهای فردی و اجتماعی در جوامع سنتی با محک سنت سنجیده می‌شود. «سنت مشخص کننده رفتارهای هنجار و ناهنجار در جوامع سنتی است. سنت به معنی تداوم و استمرار نیز می‌باشد، یعنی از نسلی به نسل دیگر استمرار پیدا می‌کند.»<sup>(۵)</sup> تجدد یا مدرنیته<sup>(۶)</sup> برخلاف سنت به معنی نوشدن، عوض شدن و جدید شدن است. اگر در سنت، بودن مطرح است در تجدد، شدن، واجد

معماری تلفیقی عصر قاجاریه: از ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه، در طرح ساختمانهای شاخص شهر تهران تلفیقی از معماری سنتی ایران و معماری نئوکلاسیک غرب دیده می‌شود. در این کتاب به این سبک معماری نام معماری تلفیقی عصر قاجاریه داده شده است. هر کجا که از سبک تلفیقی در این کتاب نام برده شده است، منظور معماری تلفیقی عصر قاجاریه است. ساختمان اولیه مدرسه دارالفنون (۱۲۶۸ق) و قصر دوشان تپه (۱۲۶۹ق) از جمله اولین ساختمانهایی هستند که به این سبک ساخته شدند.

ساختمانهای شاخص عصر ناصری: ساختمانهایی هستند که توسط امرای حکومت، اشراف و صاحب منصبان ساخته شده است. ساختمانهایی که برای طبقات متوسط و پائین جامعه ساخته می‌شده، در این کتاب جزو ساختمانهای شاخص محسوب نمی‌شود.

ایتالیا همراه بوده است. از این دوره است که جهان‌بینی انسان غربی تغییر جهت داده و از آسمان به سمت زمین متوجه شده است. این تغییر جهان‌بینی و بینش فکری چنان گسترده و فراگیر بود که باعث واژگونی بسیاری از باورهای ذهنی گردید و تفسیر و قرائت جدیدی از اصول و چارچوبهای هنری، مذهبی، علمی، فلسفی، سیاسی، تکنیکی، اجتماعی و فرهنگی ارائه گردید.

www.tabarestan.ir

### ۱-۳-نظرگاهها در حوزه سنت و تجدد

علی اکبر دهخدا در لغتنامه خود سنت را به معانی راه و روش، طریقه، قانون آیین، رسم و نهاد عنوان کرده است. خانم زهرا رهنورد<sup>(۷)</sup> در مورد سنت چنین بیان می‌دارد: «در ایران دو تعریف از سنت وجود دارد: یکی تعریف لائیک است به معنی کلیه دستاوردهای فرهنگی و هنری در ایران که از قبل و بعد از اسلام در ایران وجود داشته و دیگری تعریف قدسی

اهمیت است. در جامعه مدرن، به جای تقليد، تدبیر مطرح است. در اين جوامع آنچه که هنجار و ناهنجار را مشخص می‌کند سنت و تقليد از گذشته نیست بلکه عقل، کارایی و تدبیر است که ملاک و ميزان است. اگر در جوامع سنتی، علوم لاهوتی و جهان آخرين و نیکبختی در آن جهان غایت و هدف است، در جوامع مدرن علوم زمینی، جهان کنونی و شناخت نسبت به امور محسوس و بالاخره کامیابی در اين جهان مدنظر است. لذا در جوامع مدرن، شک، نقد و سنجش افکار و اعتقادات گذشتگان امری نامطلوب نیست. به عبارت دیگر می‌توان بیان نمود که در جوامع سنتی فرد از ايمان به يقين می‌رسد و در جوامع مدرن فرد از شک به يقين و باور می‌رسد.

اکثر فلاسفه مدرن بر این نظر هستند که آغاز عصر مدرن با پیدايش انسان‌گرایی (Rationalism) و خردگرایی (Hummanism) دوره رنسانس در قرن ۱۵ میلادی در شمال

عادات (habits) و عرفها (customs) از پدران به فرزندان بدون وجود آثار مكتوب ماست. سنت انتقال سينه به سينه است. سنت ديني، اوامر و نواهي و افعال و اعمال معصوم و تقريرات او است. سنت يكى از دلائل حكم شرعى است. سنت اجتماعى و فرهنگى عبارت است از رسوم و عادات ديرين که رواج داشته است. سنت واجد اعتبار است و افراد جامعه برای آن ارزش خاصی قائل هستند. احترام به سنت، نوعی تداوم، ثبات و اعتبار برای افراد جامعه ايجاد می‌کند. سنت سرچشمه مشروعیت است و نقض و عدول از آن سخت و دشوار می‌باشد.<sup>(۹)</sup>

برخلاف سنت که ثبات، تداوم و پيوستگی را تداعی می‌کند، تجدد به معنای «نوشدن، تازه شدن، طرفدار امری تازه بودن، به نویسی و تازگی گراییدن و از نو آغاز کردن است.<sup>(۱۰)</sup>

تجدد یا نوگرایی مترادف لغت (Modernity) در انگلیسي معنی شده است. متون و مباحث مطرح

است به مفهوم سنت نبی اكرم يعني تمام آنچه که در انديشه، سيره و رفتار حضرت محمد(ص) وجود داشته و از زمان آن حضرت آغاز شده است.<sup>(۱۱)</sup>

دکتر محمد ضمیران، استاد دانشگاه در رشته فلسفه هنر می‌گويد:

«بعضی از اندیشمندان سنت را مترادف حصار و مرز می‌دانند. بعضی دیگر آن را هر آنچه که با اندیشه‌های قدیمی و خرافی مترادف است قلمداد می‌کنند. عده‌ای نیز سنت را به معنی حفظ وضع پيشين و بعضی سنت را مترادف سنت از زمان افلاطون تا کنون می‌دانند.

سنت در معنی لغوی، انتقال وجهه، از رفتار قومی و فرهنگی از يك نسل به نسل دیگر است. سنت يعني رها کردن، تسلیم شدن، نوعی فرهنگ شفاهی است که بایستی آموخته شود. سنت چيزی است که از گذشته به میراث رسیده است. سنت، انتقال باورها (beliefs)،

مدرنیته را به معنای امروزی بکار برده، در

(Goerge Clemenو فلسفه، فردریک هگل

Willhelm Friedrich Hegel 1770-1831)

اولین بار از این لغت استفاده کرده است.<sup>(۱۲)</sup>

داریوش آشوری، اندیشمند معاصر در مورد

مدرنیته چنین بیان می‌کند: «اساساً مدرنیته

تحول نگاه انسان به جهان به خصوص به

حولش است و تعریف تازه‌ای است که از خود

و جایگاه خود <sup>tabarestan</sup> عالم می‌کند.<sup>(۱۳)</sup> وی در

تعریف مدرنیته می‌گوید:

«مدرنیته جهتگیری خاصی است از سوی

بخشی از بشریت در چند سده اخیر در مقابل

مسائل بنیادی‌ای که همیشه برای انسان مطرح

بوده است، اما با پاسخگویی‌های دیگر. یعنی

جهتگیری تازه در برابر پرسش از وجود و

جایگاه انسان در عالم و واژگون شدن نسبت

میان انسان و وجود و محور قرار گرفتن

انسان در هستی در مقام شناسنده. به عبارت

دیگر، مدرنیته پیرامون محور آن چالشی

شده در رابطه با این لغت تحت چهار واژه: ۱-

مدرن (Modern)، ۲- مدرنیته (Modernity).

۳- مدرنیسم (Modernism) و ۴- مدرنیزاسیون

مطرح شده که در این (Modernization)

قسمت بررسی می‌شود:

۱- مدرن (Modern): این لغت در فارسی به

معنی «نو، چیز تازه و باب روز»<sup>(۱۱)</sup> عنوان شده

است بابک احمدی، مولف و نظریه پرداز- چنین

بیان می‌دارد: «لفظ Modo که مبنای لفظ مدرن

در زبانهای متعدد اروپاییه، اگر بخواهد به دقیق

به فارسی ترجمه بشه، بایستی به امروزگی

ترجمه بشه».<sup>(۱۲)</sup>

۲- مدرنیته Modernity: دکتر محمد ضیمران

می‌گوید: «نوعی وضعیت و نگرش به هستی

و زندگی است که در تاریخ اتفاق افتاده، این

لغت در فارسی مترادف تجدد و یا مدرنیت

است.

شارل بودلر (Charles Baudelaire) شاعر

فرانسوی قرن نوزده برای اولین بار واژه

کند و با این نوع تسلط بر همه چیز، به یک موجود (متافیزیکی) تبدیل می‌شود که از بند طبیعت رسته است...

مدرنیته جهت‌گیری در مقابل تمامی نگرش قرون وسطایی به انسان، جهان و خداست و امید و آرزو بستن به امکان بازسازی انسان و جهان بر بنیاد عقل و قوه شناسایی انسان.<sup>(۱۵)</sup> جنت‌الاسلام محمد خاتمی در سخنرانی خود در دانشگاه فلورانس ایتالیا در مورد مدرنیته چنین عنوان می‌کنند:

«این کلمه (مدرنیته) شامل مفاهیم متعددی نظیر مفاهیم فلسفی، هنری، علمی، تاریخی و اخلاقی می‌شود. وجه جامع این مفاهیم عبارت است از زلزله‌ای که در ارکان وجود و تفکر انسان در اوآخر قرون وسطی اتفاق افتاد. زلزله‌ای که مدار حرکت انسان و جهان را عوض کرد. انسان و جهان (تا آنجا که متأثر از افکار انسان است) در روزگار ما، نتیجه مدار

«مدرن» پس از قرون وسطی است.<sup>(۱۶)</sup>

می‌گردد که در قرن هجدهم به نام عقل و علم و همچنین انسان و انسانیت در گرفت.

مدرنیته اعتماد و انکاء به عقل انسانی در مقام شناسات. حتی اگر امکان شناسایی مطلق وجود نداشته باشد، چنانچه کانت مطرح می‌کند، یعنی اینکه شئ در ذات خود دریافتی نیست، یا آنچه ما در می‌یابیم عالم پدیدار (Phenomenal) است و بس. با این حال راه حل تمامی مسائل ممکن، چه در حوزه شناسایی و چه در عمل اخلاقی و عالم رفتاری عقل انسان دانسته می‌شود. مدرنیته مدلی از جهان و جهان‌بینی را ارائه داد که با آن امکان رشد علوم جدید فراهم شد. علومی که هدف‌شان شناسایی طبیعت بود و به دنبال آن علوم انسانی که هدف‌شان شناسایی انسان و وضعیت انسانی است، و سرانجام این امید را به وجود آورد که انسان می‌تواند با شناسایی عقلانی از طبیعت و جامعه و انسان خود را به وضعیتی برساند که از بند طبیعت رهایی پیدا

این اصول شامل انسان‌گرایی، عقل‌گرایی و مطلوبیت طلبی است».<sup>(۱۷)</sup>

داریوش آشوری مدرنیسم را چنین تبیین می‌کند:

«مدرنیسم شاید بیشتر به معنای گرایش ذهنی و فکری و عملی است نسبت به مدرنیت. ولی مدرنیته حالت یا وضعیت مدرن بوده

است.<sup>(۱۸)</sup> تبرستان www.tabarestan.info  
و بالاخره بابک احمدی فیلسوف معاصر می‌نویسد:

«کار اصلی مدرنیسم، دفاع از خردباری مدرنیته است.»<sup>(۱۹)</sup>

: Modernization ۴-مدرنیزاسیون  
مدرنیزاسیون به شکل نو در آوردن یک جامعه است. این واژه در فارسی به اسمی مدرنیزه، نوسازی و نو شدن نامیده شده.

دکتر جمشید بهنام مدرنیزاسیون را چنین تبیین می‌کند:

۳-مدرنیسم Modernism: مدرنیسم نوعی ایدئولوژی و مرام است. در فارسی به مدرنیسم، نوگرایی یا نوگرایی هم می‌گویند.

خانم زهرا نژاد بهرام، روزنامه‌نگار می‌نویسد: «مدرنیسم از واژه لاتینی به معنی جدید و عصر ریشه گرفته است. این واژه به عنوان مرجعی برای بازتاب اندیشه‌های نو در عصر روشنگری مطرح شده است و شامل یک نگرش فلسفی- سیاسی و اجتماعی به انسان و محیط می‌باشد. امehات بحث مدرنیسم در مباحث معرفت شناسی آن نهفته است. در چارچوب معرفت شناسی مدرن، انسان هم موضوع و هم عامل شناخت است. در این چارچوب مفهوم محوری انسان، فارغ از الگویهای ماوراءالطبیعی تعریف شده و عقلانیت وی زمینه شناخت نوین از خود و محیط پیرامون است. مدرنیسم در قالب الگوی فکر فلسفی جدید دارای شاخص‌ها و اصولی است که به عنوان مبانی قابل شناسایی است.

آن و بدون توجه به زمینه‌های فکری اندیشه مدرن.

«هگل می‌گوید : دوران مدرن آن روزگاری است که آدمی خود را پیش از هر چیز محصول تنشیات انسانی و اجتماعی می‌یابد و نگرش به درون خود یا دقت به سنت خود با امر مقدس را ناپسندیده می‌یابد.»<sup>(۲۲)</sup>

تبرستان

www.tabarestan.info

### ۳-۲-علم و هنر در حوزه سنت و تجدد

همانگونه که جهان مدرن جهانی متفاوت از دنیای سنت است، علم و هنر که دو پایه اصلی معماری محسوب می‌شوند، در جهان مدرن دارای خصوصیات و غایاتی متفاوت از علم و هنر جهان سنت است.

علم و هنر که در طی قرون وسطی و به طور کلی در جهان سنت همواره در سیطره کلیسا و مذهب قرار داشتند، با پیدایش مدرنیته از حیطه مذهب خارج شده و به صورت نهادهای مستقل

«مدرنیزاسیون فرآیندی است که موجب پیدایی شکلهای جدید از روابط تولیدی و ساختهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و در نتیجه رفتارها، اندیشه‌ها و خواستهای تازه می‌شود و حاصل آن نیل به موضع و حالتی است که آن را تجدد نامیدیم. بنابراین تجدد یک وضع و حالت است و نوسازی یک حرکت.»<sup>(۲۰)</sup> دکتر موسی غنی نژاد، اقتصاددان و نظریه‌پرداز

معاصر چنین می‌گوید :

«مدرنیزاسیون یا نوسازی مادی و تکنولوژی جامعه معلوم مدرنیته و آن تحول فکری است که اتفاق افتاد... بدون مدرنیته، نهادهای مدرنیزاسیون چیزهای ظاهری می‌شود که محتوا ندارد.»<sup>(۲۱)</sup>

عقیده بسیاری از فلاسفه مدرن عصر حاضر بر این است که آنچه که در طی دو قرن اخیر در کشورهای جهان سوم اتفاق افتاده، پدیده مدرنیزاسیون است، یعنی به شکل نو و مدرن شدن این جوامع بدون استباط دلایل و مفاهیم

- درآمدند. دکتر محمد ضیمران در مورد علم جدید و کهن چنین بیان می‌کند:
- «علم جدید بر واقعیات ملموس تکیه دارد، علم کهن بر مفاهیم انتزاعی استوار است. علم جدید به دنبال علم نامکشوف است، علم کهن به دنبال علم گذشته و علم انباشته است.
- علم جدید در پی رخنه در اسرار طبیعت و تسلط بر طبیعت است، علم قدیم مبهوت در مقابل اسرار طبیعت و تسلیم طبیعت است. در علم جدید همه چیز موضوع شناخت است، علم قرون وسطی، علم قربت ان... است. علم مدرن حقیقت را رابطه منطقی و صحیح بین ذهن عین و موكول به تجربه می‌داند چنانچه هایدگر می‌گوید: علم جدید تاکید بر آزمایش و تجربه دارد و دکارت معتقد است علم نوین به تبیین مسایل زمینی می‌پردازد.
- سه غایت را بجزی علم مدرن می‌توان فرض کرد:
۱. تقلیل و تبیین جهان پدیده‌ها و امور
۲. پیش‌بینی حوادث
۳. چیرگی بر رویدادها و طبیعت
- دکارت و بیکن بر این باورند که غایت پژوهش علمی چیزی جز چیرگی انسان بر طبیعت نیست.
- انقلاب صنعتی، چیرگی انسان بر طبیعت را مسلم نمود. بعد از انقلاب صنعتی تکنولوژی بر احکام جامعه نیز مسلط گردید.<sup>(۲۲)</sup>
- دکتر شهرام پازوکی<sup>(۲۳)</sup> مورد تکنولوژی و علم مدرن چنین بیان می‌دارد:
- «تکنولوژی جدید وقتی ظهر کرد که انسان به خود اجازه داد سوژه باشد و عالم را آن طور که می‌خواهد ببیند و تصویر کند.
- ادموند هوسرل می‌گوید: علم جدید سر و کارش با عالمی است که خودش ساخته و عالم دیگری مد نظر او نیست.»<sup>(۲۴)</sup>
- سعدی در رابطه با علم که منظور همان علم کهن است چنین گفت:

علم از بهر دین پروردن است

نه از بهر دنیا خوردن است

لذا باید بیان نمود که علم کهن جهت تقرب به درگاه خداوند یا قربت الی ا... است. علم کهن خصوصیت عام بودن دارد و الفاظی مانند عالم، فرزانه، حکیم و بحرالعلوم به اندیشمندان و دانشمندان علم قدیم گفته می شد.

در علم جدید همه چیز موضوع شناخت است و شناخت غایت است. علم جدید یک نهاد مستقل است که در حوزه های مشخص رشد می کند و در هر زمینه ای چارچوبها و مبانی خود را دارد. همین مسئله زمینه گسترش تخصصهای مختلف مانند فیزیک، شیمی، پزشکی و غیره را فراهم آورده. عالمان علم جدید متخصص هستند و دارای عنوانی مانند کارشناس، متخصص، مهندس، دکتر، دکتر مهندس، دکتر فوق تخصص و غیره هستند. علم جدید علم عدد و رقم، اندازه گیری و آزمایش است. در علم جدید زمان و مکان موضوع احتساب ریاضی هستند.

علم جدید در پی کشف رموز طبیعت برای تسلط

بر طبیعت و پدید آوردن شرایط بهتر زندگی

زمینی در این جهان است. ولی علم کهن علم

لاهوتی است. علم آن جهانی است، علمی است

که با دانستن آن می توان خانه آخرت را ساخت.

به عبارتی علم جدید در پی سودمندی و علم

قدیم به دنبال کشف حقیقت است.

زمینه هنری نیز هنر سنتی یک واسطه در جهت قربت... است. هنر سنتی غایتش

نمایش قدرت خالق هستی است. هنر سنتی هنری

آن جهانی و غالباً انتزاعی است.

دکتر الهی قمشه ای در مورد هنر کهن چنین

بیان می دارد:

«تمام ادبیات را کسانی به وجود آورده که

کسی نبودند، چنانچه مولانا می فرماید من

کسی در ناکسی یافتم. درس اول خلاقیت این

است که خلاق اوست، تو با اسم او می توانی

خلاقیت کنی، هویت و عنانیت فقط برای خدا

است. کسی غیر از او دعوی اینکه من کسی

«بون گارتن در قرن ۱۸ کتابی نوشت به نام زیبایی شناسی Aesthetics و گفت عالم جدیدی به نام زیبایی شناسی باید ابداع شود.

ولی از نظر هگل هنر در عصر مدرن مرده است چون دیگر شأن الهی ندارد. هنر دیگر نمی تواند حواج الهی ما را برآورده کند. هگل می گوید ظهور علم هنر یا زیبایشناسی مقارن مرگ هنر است. اثر هنری را همچون ابرژه می گیریم که دیگر زبده به ما ندارد. دیگر از دیدن اثر هنری به حقیقت و معنایی به حقیقت و معنای قدسی نمی رسیم. نقشها برای ما حکم تزئینات ظاهري دارند و از طریق آن نمی توان به راز باطنی آن پی برد. بررسی علمی و منطقی از هزینه، نوع رنگ و غیره می کنیم ولی در مورد رازش به کنکاش نمی پردازیم و با آن انسی نداریم. هگل بالاترین هنر انسان را در قرون وسطی می داند. اوضاع عصر ما دیگر متناسب با هنر نیست و هنر دیگر برای ما امری گذشته است و هنر تبدیل به مفاهیم

هستم نمی تواند بکند. تمام ادبیات دعوتی است به سوی او، ادبیات نام خدا، یاد خدا و همراه خدا است. اصل هنر این است که تو نباشی، رخ جمال او بنمایی.»<sup>(۲۵)</sup>

هنرمند سنتی ادامه دهنده راه گذشتگان است و منبع الهام او هنرهای پیش از خود است. ولی هنر جدید هنر این جهانی است. جنبه تقدس ندارد. نوآوری در هنر جدید بسیار مهم است. ذوق و سلیقه هنرمند در شکل دادن هنر او حائز اهمیت بسیار است.

پیتر آیزنمن (Peter Eisenman) معمار شهری معاصر در مورد هنر مدرن می نویسد: «أغلب عنوان شده است که مدرنیسم اصول خود را از فلسفه هگل کسب کرده است. اصول اساسی که در سخنرانی های هگل در مورد زیبایی شناسی (Aesthetics) عنوان شده بود، زیربنای فکری قطع رابطه مدرن با سنت کلاسیک گردید.»<sup>(۲۶)</sup>

دکتر شهرام پازوکی چنین بیان می دارد:

هنر غایتش در خودش است و هنر واسطه نیست، هنر غایت است. اگرچه فلاسفه مدرنی مانند هگل معتقدند که «وظیفه هنر، نمایش و بیان ایده به لباس محسوس است.»<sup>(۲۹)</sup>

لذا همانگونه که ملاحظه گردید، همچنانکه جهان سنت جهانی متفاوت از جهان مدرن است، علم و هنر به عنوان دو پایه اصلی معماری نیز در این

جهان متفاوت است.  
www.tabarestan.info

**۳-۳- تاریخگرایی و سنت گرایی در معماری**  
همانگونه که در قسمت ۲- تعریف واژه ها در این فصل عنوان شد، از نیمه قرن هجده تا اواخر قرن نوزده میلادی، سبک رایج معماری در غرب سبک تاریخ گرایی بود. معماران سبک نئوکلاسیک از معماری یونان و روم باستان الهام می گرفتند. کلیساها و بناهای قرون وسطی بالاخص دوره رومانسک و گوتیک نیز منبع الهام معماران سبک رومانتیک بود. در شیوه معماری سبک التقاطی نیز از دوره های مختلف

ذهنی شده است... هایدگر می گوید هنر بزرگ مرده است و مدرنیسم مرگ هنر بزرگ را به ارمغان آورده است. هنری که از حقیقت جدا شده و در سیطره زیبایی شناسی قرار گرفته است مرده است... در عصر مدرن هنرمند خالق اثر هنری است ولی در جهان سنت همچنین حرفی مطرح نبوده است. هنرمند جدید خود را با هنرشن مطرح می کند، ولی در سنت فرد خالق اثر هنری نیست. هنرمند قدیمی پرده از رخسار حقیقت بر می دارد. چیزی ایجاد نمی کند او کاشف حقیقت است. در نوآوری در عصر جدید بسیار مهم است. در سنت هنر صرف ذوق و سلیقه هنرمند نبوده است. در عصر مدرن هنر صرف ذوق و سلیقه هنرمند است.»<sup>(۲۷)</sup>

بابک احمدی می نویسد: «کار هنر مدرن یادآوری امکان دگرگونی ها است»<sup>(۲۸)</sup> بسیاری از نظریه پردازان هنر مدرن مانند چارلز بودلر و کانت معتقد به هنر برای هنر هستند. از نظر آنها

مستشرقین غربی شروع به کاوش و حفاری و  
کشف و خواندن راز و رمز تخت جمشید  
کردند) از آن به بعد کم کم اسطوره تخت  
جمشید تبدیل به سلسله هخامنشی شد...  
تخت جمشید، تخت و جایگاه جمشید جم بی  
زمان و همیشگی نامیرا بود. ولی تخت  
داریوش در ۲۵۰۰ سال پیش بنایش بود و  
متعلق به گذشته‌ای بود در حال کشف شدن و  
به تاریخ پیوستن هنرمندان و معماران پیش  
از قاجار، و حتی سالهایی چند پس از دوران  
قاجار، آثار تاریخی را به گونه‌ای اسطوره‌ای  
و همیشه زنده نگاه می‌کردند که آن نگرش با  
نگاه خطی تاریخی، که در آن توالی زمانی  
وجود داشت متفاوت بود.»<sup>(۳۰)</sup>

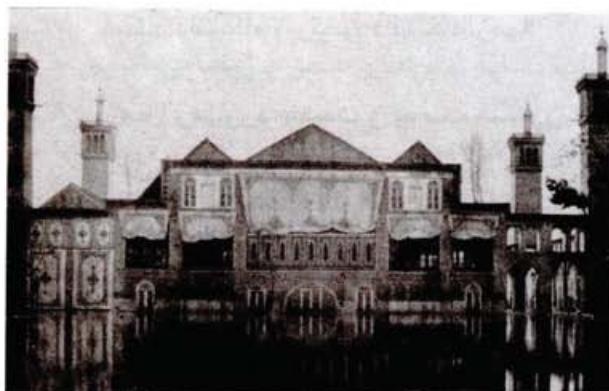
ورود معماری غرب به تهران از زمان سلطنت  
ناصرالدین شاه یعنی از نیمه قرن نوزده- اوچ  
دوره تاریخ گرایی در غرب- صورت گرفت و لذا  
تغییرات محتوایی در معماری تهران به وقوع

و از سرزمهینهای گوناگون به عنوان منبع الهام  
برای طرح معماری استفاده می‌شد.  
باید توجه داشت که اگرچه وجه مشترک  
تاریخ‌گرایی و سنت گرایی نگاه به گذشته و الهام  
از گذشته است، ولی در عین حال این دو با  
یکدیگر متفاوت هستند. تاریخ و تاریخ گرایی  
وجهی علمی و تحقیقی دارد و حاصل پژوهش  
علمی و عملی و شناخت نظری در امور  
گذشتگان است. چنانچه کاوش مناطق تاریخی و  
یافته‌های باستان شناسی و مطالعه کتب و  
ساختمانهای گذشتگان و کپی برداری دقیق و  
علمی از آنها عامل مهمی در پیدایش سبک  
تاریخ‌گرایی در غرب بوده است. ولی سنت  
گرایی ادامه راه پیشینیان است و جنبه قدسی،  
سطوره‌ای و تقليدی دارد.

دکتر علی اکبر صارمی، استاد دانشگاه در این  
زمینه می‌نویسد:  
«زمانی که تخت جمشید تبدیل شد به تخت  
داریوش (اواخر قاجار که باستان شناسان و

امرا و فرنگ رفته ها نداشتند، سعی کردند که این فرمهای فرنگی را با مصالح و روش‌های ساختمانی سنتی ایران اجرا کنند. این دوران را می‌توان سرآغاز معماری کارت پستالی در ایران دانست.

لذا در دوره ناصرالدین شاه نمادهایی از تاریخگرایی مغرب زمین وارد ایران گردید. ولی [این تاریخگرایی](http://www.barestan.info) در معماری ما جنبه تقليیدی داشت. تحقیقات انجام شده در مورد معماری کلاسیک یونان و رم باستان و مبانی علمی و نظری معماری نئوکلاسیک اروپا در این دوره در ایران ناشناخته بود.



شکل ۳-۱-۳- عمارت بادگیر در کاخ گلستان - دوره فتحعلی شاه

پیوست. تا پیش از این تاریخ معماری در ایران همواره از سنت الگو می‌گرفت.

بنابراین همانگونه که ما به تدریج از جهان شرق قدم به جهان سوم گذاشتیم، و در بسیاری از زمینه‌ها فرنگ را منبع الهام خود قرار دادیم، ساختمانهای ما نیز به ظاهر سبک تاریخ گرایی در فرنگ درآمدند. در این رابطه کاخها و بناهای حکومتی اولین ساختمانهایی بودند که تحت تاثیر مدرنیزاسیون قرار گرفتند و دستخوش تغییرات شدند.

در طی این دوران، سفرکردن به فرنگ بعد از مشاهده ساختمانهای آن دیار، آن فرمهای را به عنوان نمادی از تجدد، جالب توجه یافتند و در بازگشت به ایران خواستار ساختمانهایی به سبک فرنگ شدند. آنها با خود عکسها و کارت پستالهایی از بناهای غربی به ایران آوردهند و از معمارباشی‌ها خواستند که ساختمانهایی شبیه آنها اجرا کنند. معمارباشی‌های ایران که به غرب سفر نکرده بودند و اطلاعی از چند و چون کار

## یادداشت‌ها:

۱۰. حسین عمید، فرهنگ عمید، تجدد، انتشارات جاویدان، ۱۳۴۲، ص ۲۸.
۱۱. همان، ص ۹۵۱.
۱۲. بابک احمدی، سخنرانی در باب هنر سنتی و هنر مدرن، سمینار سنت و تجدد، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۸/۲/۴.
۱۳. محمد ضیمران، کلاس درس گروه معماری، دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، [تبرستان info](http://www.tabarestaninfo.info)، ۱۳۷۶/۷/۲۲.
۱۴. داریوش آشوری، سنت، مدرنیته، پست مدرن، گفتگوی اکبر گنجی با داریوش آشوری، حسین بشريه، رضا داوری، موسی غنی نژاد، دفتر نخست، موسسه فرهنگی صراط، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۳۸.
۱۵. همان، صص ۷، ۵، ۶.
۱۶. محمد خاتمی، متن کامل سخنرانی آقای محمد خاتمی ریاست جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه فلورانس ایتالیا، روابط عمومی
۱. پروفسور گریشمن، باستان شناس و مستشرق فرانسوی، آغاز یک جانشینی در ایران را حدوداً هزاره پنجم قبل از میلاد عنوان نموده است. نگاه کنید به :
- R. Grishman, IRAN , Penguin Books, New York, 1978, P. 29.
2. Neo Classic Architecture
3. Romantic Architecture
4. Ecelectic Architecture
5. محمد ضیمران، کلاس درس فلسفه، دوره دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۸.
6. Modernity
7. استاد دانشگاه و رئیس دانشگاه الزهراء.
۸. زهرا رهنورد، سنت و پست مدرن، سخنرانی در دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶/۸/۲۰.
۹. محمد ضیمران، دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، کلاس درس گروه معماری، ۱۳۷۶/۷/۱۵.

۲۴. شهرام پازوکی، هنر و مدرنیسم، سخنرانی در دانشگاه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۷۶/۷/۲۸.
۲۵. الهی قمشه‌ای، سخنرانی در شبکه چهار تلویزیون، ۱۳۷۸/۲/۲۰.
26. **Architectural Design**, vol59, No.7/8 – 1988, P.6.
۲۷. شهرام پازوکی، هنر و مدرنیسم، سخنرانی در دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۷۶/۷/۲۸.
۲۸. بابک احمدی، خاطرات ظلمت، تهران ۱۳۷۶، ص ۱۶۲.
۲۹. محمد ضیمران، جستارهای پدیدار شناسانه پیرامون هنر و زیبایی، نشر کانون، ۱۳۷۷.
۳۰. علی اکبر صارمی، ارزش‌های پایدار در معماری ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱.
- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، پاییز ۷۸، ص ۱۵.
۱۷. زهرا نژاد بهرام، مدرنیسم و پست مدرنیسم، روزنامه همشهری، شماره ۱۵۲۵، مورخ ۱۳۷۷/۲/۳، ص ۶.
۱۸. داریوش آشوری، ما و مدرنیت، موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶، ص ۲۸۹.
۱۹. بابک احمدی، حقیقت و زیبایی، تهران ۱۳۷۴، ص ۲۵.
۲۰. جمشید بهنام، ایرانیان و اندیشه تجدد، نشر و پژوهش فرzan روز، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷.
۲۱. موسی غنی نژاد، سنت، مدرنیته، پست مدرن، ص ۲۱۱ و ۲۱۰.
۲۲. بابک احمدی، معمای مدرنیته، تهران، ۱۳۷۷، ص ۶.
۲۳. محمد ضیمران، سخنرانی در دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، ۷۶/۸/۱۸.

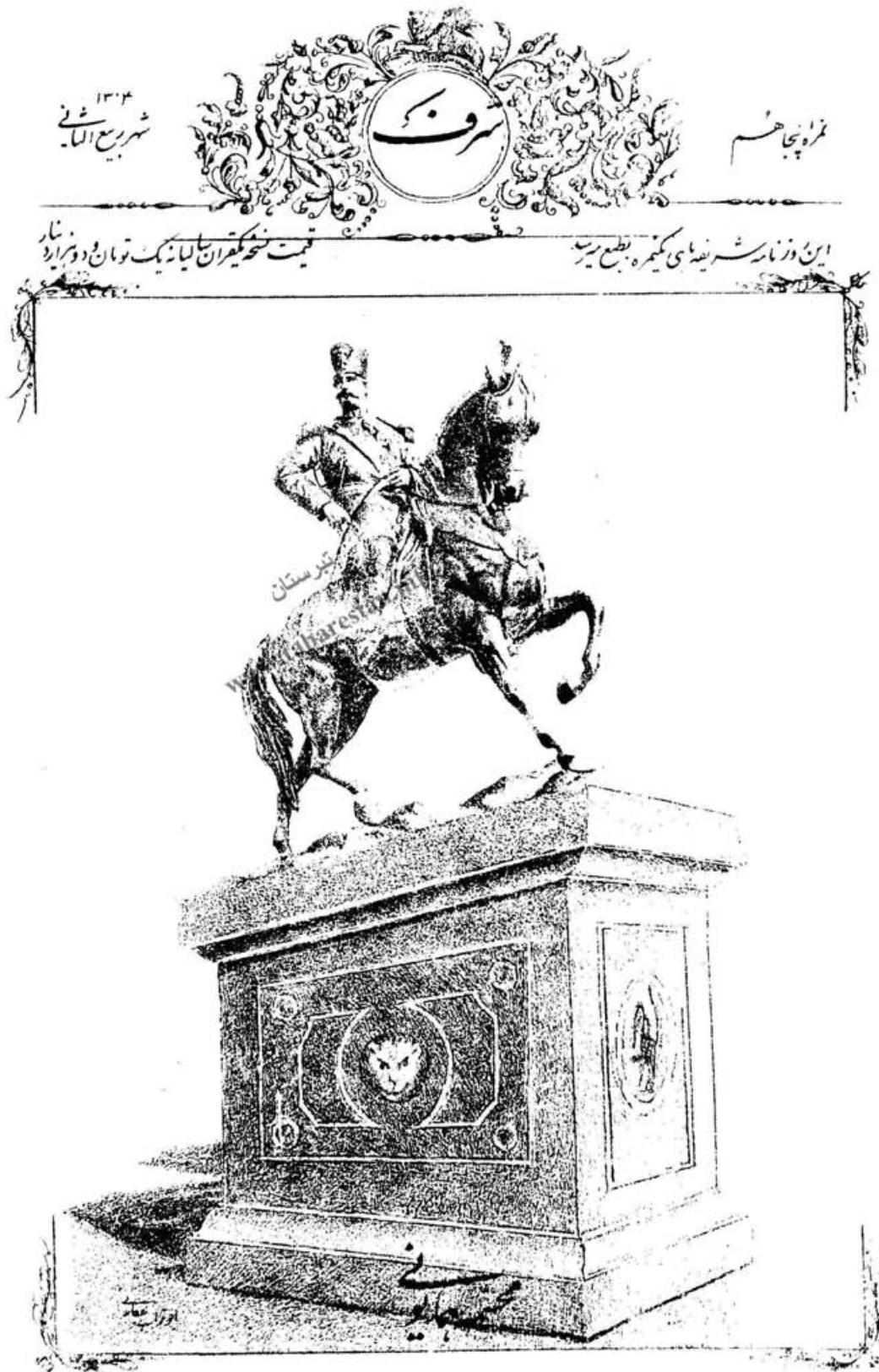
## فصل دوم: رویارویی سنت و تجدد در

### عهد ناصرالدین شاه

اینجا بلاد اسلام و آنجا بلاد کفر بود و بلاد کفر  
به هیچ وجه نمی توانسته منبع الهام ما باشد.  
شکل لباس، فرم ساختمان، نوع غذا، زبان،  
سیاست، حکومت، هنر، ادبیات، وسائل زندگی و  
به طور کلی رفتارها و نهادهای اجتماعی و نحوه  
زندگی ما مستقل از شیوه های زندگی غرب  
بوده است. ولی امروزه این مسئله همانند گذشته  
نیست و ما به دنبال تجهیزات مدرن، علم مدرن  
و شیوه های زندگی مدرن که خاستگاه آن جهان  
اول است، هستم.

در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه در ایران ۱۲۶۴  
ه.ق. (۱۸۴۸ میلادی) تحولات بنیادین بسیاری در  
اروپای غربی اتفاق افتاده بود. اروپائیان نیمه  
قرن ۱۹ با اروپائیان قرون وسطی چه از نظر  
ذهنی و چه از نظر اجتماعی و تکنیکی بسیار  
متفاوت بودند. اروپای نیمه قرن ۱۹، رنسانس،  
عصر روشنگری و انقلاب صنعتی را پشت سر  
گذارده بود و با توصل بر علم و تکنولوژی جدید  
خود، قصد چیرگی بر طبیعت و جهان پیرامون  
خود را اعلام کرده بود.

در گذشته اینجا جهان شرق و آنجا جهان غرب،



شکل ۱-۲- مجسمه چدنی ناصرالدین شاه سوار بر اسب در اندازه واقعی در قورخانه دولتی در سال ۱۳۰۴ ه.ق. ساخته شد. این اولین مجسمه از نظر طرح واقعکرا و همچنین نوع مصالح است که در ایران دوره اسلامی ساخته شده است.

## ۱- تحولات نظامی و سیاسی

گذشت بیش از یکصد سال (۱۶۲۲ میلادی) به کمک توپها و مستشاران انگلیسی توانست پرتقالیها را از مناطق جنوبی ایران بیرون راند. در زمان فتحعلی شاه نیز مجدداً جنگهایی با قوای اروپایی صورت گرفت. این جنگها با روسیه تزاری بود. پس از شکست ایران در این منازعات، در طی دو قرارداد یک طرفه<sup>(۱)</sup>، بخششی وسیعی از نواحی شمالی از کشور جدا گردید.

در طی این جنگها قدرت برتر آتش توپخانه و تسلیحات مدرن بر ما معلوم شد. ما مواجه با تجهیزات جهانی شده بودیم که دیگر امکان تفوق نظامی بر آن برای ما میسر نبود. دو راه بیشتر نداشتیم، یا می بایست همچنان با این جهان جدید و ناشناخته می جنگیدیم و منتظر عواقب آن می ماندیم و یا خود نیز به این تجهیزات جدید مجهز می شدیم. ظاهرآ ماهر دو راه را انتخاب کردیم. نکته حائز اهمیت در جنگ دوم ایران و روسیه اینکه در ابتدای این جنگ ایران

اولین رودررویی مستقیم ما با تکنولوژی مدرن در سال ۱۵۱۴ میلادی در طی جنگ بین ایران و حکومت عثمانی در چالدران اتفاق افتاد. سپاه ایران تحت فرماندهی شاه اسماعیل صفوی با تمام رشادتی که به خرج داد، مقهور تسلیحات مدرن عثمانی یعنی توپ و سلاح آتشین گردید و تبریز پایتخت کشور و همچنین بین النهرین و ارمنستان به اشغال قوای عثمانی درآمد. دومین برخورد ایران با سلاح مدرن در جزایر و بنادر جنوب ایران در پی مخاصماتی بود که در قرن شانزدهم میلادی با نیروی دریایی پرتقال صورت گرفت. در طی این منازعات نیز ایران مقهور تکنولوژی برتر دشمن گردید و در سال ۹۲۴ ه.ق. (۱۵۱۸ میلادی) پرتقالیها جزیره هرمز و تعدادی از سایر جزایر و بنادر ایران در جنوب را تسخیر کردند و بر خطوط کشتیرانی و تجارت در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند مسلط شدند. شاه عباس صفوی بعد از

چاره جویی افتاد. برای او شکستهای پی در پی سپاه ظفرمند شاهنشاهی ایران که همواره یکی از قدرتهای مسلم منطقه بوده، سوال برانگیز بود. اینکه چه اتفاقاتی در آنسوی جهان رخ داده که دیگر ایرانیان را توان مقابله با آن نیست، یکی از دغدغه های مهم فکری عباس میرزا و وزیر باکفایتش میرزا ابوالقاسم قائم مقام بود.

عباس میرزا<sup>شتر</sup> چاره مقابله با تهاجم غرب را تجهیز ایران به علم تکنولوژی و فن آوری اروپائیار می داشت. سردنیس رایت سفیر اسبق انگلستان در ایران در کتاب خود می نویسد: «ولیعهد - عباس میرزا - قبول کرده بود که فقط در یک صورت کشور مطبوع وی قادر به مقابله با روسیه است که شیوه های اروپائی را در پیش گیرد.»<sup>(۲)</sup>

در سال ۱۸۰۷ میلادی عهدنامه فینکن شتین بین ایران و فرانسه منعقد شد. هدف از انجام این عهدنامه برای مقابله با تهاجمات نظامی روسیه در قفقاز و برای دولت فرانسه رسیدن به

فتحاتی به دست آورد و عباس میرزا توانست بخشهای وسیعی از اراضی کشور که در جنگ قبل از دست رفته بود را مجدداً به مام میهن بازگرداند. ولی نهایتاً برتری قشون نظامی روسیه و تسليحات آنها باعث شد که سپاه ایران مرحله به مرحله عقب نشینی کند به نحوی که حتی شهر تبریز به دست روسها افتاد و در قبال غرامت سنگین مالی از خزانه فتحعلیشاه، آنها حاضر به عقب نشینی شدند. در اینجا نقش تعیین کننده عباس میرزا حائز اهمیت است. وی چهارمین فرزند فتحعلیشاه بود و در هر دو جنگ ایران و روس، ریاست قشون ایران را به عهده داشت و در هر دو عهدنامه منعقده با روسیه - گلستان و ترکمانچای - حضور داشت. بنا به نظر بسیاری از مورخین ایرانی و اروپائی، او لایق ترین فرد خاندان قاجاریه برای اداره مملکت بود. وی اولین فرد از این خاندان بود که به عجز و ناتوانی سپاه ایران در مقابل قشون بیگانه پی می برد و به فکر

اضمحلال استقلال و هویت کشور، دیگر شمشیر و فنون جنگی گذشته نمی توانست جوابگو باشد. طایله دار انجام این تغییرات کسی جز و لیعهد فتحعلشاه نبود.

«عباس میرزا تنظیم قشون ایران را بر اصول اروپائی آغاز کرد و ابتدا از روسها یاری خواست و بعد از وجود صاحب منصبان فرانسوی و انگلیسی استفاده کرد و برای غلبه بر تعصبات هموطنانش، این شاهزاده خود لباس متحد شکل نظام اروپائی می پوشید و در تمرینات روزانه شرکت می کرد.»<sup>(۲)</sup>

منازعه دیگری که ناتوانی مقابله با دول اروپائی را بیش از پیش برای ایرانیان مشهود نمود. جنگ هرات بود. در اواخر سال ۱۲۷۳ ه.ق. (در زمان سلطنت ناصرالدین شاه) قشون ایران جهت تاکید بر حاکمیت دولت مرکزی شهر هرات را تسخیر می کند. دولت انگلستان که شهر هرات را کلید فتح هندوستان می دانست و نگران گرفتن این شهر از دست ایران توسط روسیه بود، با

سرزمین هندوستان از طریق ایران بود. متعاقب این عهدنامه ژنرال گاردن فرانسوی در رأس یک میسیون نظامی و سیاسی بزرگ وارد تهران شد تا وظیفه تعلیم و تربیت سپاهیان ایران را به عهده گیرد.<sup>(۳)</sup>

این برای اولین بار بود که سپاهیان ایران توسط اروپائیان تعلیمات نظامی می دیدند. باید اضافه نمود که در اولین موردی که ما تابع غرب شدیم و احساس نیاز به آنها نمودیم در زمینه نظامی بود. آشنایی با تسلیحات نظامی و فنون جنگ آوری غرب، اولین زمینه آشنایی با دستاوردهای مدرنیته در ایران را فراهم نمود. برای اولین بار تغییرات زیربنایی و کیفی در ارکان یکی از مهمترین ارگانهای کشور در این دوره به وقوع پیوست وسلح، لباس و تعلیمات نظامی سپاهیان ایران به شیوه غربی شکل گرفت. اگر چه اینکار با مخالفتهای شدید، خصوصاً از ناحیه لایه های سنتی جامعه مواجه شد، ولی برای مقابله با سلاح آتشین و

اینکه شکست قوای مسلح کشور در مقابل

اروپائیان را نتیجه عدم کارداری و بی لیاقتی

شاهان قاجاریه بدانیم شاید قضاوت صحیحی

نباشد.

احتمالاً اگر کورش و یا شاه عباس هم پادشاه

کشور بودند کاری بیش از شاهان قاجاریه نمی

توانستند از پیش برنده، زیرا ساختارهای

اجتماعی، <sup>سیاسی</sup> و نظامی کشور در چارچوب

ضوابط سلطنتی باقی مانده بود و توان رویارویی

با امکانات جهان مدرن را نداشت. همچنان که در

این زمان، در سایر ممالک غیر اروپائی نیز حلقه

استعمار و تفوق قدرت برتر اروپائیان در حال

قوای دریایی خود به بنادر و جزایر جنوب ایران

حمله کرد.

مجدداً در پایان این جنگ نابرابر نیز ایران

چاره‌ای جز قبول شرایط قوای متخاصم را

نداشت، زیرا نیروی دریایی انگلیس علاوه بر

تسخیربوشهر، خارک و خرم‌شهر، از طریق

رودخانه کارون به سمت تصرف شهر اهواز در

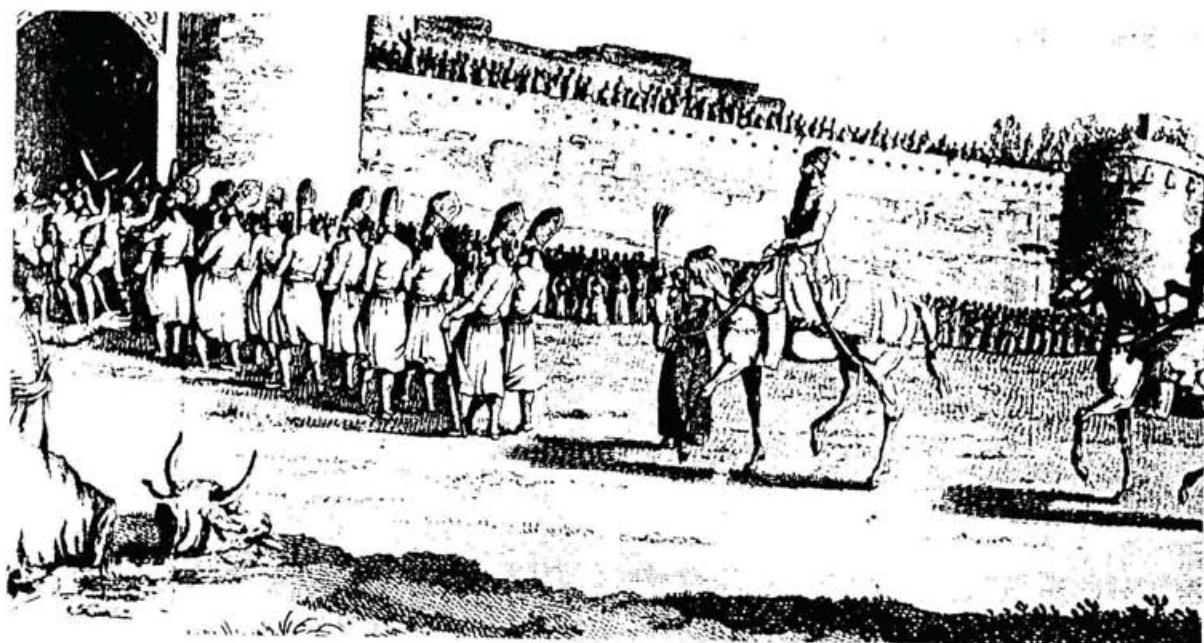
حال حرکت بود. لذا پس از امضاء عهدنامه هرات

سر حدات شرقی کشور نیز برای همیشه از

ایران جدا شد و دولت انگلیس به عنوان داور در

حل مناقشات مرزی در شرق کشور ایران تعیین

گردید.



شکل ۲-۲- مراسم ورود فتحعلی‌شاه به تهران از دروازه دولت قدیم (۱۲۱۲ق.) در شمال ارگ حکومتی تهران.

شکل گیری و یا تثبیت شده بود.

همانگونه که عنوان شد، نخستین گامهای ما به سوی جهان مدرن در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار صورت گرفت. عباس میرزا فرزند وی که دلاورانه در مقابل قشون روس ایستادگی کرد، در پی شکست قوای ایران به فکر راه کارهای عملی و انجام اصلاحات افتاد.

« Abbas Mیرزا نخست به فکر لزوم ارتش افتاد و از ارتش روس و نظام جدید عثمانی الهام گرفت، اما لباس تازه سربازان ایجاد عکس العمل کرد و گفتند که عباس میرزا می خواهد لباس کفار را تن مومنان کند. ولی عباس میرزا راه خود را ادامه داد و پس از ارتش به صنایع توجه کرد و کارخانه هایی در تبریز و دیگر شهرها تاسیس کرد. حتی چندی هم به فکر جلب مهاجران خارجی افتاد. در سال ۱۲۴۲ ه.ق. (۱۸۲۶ میلادی) عباس میرزا از اروپائیان خواست که هر کس از اهل فرنگ اراده نماید

باید در آذربایجان که تبریز پایتخت آن است

ساکن شود...

مهمترین اقدام عباس میرزا فرستادن دانشجو

به فرنگ بود. نخست قرار بود که دانشجویان

به فرانسه بروند، ولی پس از تیره شدن

روابط میان ایران و فرانسه و اقدامات سفیر

انگلیس، دو دانشجو محمد کاظم و حاجی بابا

افشار به انگلستان فرستاده شدند. ۱۲۲۶ ه.ق.

(۱۸۰۹-۱۸۱۰ میلادی)<sup>(۵)</sup>

از دیگر اقدامات عباس میرزا احداث کارخانه

تولید جنگ افزار و توب پریزی، استخدام

مستشاران نظامی انگلیسی و فرانسوی، ایجاد

چاپخانه در تبریز و دستور جهت ترجمه

کتابهای تاریخی غرب بود. اقدامات عباس میرزا

که با همکاری وزیر اندیشمند خود، قائم مقام

فراهانی صورت گرفت، اولین گامهای زیربنایی

به سوی فراگیری فنون مدرن در ایران محسوب

می شود.

انگلیس از سمت شرق و جنوب بر دامنه اقتدار خود افزودند و امتیازات اقتصادی، سیاسی و نظامی متعددی از دربار ایران کسب کردند. ولی همزمان، نسیم مدرنیته زیربنای نظام سیاسی کشور را تحت تاثیر قرار داد. تا این زمان در ایران مسئولیت مهم حکومت در حفظ قدرت، صیانت از وضع موجود و در سیاسی خواهی می شد و همه چیز معطوف به اراده شخص پادشاه بود. ولی از زمان ناصرالدین شاه زمینه افزایش و تقسیم مسئولیتهای حکومت ایجاد گردید.

ناصرالدین شاه «برای اولین بار در تاریخ ایران به تشكل شش وزارتخانه فرمان داد. بدین قرار، وزارت خانه های داخله، خارجه، مالیه، جنگ، عدليه، وظایف. و در سال ۱۲۷۵ ه.ق. مجلسی به نام مجلس شورای دولتی از وزیران و اعیان و شاهزادگان تشکیل داد تا در باب اجرای امور و فرامین شاهانه طرف

اگرچه از دوره صفویه ما با کشورهای مدرن اروپایی برخوردهای نظامی و در عین حال تبادلات سیاسی و تجاری داشته ایم و مستشاران، مورخان، سوداگران و سیاحان اروپایی به ایران رفت و آمد می کردند، ولی این برخوردها و مراودتها تاثیری بر ارکان تمدن ایران نداشت و ما ایرانیان تابع آنها نشدیم. اما پس از آغاز منازعات نظامی ایران با روسیه و به مخاطره افتادن شالوده وجودی مملکت، تحولات بنیادین در نظام لشکری، کشوری و سیاسی یکی پس از دیگری صورت گرفت. در دوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه این تحولات از نظر کمی و کیفی دامنه گسترده تری یافت.

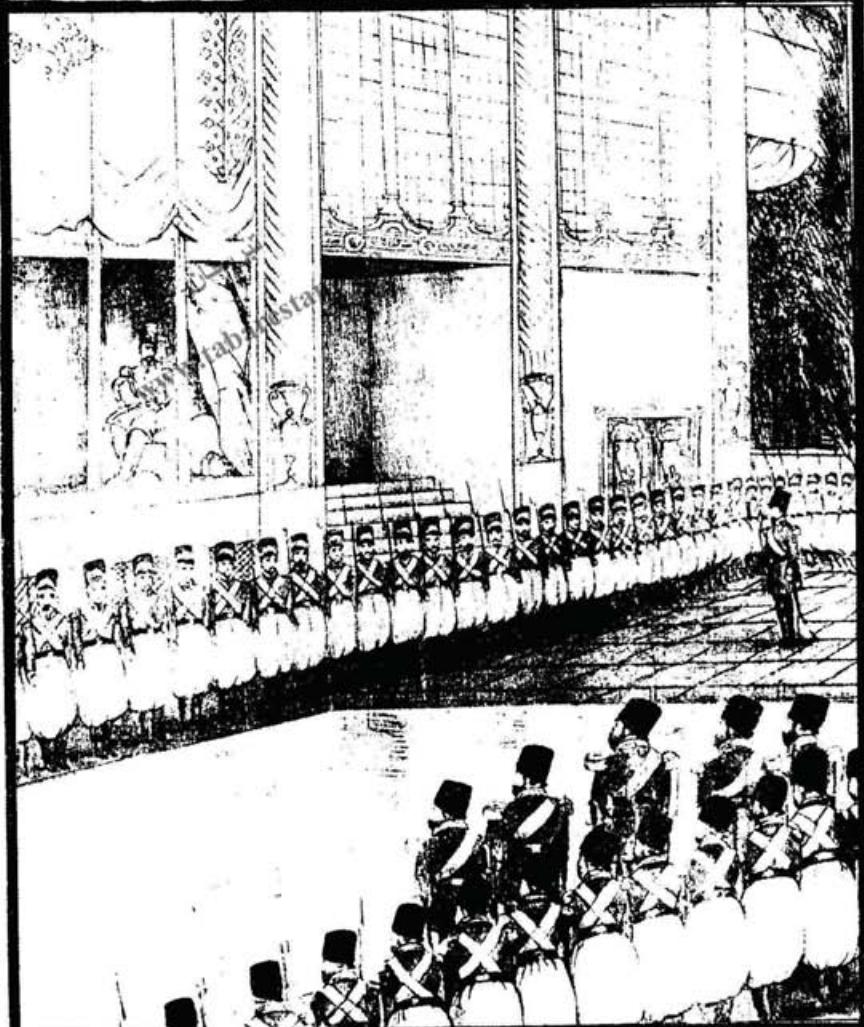
در این دوره کشورگشایی ممالک اروپایی با استفاده از تکنولوژی برتر صورتی جهانی به خود گرفت و مبارزه برای نفوذ و استیلا بر سایر مناطق بین آنها گسترش یافت. در ایران حکومت تزاری از سمت شمال و امپراتوری

# سازمان و فوج خارج حفظ و حفاظ

تیر ماه ۱۳۰۴

عث آسود کی مردم خواه است) . ( فوج مج پاده ابوالعبی با محمد غان سرپنچ ا  
که برای فستراو اکنهای شرط سران احصار فرموده بودند رسیده بودند و روز  
ذ دشنبه در دی انگلیز از پانچ هزار نیارک که نشسته بانو رفاقت اکنها  
واحتساب شدند

سازمان  
حفظ  
حفاظ



از آنجا که پسلاک و زیر جنگ در بجام عصا کار منوره و جامه موفره و پسا می مکاره بطور رسیده  
در مراتب خس نهاد امداد و پیش از این پیش شناختی جسد و کردیه مورد مشمول مکارم

حفظ  
حفاظ

شکل ۳-۲- نوع لباس و سلاح نظامیان و نحوه انجام سان توسط آنها در حضور ناصرالدین شاه تماماً براساس الگوهای فرنگی  
شکل گرفته است.

مشورت قرار گیرد.»<sup>(۶)</sup>

و عامه مردم بر طبق رسومات و ذهنیات گذشته

خود کماکان در خانه های خشتی و گلی زندگی می کردند.

نهایتاً منازعات و مراوداتی که با اروپائیان از زمان فتحعلی شاه آغاز شده بود و در عصر ناصرالدین شاه گسترش یافت، زمینه را برای تحولات بعدی یعنی انقلاب مشروطه و برخورد

نیز سنت تجدد آماده نمود.

## ۲- تحولات اجتماعی، هنری و مدرنیزاسیون

سفر ایرانیان، بخصوص امرا و اشراف و شخص پادشاه به اروپا در همین دوران به صورت مستمر و پیوسته انجام پذیرفت. در هر سفر به غرب آنها مواجه با تمدن و فرهنگی شدند که به سرعت در حال تغییر و تحول و پیشرفت بود. مدرنیزاسیون شکل ظاهری شهرها، روستاهای جامعه اروپایی را به کلی تغییر داده بود. این مناظر برای ایرانیانی که هنوز در جهان سنت می زیستند بسیار جذب و

مشیرالدوله صدراعظم ناصرالدین شاه پیشنهاد

تشکیل نه وزارت خانه و یک صدرات اعظمی را

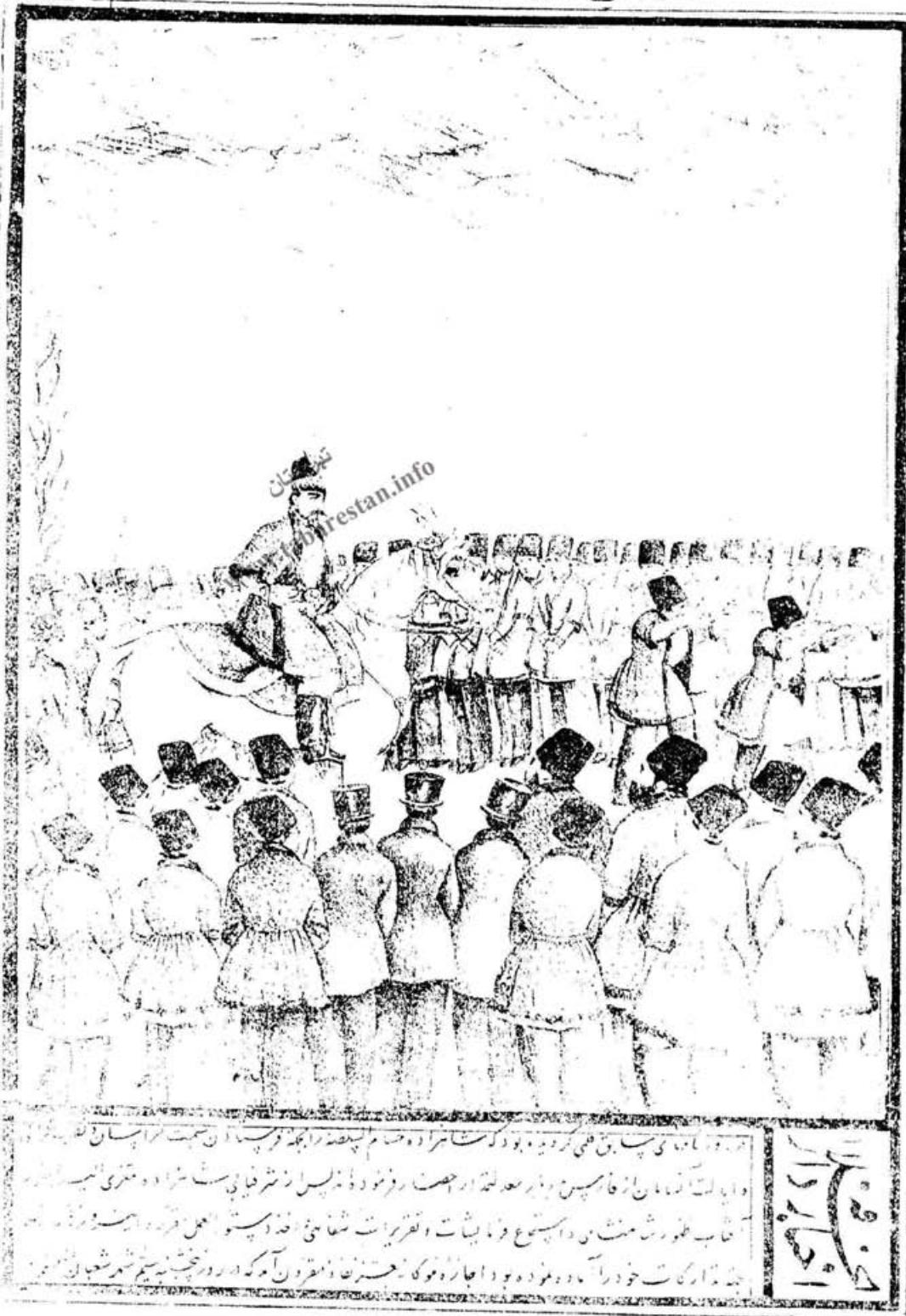
کرد. وی در نامه ای به شاه نوشت:

«...نتایج این مطالب را باید در امتحانات سایر دول مشاهده کرد... اساس نه وزارت از این قرار است. ۱-وزارت داخله ۲-وزارت خارجه ۳-وزارت جنگ ۴-وزارت مالیات ۵-

وزارت عدیله ۶-وزارت علوم ۷-وزارت تجارت و زراعت ۹-وزارت دربار ۱۰-صدارت اعظمی... این است قاعده هیئت وزرا که به اصطلاح فرنگیها کابینه می نامند.»<sup>(۷)</sup> ناصرالدین شاه در ۲۰ شعبان ۱۲۸۹ ه.ق. با این پیشنهاد موافقت نمود.

اگرچه در این دوره شاه و دربار تحت تاثیر ظواهر و مواهب جامعه اروپایی بودند و اقداماتی هر چند مقدماتی به سوی مدرنیزاسیون در تهران برداشته شده بود، ولی هنوز تغییرات بنیادین در متن جامعه ایران صورت نگرفته بود

# امتحان تفکر در حضور مبارک



شکل ۴-۲- ناصرالدین شاه سوار بر اسب در حال تماشی امتحان تفکن.

از جمله اقدامات او، تأسیس روزنامه و قایع اتفاقیه در سال ۱۲۶۸ ه.ق. بود. همچنین وی مدرسه دارالفنون را تأسیس نمود و مدرسین اروپایی را برای تدریس در این مدرسه دعوت کرد.

«شعبه های تحصیلی این مدرسه عبارت بود از: پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، مهندسی، پژوهشگی و جراحی، داروسازی و کان شناسی در تمام شعب، زبان فرانسه و علوم طبیعی و ریاضی و تاریخ و چهار فیض تدریس می شد و بعدها زبان انگلیسی و روسی و نقاشی و موسیقی را در برنامه وارد کردند به این ترتیب مدرسه شامل دروسی از متوسطه و موادی از تعلمیات عالیه و فنی بود... در تاریخ طولانی مملکت این نخستین بار است که دولت مستقیماً اقدام به تأسیس آموزشگاه نموده و تمام مخارج تأسیس و نگاهداری و اداره آنرا به عهده گرفته و اولین دفعه است که دولت برای خود مسئولیتی در امر تعلیم و

خیره کننده بود. اگر در گذشته تنها برتری نظامی غرب بر ما ثابت شده بود، اینک برتری علمی، تکنولوژیک و رفاه اجتماعی آنها عیان گردیده بود. عده ای از اصلاح طلبان و منورالفکران فرنگ رفته همانند سید جمال الدین اسدآبادی، میرزا تقی خان امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، میرزا ملکم خان، آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و دیگران به فکر چاره جویی، ارائه راه حل و جبران عقب افتادگی افتادند. لذا در این دوره نظرات مدرنیسم و اقدامات در جهت آن توسط اصلاح طلبان و روشنفکران و ظواهر مدرنیسم یا مدرنیزاسیون توسط دربار و طبقه اشراف مورد توجه قرار گرفت.

میرزا تقی خان امیرکبیر (۱۲۲۳-۱۲۶۸ ه.ق.) وزیر با کفایت ناصرالدین شاه در دوره کوتاه صدرات خود سعی کرد که با رویکرد تجدد و دستاوردهای تمدن غرب برخوردي منطقی کند.

اساسی که وی در همین زمینه مورد نظر دارد، اقتباس آگاهانه از غرب است و نه تفکیک کورکورانه، به علاوه وی در ارزیابی تمدن غربی، ضمن تحسین جنبه های علمی و مدنی اروپائیان، سیاست استعماری و سنتیزه جویانه آنان را مورد طعن قرار می دهد و از آن تحت عنوان اهریمنان پلید یاد می کند..»<sup>(۹)</sup>

ناصرالدین شاه اولین پادشاه ایران بود که جهت سیاحت و نه <sup>تبرستان</sup> <sup>جلگه</sup> به فرنگ سفر کرد. وی در طی دوران سلطنت خود سه سفر به اروپا کرد و همچنان که به تدریج لباسهای خود را با کت و شلوار اروپایی عوض نمود، ظاهر دربار و ساختمانهای آن را نیز به سبک و سیاق کاخهای فرنگ تغییر داد. درباریان به لباس اروپایی ملبس شدند و مبلمان، قاشق و چنگال و آداب فرنگی در دربار ناصری متداول گردید.

شمس‌العماره به عنوان اولین آسمانخراش تهران با نمای بیرونی اروپایی و قوسهای رومی احداث شد. سایر ساختمانهای دربار نیز با طرحها و

تربیت قائل شده و بهمین جهت است که سال ۱۲۶۸- تأسیس دارالفنون - را مبدأ تحول و دوره جدید در فرهنگ باید شمرد.»<sup>(۱۰)</sup>

محمدعلی اکبری، روزنامه نگار، در رابطه با نظرات میرزا آقاخان کرمانی- از روشنفکران دوره ناصرالدین شاه - درمورد نحوه برخورد ایرانیان با تجدد که نظر غالب روشنفکران عصر ناصری است چنین می نویسد:

«راه حل میرزا آقاخان بر سه اصل و یک ملاحظه استوار است. اصل اول، تلاش برای اخذ علوم، فنون، هنر و در یک کلام مدنیت فرنگی است. وی در این زمینه می گوید که هیچ سزاوار نیست آنی از تحصیل علم و حکمت و علوم جدید این عصر مانند فیزیک و شیمی و غیره کوتاهی ورزیم.

در جای دیگر می گوید که باید همه علم و صنعت قدیم را در طاق نیسان نهیم و در هرباب، اساسی نو برپا سازیم والا هیچ قدر و اعتباری در این جهان نخواهیم داشت. ملاحظه

گردید. اولین روزنامه در ایران به نام کاغذ

تزئینات فرنگی تغییر شکل داده شدند.

اخبار<sup>(۱۱)</sup> به وسیله میرزا صالح شیرازی

کارروनی در سال ۱۲۵۳ ه.ق منتشر شد. وی از

جمله دانشجویانی بود که به فرمان عباس میرزا

به عنوان دومین سری دانشجویان ایرانی جهت

تحصیل به اروپا (انگلستان) اعزام گردید.

خود عباس میرزا هم با روزنامه بیگانه نبود.

« Abbas Mīrzā به دقت در جریان اخبار جراید خارجی فرانزی<sup>www.tarestan.info</sup> داشت و آنها را می‌خواند و یا

برای او می‌خوانندند.»<sup>(۱۰)</sup>

ظاهراً کاغذ اخبار تنها روزنامه‌ای بود که پیش

از سلطنت ناصرالدین شاه در ایران چاپ شده

است. با آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، به تدریج

تعداد روزنامه‌ها رو به فزونی گذارد.

روزنامه‌هایی که در ایران چاپ می‌شدند،

روزنامه‌هایی بودند که با تأیید و زیر نظر

حکومت منتشر می‌گردیدند. این نشریات که

عمدتاً در تهران چاپ می‌شدند شامل

روزنامه‌های وقایع اتفاقیه، روزنامه دولت علیه

از این زمان است که کشور ما به تدریج از جهان

شرق گام به جهان سوم گذارد و توجه ما از

لاهوت و سنت به سمت ناسوت و غرب تغییر

جهت یافت. به همان ترتیب که منبع الهام ما از

سنت و گذشته خود به سوی غرب و

دستاوردهای آن جلب شد، این تغییر جهت

اندیشه از نظر کالبدی در پایخت تجلی پیدا کرد

و کلاه فرنگیها و برج ساعت بر بالای

شمس‌العماره به صورت نمادی از شهر تهران

بالای مرتفع ترین ساختمان، جایگزین بلندترین

ساختمان‌های شهر سنتی یعنی گنبدها و

مناره‌های مساجد شد.

روزنامه‌ها، سفرنامه‌ها، نقاشی‌ها و عکس‌های بر

جای مانده، سند و گواه مناسبی برای نشان

دادن بخشی از شرایط اجتماعی این دوره است.

روزنامه برای اولین بار در اوایل قرن هفده

میلادی در اروپا چاپ شد.<sup>(۱۰)</sup> و با یک تأخیر

دویست ساله در اوایل قرن نوزده در ایران چاپ

مذهبی اهتمام دارد و با وجود مکنت و ثروت بسیار، از سرنوشت رعایایی مملکت غافل نمیباشد. تمام بندگان و چاکران دربار و حکومت در تهران و ولایات تحت امر پادشاه میباشند و سعادت و اقبال رعایایی مملکت در ادامه فرمانبرداری از ایشان است.

به عنوان نمونه، در صفحه اول روزنامه دولت <sup>بلطفه</sup> ایران، موسنخ ۲۱ ذیقعده ۱۲۸۰ چنین آمده

است :

«الحمد لله تعالى وجود مسعود همایون شهرياري و ولی نعمت کل در حفظ حمایت و صيانت حضرت باري، قرين صحت و اعتدال است و پيوسته اوقات را صرف انتظام امور لشکر و کشور دارند و اگر کاهکاهي به مناسب اعتدال فصل خاطر مبارک مایل به تفرج و گرداش شود باز در هر جا توقف فرمایند از مراقبت امور صرف نظر نمی فرمایند. در هفته گذشته محض تفرج به کن تشریف فرما گردیده روزی چند در آنجا اقامت فرمودند و از آنجا به

ایران، روزنامه ایران، روزنامه شرف، روزنامه ملتی، روزنامه علمی و روزنامه دانش بودند. این روزنامه‌ها اکثر به صورت ماهانه و بعضی از آنها به صورت هفتگی منتشر می‌شدند. روزنامه ملتی یک روزنامه ادبی بود و اختصاص به شعراء و نویسنده‌گان گذشته و معاصر داشت. روزنامه‌های علمی و دانش نیز دو روزنامه علمی بودند و مباحث آنها عمدتاً در مورد علوم جدید بود.

اکثر مطالب سایر روزنامه‌ها در مورد تمجید از شخص شاه، حکومت ایران و صاحبمنصبان مملکت بود. همچنین در این روزنامه‌ها در مورد امراء سایر کشورها و اوضاع و احوال و اخبار آن ممالک مطلب نگاشته می‌شد.

مهترین مطلبی که از این روزنامه‌ها مستفاد می‌شود این است که قبله عالم یا همان ناصرالدین شاه قدرقدرتی است که با درایت و هوشیاری بسیار کل امور مملکت را زیر نظر دارد. پادشاه جنت مکان فردی است که به امور

و یا به عبارتی کاخ‌ها و ساختمان‌های دربار ناصرالدین شاه عمدتاً در این دو روزنامه ذکر گردیده است.

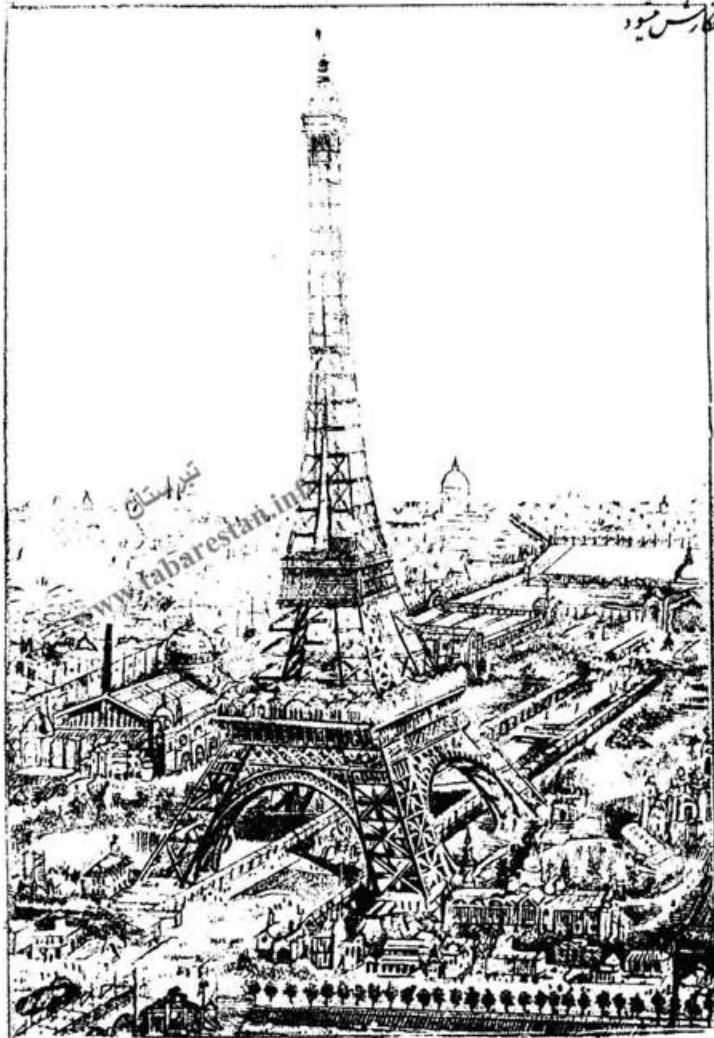
نکته حائز اهمیت اینکه در هیچ‌یک از این روزنامه‌ها مطلبی در مورد زندگی مردم عادی ایران دیده نمی‌شود. شاید مشکلات، توقعات، موفقیت‌ها، امیدها و رنج‌های عوام اصلاً دارای اهمیتی نباشند که بخواهد مورد بحث و شرح واقع شود. نکته دیگر این که به عقب ماندگی علمی و تکنیکی ایران، استبداد حکومتی و سلطنتی روزافزون دول اروپائی بر مقدرات کشور نیز به هیچ وجه اشاره نشده است.

این مسائل، مطالبی بوده که تنها در روزنامه‌های مخالف حکومت که تماماً در خارج از کشور چاپ می‌شده مورد شرح و تفسیر واقع می‌شده است. در این رابطه می‌توان از روزنامه‌های «آخر (۱۸۷۵ میلادی)» و «شمس (۱۹۰۸ میلادی)» در اسلامبول، قانون (۱۸۹۰ میلادی) در لندن- توسط میرزا ملک‌خان- حکمت و ثریا و

جهت نزهت و هوای باع سلطنت آباد به آنجا نهضت فرمودند و دو سه شب تشریف داشتند و بعد معاودت به مقر خلافت کبری فرمودند. در سلطنت آباد هم وزراء عظام را به رکاب مبارک احضار فرمودند و دستور العملهای لازمه در امور مهمه فرمایش فرمودند و هیچ‌گاه از جزئی و کلی امور را آنی و دقیقه معوق و متوقف نمی‌گذارند.»<sup>(۱۲)</sup>

خبر و گزارشات از سایر ممالک غالباً به صورت مختصر بود. مطالب نگاشته شده در مورد پادشاهان، امراء و بزرگان اروپائی همواره همراه با تمجيد و اکرام بود. شماره هفتاد و یکم روزنامه شرف مورخ ۱۳۰۷ ه.ق تماماً در مورد شرح حال مسیو ایفل بود. در این شماره در مورد کارهای مهندس ایفل از جمله ساخت پل‌ها، آبراه‌ها، سدها، اسکلت مجسمه آزادی و خصوصاً برج ایفل به تفصیل گزارش شده است. دو روزنامه شرف و دولت علیه ایران به صورت مصور بودند. مطالب در مورد معماری آن دوره

صوری آن نیزه همچنانه یابند و با پسورد همچنانی از چونکی بنای آن نیزه چنانکه در روز تماجات مصوّر فرست شده است  
ذیل کاربرش می‌بود



بعض ایسل

این برج کلیه از آهن بنا شده و وضعی عبارت است از چار پایه موزب که این پایه ها در قرب زمین قرار یافده اند و هر چهار  
تر بر از یکدیگر مسافت دارند و هر چهار پایه دندانه کلیدی که نزدیک شده تا در صدر و هشتاد سمت را در نفع بواسطه یک طبقه  
بدین کروں دپوت می‌بینند و وزن کلیه بیج تخمیناً سیزده کرو دیگلو کرام است چهار ماشین برای صعود بین برج بسیار

شکل ۲-۵- نمره هفتاد و یکم روزنامه شرف مورخ ۱۳۰۷ ه.ق تماماً به مسیو ایفل فرانسوی و کارهای وی اختصاص داشته است. تصویر فوق و سایر تصاویر در این روزنامه غالباً از روی عکس کشیده می‌شده است.

کتاب‌ها و گزارشاتی که اروپائیان در مورد ایران نوشته‌اند نیز عکس‌های زیادی از شرایط اجتماعی آن دوره باقی مانده است. تا قبل از سلطنت ناصرالدین شاه، دوربین عکاسی در ایران وجود نداشته است و لذا باید تنها به نقاشی‌ها و گراورها در دوره پیش از ناصرالدین شاه بسته کرد.

اولین نکته‌ای<sup>۱۰</sup> که از مشاهده این تصاویر استنباط می‌شود<sup>۱۱</sup> این است که صورت ظاهری پایتخت‌نشینان بسیار متفاوت از آن چیزی است که ما امروز در پایتخت شاهد آن هستیم. لباس اهالی تهران، تا پیش از عصر ناصری یک لباس سنتی بود که برای مردان عمدهاً شامل یک کلاه سیاه بلند، عبا و یا جبهه‌ای بلند تا قوزک پا، یک شال به دور کمر و تنban به عنوان شلوار بود.

پرورش در قاهره، حبلالمقین (۱۸۹۲ میلادی) در کلکته، ترقی و ارشاد در بادکویه<sup>۱۲</sup> نام برد. نقاشی‌ها، گراورها و عکس‌ها، مدارک قابل توجه دیگری است که از زمان ناصرالدین شاه بر جای مانده و می‌تواند استناد خوبی جهت تعیین بخش دیگری از شرایط اجتماعی آن دوره باشد.<sup>۱۳</sup> نقاشی‌ها و گراورها توسط نقاشان دربار همچون محمودخان ملک‌الشعراء، موسی بن میرزا حسن، کمال‌الملک و همچنین سیاحان و مستشرقان اروپائی همچون مادام دیالافوا<sup>۱۴</sup>، فرد ریچاردز<sup>۱۵</sup> و اس. جی. دبلیو بن‌جامین<sup>۱۶</sup> کشیده شده است.

عکس‌های به جای مانده توسط دانشجویان دارالفنون، عکاس‌باشی دربار، امرا و درباریان و خود ناصرالدین شاه انداخته شده است. در

<sup>۱</sup>- یک ضرب‌المثل چینی چنین می‌گوید: یک تصویر گویان از هزار واژه است.



شکل ۶-۲- زائران در آرامگاه حضرت شاه عبدالعظیم در جنوب تهران. به لباس مردان عادی جامعه در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه (۱۸۸۷ میلادی) توجه کنید.

بلند استفاده کردند. شال دور کمر نیز حذف شد

و به جای آن از دگمه در جلوی کت تا زیر گلو

استفاده می‌گردد. کلاهها نیز کوتاه‌تر می‌شوند.

از کفش چرمی به جای گیوه و نعلین استفاده

می‌گردد. لازم به ذکر است که کلاه برای آقایان

همانند حجاب برای خانمها بود و حتی پسران

هفت، هشت ساله نیز کلاه و یا دستمالی بر روی

در این دوره نظامیان تنها گروهی بودند که

اوینیفرم‌های اروپائی به تن داشتند. لباس زنان

در بیرون خانه شامل چادر و چاقچور سیاه و

یک روبندۀ سفید بود شکل ۲-۷. خانم‌ها در

منزل از چادر نماز، چارقد و دامن و شلوار بلند

استفاده می‌کردند.

از زمان ناصرالدین شاه به تدریج لباس

درباریان عوض شد. مردان به جای عبا از کت

سهو خود داشتند.



شکل ۲-۷- نقاشی از موسی بن میرزا حسن، عبور از کوچه، رنگ روغن، ۱۳۱۳ ه.ق.

می تراشیدند و بعضی از آنها کلاه را نیز از سر خود بر می دارند. ناصرالیدن شاه هم به تدریج لباس سنتی را از تن در می آورد و خود را به لباس فرنگی ملبس می کند و ریش خود را نیز می زند. احمد شاه، آخرین پادشاه قاجار از کوکی کت و شلوار و کراوات به تن داشت.

کت و شلوار و کراوات نیز از او سلطنت ناصرالیدن شاه در بین بعضی از فرنگ رفته ها مانند دوستعلی خان میرالممالک، میرزا مهدی خان شقاقي، میرزا ملکم خان و دیگران باب شد. همچنین فرنگ رفته ها دیگر خود را ملزم به داشتن ریش بلند نمی دانستند و ریش خود را نیز

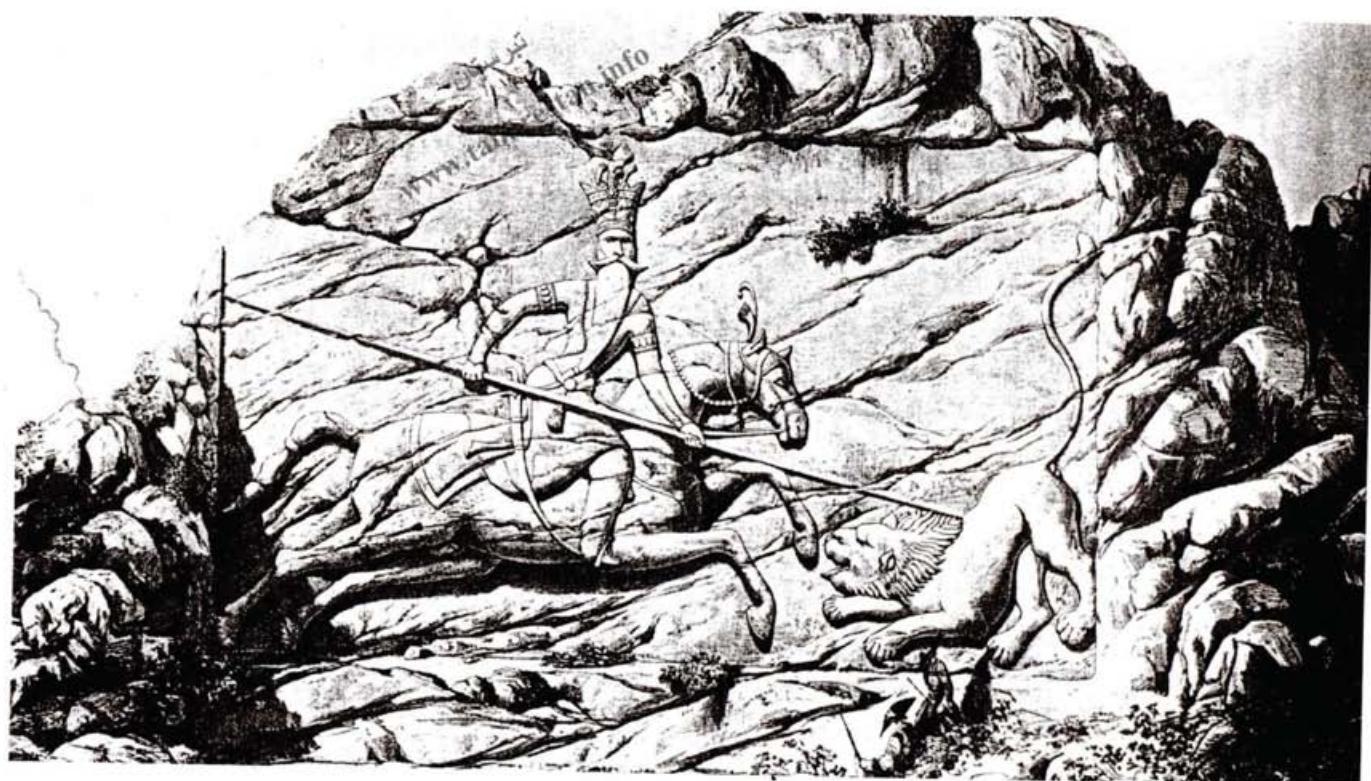


شکل ۲-۸- مراسم عروس کشان در تهران در سال ۱۳۱۶ ه.ق.

ظاهراً دیدن دامنهای کوتاه چین دار بالرین‌ها در سن پترزبورگ، دامن شلیته برای زنان حرم باب شد. البته آنها این دامن را بر روی شلوار می‌پوشیدند. تغییر قابل توجه دیگری در پوشش زنان در این دوره صورت نگرفت.

لباس خانمهای دربار و اشراف در بیرون خانه همچون گذشته و همانند سایر خانم‌ها، چادر و چاقچور سیاه، چارقد و روبنده سفید بود. در داخل خانه نیز لباس آنها تفاوتی با قبل نداشت ولی بعد از سفر ناصرالدین شاه به اروپا و

Process Black



شکل ۲-۹- حجاری از تصویر فتحعلیشاه هنگام شکار شیربرسینه کوهی معروف برسرسه در شهر ری - نیمه اول قرن ۱۳ ه.ق.- فتحعلیشاه اولین پادشاه ایران بعد از اسلام است که تصاویر حجاری شده واقعی از او بر جای مانده است.

یک قرن از میدان خارج کرد و سبکی تازه و  
ترکیب شده از نقاشی اروپایی و ایرانی را به  
وجود آورد که بعدها به مکتب زند و قاجار  
مشهور شد.»<sup>(۱۶)</sup>

دکتر محمد کریم پیرنیا در مورد نقاشی‌های کاخ  
چهلستون اصفهان می‌نویسد:

تصاویر اروپاییان که در کاخ چهلستون  
نقاشی شده و محدودی از آنها موجود است  
کار دو نفر نقاش هلندی به نام آنژال و لوکار  
است که در دربار شاه عباس دوم به سر  
می‌بردند و چون این پادشاه به نقاشی اشتیاق  
فراوانی داشته است از طرف نماینده شرکت  
هلندی در اصفهان به خدمت وی گماشته شده  
بودند.»<sup>(۱۷)</sup>

از دوره سلطنت کریمخان زند و بالاخص در  
زمان فتحعلیشاه قاجار به تدریج نقاشی متأثر از  
غرب، به صورت واقع‌گرایی با استفاده از رنگ و  
روغن و بر روی بوم در ایران متداول گردید.  
ولی این نقاشی‌باشی دربار ناصرالدین شاه، یعنی

لذا باید عنوان نمود که تغییر لباس اول شامل  
نظمیان و سپس رجال دربار و فرنگ رفته‌ها و  
زنان دربار می‌شود. در عصر ناصرالدین شاه،  
جامه مردان و زنان عادی جامعه کماکان به  
صورت سنتی باقی ماند.

در زمینه هنری نیز نسیم تغییرات شروع به  
وزیدن می‌نماید. تا این زمان هنر ترسیم و  
تذهیب در ایران یک هنر انتزاعی و آن جهانی  
بود. حتی نقاشی‌های مینیاتور نیز یک نقاشی  
واقع‌گرا نبود زیرا در آن پرسپکتیو، آناتومی  
چهره پردازی و سایه روشن وجود نداشت.

باید متنظر شد که تحولات و نوگرایی در هنر  
نقاشی قاجاریه ریشه در دوره صفویه دارد.

«جريانی که در هنر نقاشی دو قرن سیزدهم و  
چهاردهم هجری قمری ایران آغاز شده بود،  
ریشه در قرنها پیشتر داشت. علاقه و توجه  
به نقاشی رنگ و روغن اروپایی، از آغاز قرن  
یازدهم چنان اوج گرفت که روش سنتی و  
عالی مینیاتورهای صفوی را در مدتی کمتر از

از جمله موارد شاخص در زمینه مدنیزاسیون  
که در دره ناصرالدین‌شاه در ایران اجرا شد  
می‌توان از ایجاد تلگرافخانه، ضرابخانه،  
کارخانه چراغ گاز، پستخانه، کارخانه‌های  
توبپریزی، باروت‌کوبی و فشنگسازی،  
بیمارستان، داروخانه، چاپخانه، عکاسخانه و  
نشر روزنامه نام برد.

«در سال ۱۲۶۷ خ ۱۱ نخستین سیم تلگراف از  
عمارت سلطنتی به باغ لاله‌زار کشیده شد و  
در سال بعد سیم‌هایی بین تهران، رشت،  
تبریز، مشهد، اصفهان، همدان و شیراز دایر  
گشت».<sup>(۱۸)</sup>

در سال ۱۳۰۵ ه.ق. خط راه آهن بین تهران و  
شهرری کشیده شد.

«ماشین دودی بعد از ساخته شدن تراموای  
اسبی<sup>(۱۹)</sup> توسط یک مهندس بلژیکی موسوم به  
(فایرس بوatal) تأسیس گردید و مجموعاً مدت  
دو سال ریل‌گذاری و کارهای دیگر آن به طول

کمال‌الملک است که نقاشی واقع‌گرا، پرسپکتیو،  
چهره پردازی، آناتومی و نورپردازی را به  
صورت صحیح بر روی بوم نقاشی به تصویر  
کشید. (شکل ۳-۳۳)

مجسمه سازی از بعد از ورود اسلام به ایران  
منسخ گردید و اگر مجسمه‌ای نیز ساخته  
می‌شد، حالت انتزاعی و غیر واقعی داشت. اولین  
نمونه‌های حجاری از پادشاهان در بعد از اسلام  
مربوط به مجالس بارعام و تصاویر فتحعلیشاه  
قاجار است. نیکلای اول تزار روسیه دستور  
ساخت مجسمه‌ای از عباس میرزا در وین داد که  
اولین مجسمه واقعی از یکی از امیران ایران در  
دوره بعد از اسلام است. مجسمه ناصرالدین  
شاه سوار بر اسب اولین مجسمه واقعی از  
انسان است که در ایران بعد از اسلام ساخته  
شده است. این مجسمه به دست هنرمندان ایرانی  
زیر نظر میرزا علی اکبر معمار در قورخانه تهران  
در سال ۱۳۰۴ هجری قمری ساخته و در وسط  
دریاچه باغشاه قرار داده شد. (شکل ۲-۱)

### ۳- تحولات رخ داده در ساختمان‌های

#### تهران در عهد ناصرالدین شاه

لازم است قبل از آغاز سخن در این قسمت، ابتدا تاریخچه مختصری از شهر تهران عنوان شود:

«**نام تهران** برای نخستین بار در یکی از نوشته‌های تئودوسیوس یونانی در حدود اوخر سده دوم پیش از میلاد به عنوان یکی از توابع <sup>برستان</sup> ذکر گردید و قدیمی‌ترین سند فارسی در مورد تهران نشان می‌دهد که روستای تهران قبل از سده سوم هجری قمری وجود داشته است. تابه سال ۹۶۱ هجری قمری شاه طهماسب صفوی حصاری با ۱۱۴ برج (به تعداد سوره‌های قرآن مجید) و ۴ دروازه به نام‌های شمیران، دولاب، شاه عبدالعظيم و قزوین پیرامون روستای تهران ایجاد می‌کند که بعدها به نام حصار طهماسبی معروف می‌گردد و تدریجاً شهر تهران با چهار محله به نام‌های عودلجان،

انجامید و در سال ۱۳۰۵ هجری قمری- توسط

ناصرالدین‌شاه- رسمآً افتتاح گردید.

... این قطار یا ماشین دودی مسافتی در حدود

پانزده کیلومتر را بین تهران و حضرت

عبدالعظيم طی می‌کرد.»<sup>(۲۰)</sup>

از اوخر دوره قاجاریه، انواع و اقسام تولیدات

صنعتی از جمله چراغ نفتی، چراغ گاز، چراغ

برق، چرخ خیاطی، دارو، دوچرخه، اتومبیل،

گرامافون، دوربین عکاسی، پنکه و غیره زندگی

روزمره قشر مرفه را به تدریج تغییر داد. نکته

قابل توجه اینکه این محصولات مدرن در مقابل

ذهنیت سنتی ما به گونه‌ای جادویی و افسون

شده جلوه پیدا نمود. چنانچه در ابتدا به برق،

نور شیطان<sup>(۲۱)</sup>، به اتومبیل، کالسکه آتشی<sup>(۲۲)</sup> و

اسب شیطان، به بنزین، آب دهان شیطان، به

راننده اتومبیل، الخناس (پسر شیطان) و به

دوچرخه، مرکب شیطان<sup>(۲۳)</sup> لقب داده شد.



شکل ۲-۱۰- مجسمه عباس میرزا به سفارش نیکلای اول، تزار روس - ساخت وین، قرن ۱۸-۱۹ ق. این مجسمه هم اکنون در کاخ الماس در مجموعه کاخ گلستان قرار دارد.

دوره یافته‌ها و فنون ساختمان‌سازی از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شد و سیر تکاملی آن به کندی صورت می‌گرفت. اگرچه گنبد سلطانیه نسبت به گنبدهای اشکانی و ساسانی عظیم‌تر و باشکوه‌تر است، ولی اساس ساختاری گنبد سلطانیه تفاوت چندانی با گنبدهای ما قبل خود ندارد. اما هم‌چنان که شاهدیم، روش‌های جدید پوشش سقف با دهانه‌های بسیار وسیع و فنون جدید ساختمانی، به طور کلی روش طاق‌زنی سنتی را متحول و دگرگون کرده است. تا زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه، تهران یک شهر کاملاً محصور و به معنی اخص کلمه یک شهر سنتی و متعلق به جهان شرق بود. شکل لباس اهالی، نوع وسایل حمل و نقل، نحوه روشنایی خانه‌ها، شکل روابط اجتماعی بین اعضاء و طبقات مختلف جامعه و غیره با دوره‌های پیش از خود چندان متفاوت نبوده است. هسته اولیه اجتماع، خانواده گسترده بود که شامل یک مرد و یک و یا چند زن و چندین بچه بود.

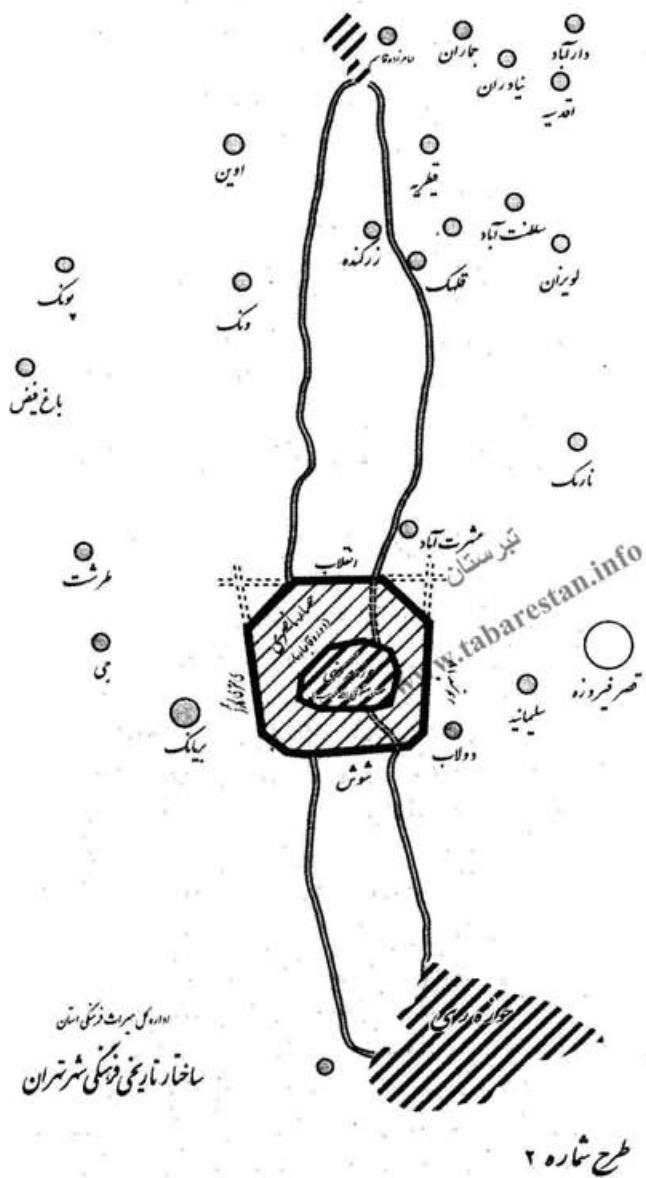
سنگلاج، چال میدان و بازار شکل می‌گید و ارگ سلطنتی نیز بخشی از شهر را تشکیل می‌دهد. در اوایل دوره قاجاریه دو دروازه دیگر به نام‌های دروازه دولت و محمدیه در این حصار ایجاد می‌شود. در سال ۱۲۰۰ هجری قمری، آقامحمدخان در تهران بر تخت می‌نشیند و تهران رسماً پایتخت کشور می‌شود. به دنبال آن در سال ۱۲۸۴ هجری قمری در عهد ناصرالدین‌شاه حصار جدیدی به شکل ۸ ضلعی با ۱۲ دروازه... احداث می‌گردد و به نام حصار ناصری معروف می‌شود.<sup>(۲۴)</sup>

### ۱-۳-تهران در آغاز تحول

تا قبل از ورود مدرنیسم به شهر تهران، در طی سده‌های متعددی پیشرفت‌ها و تغییرات انجام شده در امر معماری و شهرسازی در ایران به صورت بطئی و غیرمحسوس بوده است. در هر

اعضاء مسن‌تر خانواده همچون پدر بزرگ و مادر بزرگ و سایر افراد فامیل مانند عمه‌ها، عموهای و دیگران در میان و یا در نزدیکی خانواده گستردۀ زندگی می‌کردند. خانواده گستردۀ همچون یک شبکه فراگیر، از کلیه اعضاء خانواده حمایت می‌نموده است. اوقات فراغت اهالی در بین اعضاء خانواده سپری می‌شد. شرکت در مراسم مذهبی مختلف و یا زیارت قبور از جمله فعالیت‌های مهم در اوقات غیر کاری بوده است.

سوانح شهر تهران با نماهایی همچون طاقها،



شکل ۱۱-۲- حصار طهماسبی (۹۶۱ ق.م.) در سطح و حصار ناصری (۱۲۹۴-۱۲۸۴ ق.م.) در محیط دارالخلافه ناصری و مکان قرارگیری روستاهای تاریخی اطراف تهران در این نقشه مشخص شده است.

سواد شهر تهران با نمادهایی همچون طاقها،  
قوسها، گنبدها و گلستانهای تعریف شده بود.  
ساختار بناهای از نوع دیوار باربر و طاق و تویزه  
و یا الوار بود که در طی صدها سال استمرار  
یافته بود. مصالح ساختمانی تمام‌سنگی و  
عمدتاً گل، خشت، آجر و الوار را شامل می‌شد.  
بناهای مهم شهر شامل مساجد، مدارس،  
کاروانسراها، کاخها، خانه‌ها و بازارها بود. طرح  
و الگوی این بناهای در قرون اولیه بعد از اسلام

تهران تنها دارای دو میدان نسبتاً بزرگ و وسیع بود. یکی میدان ارگ یا توپخانه مبارکه و دیگری سبزه میدان که هر دو در جنوب ارگ حکومتی قرار داشتند. دیگر فضاهای مهم شهری، مراکز محلات و تکایا بودند. همچنان که از نظر کالبدی مرتفع‌ترین بنای شهر یعنی گنبدها و مناره‌های مساجد جنبه مذهبی داشتند، مهمترین فعالیت اجتماعی در فضاهای شهری نیز ماهیت مذهبی داشت. مراشم ده عاشورا و راه اندختن دسته‌های عزاداری در محلات مختلف شهر شاخص‌ترین واقعه اجتماعی و گروهی بود که

در ایران پی‌ریزی شده بود و در طی قرون بعدی تا زمان قاجاریه با اندک تفاوت‌هایی اجرا گردیده است.

ساختمان‌ها تماماً درون‌گرا و دارای حیاط مرکزی و کوچه‌های شهر تنگ و باریک و غیرمستقیم بودند. حصاری مرتفع و قطور گردآگرد شهر و حصاری دیگر، محیط ارگ سلطنتی را احاطه کرده بود. شهر دارای چهار محله کاملاً مشخص به علاوه ارگ حکومتی بود که هر کدام در عین همگونی با سایر بخش‌های شهر، دارای هویتی متمایز بودند.



شکل ۱۲-۲-در این نقشه چهار محله تهران، حصار طهماسبی، حصار ناصری و مکان قرارگیری آنها بر روی شبکه خیابانهای امروز تهران مشخص شده است.

۱-۲-۳- دوره اول- سلطنت ناصرالدین شاه

۱۳۱۳- ۱۲۶۴ ه.ق.

در این دوره تحولات شهر تهران توسط مورخینی ایرانی و اروپایی و همچنین وابستگان سفارتخانه‌ها و محققین غربی نگارش شده است.

محمد حسن خان اعتماد‌السلطنه<sup>(۲۵)</sup> معروف‌ترین

مورخ دوره ناصرالدین‌شاه، در کتب مختلف

خود بالاخص در کتاب مرآت‌البدان (چاپ ۱۲۹۴

ه.ق. به مناسبت بزرگداشت سی‌امین سال

سلطنت ناصرالدین‌شاه و المأثرالاثار (چاپ

۱۳۰۴ ه.ق.، به مناسبت چهل‌مین سال سلطنت

ناصرالدین‌شاه) در مورد تهران و ساختمان‌های

آن به تفصیل مطالب گوناگون نگاشته است.

اکثر این مطالب در توصیف شهر و

ساختمان‌های جدید آن و ذکر سجایا و خدمات

ارباب خود، ناصرالدین‌شاه بوده است.

همه ساله اجرا می‌شد. لذا شهر تهران تا ابتدای

سلطنت ناصرالدین‌شاه چه از نظر فرهنگی و چه

از نظر کالبدی، ساختار سنتی خود را حفظ کرده

بود. تغییر و تحول شهر سنتی به شهر جدید و

یا به بیان دیگر تهران بسته به تهران گسترده

تنها از چهار نسل یعنی حداقل از صد و بیست

سال تجاوز نمی‌کند.

### ۲-۳- بررسی دیدگاه‌ها

در این قسمت از کتاب دیدگاه‌های مطرح شده از

طرف مورخان و معماران در مورد

ساختمان‌های تهران در عهد سلطنت

ناصرالدین‌شاه به سه زمان تاریخی تقسیم شده

است: دوره اول- سلطنت ناصرالدین‌شاه، دوره

دوم- سلطنت پهلوی، دوره سوم- جمهوری

اسلامی ایران.



شکل ۱۳-۲- کوشک شمس‌العماره ۱۲۸۴-۱۲۸۵ ه.ق. به عنوان نماد و جلوه‌ای از گرایش به سمت تمدن و معماری فرنگی بوده است.

«در زمان صفویه، معماران اینیه ایران و نقاشها فرنگی بودند بلکه بیشتر نقاشی عمارت‌های اصفهان و مازندران را که در آن اوان بنا شده نقاشان هندی و کشمیری کرده‌اند. راه شویسه که در مازندران صفویه ساخته‌اند مباشر یک نفر مهندس هلندی بوده. پل‌ها که در راه مشهور مازندران ساخته بودند از طرز ساخت آنها می‌توان دانست که کار معماران ایرانی نیست.»<sup>(۲۷)</sup>

البته مطلب اشاره شده توسط اعتمادالسلطنه در این متن سندیت تاریخی ندارد. از دوره صفویه و یا حتی افشاریه، زندیه و قاجاریه تا ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه، هیچ‌گونه گزارشی که ساختمان‌های ساخته شده در ایران توسط اروپاییان ساخته شده، وجود ندارد. با بررسی ساختمان‌های این چند دوره تا آغاز سلطنت ناصرالدین شاه نیز هیچ‌گونه اثر مهمی از معماری فرنگی در معماری ایران دیده نمی‌شود. (۲۸) شاید این گمان اعتمادالسلطنه به

اعتمادالسلطنه در توصیف عمارت شمس‌العماره در کتاب متأثرالاثار چنین می‌نویسد: «کوشک معروف به شمس‌العماره، از عظایم آثار این شهریار و امتیازاتش بر جمیع اینیه تهران (و بلکه ایران) اظهر من الشمس است و مشتمل بر طبقات پنج گانه است. این یادگار بزرگوار به دستیاری دوستعلی خان معیرالممالک به سبک قصور و عمارت‌های فرنگستان طرح‌ریزی و ساخته و پرداخته شده است.»<sup>(۲۹)</sup>

همانگونه که ملاحظه می‌شود، طرح‌ریزی، ساخته و پرداخته شدن کاخ شاه براساس الگوهای فرنگی در این دوره نه تنها قبیح نیست، بلکه یکی از امتیازات و نکات مثبت این ساختمان به حساب می‌آید.

در کتاب مرآت‌البلدان، اعتمادالسلطنه نفوذ معماران، هنرمندان و مهندسان فرنگی در ایران را به دوره صفویه می‌رساند:

بایست گفت که تهران شهری است در مسیر اروپایی شدن بر بستر آسیایی»<sup>(۲۹)</sup>

۲-۳-دوره دوم- ساختن پله‌لی

۱۳۰۴-۱۳۵۷ هجری شمسی

با توجه به ارتباط بیشتر با غرب و افزایش ورود هیئت‌های باستان‌شناس و معمار غربی به ایوان در این دوره، شاهد مطالعه دقیق‌تر معماری و آثار تاریخی ایران زمین هستیم.

مهم‌ترین گروهی که در این رابطه به ایران می‌آید، هیئتی هفتاد نفره متشكل از دوازده کشور مختلف به سرپرستی پروفسور آرتور اپهام پوپ (Arthur upham pope 1881-1969) از طرف مؤسسه آمریکایی برای هنر و باستان‌شناسی ایران است.

پروفسور پوپ، مسجد- مدرسه مادر شاه در اصفهان (آخرین بنای با اهمیت عصر صفویه ۱۷۱۴-۱۷۰۶) را آخرین بنای مهم ساخته شده در ایران می‌داند. وی می‌نویسد :

این دلیل بوده که بسیاری از مهندسان اروپایی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه امور مختلف ساختمان‌سازی را در اختیار داشتند و مهندسان ایرانی نسبت به آنها در رتبه پایین‌تری قرار گرفته بودند.

شایان ذکر است که هنر نقاشی، مجسمه‌سازی و تزئینات قبل از هنر ساختمان سازی تحت نفوذ هنر غرب قرار گرفت و سابقه آن به دوره صفویه برمی‌گردد.

بهترین تعریف در زمینه فرنگی شدن تهران در عهد سلطنت ناصرالدین شاه توسط لردکرزن انگلیسی داده شده است.

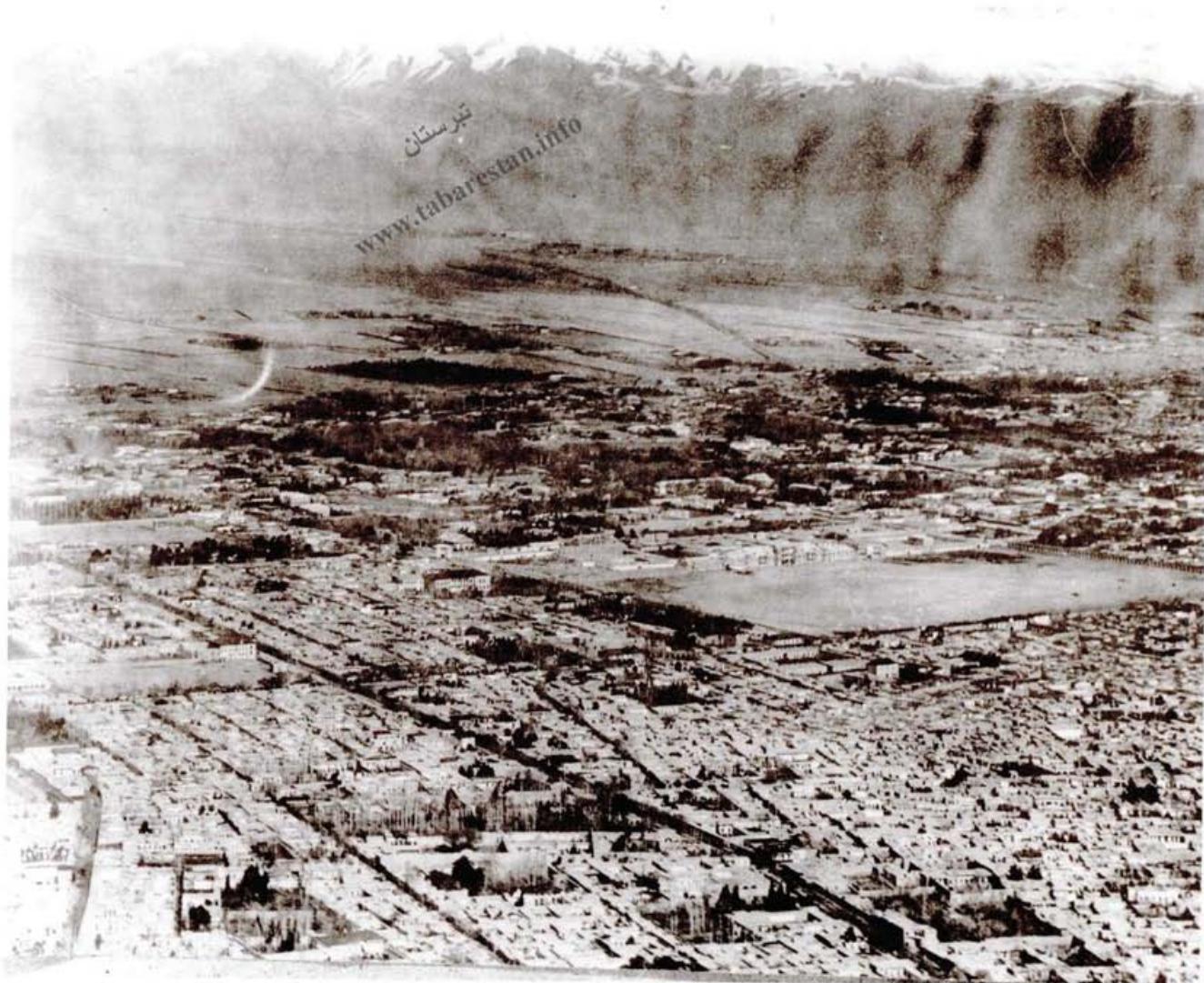
«تهران شهری است زاده و بالیده در شرق. اما، حالیه این شهر به کسوت دیگری درآمده و به آن آغازیده است که تنپوش خود را محسوب خیاطخانه‌های محله وستراند لندن همانند سازد. تهران اروپایی بی‌گمان پدیدار گشته یا آنکه در حال برآمدن است. اما، اگر هنوز بتوان تمایزی بین تهران شرقی و اروپایی حس کرد،

تجلیل کرده، ولی معماری دوره صفویه به بعد را در حد و اندازه‌های معماری قبل از آن نمی‌داند. وی در مورد معماری قرن ۱۸ و ۱۹ ایران و علت گسیختگی آن از معماری با ارزش

«این بنا- مسجد مدرسه مادرشاه- احتمالاً آخرین بنای با ارزش ایران است... با اتمام این بنا دوره معماری با ارزش ایران به پایان می‌رسد.»<sup>(۳۰)</sup>

گذشته می‌نویسد:

پوپ اگرچه همواره از معماری تاریخی ایران



شکل ۱۴-۲- عکس از داخل بالن از شمال دارالخلافه ناصری- فضای وسیع میانی میدان مشق است.

اکنون در اصفهان استادان زبردستی پیدا می‌شوند که می‌توانند به خوبی تزئینات کاشی‌کاری ابینیه قدیمی را ترمیم یا تجدید نمایند. حتی در مواردی هم که جز اثر مختصری از آنها مانده باشد می‌توانند از نو و بدون اشتباه آنها را بازسازی کنند، چنان‌چه گویی خودشان همزمان ساختمان اصلی آنها بوده‌اند؟ چرا این استادان دانا و زبردست برای ایجاد تحول در رشته هنر آبا و اجدادی، خود را ناتوان می‌یابند؟ این فاجعه غمانگیزی است که از اوخر قرن نوزدهم و اوایل قرن حاضر هنر ایران، نه تنها کاشی‌سازی، بلکه نقاشی، ساختمان، قالب‌بافی و غیره را در بر گرفته است.<sup>(۳۲)</sup>

وی در جواب این پرسش چنین بیان می‌دارد: «وقتی کت و شلوار و کراوات به ایران آمد و جوان‌های اروپا رفته پس از اتمام تحصیلات پزشکی و حقوقی به ایران بازگشتند و آداب و رسوم اروپایی را هم با خود آوردند، استاد بنا

«تداوی معماری ایران تقریباً در قرن ۱۸ میلادی قطع می‌شود. تسبیح و حشیانه ایران توسط افغان‌ها، جنگ‌های پرهزینه و بی‌حاصل نادرشاه و فرهنگ ناپakte سلسله قاجاریه که به دنبال رکود اقتصادی به جهت از دست دادن بازار اروپا بود، همگی در سیزیز با روح والا و پیراسته معماری ایران بودند.

قصرهای قاجار در قرن نوزده غالباً عجولانه و بدسلیقه ساخته شده‌اند...»

اگرچه معماری ایران در مقابل ناملایمات قرن ۱۸ و ۱۹ بعضاً تداوم یافت، ولی نمی‌توان با اطمینان بیان نمود که در مقابل ضربه سبکهای اروپایی دوام آورده است.<sup>(۳۳)</sup>

آندره گدار (Andre Gudard) باستان‌شناس و بنانی و اولین رئیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، پرسش در مورد علت انحطاط هنرهای مختلف در دوره قاجاریه را به این شکل مطرح می‌کند: «علت این انحطاط چیست؟ چگونه است که

آن که مجرای دودی در ساختمان وجود داشته باشد.»<sup>(۳۳)</sup>

در این جا شایان ذکر است که آرتور پوپ، آندره گدار و هیئت‌های همراه آنها معماری تاریخی ایران را به دقت مطالعه و عکسبرداری کرده‌اند و رولوه از قسمت‌های مختلف بنای‌های تاریخی تهیه کرده‌اند. ولی معماری دوره قاجاریه موربد توجه عمیق آنها نبوده است. شاید باین پلیل که آن را واجد ارزش زیادی نمی‌دانستند و یا چون معماری قاجاریه فاصله زمانی زیادی از زمان تحقیقات آنها نداشته و آن را بیشتر معماری معاصر قلمداد می‌کردند تا تاریخی. ولی به هر جهت اگرچه هر دوی آنها معماری دوره قاجاریه را تحت نفوذ غرب می‌دانستند و یکی از علل عدمه انحطاط معماری ایران در این دوره را معماری غرب قلمداد می‌نمودند، اما سؤال مهم و یا به عبارتی علت‌العل اینکه چرا ما مقلد غرب شده‌ایم و چرا هنر و معماری ما به تأسی از غرب صورت پذیرفت، بدون پاسخ باقی مانده است.

هم مانند آقای خیاط فرنگی‌مآب شد. از آنجایی که به تکنیک و مواد و عوامل جدید آشنایی نداشتند و حتی نمی‌دانستند اصول جدید یعنی چه و با نبودن کتب و مجلات فنی به زبان فارسی، چاره‌ای نداشتند جز اینکه به کاتولگ‌های اروپایی مراجعه نموده از شکل‌ها و عکس‌های آنها استفاده نمایند. آن وقت است که بین پیروی از سبک قدیم ایرانی خود و جذبه فرنگی‌مآب در کشش قرار می‌گرفتند و دست آخر کاشی‌ساز مثلاً عوامل تزئینی و نقش قدیمی کشور خود را رها کرده، بنای خود را با آنچه در اطراف خود اروپایی یا اروپانما می‌یافتد، مانند خانم‌های دلربا با آن شلیته باد کرده، یا توب‌ها و تفنگ‌ها و آن کالسکه تماشایی نقش می‌کرد. استاد بنا هم، چون در عکس کاتالوگ دیده است که بر بام خانه‌های اروپایی دودکش نصب شده، او هم بر روی ساختمان خود دودکش می‌گذارد بدون



شکل ۲-۱۵- مراسم ذبح شتر در عید قربان در خارج حصار طهماسبی (۱۸۴۸ میلادی) در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه.

رونق گرفت. در اثر ارتباط بیشتر ایران با

اروپا، معماری اروپا در هنر و معماری ایران

نفوذ می‌کند و معماران ما از هنر اروپایی تقلید  
می‌نمایند.

ارتباط بیشتر ایران با غرب معماران ایران را

بر آن داشت که عوامل مشخص معماری ایران

را با روشن‌بینی و توجه خاصی با عوامل

معماری غرب درآمیزند و آثاری به وجود

آورند که از نظر هنری دلپسند باشد». (۳۳)

مهندس محمود نصیری انصاری، مدرس

هنرسرای عالی می‌نویسد :

«در این زمان به خاطر سفرهای زیاد شاه  
(ناصرالدین شاه) به اروپا تمدن و هنر مغرب

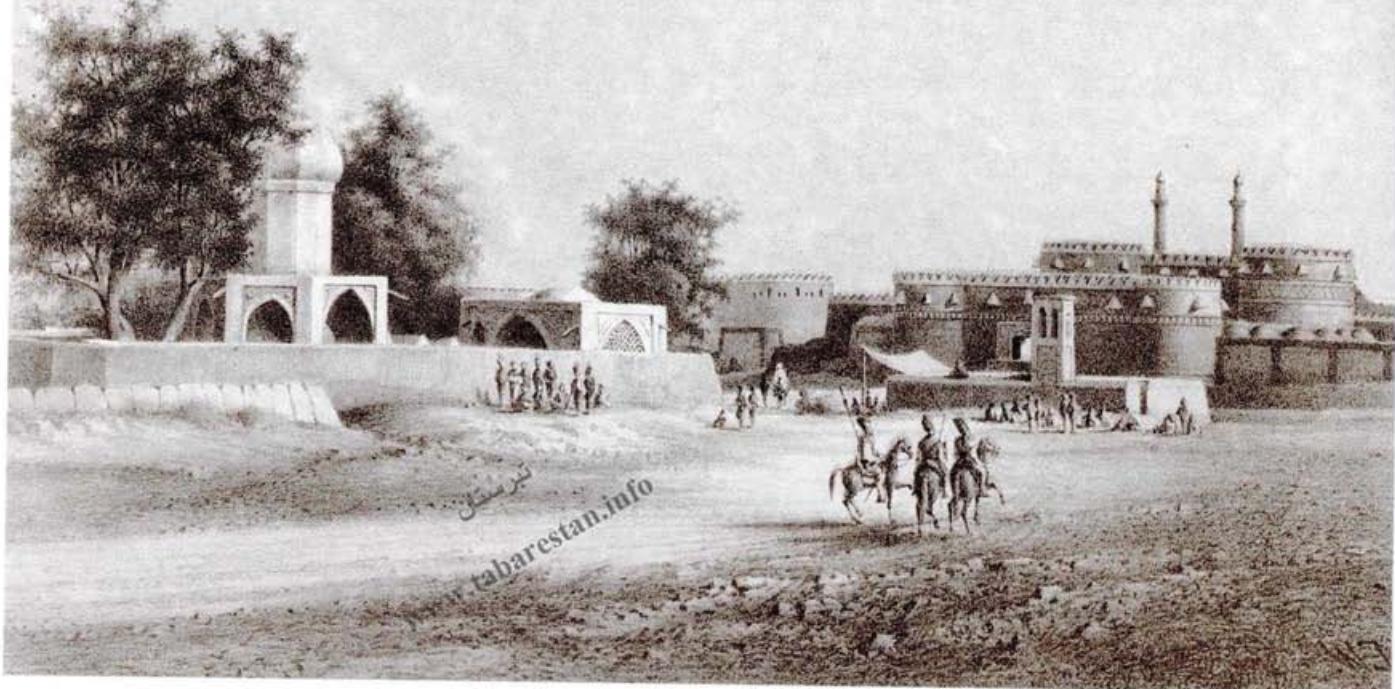
زمین نفوذ عمیق کرد.... در زمان حکومت

طولانی ناصرالدین شاه علاوه بر آن که رفته  
رفته تمدن و هنر غرب در ایران نفوذ کرد، به

تدريج وضع مردم کشور رو به بهبود نهاد. به

همین دليل هنر معماری، همچنین هنر صنایع

ظریف مانند، گچبری، آینه‌کاری و کاشی‌کاری



شکل ۲-۱۶- نمایی از دروازه دولت قدیم در شمال حصار طهماسبی. این تصویر بین سالهای ۱۸۶۰-۱۸۶۱ کشیده شده است.

### ۳-۲-۳- دوره سوم- جمهوری اسلامی ایران

در این دوره با توجه به وقوع انقلاب اسلامی و پیامدهای تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران، موضوع سنت و ارزش‌های گذشته به عنوان یک مطلب اساسی مطرح گردید. در رابطه با معماری سنتی ایران، مرحوم دکتر محمدکریم پیرنیا (۱۳۷۵-۱۳۰۱ هجری شمسی) محقق، مؤلف و

مهند نصیری انصاری نیز مانند دو محقق پیشین معتقد به نفوذ معماری غرب در ایران در دوره قاجاریه است. ولی وی نیز این نفوذ را بیشتر به خاطر ارتباطات زیادتر بین ایران و اروپا و سفرهای شاه به آن دیار می‌داند. در کتاب حاضر دلایل دیگری فراتر از موارد فوق مورد بررسی و پژوهش قرار خواهد گرفت.

متداول گردید. وی البته معماری دوره آقامحمدخان، فتحعلی‌شاه و محمدشاه را در ادامه شیوه اصفهانی (کمی پیشتر از صفویه از زمان قراقویونلوها تا اواخر زمان محمدشاه قاجار<sup>(۳۷)</sup> می‌داند. استاد پیرنیا در مورد معماری قاجاریه می‌نویسد :

«هنر این سرزمین و بخصوص معماری تا زمان فتحعلی‌شاه و محمدشاه به صورت یک زنجیر متصل به هم بود که متأسفانه بر اثر خودباختگی و سیاست‌های استعماری از این زمان و به خصوص در زمان ناصرالدین شاه این رشتہ هنری پاره شد و به کالاهای بی‌منطق مثل آنچه که دیدیم (استفاده از قوس‌های پرداالی- نیم دایره- حذف آفتاب‌شکن‌ها، حذف پنام‌ها، عایق‌ها و غیره...) پرداختند و معماری ما تقریباً رو به انحطاط رفت.»<sup>(۳۸)</sup>

نکته قابل توجه اینکه دکتر پیرنیا از علل

استاد دانشگاه، مجاهدت‌ها و فعالیت‌های بسیار ارزشمندی صورت داد. دکتر پیرنیا معماری ایران و یا به عبارتی معماری سنتی ایران از زمان مادها تا اواخر سلطنت محمدشاه قاجار را به شش شیوه مختلف معماری تقسیم نموده است.<sup>(۳۹)</sup> علاوه بر این شش شیوه، وی شیوه دیگری به نام شیوه تهرانی را بدین شرح ذکر می‌کند : «شاید بتوان شیوه‌ای را نیز به نام شیوه انحطاط یا شیوه تهرانی نام برد. همان طوری که می‌دانیم از دوره قاجاریه و به خصوص زمان ناصرالدین شاه برخی چیزها تقلید شد و به طور مثال در ساختمان شمس‌العماره با اینکه از بناهای آلمانی تقلید شده ولی پلان آن ایرانی است.»<sup>(۴۰)</sup>

منظور دکتر پیرنیا از شیوه انحطاط یا شیوه تهرانی، شیوه‌ای است که پس از پایتخت شدن تهران، از اواسط سلطنت قاجاریه در ایران



شکل ۲-۱۷- دروازه جنوبی ارگ تهران در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه (۱۸۴۸-۱۸۶۰ میلادی)

گردید.  
در این دوره پادشاهانی چون آقامحمدخان،  
فتحعلی شاه، محمدشاه، ناصرالدین شاه،  
مصطفیرالدین شاه و ... حکومت کردند. در این  
دوره، دوره انحطاط شیوه اصفهانی داریم.  
دوره‌ای که باعث این رکود بود باعث شد که  
دیگر این معماری آن سیر و روند تکاملی خود  
را پی نگیرد و مثل زنجیری پاره گردید. در این  
زمان، هنکامی که روابط ایران با غرب بیشتر

خودباختگی ما در مقابل غرب و یا اینکه چرا  
آنها توانستند بر ما سیاست‌های استعماری  
اعمال کنند و نه بر عکس ذکری به میان  
نمی‌آورد. دکتر پیرنیا در ادامه تحلیل معماری  
قاجاریه چنین می‌نویسد:  
«در زمان سلسله قاجاریه حوادث ناگواری در  
ایران اتفاق افتاد که منجر به ضعف کشور، بر  
باد رفتن قسمت‌های مختلف آن، اعمال نفوذ  
بیگانگان، متزلزل شدن اساس و استقلال ایران

علمی را مطرح کرده بودند فراموش کردند. در  
مورد معماری هم چنین مسئله‌ای اتفاق  
افتاد.»<sup>(۳۹)</sup>

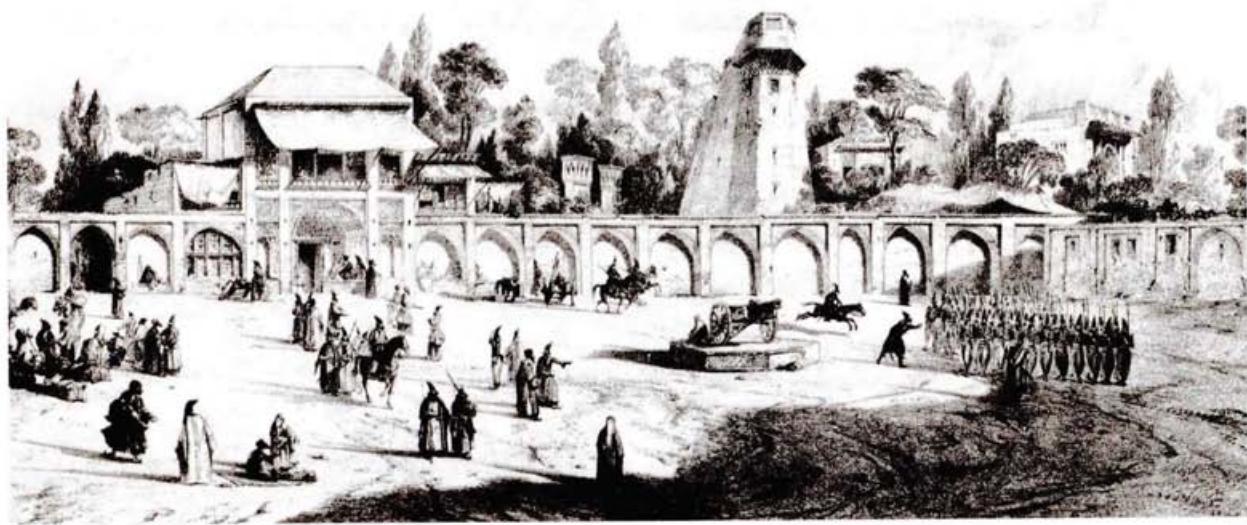
دکتر علی اکبر صارمی، معمار و استاد رشته  
معماری در دانشگاه آزاد اسلامی نیز به نوعی با  
دکتر پیرنیا هم عقیده است. دکتر صارمی

می‌نویسد:

«از نظر تاریخی تغییر در شیوه اندیشیدن  
معماران و دیگر هنرمندان، از زمانی آغاز شد

می‌شود، متأسفانه ایرانیان خود باختگی پیدا  
می‌کنند و تحت تأثیر فرهنگ و صنعت و تمدن  
غرب قرار می‌گیرند. از طرف دیگر به علت  
مسایل فرهنگی داخلی و تبلیغات آنها، این عمل  
تشدید می‌شود. به طوری که همه چیز از غرب  
و خود را فاقد هر چیز می‌دانسته‌ایم.

آنها دانشمندان بزرگ گذشته چون بوعلی،  
ابوریحان، فارابی، کرجی و ... را که نسبت به  
زمان خود و حتی به آینده خود مسائل مهم



شکل ۲-۱۸- میدان ارگ سردر حیاط مرمر و برج آقا محمد خانی در این تصویر مشخص است.

و هنرمند الگوهای کهن را کنار گذاشت و  
نوآوری نقش‌پرداز به نزدیک کردن نقش خود  
به نقاشی‌ها و کارت‌پستال‌ها و عکس‌هایی که  
شاهان دربار قاجار از اروپا آورده بودند،  
معطوف شد.»<sup>(۲۰)</sup>

دکتر صارمی هم مانند دکتر پیرنیا، تغییر در  
اندیشه معماری این سرزمین را از زمان ارتباط  
لهستان با اروپا می‌داند. ولی سؤال اینجاست که  
چرا ارتباط لهستان با سایر کشورها باعث تغییر  
اندیشه و آرمان‌ها در معماری ما نگردید و چرا  
کشورهای غیر اروپایی برای ما به صورت  
بهاشت عطرآگین جلوه نکردند.

مهندس بهروز پاکدامن تحقیقات نسبتاً جامعی  
در مورد معماری معاصر تهران از دوره  
قاجاریه تا کنون انجام داده است. در این رابطه  
مقالات و مباحث مطرح شده توسط وی به  
عنوان یک معمار، کامل‌تر و مفصل‌تر از سایرین  
می‌باشد. او معماری معاصر ایران از اواسط  
دوره قاجاریه تا کنون در هر دوره را متاثر از

که ارتباط ایران با اروپا به طور مستقیم  
برقرار شد و پادشاهان و بزرگان قاجار به  
طور مستمر راهی اروپا شدند.

این راهیان غرب به همراه خود نقاشی‌ها و  
پارچه‌ها و مصنوعات تزئینی اروپای قرن ۱۸  
و ۱۹ را به ایران آوردند و نمونه‌های تازه‌ای  
از آثار هنری را در برابر دیدگان هنرمندان  
گستردند.

بدین ترتیب بهره‌گیری از نقش‌های هنر اروپا  
کم‌کم در معماری ایران رواج یافت و تزئینات  
باروک، روکوکو و سبک استیل امپراتوری، به  
خانه اشرف و بزرگان راه پیدا کرد و به  
عنوان هنر نو معرفی شد. این تأثیر کم‌کم از  
تزئینات در سطح پا فراتر گذاشت و پلان‌های  
معماری را در بر گرفت.

نکته بسیار مهمی که در این تغییر دیده می‌شد  
این بود که آرمان‌های هنرمندان نیز تغییر کرد  
و جابجا شد. جایگاه فردوس برین و بهشت  
عطرآگین کم‌کم به اروپای سده ۱۹ انتقال یافت

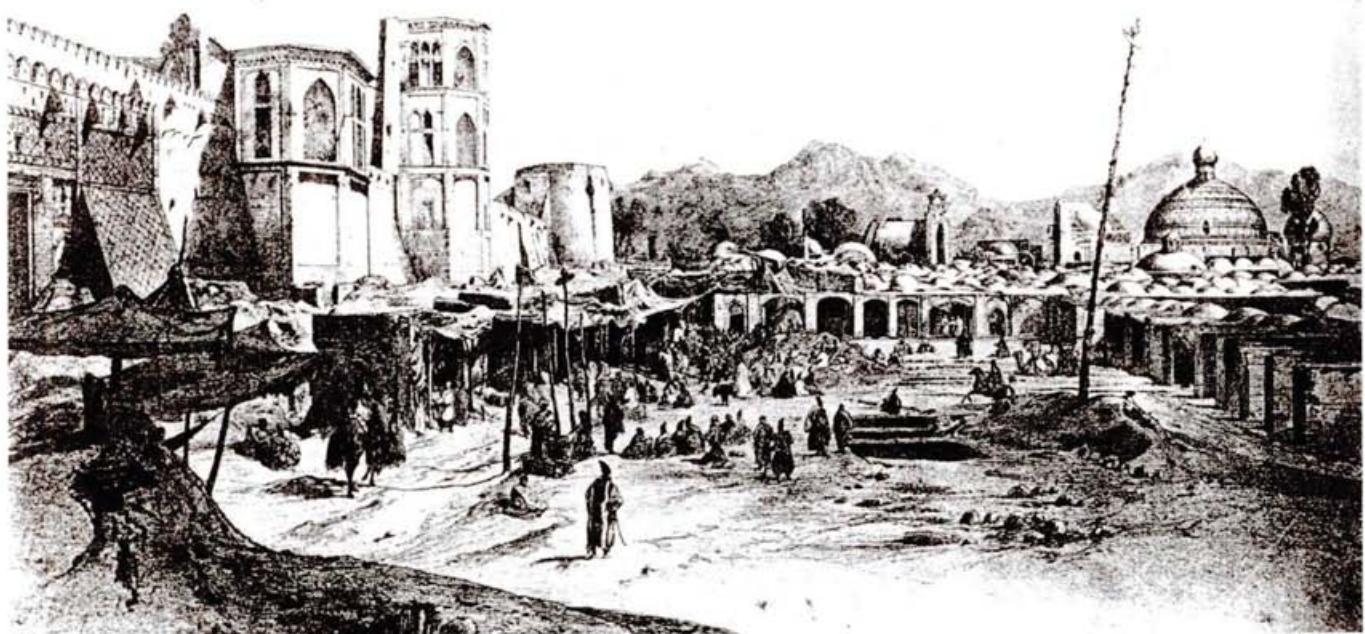
تهران نیز از همان زمان، گذشته از آن که تحت تأثیر بسیاری عوامل ناشی از این تحولات قرار می‌گیرد، از سبکها و شیوه‌های معماری و شهرسازی غربی نیز تأثیر فراوان می‌پذیرد. از آن زمان، معماری ساختمان‌های تهران به موازات تحولات معماری در غرب چهره‌های متفاوت یافته، و این دکرگونی تا به امروز نیز

معماری غرب و تحولات رخ داده در آنجا می‌داند. لذا دسته‌بندی معماری معاصر تهران توسط وی مطابق الگوها و سبک‌هایی است که در طی صد و پنجاه سال گذشته در مغرب زمین رخ داده است.

«آغاز تحولات در جامعه ایران از اواسط دوران قاجار و همزمان با ایجاد ارتباطات وسیع‌تر با جوامع اروپایی است. معماری

تیره دارد.<sup>(۲)</sup>

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)



شکل ۲-۱۹- منظره قدیمی از سبزه میدان، در سمت راست مسجد امام(شاه) و در سمت چپ بخشی از ساختمانهای ارگ مشخص است. ساختار سنتی کالبد شهری تهران در این تصویر مربوط به دوره سلطنت محمد شاه است.

وی در ادامه می‌افزاید :

(۴۲) «فوق است.»

و در مورد معماری اوخر قاجار می‌نویسد :  
«شیوه معماری اوخر قاجار: شاخه‌ای از معماری این دوره را که در آن تلفیقی از معماری سنتی ایران با معماری التقاطی اروپا به عمل آمده است، شیوه معماری اوخر قاجار می‌نامند.

نمونه‌های این شیوه معماری را در خیلی بناهای تهران می‌توان مشاهده کرد. برخی ساختمان‌های واقع در خیابان ناصرخسرو منجمله بنای شمس‌العماره، ساختمان قدیم شهرداری در ضلع شمالی میدان توپخانه، و بسیاری از ساختمان‌ها واقع در محدوده‌های مجاور ارک قدیم تهران با این شیوه بنا شده‌اند. همچنین بسیاری از ساختمان‌های کلاه فرنگی، و یا ویلاها و کاخ‌های ساخته شده در شمیران و در اطراف تهران در طی آن دوران همگی تلفیقی از شیوه‌های معماری التقاطی

«عاملی که بیش از هر سبک و شیوه معماری در تحول معماری سنتی تهران تأثیر گذار بوده، معرفی شیوه شهرسازی غربی در توسعه‌های اولیه تهران قدیم است. در این شکل نوین از توسعه شهری عناصر جدیدی نظیر خیابان و میدان که توسط ساختمان‌هایی محسوس و تعریف می‌شوند، به کار گرفته شدند. طراحی این ساختمان‌ها متناسب با فضاهای شهری موجود و بناهای اطراف انجام گرفته، و سیمای شهری و نمای خیابانی هماهنگ و متجانسی را به سبک خیابان‌ها و میدان‌های غربی ایجاد نمودند. این ساختمان‌ها اکثراً دو طبقه و به شکلی برون‌گرا بودند که به خیابان‌ها و میدان‌ها اشراف داشته و به سمت آنها باز می‌شدند. نقشه دارالخلافه ناصری و نقشه تهران در دوره رضاشاه، بیانگر توسعه تهران با توجه به عوامل

استفاده از تکنیک‌ها و مصالح ساختمانی مناسب‌تر، و به کارگیری شیروانی برای پوشش بام‌ها که قبلاً توسط معماران اروپایی در ساختمان‌های با سبک التقاطی معرفی شده بودند ویژگی‌های عمدۀ ساختمان‌های این دوره هستند.»<sup>(۲۳)</sup>

مهندس حمید نوحی، رئیس اسبق دانشکده

تبرستان

اروپایی و معماری سنتی ایران بودند.

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، در ترکیب این دو شیوه تغییر ماهوی در ساختار فضایی و ارتباطی ساختمان‌های جدید در مقایسه با ابینیه سنتی به وجود آمد.

تغییر در پلان ساختمان، تلفیق عناصر و اشکال معماری غرب با معماری سنتی،



شکل ۲-۲۰- مراسم سلام رسمی در میدان ارگ. در بین مردم عادی، نظامیان تنها گروهی بودند که لباس آنها براساس الگوهای فرنگی طراحی شده

معماری دانشگاه علم و صنعت

می‌نویسد:

«برتری‌های فنی، علمی، هنری و اجتماعی اروپا از یک طرف و عقب افتادگی دستگاه قاجاری از طرف دیگر به تدریج موجبات ایجاد حالت خودباختگی، احساس حقارت و الگوپذیری در رأس هرم قدرت اجتماعی را فراهم آورد. از این هنگام الگوبرداری از اطوار و مظاهر زندگی اروپایی از طریق دربار و همچنین جامعه اشراف و متجمدین آغاز شد.»<sup>(۳۲)</sup>

مهندس نوحی دلیل نفوذ معماری غرب در ایران را یک مرحله جلوتر از سایرین می‌برد و مسائل اجتماعی، فنی، علمی و هنری و برتری اروپائیان در این زمینه‌ها را عنوان می‌نماید.

نکته‌ای که در مورد اظهارات همه این صاحب‌نظران مشترک است اینکه از اواسط دوره قاجاریه و به طور دقیق‌تر از زمان

سلطنت ناصرالدین‌شاه معماری ایران تحت

تأثیر معماری مغرب زمین قرار گرفته است.

این تأثیر باعث تغییر نگرش در اندیشه و فرم‌های معماری تهران گردیده است. معماری ما از این دوره به جای تقلید از سنت ایران زمین، به تدریج مقلد معماری غرب می‌شود.

دلایلی هم عمدتاً از طرف این اندیشمندان مطرح گردیده بليل ارتباط ایران با غرب، سفر پادشاهان ایران به اروپا و آوردن عکس‌ها و کارت پستال‌ها از ساختمان‌های مغرب زمین و سیاست‌های استعماری و برتری علمی، هنری و اجتماعی اروپاییان عنوان گردیده است.

ولی دلایل باید فراتر از این مسائل باشد. چرا ما مقلد چین یا هند و یا یونان و ترکیه نشیدیم. چه عواملی باعث شد که سenn چند هزار ساله معماری ما در مقابل معماری غرب رنگ بیازد و به حاشیه رانده شود. آیا

دارد.

این نمونه‌ها چه مواردی و یا چه عناصری از ساختمان را شامل می‌شود. سیر تحول، تطور و تکامل آن چگونه بوده است. اینها اهم مسائلی است که در فصول بعدی مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت.

این از خصوصیات جهان مدرن نیست که

باعث واژگونی انگاره‌ها و هنجارهای عرفی گردیده است.

مطلوب دیگری که باید مورد پرسش قرار گیرد این است که دقیقاً از چه زمانی المان‌های مختلف معماری غرب در ایران دیده می‌شود. نمونه‌های آن در چه ساختمان‌هایی وجود

تبرستان  
barestan.info



شکل ۲-۲۱- عکس از شمال دارالخلافه ناصری - میدان توپخانه در بالای سمت راست عکس مشخص است

- ۱- جنگ‌های ایران و روسیه بین سال‌های ۱۲۱۸-۱۲۲۸ ه. ق. (۱۸۰۳-۱۸۱۲ میلادی) منجر به عهدنامه گلستان و جنگ‌های بین سال‌های ۱۲۴۱-۱۲۴۳ ه. ق. (۱۸۲۸-۱۸۲۶ میلادی) منجر به عهدنامه ترکمانچای گردید.
- ۲- دنیس رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ترجمه اسکندر دلدم، انتشارات نهاد، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۰۳
- ۳- همان، ص ۲۰
- ۴- فرهنگ معین، عباس میرزا، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، جلد پنجم، ص ۱۱۲۴
- ۵- جمشید، بهنام، ایرانیان و اندیشه تجدید، نشر و پژوهش فرزان روز، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۳
- ۶- محمدعلی اکبری، درد و درمان، هفته‌نامه راه‌نحو، سال اول، شماره ۹، ۱۳۷۷/۲/۳، ص ۳۱
- ۷- همان، صص ۱۶۵-۱۶۳.
- ۸- لغتنامه دهخدا، جلد ۲۲، دارالفنون، ص ۵۱
- ۹- محمدعلی اکبری، درد و درمان، هفته‌نامه راه‌نحو، سال اول، شماره ۹، ۱۳۷۷/۲/۳، ص ۳۱
- ۱۰- روزنامه وقایع اتفاقیه، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، جلد اول، تهران ۱۳۷۳، مقدمه.
- ۱۱- کاغذ اخبار، همان ترجمه فارسی News Paper است.
- ۱۲- روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۵۸، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۰، جلد دوم، ص ۶۸۴.
- 13-Jane Dieulafoy
- 14-Fred Richards

- ۲۱- جعفر شهری، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزده، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۹، جلد دوم، ص ۸۸.
- ۲۲- همان، جلد دوم، ص ۹۳.
- ۲۳- همان، جلد دوم، ص ۸۷
- ۲۴- تاریخچه هسته تاریخی شهر تهران، مدیریت پژوهش فرهنگی استان تهران، کاتالوگ.
- ۲۵- وی فارغ التحصیل مدرسه دارالفنون بود و سه سال نیز در پاریس تحصیل کرد و به مدت ۲۵ سال روزنامه‌خوان ناصرالدین شاه بود و روزنامه‌های فرانسوی را برای وی می‌خواند و ترجمه می‌کرد، او دارای مشاغل مهم در دربار ناصرالدین شاه بود و بیش از سی و هفت کتاب به رشتہ تحریر در آورد.
- ۲۶- محمدحسن خان، اعتمادالسلطنه، المآثر و الاثار، به کوشش ایرج افشار، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳، ص ۱۰۵.
- ۱۵-S.G.W.Benjamin
- ۱۶- مکتب کمال الملک، نشر آبگینه وابسته به مرکز نشر فرهنگی رجاء، زمستان ۱۳۶۴، ص ۹.
- ۱۷- محمد کریم پیرنیا، شیوه‌های معماری ایرانی، مؤسسه نشر هنر، زمستان ۱۳۶۹، ص ۳۲۸.
- ۱۸- لغتنامه دهخدا، جلد ۴۷، ناصرالدین شاه، ص ۱۶۴.
- ۱۹- تراموای اسبی یک واگن قطار بود که بر روی ریل آهن توسط دو اسب کشیده می‌شد و اهالی تهران را جابه‌جا می‌کرد. تراموای اسبی توسط بلژیکی‌ها در تهران احداث گردید.
- ۲۰- عبدالعزیز جواهرکلام، تاریخ تهران، انتشارات کتابخانه منوچهری، چاپ اول ۱۳۲۵، چاپ دوم ۱۳۵۷، ص ۱۷۰.

- ۲۷-محمدحسن خان، اعتماد السلطنه، مرآت  
البلدان، جلد دوم، ص ۱۰۷۹
- ۲۸-تنها استثناء در این مورد، قلعه  
استعمارگران پرتغالی در سواحل جنوبی  
کشور است ولی باید توجه داشت این بناما  
تأثیری بر کالبد معماری ایران زمین نداشت.
- ۲۹-Cruzon S persia, ed. P.King,  
London, 1986, P.88.
- ۳۰-Author Upham pope, Persian  
Architecture. Soroush Press Fourth  
printing, 1976m P.100.
- ۳۱-Ibid , PP. 114-115.
- ۳۲-آندره گدار، هنر ایران، ترجمه بهروز  
حیبی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸  
ص ۴۶۵
- ۳۳-همان، ص ۴۶۶
- ۳۴-محمود نصیری انصاری، سیری در  
معماری ایران، هنرسرای عالی، مهر ۱۳۵۰  
صص ۲۷۴ - ۲۷۵
- ۳۵-برای اطلاعات بیشتر در این مورد نگاه  
کنید به، محمدکریم پیرنیا، شیوه های
- معماری ایرانی، تدوین مهندس غلامحسین  
معماریان، موسسه نشر هنر، ۱۳۶۹، صص  
۴۱-۴۲
- ۳۶-همان، ص ۴۲
- ۳۷-همان، ص ۲۶۹
- ۳۸-همان، ص ۲۷۵
- ۳۹-همان، صص ۲۷۰-۲۷۱
- ۴۰-علی اکبر صارمی، ارزش‌های پایدار در  
معماری ایران، سازمان میراث فرهنگی  
کشور، ۱۳۷۶، صص ۱۴۲-۱۴۳
- ۴۱-بهروز پاکدامن، نگاهی کوتاه به شیوه ها  
و گرایش‌های معماری در تهران، کتاب تهران،  
جلد چهارم، انتشارات روشنگران، تهران،  
۱۳۷۳، ص ۵۴
- ۴۲-همان، ص ۵۹
- ۴۳-همان، ص ۶۴
- ۴۴-حمدی نوحی، پدیده حرکت اعوجاجی در  
تاریخ معماری معاصر ایران: سنت پرستی  
و سنت ستیزی، مجموعه مقالات کنگره

تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد

نخست، سازمان میراث فرهنگی کشور، اسفند

.۶۱۴، ۱۳۷۴

۴۵- جمشید بهنام، ایرانیان و اندیشه تجدید،

نشر و پژوهش فروزان روز، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷



شکل ۲-۲۲- عکس سمت شرقی دارالخلافه از بالای شمس العماره گرفته شده است. در سمت راست بالا مسجد سپهسالار و در سمت چپ وسط، خانه امام جمعه است..



عمارت خوابگاه واقع در مجموعه کاخ گلستان، ۱۳۰۳-۴، ۵.ق.

## فصل سوم: معماری در دارالخلافه ناصری

تبرستان

www.tabarestan.info

در اولین ساختمانی که در تهران گونه‌ای از معماری فرنگی در نمای آن مشاهده می‌شود، مدرسه دارالفنون (۱۲۶۸-۱۲۶۶ ه.ق.) است. در نمای این مدرسه که اولین ساختمان مهم ساخته شده در عصر ناصری است، برای اولین بار قوس‌های نیمدايره رومی، ستونهای شبه کورنثین، ساعت و سنتوری مشاهده می‌شود. البته پلان ساختمان همچون مدارس قدیمه به صورت حیاط مرکزی است و اتاقها گردآگرد حیاط قرار دارند. لذا این ساختمان نه تنها اولین مدرسه در تهران و ایران است که در آن

با بررسی تصاویر به جای مانده از ساختمانهای قبل از دوره ناصرالدین شاه، مشاهده می‌شود که همانند لباس، الگوی ساختمانهای ساخته شده در تهران، سنت گذشتگان بود. کلیه ساختمانهای تهران، چه آنها که متعلق به خواص بود و یا آنها که برای عوام ساخته می‌شد، در ادامه روند معماری سنتی اجرا می‌شده است. تا پیش از زمان ناصرالدین شاه، نفوذ معماری غرب در ساختمانهای تهران از حد تزئینات و نقاشی‌های واقع گرا فراتر نمی‌رفته است. جدول ۱-۳-۳- ملاحظه می‌شود.

معماری فرنگی در پایتخت را به نمایش می

یافته‌های علمی اروپائیان به شیوه مدارس

گذارد.

اروپائی تدریس می‌شود، بلکه ساختمان این

مدرسه نیز اولین بنایی است که آغاز نفوذ



شکل ۱-۳- عکس از دارالخلافه ناصری از داخل بالن- در این عکس ارگ حکومتی در وسط، میدان مشق و میدان توپخانه

در سمت فوقانی و مسجد امام(شاه) در پائین عکس قرار دارد.

جدول ۱-۳- نفوذ معماری اروپائی در ساختمانهای شاخص عصر قاجاریه تا پایان دوره ناصرالدین شاه

نام ساختمان	سال احداث	تزئینات	عناصر	نما	منبع الهام	مقطع	مصالح	پلان
دوره سلطنت آقا محمدخان ۱۱۹۳-۱۲۱۱ ق.م								
-بازسازی عمارت دیوانخانه	۱۲۰۶	*						
-عمارت خروجی	۹-۱۲۱۶	*						
دوره سلطنت فتحعلیشاه ۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق.م								
-قصر قاجار	۱۲۱۳							
-کاخ نگارستان	۱۲۲۲-۲۶	*						
-مسجد امام (شاه)	۱۲۲۳-۴۰	*						
-مدرسه صدر		*						
-سردر بازار	۱۲۲۳-۲۸							
-کاخ سلیمانیه	۱۲۲۴	*						
-مدرسه خان مرودی	۱۲۳۰	*						
-کاخ لاله زار	-	*						
-عمارت بادگیر	-	*						
-کاخ الماس	۱۲۱۶	*						
دوره سلطنت محمدشاه ۱۲۵۰-۶۴ ق.م								
-مسجد حاج رجبعلی	۱۲۵۲-۶۲	*						
-خانه قوام الدوله	۱۲۵۳	*						
-امامزاده اسماعیل	۱۲۶۲							
-دروازه محمدیه	۱۲۶۲	*						

جدول ۱-۳-۱- نفوذ معماری اروپائی در ساختمانهای شاخص عصر قاجاریه تا پایان دوره ناصرالدین شاه

نام ساختمان	سال احداث	تزئینات	عناصر معماري	نمایما	منبع الهام	قطعه	مصالح	پلان
دوره سلطنت ناصرالدین شاه ۱۳۱۳-۱۲۶۴ق.								
- مدرسه دارالفنون	۱۲۶۶-۶۸	*		✓	✓	✓	✓	
- قصردوشان تپه	۱۲۶۹			✓	✓	✓	✓	
- قصر فیروزه	۱۲۶۹			✓	✓	✓	✓	
- عمارت نظامیه	۱۲۷۰-۷۱			✓	✓	✓	✓	
- مسجد مدرسه شیخ عبدالحسین	۱۲۷۰-۸۱			✓	✓	✓	✓	
- کاخ سلطنت اباد	۱۲۷۴-۱۳۰۵			✓	✓	✓	✓	
- باغ فردوس	۱۲۷۴			✓	✓	✓	✓	
- میدان اسبدوافنی	۱۲۷۸			✓	✓	✓	✓	
- خانه نظام الملک	۱۲۸۰-۱۳۰۰			✓	✓	✓	✓	
- شمس العماره	۱۲۸۲-۸۴			✓	✓	✓	✓	✓
- مسجد مدرسہ سپهسالار قدیم	۱۲۸۳				✓			
- بانک شاهی	۱۲۸۴ ?				✓			
- مسجد مدرسہ معیرالممالک	۱۲۸۴-۹۰				✓			
- میدان توپخانه	۱۲۸۴			✓	✓	✓	✓	
- دروازه های تهران	۱۲۸۴-۹۳			✓	✓	✓	✓	
- تکیه دولت	۱۲۸۵			✓	✓	✓	✓	

تبرستان  
www.tabarestan.info

جدول ۱-۳-نفوذ معماری اروپائی در ساختمانهای شاخص عصر قاجاریه تا پایان دوره ناصرالدین شاه

نام ساختمان	سال احداث	تزئینات	عناصر معماری	نمای	منبع الهام	قطع مصالح	پلان
-سفارت انگلیس	۱۲۸۶-۸۷	✓	✓	✓	✓	-	-
-مریضخانه دولتی	۱۲۹۰	✓	✓	✓	✓	-	-
-قصر عشرت آباد	۱۲۹۱	✓	✓	✓	✓	✓	✓
-عمارت گلستان	۱۲۹۱-۹۴	✓	✓	✓	✓	✓	✓
-عمارت معیر الممالک	۱۲۹۰ ?	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	✓
-کاخ سپهسالار	۱۲۹۳-۹۶	✓	✓	✓	✓	✓	✓
-قصر شهرستان	۱۲۹۴-۹۵	✓	✓	✓	✓	✓	✓
-عمارت مسعودیه	۱۲۹۵	✓	✓	✓	✓	✓	✓
-مسجد مدرس سه سالار(مطهری)	۱۲۹۶	✓	✓	✓	✓	✓	✓
-کاخ صاحبقرانیه	۱۲۹۷	✓	✓	✓	✓	✓	✓
-عمارت حرمخانه (اندرون)	۱۳۰۰	-	✓	✓	✓	✓	-
-مدرسه نظام	۱۳۰۱	✓	✓	✓	✓	✓	✓
-قصر یاقوت(سرخه حصار)	۱۳۰۲-۳	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓
-عمارت اندرونی (سرخه حصار)	۱۳۰۲-۳	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓
-سردر شمس العماره	۱۳۰۳	✓	✓	✓	✓	✓	✓
-قصر امیریه	۱۳۰۳-۴	✓	✓	✓	✓	✓	✓
-عمارت خوابگاه	۱۳۰۳-۴	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	✓

جدول ۳-۱- نفوذ معماری اروپائی در ساختمانهای شاخص عصر قاجاریه تا پایان دوره ناصرالدین شاه

نام ساختمان	سال احداث	ق.م	تزئینات	عناصر معماری	نمای	منبع الهام	قطعه	مصالح	پلان
- عمارت کامرانیه	بعد از ۱۲۹۵		✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	-	✓	-
- عمارت تلکرافخانه	۱۳۰۴-۹		✓	✓	✓				
- عمارت پارک اتابک	۱۳۰۴-۶		✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	✓✓	✓	✓
- ایستگاه راه آهن	۱۳۰۵		✓✓	✓✓	✓✓			✓	-
- امارت امین الدوله	آغاز سده ۱۴		✓✓	✓✓	✓✓	✓✓			
- کاخ ابیض	۱۳۰۶-۹		✓✓	✓✓	✓✓	✓✓		✓	✓✓
- کاخ ملیجک	۱۳۱۳		✓✓	✓✓	✓✓	✓✓		✓	✓✓

\* علامت اختصاری

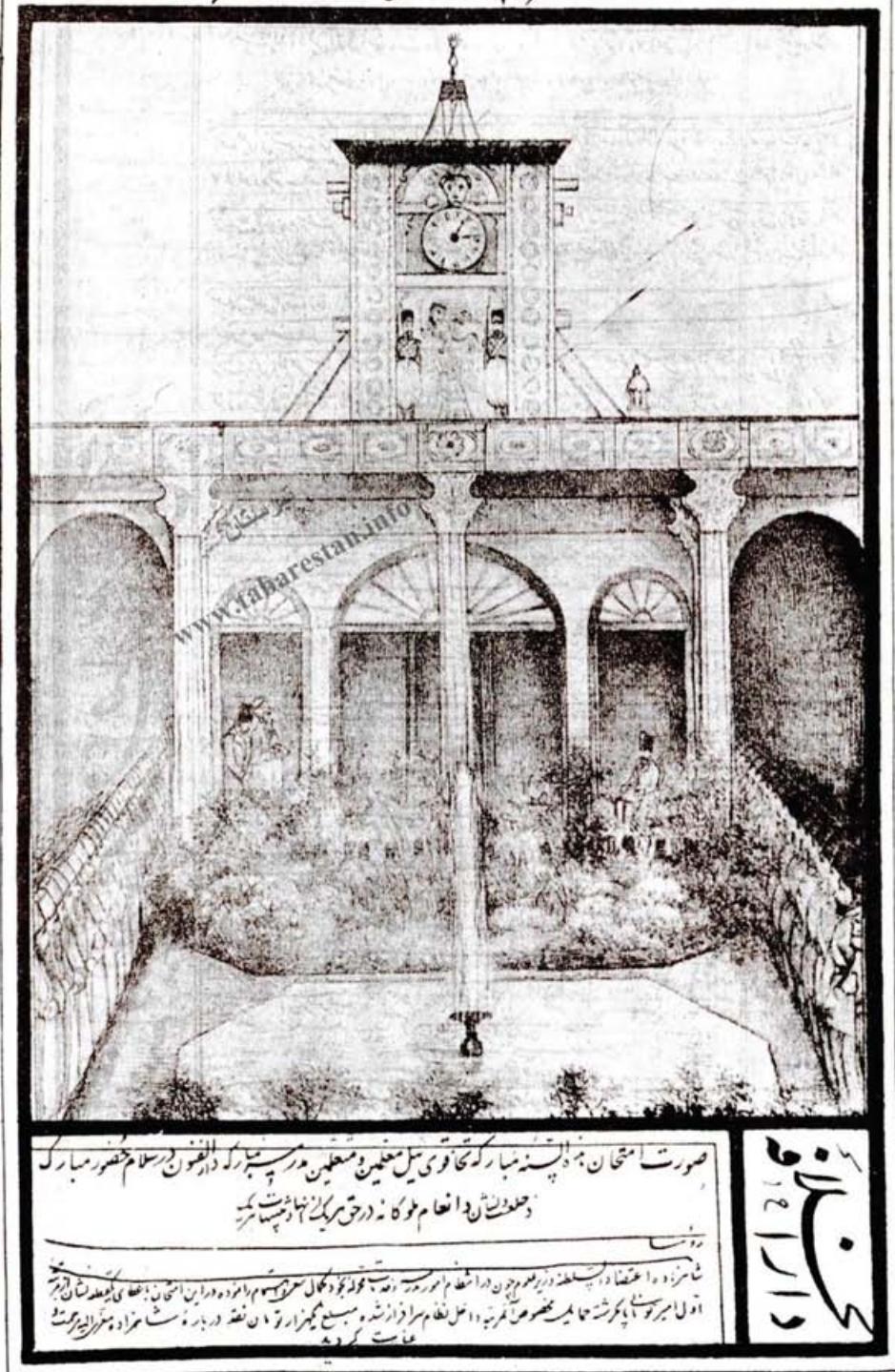
بدون علامت      اجرا شده بر طبق ضوابط الگوهای معماری سنتی ایران

-      عدم وجود اسناد و مدارک کافی

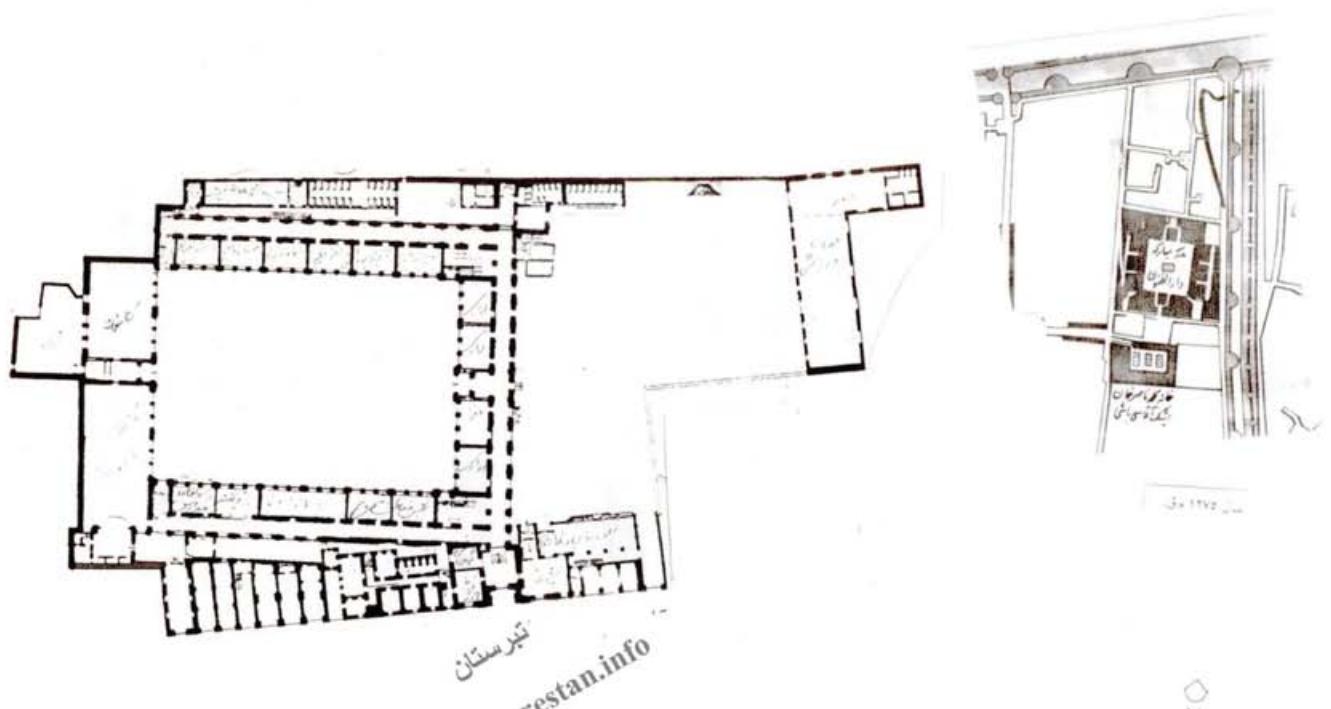
✓      معماری سنتی و معماری اروپائی

✓✓      تبعیت کامل از معماری اروپائی (عمدتاً نئوکلاسیک) بدون هیچگونه آثاری از معماری سنتی ایران.

# صورة متحف ملک



شکل ۳-۲- قوسهای رومی و سرستونهای فرنگی برای اولین بار در یک ساختمان مهم- دارالفنون - در تهران به نمایش درآمده است.



شکل ۳-۳- سایت پلان مدرسه دارالفنون در دوره ناصرالدین شاه - پلان سمت راست پلان مدرسه دارالفنون پس از انجام نوسازی و تغییرات در دوره رضا شاه - پلان سمت چپ



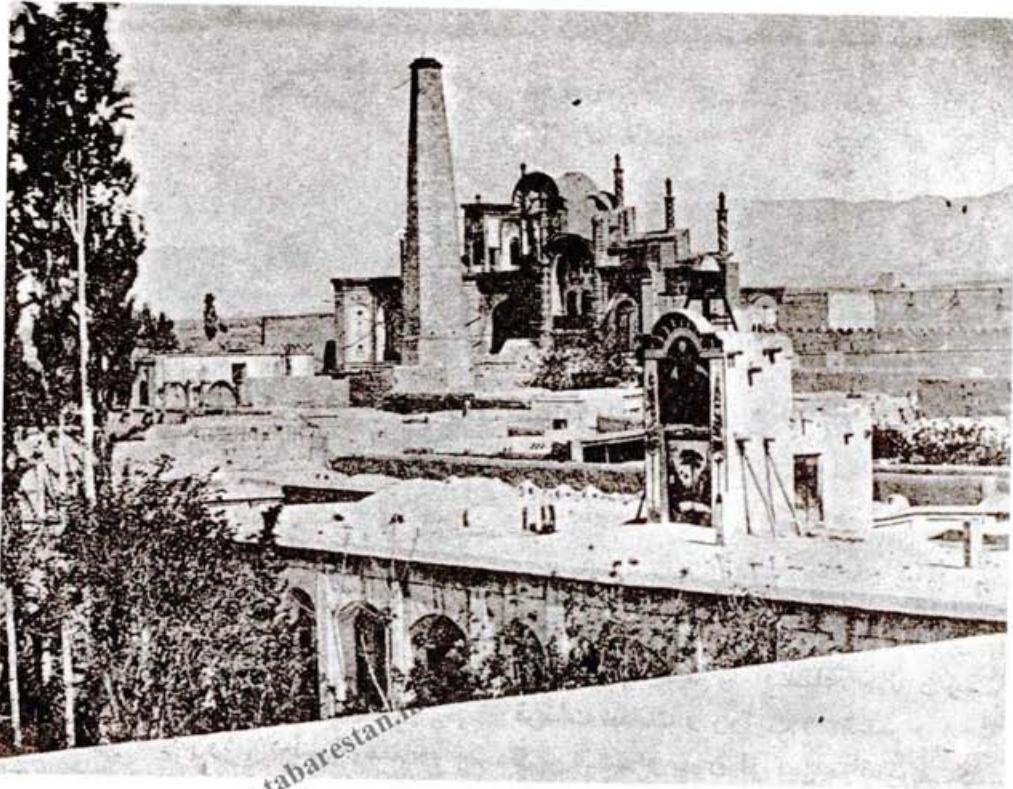
شکل ۴- بام شیبدار بر خلاف گنبد یا قوس و یا تیرچوبی و کاھگل، بر بالای مدرسه دارالفنون قرار دارد.



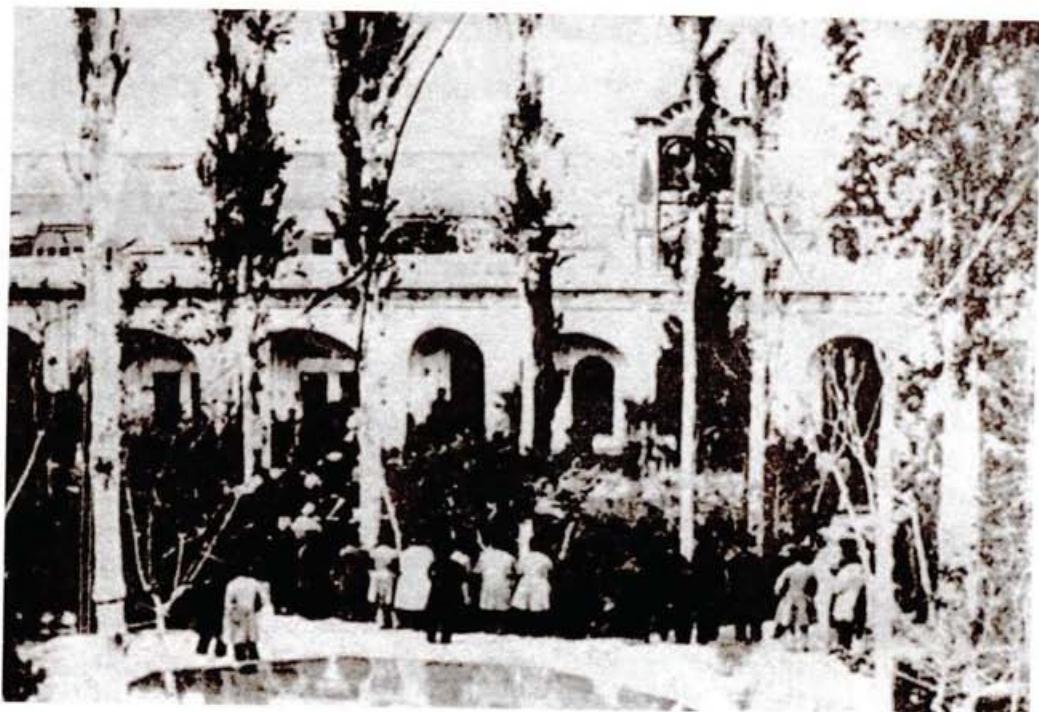
شکل ۳-۵- مدرسه دارالفنون همانند مدارس قدیمه به صورت حیاط مرکزی طراحی شده است ولی ظواهر معماری فرنگی بر بدنہ در اطراف حیاط نمود پیدا کرده است



شکل ۶-۳- دورنمای بخشی از تهران و بنا و حیاط مدرسه دارالفنون



شکل ۳-۷- تصویری از دروازه دولت جدید و مدرسه دارالفنون



شکل ۳-۸- حیاط مدرسه دارالفنون.



شکل ۳-۹- این عکس از بالای مدرسه دارالفنون گرفته شده است شمس‌العماری و نکیه دولتی در عقب عکس مشخص می‌باشد.



شکل ۳-۱۰- در این عکس همانند عکس قبل از درالفنون و ارگ حکومتی گرفته شده منتها این عکس در فصل زمستان برداشته شده است

«مدرسه دارالفنون را در عصر ناصری بنیان نهادند و استادان زبردست از اطربیش و فرانسه و آلمان برای تدریس بدانجا

فرخواندند. شاه سالی یکبار برای بازدید به مدرسه مذبور می‌رفت و شاگردان در حضورش از رشته‌های مختلف امتحان می‌دادند.<sup>(۲)</sup>

متهمفانه در هنگام بازسازی مدرسه دارالفنون در زمان رضاشاه کل نماهای این ساختمان تغییر شکل یافت و نمای کنونی دارالفنون به کلی متفاوت از آن چیزی است که در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده است. بازسازی این مدرسه توسط نیکلای مارکف، معمار گرجی تبار صورت گرفت. نمای فعلی این ساختمان شباهت بسیار زیادی به دبیرستان البرز (کالج آمریکایی) که نقشه آن نیز توسط مارکف کشیده شده، دارد. لذا یکی از ساختمان‌های مهم و کلیدی تهران که آغاز دوران جدیدی در معماری تهران را نوید می‌داد، دیگر جهت بررسی و مطالعه

به عبارت دیگر مدرسه دارالفنون آغاز آشنائی پایختنشینان با علوم جدید فرنگی و در عین حال با معماری سرزمین فرنگ است. این مدرسه توسط میرزا رضا مهندس باشی طراحی شد و توسط محمد تقی خان معمار باشی اجرا گردید.

«میرزا رضا مهندس باشی یکی از پنج محصلی است که در زمان فتحعلی‌شاه توسط عباس میرزا نایب‌السلطنه برای آموختن فنون مهندسی نظام و قلعه سازی به انگلستان فرستاده شد و در مدرسه نظامی وولویچ تحصیل کرد و به مناسبت رشته تخصصی خویش با معماری و فن ساختمان‌سازی آشنایی داشت. به همین علت امیرکبیر وی را مأمور طراحی و سرپرستی ساخت مدرسه دارالفنون کرد.»<sup>(۱)</sup>

ناصرالدین شاه شخصاً بر امور مدرسه دارالفنون نظارت داشت، چنانچه دوستعلی خان معیرالممالک می‌نویسد:

نمادی از معماری سنتی ایران در آنها دیده نمی‌شود، ساخته شده است. این ساختمان‌ها عمدتاً به شکل بنایی نئوکلاسیک اروپا احداث شده‌اند. جدول ۳-۲ ملاحظه شود.

با بررسی جدول ۳-۲ ملاحظه می‌شود اولین ساختمانی که به سبک کلاسیک کاملاً فرنگی احداث شد، قصر یاقوت (۱۳۰۲-۱۳۰۳ق.ق.)، واقع پیر سرخ‌خیار در شمال شرقی تهران بود. ساختمان قصر یاقوت همچون کاخ‌ها و ویلاهای فرنگی، یک ساختمان مکعب مستطیل شکل، با بام شیبدار فلزی و بالکن در چهار طرف آن بود.

از ستون‌های شبه آیونیک و قوس‌های نیم‌دایره در سمت بیرونی بالکن‌ها استفاده شده بود و بر روی محور در ورودی اصلی، یک پلکان عریض سه طرفه- همانند کاخ‌های فرنگستان- در داخل ساختمان قرار داشت.

اگرچه مصالح به کار رفته در این بنا برای دیوارها، آجر و برای ستون‌ها چوب و گچ بود، ولی معمار ظاهر ساختمان را همانند قصرهای

وجود ندارد و فقط باید به عکس‌ها و گزارشات و آنچه که از این بنای تاریخی بجای مانده اکتفا نمود.

با مشاهده تصاویر باقی‌مانده از عصر ناصری این گونه استنباط می‌شود که در اکثر قریب به اتفاق ساختمان‌های شاخصی که در زمان این پادشاه در تهران ساخته شد، ظواهر معماری غرب همچون قوس نیم‌دایره، سقف شیبدار، ستون‌های فرنگی، سنتوری، بالکن، نردہ به شکل صراحی و پله در محور ساختمان پدیدار گشته است.

نکته قابل توجه در مورد این ساختمان‌ها این که تقریباً در تمامی آنها معماری فرنگی با معماری ایرانی تلفیق شده و به همین جهت در این کتاب از سبک تلفیقی (تلفیقی از معماری فرنگی و ایرانی) برای توصیف این ساختمان استفاده شده است.

در دهه آخر سلطنت ناصرالدین شاه، ساختمان‌هایی کاملاً به ظاهر فرنگی که هیچ‌گونه

با توجه به مطالب ذکر شده، قصر یاقوت، اولین ساختمان در تهران است که در آن هیچ‌گونه آثاری از معماری سنتی ایران دیده نمی‌شود. این بنا کاملاً برطبق الگوهای فرنگی طراحی شده بود.

اروپایی-که عمدتاً با سنگ اجرا می‌شدند- به ظاهر سنگ در آورده بود. لذا اطراف بازشوها به نظر می‌آید که سنگ‌چینی شده و ستون‌های چوبی نیز با ملات سفید گچ، به صورت ستون‌های سنگی نمایش داده شده است.



شکل ۱۱-۳- عمارت قصر یاقوت از سمت سردر عکس افتاده شده در چهارم ربیع الثانی سال ۱۳۱۲ ه.ق.



شکل ۱۲-۳- عمارت قصر یاقوت در سرخه حصار است، در ۴ ربیع الثانی سال ۱۳۱۲ ه.ق. عکس افتاده است.



شکل ۱۳-۳- نمای جانبی قصر یاقوت

بود. متأسفانه عمارت اندرونی، عمارت خوابگاه و دروازه ورودی عمارت خوابگاه کاملاً از بین رفته است و اثری از آنها بجز چند قطعه عکس باقی نمانده است.

نکته دیگری که از جدول ۱-۳ استنباط می‌شود این است که در روند گرایش به سمت معماری غرب، نخست آنچه که به چشم می‌آید مانند تزئینات، <sup>گلزار</sup> <sup>www.tabarestan.ir</sup> غنیمتی از معماری و نما تحت تأثیر معماری عربی قرار گرفت و آنچه که به چشم نمی‌آید مانند مقطع، مصالح و نهایتاً پلان، به ترتیب در مراحل بعدی تحت تأثیر معماری آن سرزمین واقع شد.

در اینجا باید اشاره نمود که در این دوره ساختمان‌های عامه مردم کماکان به همان صورتی ساخته می‌شد که در سابق بوده است. سقف‌های چوبی و کاهگلی، دیوارهای خشتی یا گلی، حیاط مرکزی، بیرونی و اندرونی و قوس‌های جناغی، شکل و کالبد این ساختمان‌ها را تشکیل می‌داد. لذا همچنان که

در حال حاضر قسمت اداری بیمارستان شهید لواسانی در این قصر قرار دارد. متأسفانه در سال‌های اخیر قصر یاقوت به صورت نامناسبی مرمت و بازسازی شد و بدین جهت بسیاری از خصوصیات قبلی در اثر این بازسازی از بین رفته است.

ناصرالدین شاه علاوه بر قصر یاقوت، عمارت اندرон را در یکصد ذرعی قصر یاقوت احداث نمود. این بخش از مجموعه کاخ‌های سرخه حصار کاملاً درون‌گرا و به صورت حیاط مرکزی ساخته شده بود و همچون خانه‌های قدیمی ایران، هیچ دیدی از بیرون نداشت. ولی نماهای اطراف حیاط مرکزی به تقلید از ستون‌ها و قوس‌های فرنگی انجام شده بود. در بین قصر یاقوت و عمارت اندرон، عمارت خوابگاه قرار داشت. این عمارت محل استراحت ناصرالدین شاه به اتفاق زنان حرمخانه بود. عمارت خوابگاه به صورت تلفیقی از تزئینات ایرانی و قوس‌ها و ستون‌های فرنگی احداث شده

اهالی دارالخلافه را در مقابل مهاجمان محافظت می‌کند. حصاری مرتفع‌تر در اطراف ارگ حکومتی است که فرمانروایان و فرادستان را در مقابل مهاجمان خارجی و داخلی محفوظ دارد. شهر از چهار محله مشخص به نام‌های عودلاجان، سنگلچ، چاله میدان و بازار تشکیل شده است. این محلات در عین این که هر کدام خصوصیات اجتماعی خود را دارند و از لحاظ فرهنگی، قومی و اقتصادی تا حدودی متفاوت از یکدیگر می‌باشند، از طریق راسته‌های طویل و غیرمنظم به یکدیگر مرتبط هستند. مهم‌ترین راسته شهر، راسته‌ای است که از دروازه شاه عبدالعظیم شروع شده و به ارگ ختم می‌شود.

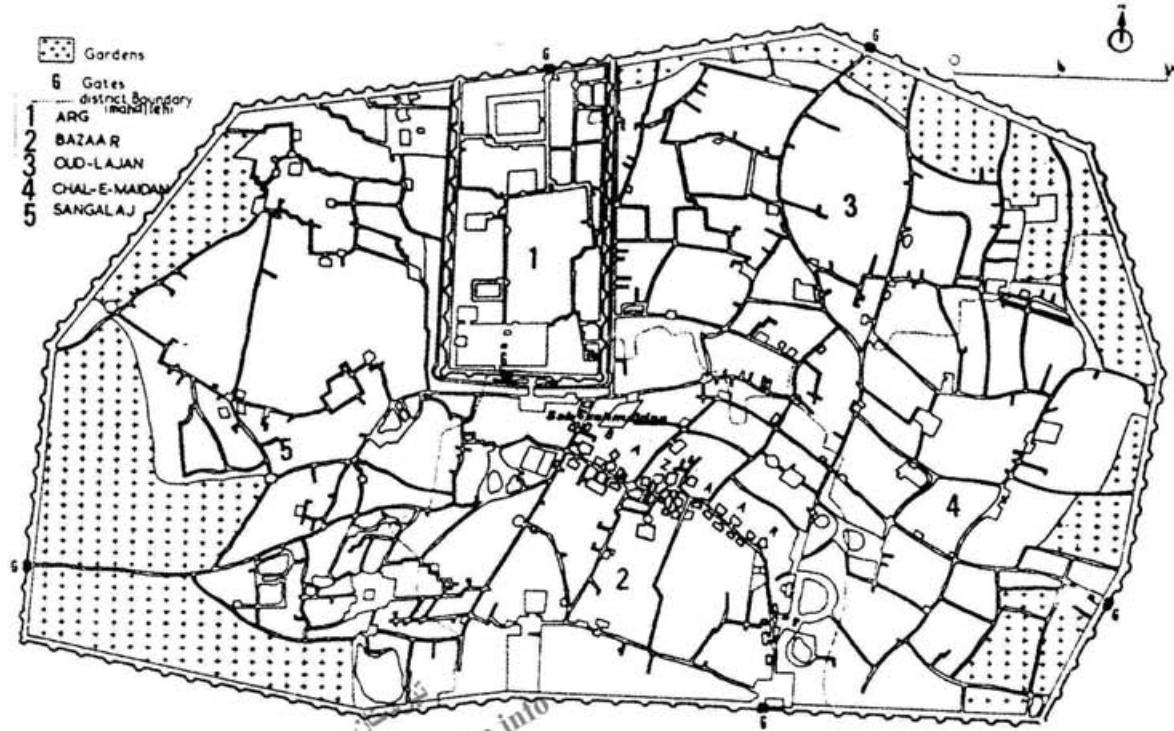
بازار اصلی شهر و مهم‌ترین ساختمان‌های مذهبی، آموزشی، خدماتی و تجاری در مجاور این راسته قرار دارد. به طور کلی راسته‌های شهر طویل، غیر منظم و باریک هستند که از خصوصیات شهرهای سنتی ایران در اقلیم گرم و خشک است.<sup>(۴)</sup>

جامعه از نظر ذهنی دو قطبی شد، و درباریان و فرادستان به سمت شیوه‌های زندگی غربی تمایل پیدا کردند و مردم عادی کماکان در چارچوب هنجرهای سنتی به زندگی ادامه دادند، معماری پایاخت نیز دو قطبی گردید. ساختمان‌های ساخته شده برای قشر مرغه جامعه هرچه بیشتر به سمت معماری فرنگی گرایش پیدا کرد ولی ساختمان‌های مردم عادی فرق چندانی با ساختمان‌های پدران و نیاکان آنها نداشت.

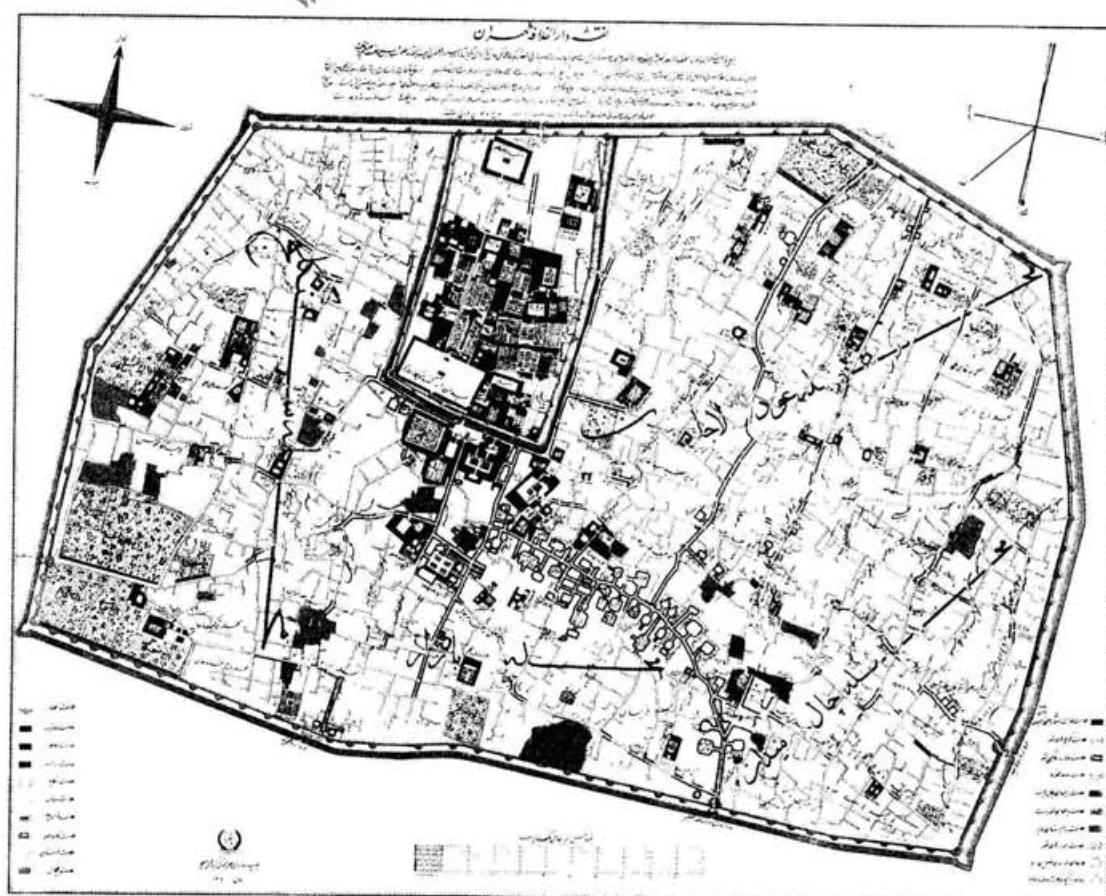
### ۱- نقشه‌های شهر تهران

در زمان ناصرالدین شاه در سه نوبت از شهر تهران نقشه تهیه گردید.

نقشه اول توسط الیانیکولا یویچ برزین<sup>(۵)</sup> نقشه‌نگار و خاورشناس روس تبار در سال ۱۲۶۹ هجری قمری (۱۸۵۲ میلادی) انجام شده است. این نقشه نمودی از یک شهر سنتی ایران اسلامی در منطقه گرم و خشک کشور است. یک حصار بزرگ در گرداب‌گرد شهر قرار دارد که



شکل ۱۴-۳- نقشه شهر تهران محصور در حصار طهماسبی سال ۱۲۶۹ هـ.ق. (۱۸۵۱ میلادی) توسط الیا نیکولاویچ بربین



شکل ۱۵-۳- نقشه تهران کشیده شده توسط مسیواگوست کریشیش در سال ۱۲۷۵ هـ.ق (۱۸۵۸ میلادی)

نقشه سوم که دقیق‌ترین نقشه عصر ناصری

است و جزئیات بیشتری از بافت قدیم و جدید

شهر را نشان می‌دهد توسط عبدالغفارخان

نجم‌الملک، معلم علوم ریاضی در مدرسه

دارالفنون و شاگردانش تهیه شده است. این

نقشه یک سال پس از آغاز توسعه شهر تهران

یعنی سال ۱۲۸۵ هجری قمری (۱۸۶۸ میلادی)

شروع و در سال ۱۳۰۹ هجری قمری (۱۸۹۰ میلادی) <sup>تیر</sup> <sup>پذیرفته</sup> <sup>www.tabarestan</sup> <sup>fo</sup> پایان یافت.

در نقشه عبدالغفارخان،

دارالخلافه تهران در محدوده حصار جدید

ناصری نشان داده شده است. در این نقشه

حصار طهماسبی تخریب شده و جای آن را

خیابان‌های جدیدالاحداث گرفته است. نکته جالب

توجه تفاوتی است که بین بافت قدیم (در

محدوده حصار طهماسبی) و بافت جدید (بین

حصار طهماسبی و حصار ناصری) وجود دارد.

بافت قدیم کماکان به صورت متراکم با گذرهای

باریک و نامنظم باقی مانده است. ولی بافت

جدید، خصوصاً در محله جدید دولت در شمال

نقشه دوم توسط مسیو اکوست کریشیش<sup>(۵)</sup>

atreishi در سال ۱۲۷۵ هجری قمری (۱۸۵۸)

میلادی) تهیه شده است. وی سرتیپ ارتش و

معلم تپخانه در مدرسه دارالفنون بود. این

نقشه با همکاری ذوالفقاربیک و محمدتقی‌خان از

شاگردان وی در مدرسه دارالفنون انجام

می‌شود. نقشه جدید با دقت بیشتری تهیه شده و

جزئیات کامل‌تری از کوچه‌ها و قسمت‌های

مختلف شهر نشان می‌دهد. در این نقشه کلیه

ساختمان‌های ارگ کشیده شده است.

بارزترین تفاوت این نقشه با نقشه قبلی، کاهش

مساحت باغ‌های حاشیه شهر است که به خاطر

افزایش جمعیت به مناطق مسکونی تبدیل شده

است. در این نقشه هم مانند نقشه قبلی، شهر از

چهار محله به علاوه ارگ تشکیل شده و

مهمنترین راسته شهر همچنان بازار است. دو

میدان مهم شهر، میدان ارگ و سبزه میدان

هستند که در حد فاصل ضلع جنوبی ارگ و

انتهای شمالی راسته بازار قرار دارند.

طرح‌های شهری جدید فرانسه نباشد. همچنین باید اضافه نمود که با وجود درشکه‌ها و کالسکه‌های جدید که هر روز تعداد آنها بیشتر می‌شود، و همچنین واگن اسبی، تهران جدید نیاز مبرم به خیابان‌های مستقیم، عریض و سنگفرش شده داشته تا عبور و مرور با این وسائل حمل و نقل نواظهور میسر شود. البته <sup>۱۰</sup> نفوذ ناصرالدین شاه و بسیاری از اشراف و امرا از شهر پاریس دیدن کرده بودند و امتیازات مختلف این نوع خیابان‌کشی جدید را از نزدیک دیده بودند.

در بافت جدید دارالخلافه، بخش شمالی آن دارای اهمیت بود زیرا در سمت شرق و غرب شهر بیشتر مزارع و باغات قرار داشتند و در سمت جنوب نیز مزارع، باغات و کوره‌های آجرپزی واقع بودند. لذا بخش شمالی بافت جدید که از آلودگی کوره‌های آجرپزی به دور بود و مجاور ارگ حکومتی و رو به مناطق بیلاقی البرز قرار داشت، مورد توجه اقشار مرتفه

دارالخلافه دارای تراکم کمتری است و خیابان‌ها به صورت مستقیم با عرض بیشتری کشیده شده است. لذا بافت جدید دیگر در چارچوب خصوصیات بافت شهرهای سنتی ایران قرار ندارد و بیشتر شباهت به طرح‌های شهری هوسمان <sup>(۱۱)</sup> در پاریس دارد. هوسمان بین سالهای ۱۸۵۳-۱۸۷۰ میلادی در زمان ناپلئون سوم <sup>(۱۲)</sup> (هم عصر ناصرالدین شاه) تغییرات بنیادی در پاریس به وجود آورد که بازترین نمود آن خیابان‌های مستقیم و عریض بود که نقاط کلیدی شهر را به یکدیگر مرتبط می‌کرد. در این که طرح جدید تهران مستقیماً تحت تأثیر طرح‌های هوسمان در پاریس بوده سند معتبری وجود ندارد و لذا با اطمینان نمی‌توان در این مورد حکم داد. ولی باید توجه داشت که طرح دارالخلافه ناصری توسط ژنرال بوهلر <sup>(۱۳)</sup> استاد فرانسوی علوم نظامی در دارالفنون و تعدادی از مهندسان ایرانی کشیده شد. لذا طرح دارالخلافه نمی‌توانست تحت تأثیر



شکل ۲-۱۶- نقشه دارالخلافه ناصری که توسط عبدالغفارخان نجم الملک بین سالهای ۱۳۰۹-۱۲۸۵ هـ (۱۸۶۸-۱۸۹۰ میلادی) کشیده شده است.

قرار داشتند. در ابتدا توپهای جنگی و توپچی‌ها در میدان ارگ مستقر بودند و این میدان به نام میدان توپخانه معروف بود.

«ضلع شمالی حصار ارگ تهران بیش از آن که میدان توپخانه جدید در سال ۱۲۸۴ هجری قمری احداث گردد، به خندق و بیابان بیرون شهر منتهی و وصل بود. چون در سال مذکور

شده توسعه<sup>۱۰</sup> یافت و باروهای قدیمی ویران شد و خندق‌ها از خاک انباشته گردید. بیابان شمالی ارگ به میدان بزرگ مربع مستطیلی تبدیل شد و محل استقرار توپها و توپچی‌ها گردید و در مقابل میدان توپخانه قدیم (میدان ارگ) به نام میدان توپخانه جدید شهرت

یافت.»<sup>(۱)</sup>

اعتمادالسلطنه در مورد این میدان می‌نویسد: «و دیگر میدان توپخانه مبارکه است که در شمال ارگ مبارک با نهایت وسعت و عظمت و اهمیت مشتمل بر دو طبقه از حجرات تحتانیه برای نهادن نمونه توپهای سوار و فوکانیه

پایتحت و همچنین اروپائیان ساکن تهران قرار می‌گیرد.

نقطه ثقل بافت جدید در شمال شهر، میدان جدید توپخانه بود. این میدان با توجه به این که هم‌جوار ضلع شمالی ارگ بود و کلیه راه‌های مهم شمال شهر به آن مرتبط بودند، دارای اهمیت کلیدی در توسعه دارالخلافه بوده است. در عصر ناصری و همچنین در دوره‌های بعدی، این میدان به صورت کانون تحولات جدید و نوظهور در شهر تهران در می‌آید. با توجه به نقشه‌ها، عکس‌ها و گزارشات تاریخی از میدان توپخانه، سیر این تحولات در این قسمت بررسی و تحلیل خواهد شد.

## ۲- میدان توپخانه

همان‌گونه که عنوان شد، در تهران تا قبل از احداث میدان توپخانه جدید، دو میدان مهم شهر، سبزه میدان و میدان ارگ بودند که اولی در جنوب و دومی در جنوب غربی ارگ حکومتی

نیم ستون‌های چسبیده به عمارت به سبک دوریک، قوس‌های ساختمان به صورت نیم‌دایره رومی و نرده‌های بالای ساختمان به شکل نرده‌های دوره رنسانس ساخته شده بودند.

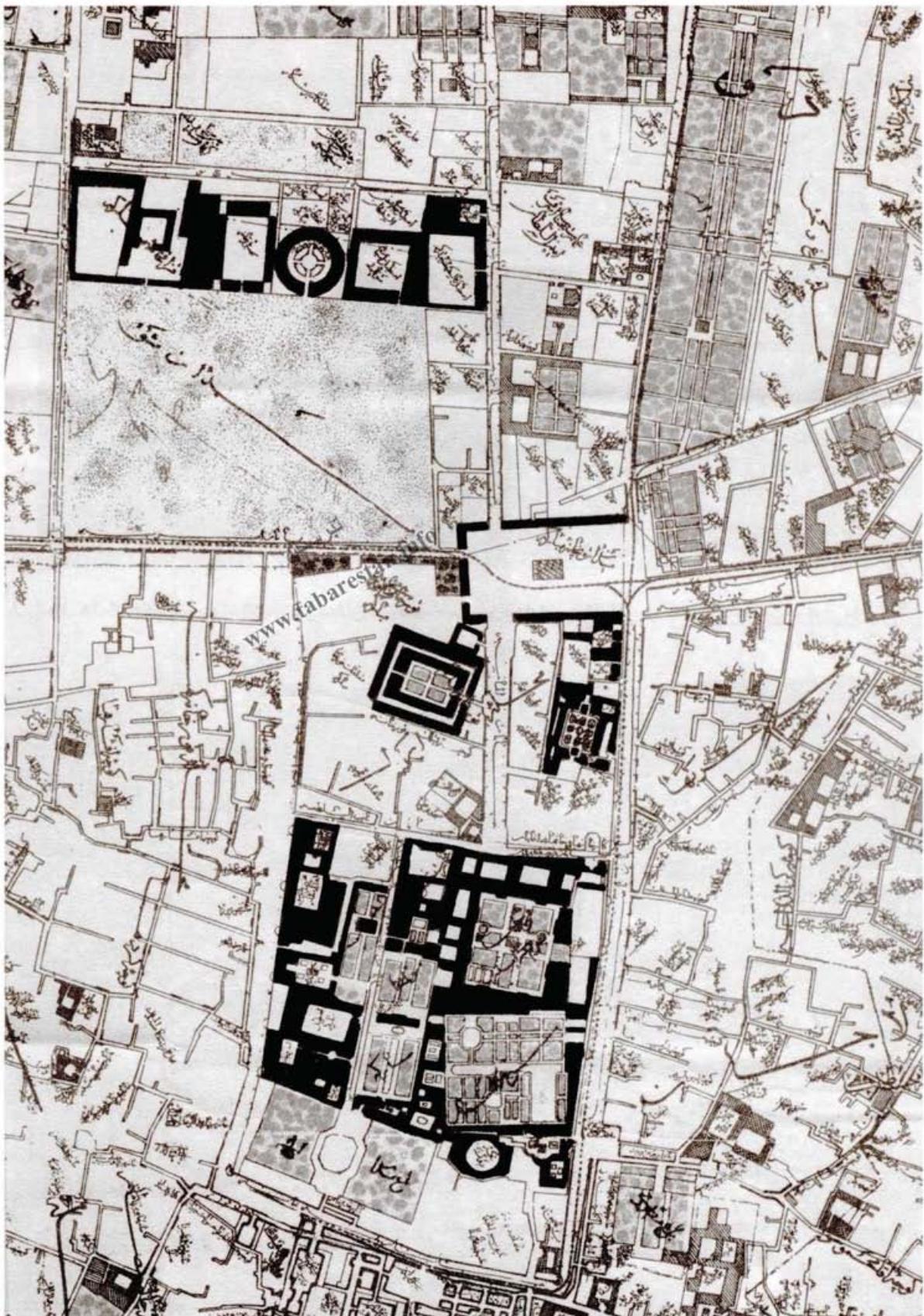
نکته دوم این که در اکثر قریب به اتفاق شهرهای سنتی ایران بر بدنه میدان، همواره یک مسجد و بازار و یا بازارچه قرار دارد و یکی از مهم‌ترین <sup>عملکردهای اصلی</sup><sub>میدان</sub>، عملکرد مذهبی آن بوده است.

میادین موجود در مراکز محلات شهرهای قدیمی ایران نیز دارای یک مسجد، بازارچه، و غالباً یک حسینیه، حمام و آب انبار بوده‌اند. نام اکثر این میدان‌ها تکیه یا حسینیه بوده که مهم‌ترین مراسمی که در آنها برگزار می‌شده دهه عاشورا بوده است<sup>(۱۲)</sup>. ولی عملکرد اصلی میدان تپخانه، محل نگهداری ادوات مدرن جنگی بوده و یکی از نهادهای مدرن یعنی بانک بر بدنه این میدان تکیه زده بوده است.

برای سکونت تپچیان حاضر رکاب به دست جناب جلالت مآب محمد ابراهیم خان وزیر نظام انجام گرفت و اختتام پذیرفت.<sup>(۱۰)</sup>

جهت طولی این میدان سمت شرقی، غربی داشت که دور تا دور آن را بنایی به ارتقای دو طبقه احداث می‌کنند. طبقه زیرین مخصوص نگهداری تپه‌های جنگی و طبقه دوم منزل تپچی‌ها بود. تنها ساختمانی که مجاور این میدان قرار داشت، بانک شاهی<sup>(۱۱)</sup> بود که عمارت اصلی آن توسط میرزا قهرمان امین لشکر وزیر گمرکات ناصرالدین شاه احداث گردیده بود.

نکته حائز اهمیت در طرح اولیه این میدان این که، اگرچه میدان به صورت یک حیاط مرکزی مانند سایر میادین شهرهای قدیمی تهران ساخته شده، ولی در طرح نمای ساختمانهای اطراف آن از سبک نئوکلاسیک رایج در غرب استفاده گردیده، که با سه دری‌ها و تزئینات ایرانی تلفیق شده بود.



شکل ۱۷-۳- نقشه شمال دارالخلافه ناصری در سال ۱۳۰۹ ه.ق. - ارگ حکومتی، میدان مشق، میدان توپخانه و شش خیابان مرتبط به این میدان در این نقشه مشخص است.



شکل ۳-۱۸- عکس از بانک شاهی در میدان توپخانه- سر در خیابان چراغ کاز در سمت راست بانک قرار دارد.



شکل ۳-۱۹- عکس از میدان توپخانه - در بالای میدان سر در خیابان لاله زار قرار دارد در سمت راست عکس بانک

شاهی و سر در خیابان چراغ کاز واقع است.

است و هر شب چراغ می‌سوزد و روشن  
می‌باشد. شش دروازه و سه در دارد که هر یک  
به کوچه‌های معروف وسیع می‌رود...»

در سمت شمال میدان دو خیابان یکی به نام  
لاله‌زار در شرق ضلع شمالی و دیگری خیابان  
علاءالدوله (فردوسی فعلی) در سمت غرب ضلع  
شمالی قرار داشتند. در سمت جنوب میدان در  
مقابل خیابان لاله‌زار، خیابان ناصری و در  
مقابل خیابان علاءالدوله خیابان الماسیه (باب  
همایون) قرار داشت. در سمت شرق میدان  
خیابان چراغ گاز (خیابان چراغ برق- خیابان  
امیرکبیر فعلی) و در سمت غرب خیابان  
مریضخانه (خیابان سپه- خیابان امام خمینی  
فعلی) قرار داشته است.

کار تکمیل این میدان و اجرای شش دروازه بر  
سر شش خیابان متصل به آن ده سال طول  
کشید و در سال ۱۲۹۴ هجری قمری پایان  
پذیرفت.

ویلیام جکسن، جهانگردی که در سال ۱۳۲۱

اعتمادالسلطنه در مورد میدان جدید تپخانه در  
روزنامه ایران مورخ ۱۲۹۴ هجری قمری  
می‌نویسد:

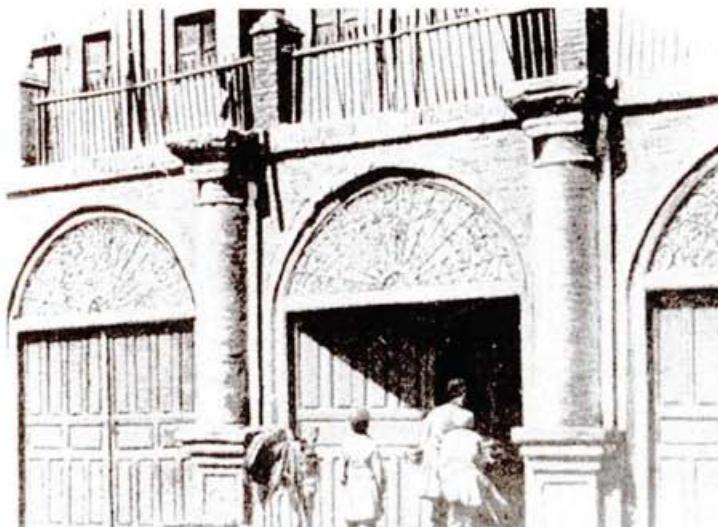
«دیگر بناهای بسیار معترض و با زینت میدان  
تپخانه جدید می‌باشد که چند سالی است  
مشغول به ساختن آن بودند و امسال به اتمام  
رسیده و توپچیان ساخلو تهران از  
صاحب منصب و تابین از میدان تپخانه قدیم  
که باع شده به این محل نقل و تحويل نمودند.  
این میدان مربع بسیار وسیع و همه از آجر  
ساخته شده است، دو مرتبه و یک مهتابی  
دارد، مرتبه بالا و مهتابی‌ها جای نشین  
توپچی‌ها است که همه درها از آغشته و  
شیشه می‌باشد و اتاق‌های بخاری دار بسیار  
خوب دارد.

در مرتبه تحتانی تپه‌ایی که خارج از انبار  
دیگر است چیده شده و حوض و دریاچه  
بزرگی در وسط این میدان بنا کرده‌اند که دائم  
آب جاری دارد، اطراف صحن میدان سنگ فرش

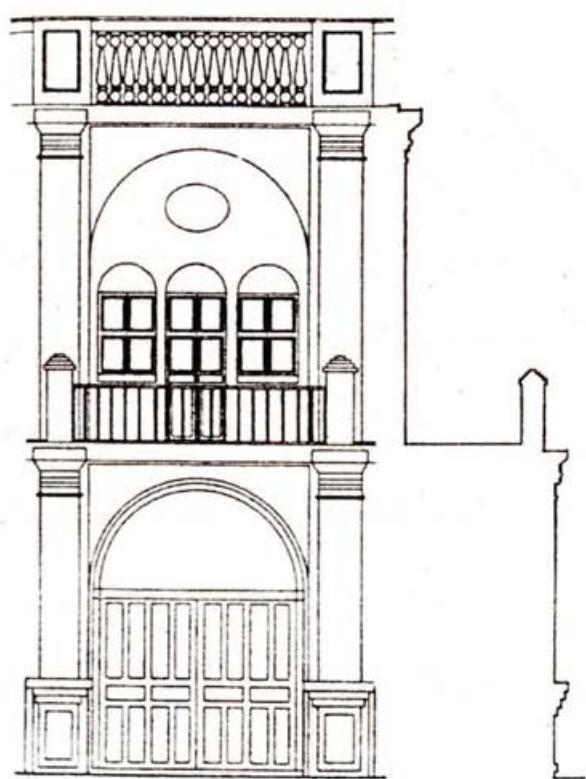
ایرانی و فرنگی دارد واقع شده و خیابان عمدۀ شهر که علاءالدole (فردوسی) نامیده می‌شود از شمال میدان می‌گذرد. سفارتخانه‌های خارجی در این خیابان قرار دارند... دروازه‌هایی که در مدخل چند خیابان کاشی‌های درخشان و خیال‌انگیز و تماشایی هستند. چشمگیرترین این دروازه‌ها، سر در

هجری قمری در زمان مظفرالدین شاه از تهران دیدن می‌کند در مورد میدان توپخانه می‌نویسد: «این میدان در حدود ۲۷۵ متر طول و ۱۳۷ متر عرض دارد. سطح آن را قلوه سنگ پوشانده، حوض بزرگی که با نرده‌های آهنی محصور است در میان آن قرار دارد و در اطراف آن توپ‌های قدیمی ردیف کرده‌اند. در شرق میدان، بانک شاهی که سبکی مختلط از معماری

تبرستان  
همیتد. چشمگیرترین این دروازه‌ها، سر در  
الناسیه است.»  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)



شکل ۳-۲۱- عکس از بدنۀ میدان توپخانه - طبقه پائین محل استقرار توپها و طبقه بالا محل اسکان توپچی‌ها بوده است



شکل ۳-۲۰- نما و مقطع بدنۀ میدان توپخانه

سنگفرش گردیده و هیچ وقت تعمیر و مرمت نمی‌شود و هر قدم پای انسان در چاله فرو می‌رود و یا به سنگ برمی‌خورد. شبها هم از ساعت هشت به بعد عبور با وسایط نقلیه از این میدان و سایر معابر خالی از خطر نیست. در وسط میدان یک باغچه با یک حوض مربع ساخته شده... در طرف راست میدان، جلوی باغچه دو <sup>تپه</sup> تپه‌ای مختلف‌الجثه برنز قدیمی قرار داده‌اند. ولی این آلات و ادوات آتشبار و مرگ‌آور در اینجا تولید رعب و دهشت نمی‌کنند، بلکه منظره آن بیشتر موجب تأثیر خاطر و رقت قلب می‌شود...

قابل ذکر است که دروازه‌های میدان در اوآخر شب بسته و سحرگاهان باز می‌شدن. مادام ا. س. و لفسن بانویی روس تبار در سال ۱۲۲۷ هجری قمری در زمان حکومت مستبدانه محمد علی‌شاه کتابی با عنوان ایرانیان در گذشته و حال به زبان روسی چاپ می‌کند. وی در این کتاب در مورد میدان توپخانه می‌نویسد: «میدان توپخانه، میدان عمومی و عمده شهر تهران است. در هر طرف میدان اینکه دو طبقه و رنگ شده امتداد یافته و متعلق به سربازخانه‌های نظامی است. سطح میدان خیلی ناهموار است. با سنگ‌های مختلف



شکل ۳-۲۲- عکس هوایی از قسمت شمالی شهر تهران - میدان مشق و خیابان مریضخانه در بائین آن در این عکس مشخص است

تپخانه به فروش می‌رسد، کالاهایی فرنگی و  
جديد است.

در سمت جنوب میدان در قسمت شرقی آن  
دروازه ناصری قرار داشت که محل تلاقی  
خیابان ناصریه با میدان تپخانه بود. در  
روزنامه ایران شماره ۴۷، سال ۱۲۸۸ هجری  
قمری در مورد این خیابان چنین آمده است:  
تپخانه ساختن خندق شرقی ارگ در سال ۱۲۸۵  
هجری قمری به اتمام رسید و ضمن ساختن  
حصار و خندق جدید در دوره دارالخلافه  
ناصری یا تهران جدید، این قسمت را تبدیل به  
خیابان کردند و به نام ناصرالدین شاه آن را  
خیابان ناصریه نامیدند و در همین سال در  
انتهای خیابان دروازه‌ای به نام دروازه  
ناصری ساخته شد که گاهی به علت وجود  
شمس‌العماره در این خیابان به آن دروازه  
خیابان شمس‌العماره نیز می‌گفتند».

این خیابان پس از احداث به صورت یکی از  
مراکز مورد توجه مردم درمی‌آید و مغازه‌های

بعضی از ادارات و مؤسسات دولتی هم در  
همین میدان واقع گردیده؛ منجمله: پست،  
تلگراف، نظمه و بانک انگلیس.

در گوشه‌ای هم قصر سلطنتی و شاهنشاهی  
ایران واقع شده. از پشت دیوارهای بسیار بلند  
که مقرب اقامت شاهنشاه ایران را محصور  
داشت، قسمت فوقانی قصر نمایان است؛ که با  
میله‌های باریک و الوان و کاشی‌کاری مزین  
شده است.»<sup>(۱۴)</sup>

همچنان که عملکردهای مختلف صورت گرفته  
در میدان تپخانه نو ظهور بود، عملکرد  
خیابان‌های مرتبط با آن نیز به نوعی نو ظهور  
بود. در اکثر خیابان‌ها و اگن اسبی که توسط  
بلژیکی‌ها در ایران تأسیس شده بود به نقل و  
انتقال مسافران مشغول بود. اکثر ساختمان‌های  
جدید مانند سفارتخانه‌ها، پاساژها، مریض‌خانه  
و مدرسه فرنگی در این خیابان‌ها قرار داشتند.  
نکته قابل توجه این که تا به امروز اکثر قریب به  
اتفاق کالاهایی که در این خیابان‌ها و خود میدان

طرف راست کوچه دکاکین و خانه‌های مردم

است و طرف چپ دیوار قلعه ارگ، در آخر

منتهی می‌شود به سر در و درب مدرسه

مبارکه دارالفنون و آن طرف سر در عمارتی

است که تازه بنا نهاده‌اند.

تحتانی این عمارت دواخانه‌ای است مشتمل هر

قسم و هر جور دواهای ایرانی و فرنگی و

لواسازی معتبر <sup>لبرستا</sup> در اینجا حاضر هستند.

مرتبه فوقانی آن لبراتوار و عکاسخانه عامه

است که هر کس بخواهد عکس خود را بیندازد

می‌رود آنجا و عکاسان ایرانی در کمال مهارت

مشغول کار می‌شوند و همه روزه جمعیتی از

عموم مردم به این مکان آمده برای تحصیل

دواها و ادویه‌جات و انداختن عکس حاضر

می‌باشند.»<sup>(۱۵)</sup>

در منتها علیه شمال غرب این خیابان عمارت

تلگرافخانه قرار داشت که آن نیز نهادی

نوظهور در این دوره محسوب می‌شود.

جدید با ارائه محصولات و خدمات جدید در کنار

آن شکل می‌گیرد. چنانچه اعتماد‌السلطنه در سال

۱۲۹۴ در روزنامه ایران می‌نویسد:

«وسط کوچه محل عبور کالسکه و سوار و

جبین محل عبور عابر پیاده است. چراغ‌های

چودنی در طرفین نصب است که همه شب

روشن می‌باشد، و صبح و عصر محل گردش

عامه است و از هر طبقه مردم در آنجا الی سه

ساعت از شب رفته مشغول گردش هستند.



شکل ۳-۲۳- نمای جنوبی سردر دروازه دولت جدید

در جنوب بانک شاهی واقع بود. این خیابان به خاطر وجود کارخانه گاز در ابتدای آن به این اسم نامیده می‌شد. این کارخانه عمدتاً روشنایی خیابان ناصریه و مجموعه ارگ را تأمین می‌کرد. دروازه خیابان لاله‌زار در شمال میدان توپخانه واقع بود. در زمان فتحعلی شاه در این محل باع

«و دیگر تلگرافخانه مبارکه است که در ضلع مابین شرق و شمال قلعه ارگ مبارک و از سمت شمال به میدان توپخانه واقع شده، فی الواقع بنایی است بسیار محکم و رزین به طرز عمارت مغرب زمین.»<sup>(۱۶)</sup>  
دروازه خیابان چراغ گاز (خیابان چراغ برق - خیابان امیرکبیر فعلی) در سمت شرق میدان و



شکل ۳-۲۴- سردر دروازه دولت جدید در سمت جنوب خیابان توپخانه و در منتهای علیه شمالي خیابان باب همایون واقع بوده است.

با ورود واگن اسپی به تهران، ریل‌های واگن اسپی در خیابان لاله‌زار نصب می‌گردد که به اعتبار این خیابان افزوده می‌شود. در سمت شرق این خیابان، باغ لاله‌زار باقی می‌ماند ولی در قسمت غرب آن خانه امرا و بزرگان احداث می‌گردد.

بزرگی بود به همین نام که مرکز تفریح و استراحت درباریان و مهمانان شاه بود. با گسترش شهر تهران، از دو سمت شرق و غرب باغ لاله‌زار دو خیابان یکی خیابان سعدی فعلی در سمت شرق و دیگری خیابان لاله‌زار کشیده می‌شود.



شکل ۲۵-۳- خیابان باب همایون منتهی به سر درالماسیه ۱۲۸۸ق. - در این تصویر نظامیان تنها گروهی هستند که لباس آنها براساس الگوهای فرنگی طراحی شده است.

استقراض روس و باغ سبز و خرم آن تقریباً در اواسط خیابان مذکور واقع گردیده است»<sup>(۱۷)</sup>

در قسمت غرب میدان، خیابان توپخانه (سبه- امام خمینی فعلی) قرار دارد. نام این خیابان به

لحاظ احداث اولین بیمارستان در زمان ناصرالدین شاه به نام مریض‌خانه مبارکه بوده  
اسمه خیابان مریض‌خانه تا باغشاه و نهايتأ تا دروازه غربي شده به نام دروازه باغشاه ادامه داشته است. در شمال این خیابان میدان مشق

قرار داشته که نظامیان در آنجا زیر نظر قزاق‌های روس تمرین نظامی می‌نمودند. در ضلع جنوبی این خیابان در مجاور میدان توپخانه، قورخانه قرار داشته که محل ساختن اسلحه، مهمات، توب و ادواء جنگی بوده است. البته در این محل وسایل آتش‌بازی برای مراسم مختلف و اعیاد هم ساخته می‌شده است.

دروازه ششم دروازه دولت بود که بزرگترین و زیباترین دروازه میدان توپخانه بود. این دروازه

از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه به تدریج لاله‌زار به صورت خیابان آلامد تهران در می‌آید و بهترین پاساژها، مغازه‌ها، کافه‌ها و هتل‌ها در آن ایجاد می‌گردد و محل رفت و آمد افراد فکلی و فرنگ رفته می‌شود.

در سمت شمال غربی میدان، سردر خیابان علاءالدوله (فردوسی فعلی) قرار داشت. این خیابان محل استقرار سفارتخانه‌ها و خانه‌های سفرا، خارجیان، ارامنه و رجال مملکت بوده است.

«بهترین قسمت تهران محله اروپاییان است. یکی از دو خیابان شمال شرقی که وارد میدان توپخانه می‌شود به این نام مشهور است. در این خیابان غالباً اروپایی‌ها منزل دارند و سفارتخانه‌های خارجی و مؤسسات متفرقه هم در آنجا واقع شده. دیوارهای ناهموار یکنواخت گلی دیگر در این خیابان دیده نمی‌شود و قسمت عمده اینیه و عمارت به طرز اروپایی است. عمارت زیبای بانک

مورد مجمع‌الصنایع می‌نویسد :

«از آنجا که خاطر... اعلیحضرت همایونی  
پیوسته مایل و متوجه تکمیل صنایع و  
تشویق اهل حرفت و صنعت است این اوقات  
به نواب اشرف والاامیر کبیر نایب‌السلطنه  
وزیر جنگ و حکمران دارالخلافه... مقرر  
فرمودند که مدرسه مجمع‌الصنایع... دایر  
نمایند... <sup>اصفاف</sup> حرفت و انواع صنایع با  
استادان ماهله ببر آنچا مجتمع و هر حجره را به  
صنعتگری مخصوص داشتند.»

در سمت جنوب میدان و در انتهای شمالی

خیابان الماسیه (خیابان باب‌همایون) قرار داشت.

خیابان الماسیه نیمه شمالی ارگ را به دو قسمت  
می‌کرد و در انتهای جنوبی آن دروازه الماسیه  
واقع بود که از درهای حرمخانه محسوب  
می‌شد.

ساختمان‌های مهمی همچون مدرسه نظام،  
قرخانه، مجمع‌الصنایع و مسجد مهدعلیا در  
مجاور این خیابان قرار داشتند. اعتماد‌السلطنه  
در روزنامه ایران شماره ۴۸۷ سال ۱۲۹۹ در



شکل ۳-۲۶- سر در الماسیه در شمال ارگ حکومتی، ورودی به حرمخانه محسوب می‌شده است.

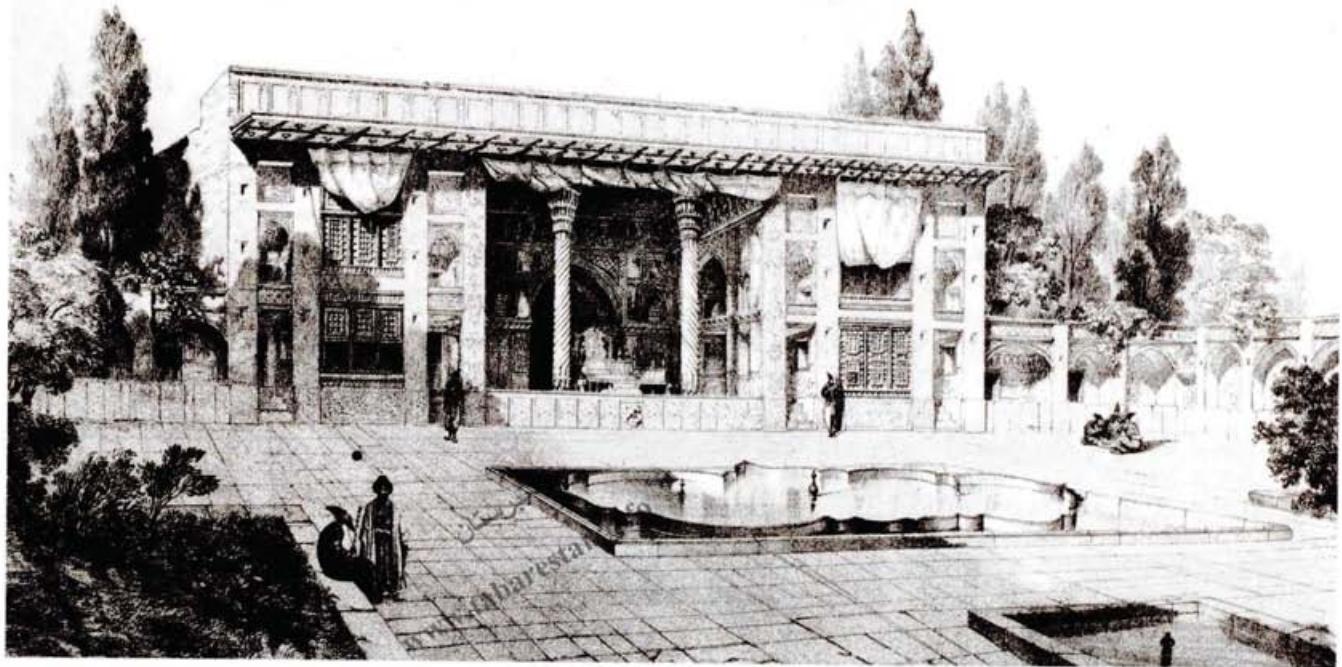
دلیل آن اینکه میدان توپخانه دیگر خصوصیات میدانهای سنتی ایران را ندارد و اولین نهادها و ساختمانهای مدرن و نوظهور و شبکه شطرنجی خیابانهای جدید که سابقه‌ای در شهرهای ایران در دوره اسلامی نداشت، به تدریج در اطراف این میدان شکل می‌گیرد.

در این مجتمع انواع محصولات فلزی، آینه، ساعت و اشیاء تزیینی که غالباً با طرح فرنگی بودند ساخته می‌شد.

اگر ساختمان مدرسه دارالفنون نقطه عطفی در معماری شهر تهران محسوب می‌شود، میدان توپخانه نقطه عطف در طراحی شهر تهران است.



شکل ۳-۲۷- میدان ارغ، سردر حیاط تخت مرمر(نقاره خانه) و توب مروارید در این عکس مشخص است.



شکل ۳-۲۸ - بنای عمارت دیوان خانه (عمارت تخت مرمر) توسط کریمخان زند گذاردہ شد و آقا محمدخان قاجار قسمت‌هایی به آن اضافه کرد.

زند شروع شد. وی در نظر داشت پایتخت کشور

### ۳-کاخ گلستان

را در تهران قرار دهد.

کاخ گلستان یکی از قدیمی‌ترین بخش‌های تهران

بنای عمارت دیوان خانه که مراسم سلام و بار

محسوب می‌شود و تاریخچه آن به دوره شاه

عام طبقات مختلف مردم در آن انجام می‌شده و

طهماسب اول صفوی پس از کشیدن حصار به

ساختمان خلوت کریمخانی که خلوت خانه

دور شهر تهران بر می‌گردد. پادشاهان صفوی

کریمخان بوده در زمان او در ارگ ساخته

همچون شاه عباس، شاه سلیمان و شاه سلطان

می‌شود.

حسین در این مجموعه اقامت داشته‌اند و

آقامحمدخان قاجار در سال ۱۲۰۶ هـ ق سنتونها،

اقداماتی جهت توسعه و عمران آن انجام داده‌اند.

قطعات نقاشی و تزیینات کاخ سلطنتی کریمخان

ولی گسترش ارگ حکومتی از زمان کریم خان

را از شیراز برای تکمیل و گسترش عمارت

دیوان خانه به تهران منتقل می کند.

در سال ۱۲۲۱ هـ به دستور فتحعلی شاه یک

تخت مرمر از ۶۵ قطعه سنگ مرمر سفید

تراشیده و در ایوان تخت مرمر قرار داده

میشود. بسیاری از سلاطین قاجار و همچنین

رضا شاه پهلوی در این ساختمان تاجگذاری

کرده اند. عمارت بادگیر، عمارت خروجی و تalar

الاس در زمان فتحعلی شاه به مجموعه ارگ

دیگرگونیها و توسعه همه جانبیه ارگ در زمان

ناصرالدین شاه صورت می گیرد. به دستور وی

بسیاری از ساختمانها و محوطه های قدیمی

تخرب و بناها و فضاهای جدید به ارگ اضافه

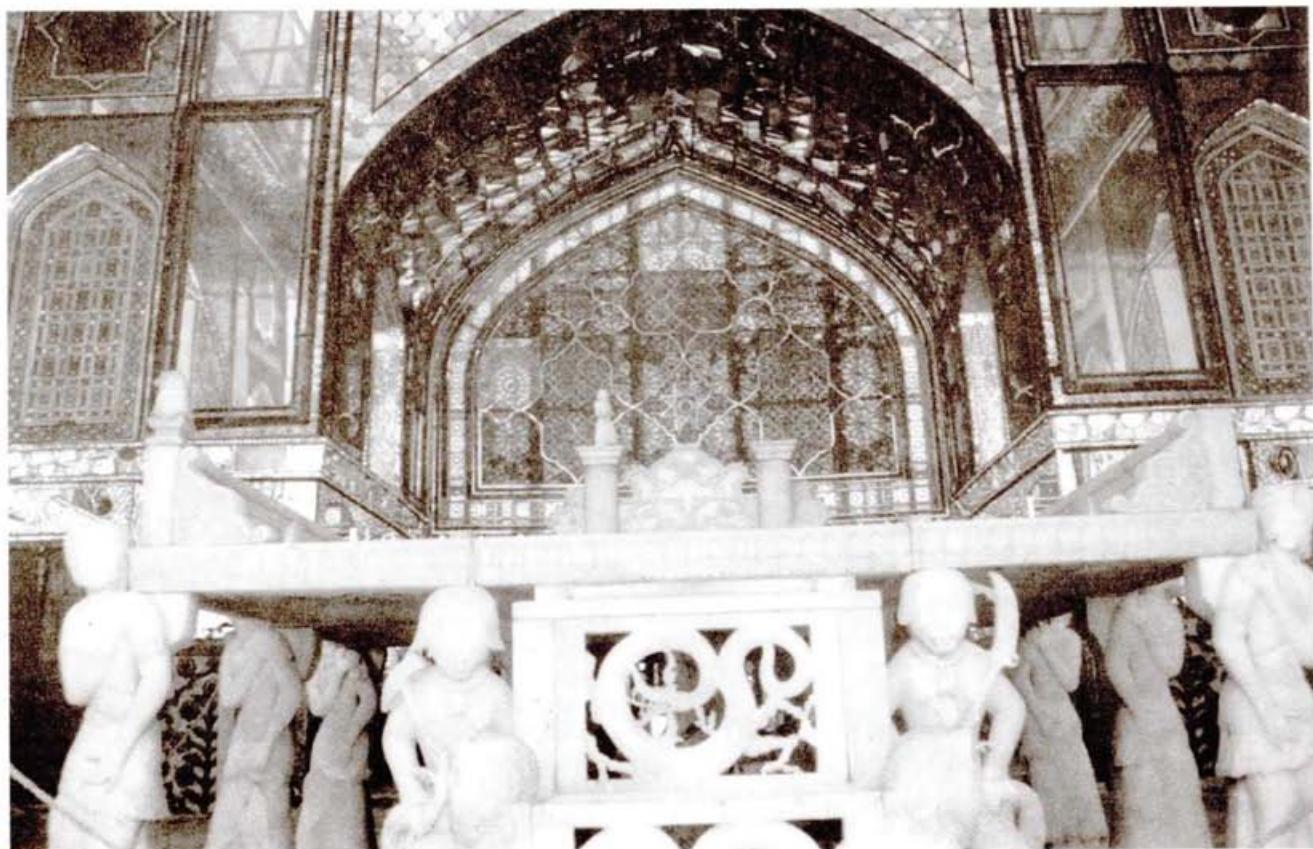
می شود. طاقها، قوسها، ستونها، تزیینات و

پوشش بامها با توجه به الگوهای فرنگی ساخته

می شود. در این رابطه میتوان از تالار

الاس نام ببر

www.tabarestan.info



شکل ۳-۲۹- در قسمتهای مختلف بنای عمارت تخت مرمر، کمتر آثاری از نفوذ معماری غرب دیده میشود

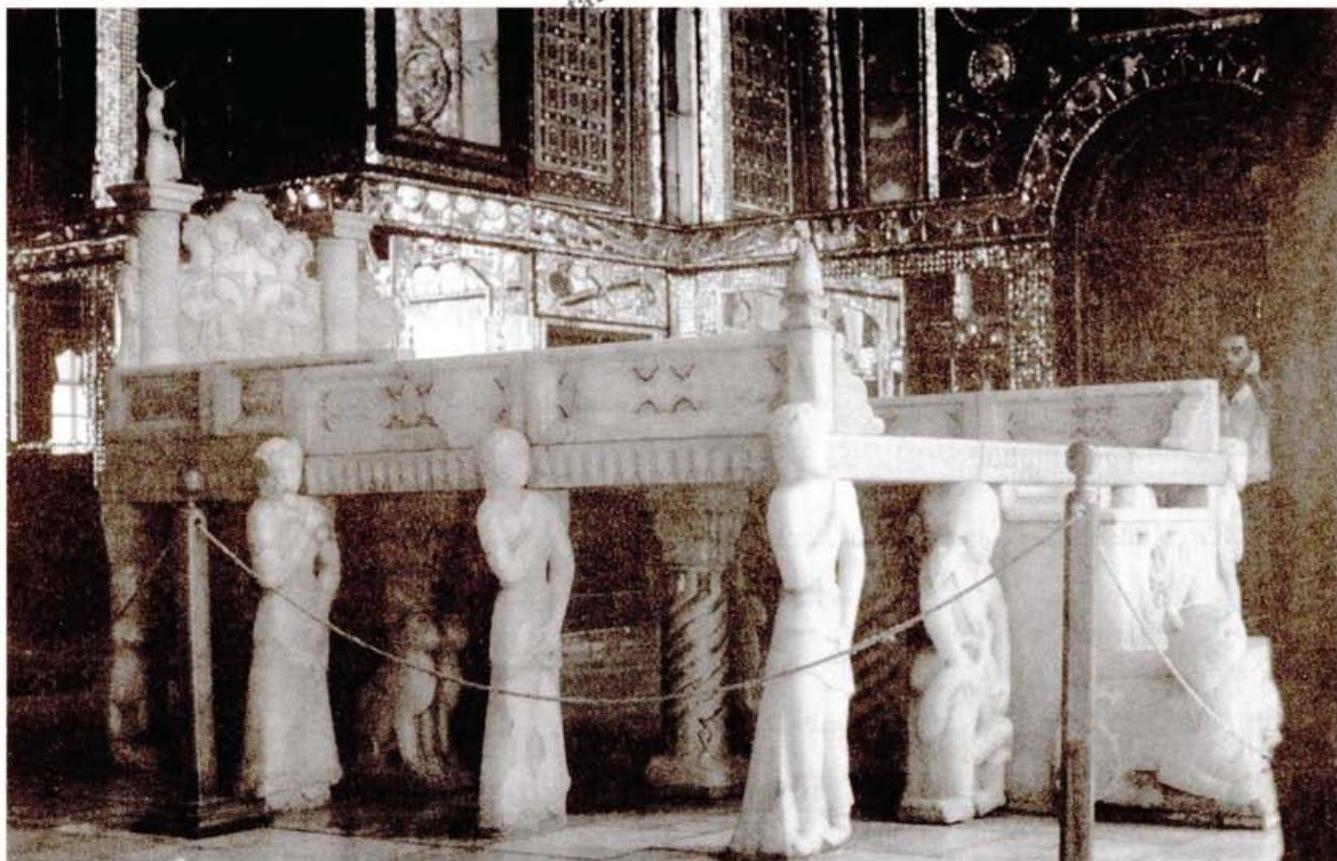
از عمارت شمس‌العماره (۱۲۸۲-۸۴ ه.ق.)، تکیه دولت (۱۲۸۵ ه.ق.)، تالار موزه (۱۲۹۱-۹۴ ه.ق.)، عمارت حرمخانه (۱۳۰۰ ه.ق.) سردر شمس‌العماره (۱۳۰۳ ه.ق.)، عمارت خوابگاه شمس‌العماره (۱۳۰۶-۱۳۰۹ ه.ق.) و کاخ ابیض (۱۳۰۳-۱۳۰۴ ه.ق.) نام برد.

عمارت شمس‌العماره در بخش بعدی همین

در زمان ناصرالدین شاه «اغلب طاقها و طاقمهای جناغی این تالار مانند بسیاری از طاقهای دیگر کاخ گلستان به طاقهای قوسی یا رومی تبدیل گردید و دیوارهای تالار با انواع کاغذ دیواری خارجی پوشانیده شد.»<sup>(۱۸)</sup>

از جمله ساختمانهایی که در دوره ناصرالدین شاه به مجموعه کاخ گلستان اضافه شد می‌توان

تبرستان  
iran.info



شکل ۳۰-۳- تخت مرمر در عمارت تخت مرمر به دستور فتحعلی‌شاه (۱۲۲۱-۵ ه.ق.) جهت جلوس شاه در هنگام تاجگذاری، سلام عید نوروز و انجام مراسم رسمی در حضور شاه ساخته شده بود.

خطیره از وجوده خاصه دولت روزافزون  
صرف عمارت این بنانموده تا به پایان  
آوردند.

این تکیه مبارکه وضعیاً مدور و مشتمل بر  
چهار مرتبه و هر یک از مراتب دارای حجرات و  
غرفات و اطاقداها و تالارهای عالیست. ظاهر بنا  
از درون تکیه تماماً به کاشی معرق و  
غیرمعرق و ممتاز مزین شده دور سطح حیاط  
تکیه یکصفر بیست ذرع<sup>۱</sup> و قطرش چهل ذرع  
و ارتفاع آن نیز چهل ذرع است»

اعتمادالسلطنه پس از اتمام بنای تکیه دولت در  
مورد آن می نویسد:

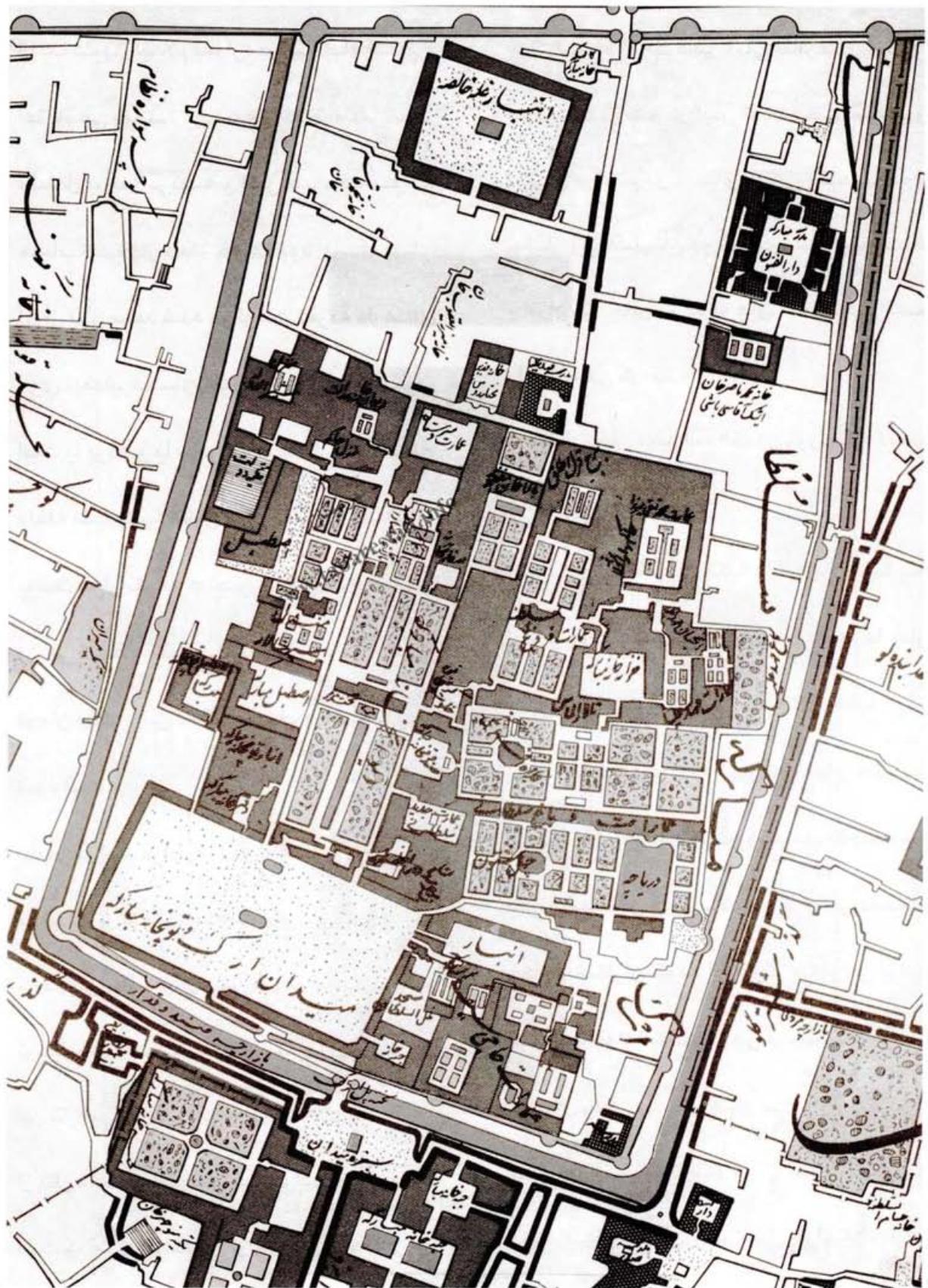
«... هر ساله تا ده روز موسوم این مقام کریم  
است که رجال دولت بیزوال بر حسب حکم  
شاهنشاه اسلام پناه ارواحناخدا طبقات طاقتات  
آن را به الوان زجاجات و چراغهای بلورین و  
فنون نوادر اشیاء و امتعه ثمین بر آراسته به  
شعار شریفه تشیع و مناسک موالات اهل

فصل مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.  
لذا سایر ساختمانها در ادامه بحث و تحلیل  
خواهد شد.

ساختمان تکیه دولت بزرگترین بنای مذهبی بود  
که به دستور ناصرالدین شاه احداث گردید.  
اجرای این ساختمان در سال ۱۲۸۵ ه.ق. در  
سمت جنوب تالار الماس آغاز شد.  
اعتمادالسلطنه در روزنامه شرف نمره پنجاه و  
سیم، مورخ ذیحجه ۱۳۰۴ هـ در حالی که  
هنوز سقف ساختمان تمام نشده در مورد تکیه  
دولت می نویسد:

«اعلیحضرت قویشوت اقدس همایون  
شاهنشاهی ... بر این علاقه یافت که تکیه  
عالی در خور مجلس عزاداری دولتی باشد در  
جنوب عمارت و باغ خاصه سلطنتی بنا شود که  
از آثار عظیمه بلکه از ابته عدیم النظر این  
عصر همایون شمرده شود. جمعی مهندسین  
قابل و معماران متاهر به امر اولیای دولت  
قاهره گرد آمده طرح این بنای سعادت انتما را  
ریختند و در ظرف چهار پنج سال مبالغ

<sup>۱</sup>- هر ذرع برابر ۱۰۴ سانتیمتر است.



شکل ۳۱-۳- نقشه ارج حکومتی تهران در سال ۱۳۰۴ ه.ق.

ایران است که تحت تاثیر آمیخته تئاترهای فرنگی ساخته شده است. در این تکیه محل نمایش و اجرای مراسم در فضای میانی بنا بوده و حضار و تماشاچیان در گرداب سکوی وسط و افراد متشخص در غرفه های داخل بنا مراسم را تماشا می کردند.

دوستعلی خان معیر الممالک در مورد تکیه دولت

پیشین می نویسد:

«هر یک از طاقنماهای تکیه به شاهزاده یا به امیر و وزیر و حکمرانی تعلق داشت که با جار و چراغ و آئینه و گلدان و قالیچه و اثاثیه دیگر آن را زینت می کردند و چهل چراغها و قندیلها

از سقف آن آویخته، عکس صاحب طاقنما یا یکی از پدرانش را بر بالای آن قرار می دادند. حکام پیشکاران خود را از مرکز حکمرانی برای بستن طاقنماها به تهران می فرستادند.»<sup>(۲۰)</sup>

حضور زنان با چادرهای سیاه و روبدنه و اجرای مراسم رژه توسط موزیکچیان ملبس به اونیفرمهای فرنگی و در حال نواختن ادوات

البیت علیهم السلام با ازدحامی عام اقدام و اهتمام می نمایند. این تکیه شکلاً مستدير است مشتمل بر سه مرتبه و اگر سرداربه هم به حساب آید چهار طبقه خواهد بود. تمام بنای آن از آجر سفید شده در اوقات تعزیه دارهای روی نیمدايره های سقف آن را که از چوب است با پرده و یا چادر می پوشانند و سطح داخله تکیه یکجا کاشی معرق است و زیاده از بیست هزار نفر در صحن و طبقات و مراتب آن می گنجد و تخمیناً یکصد و پنجاه هزار تومان مخارج این مکان شریف و مقام منیف شده است.»<sup>(۱۹)</sup>

اجرای مراسم عزاداری دهه عاشر و مجالس مذهبی و ترحیم از جمله مهمترین مواردی بوده که در این مکان برگزار می شده است. مراسم ترحیم ناصرالدین شاه پس از ترور وی نیز در این تکیه برگزار گردید.

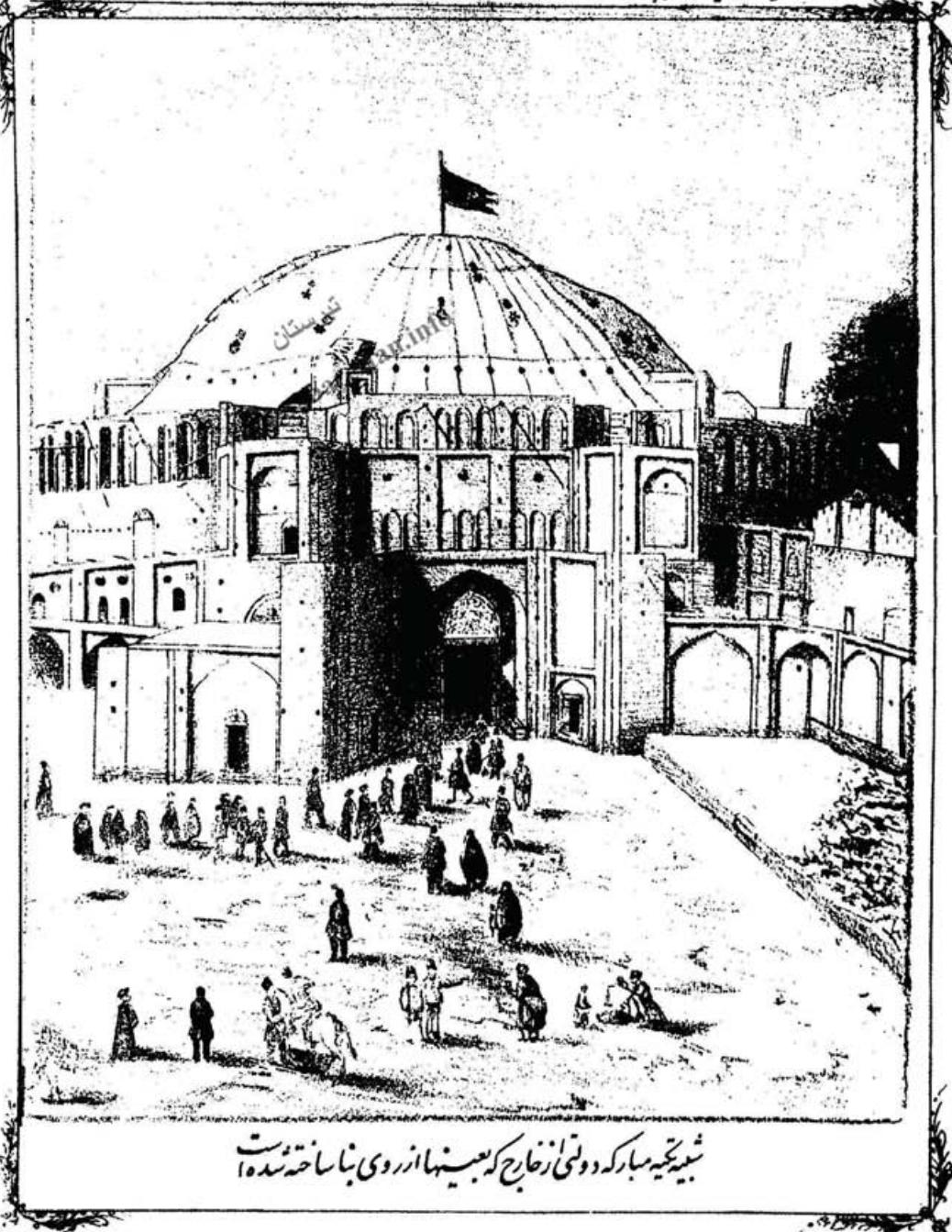
از نظر معماری اهمیت تکیه دولت از آن جهت است که این ساختمان اولین بنای مذهبی در

مژده چهارم

فونک

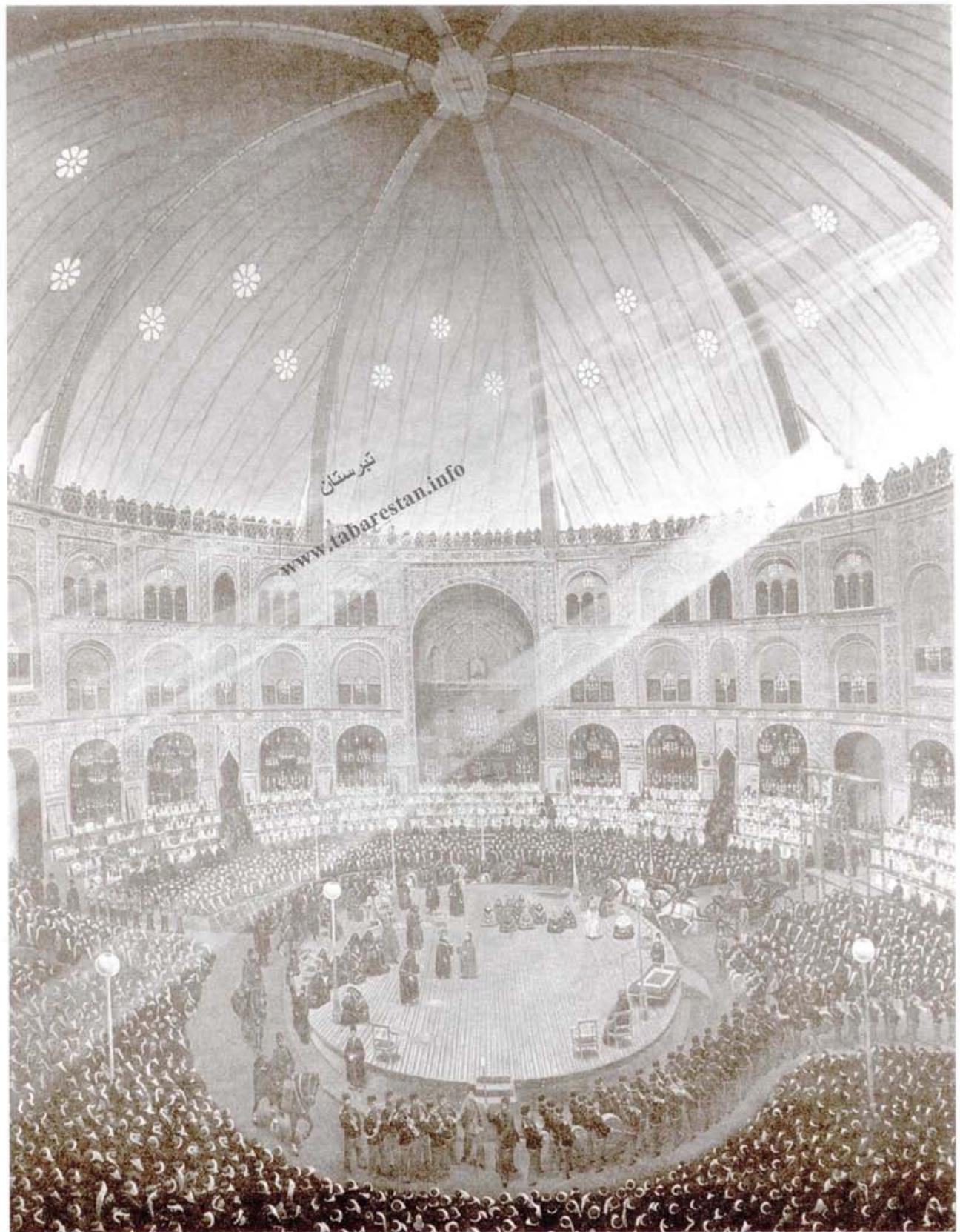
شهر زیب و حشم

این روز نادر شهر خوشی بیت فرزین میرزا  
قسم تسبیح که ران سایانیک تو ران دزد زاد

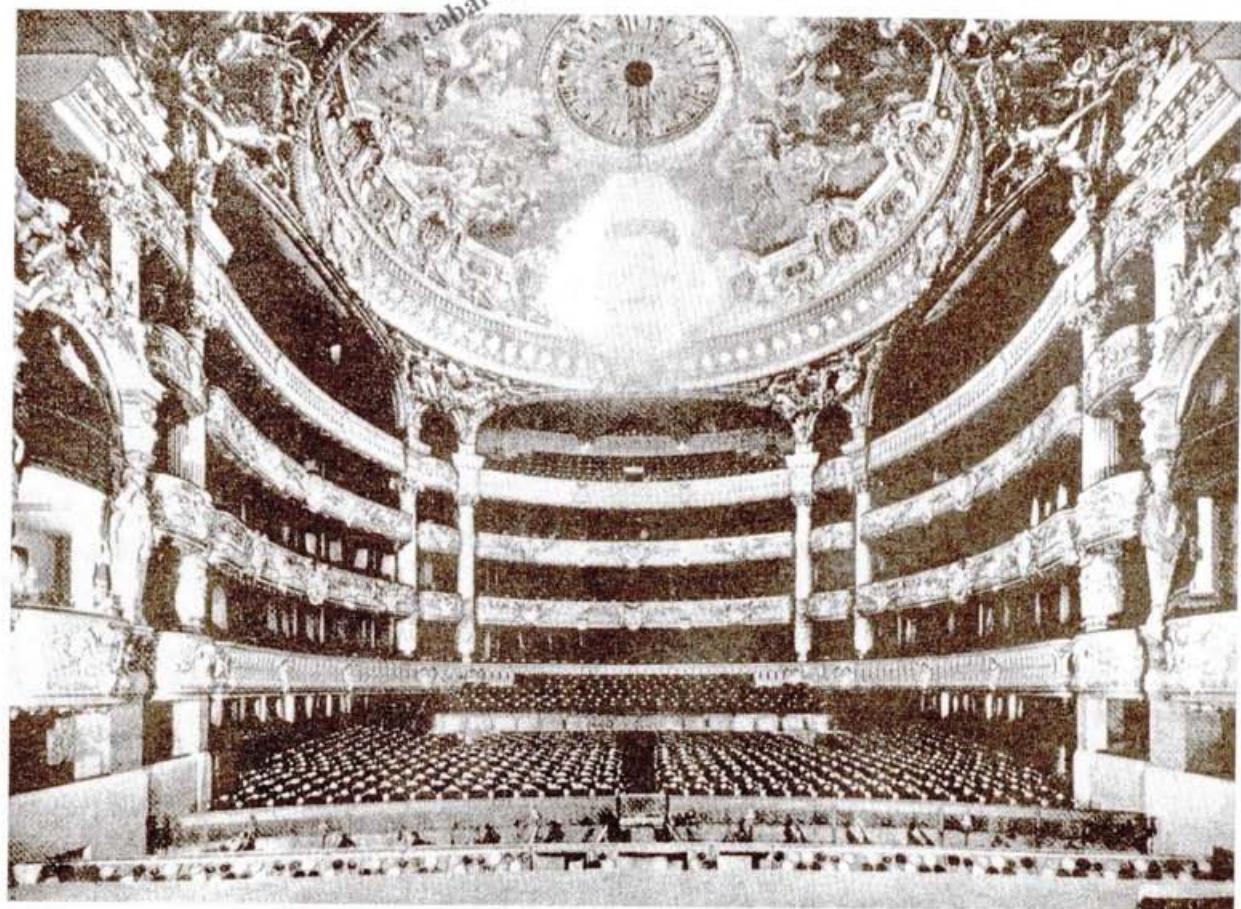
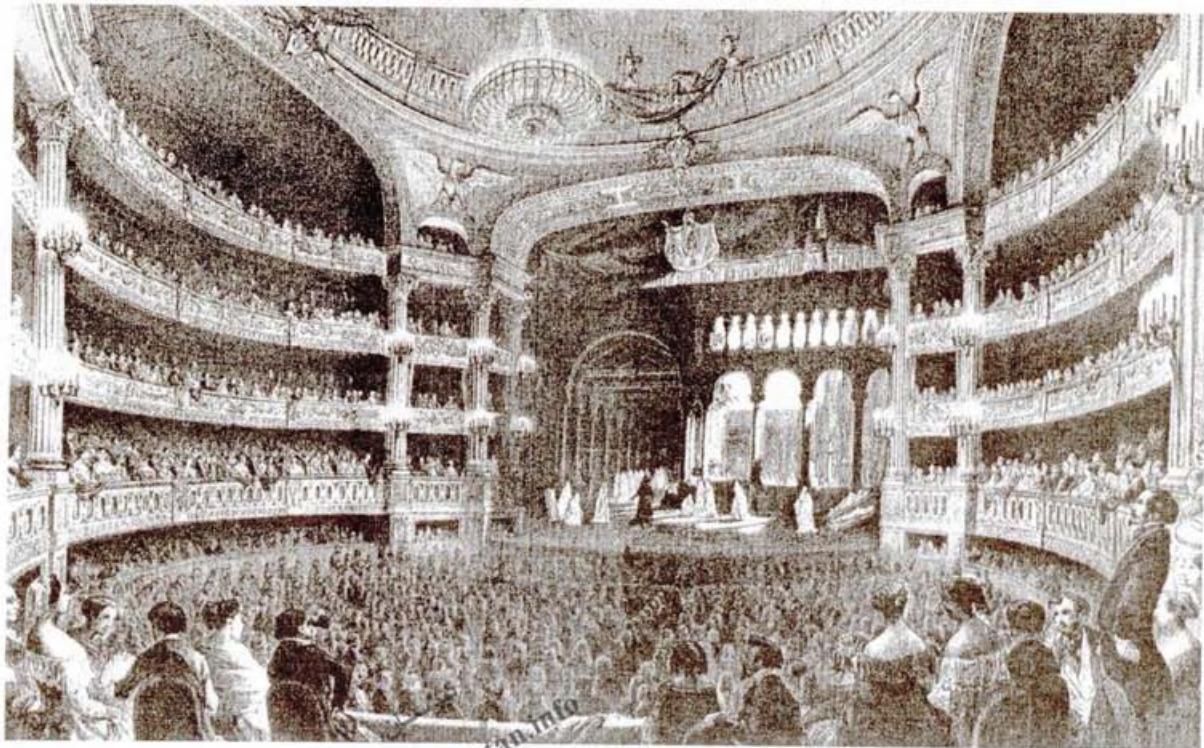


شیخیه مبارکه دولتی از خواجه کعبه نهاده از روی بنای احمد شاه

شکل ۳۲-۳- نمایی از تکیه دولت



شکل ۳-۳۳- نقاشی رنگ و روغن توسط کمال الملک از فضای داخلی تکیه دولت در حین اجرای مراسم مذهبی.



شکل ۳۴-۳۵-قرار داشتن غرفه های خواص جهت تماشای مراسم در اطراف صحنه و شکل مدور گونه تکیه دولت در معماری سنتی ایران سابقه نداشته است. این نوع طرح شباهت به سالهای اجرای نمایش و اپرا در فرانسه مانند سالن اپرای بليتر (*L'opera la rue Le peletier*) عکس فوقانی- و سالن خانه اپرا (*Opera House 1857-74*) عکس پائین در پاریس داشته است.



شکل ۳-۳۵- زنان و مردان با لباسهای سنتی مشغول تماشای مراسم در داخل تکیه دولت



شکل ۳-۳۶- در این عکس از جنوب کاخ گلستان به ترتیب از راست به چپ تکیه دولت، کاخ الماس و عمارت بادگیر قرار دارد.

توسط مسیو بتن فرانسوی عوض شد. لذا از نظر تکنولوژی نیز این ساختمان اهمیت دارد زیرا اولین بنایی است که برای پوشش سقف آن تکنولوژی مدرن استفاده شده است. بنای تکیه دولت در سال ۱۲۹۰ ه.ق. (۱۲۵۰ ه.ش.) تکمیل گردید ولی متأسفانه پس از هفتاد و پنج سال یعنی در سال ۱۳۲۵ ه.ش. تخریب و به جای آن از دیگر ساختمانهای مهم کاخ گلستان، تالار موزه است که بعدها به اسم تالار سلام تغییر نام پیدا کرد. این تالار از این جهت حائز اهمیت است که برای اولین بار ساختمانی در تهران جهت نگهداری اشیاء عتیقه و تاریخی ساخته می شود.

«نخستین موزه سلطنتی و دولتی در ایران که توسط ناصرالدین شاه تاسیس گردید در داخل عمارت سلطنتی و در یکی از تالارهای وسیع عمارت خروجی گلستان بود که بنای آن بین شمس العماره و گوشه شمال شرقی

موسیقی غربی، همانند طرح خود بنا همچواری سنت و تجدد در یک زمان و مکان را نمایش می دهد. در نقاشی کمال الملک این مراسم مذهبی سنتی بر روی بوم نقاشی با رنگ و روغن و به شیوه واقع گرای فرنگی به تصویر کشیده شده است. تکیه دولت به صورت منشوری هشت ضلعی از سمت خارج و استوانه ای کامل از سمت داخل طراحی شده بود. این بنا شامل سه طبقه بود که در هر طبقه اتاقها و غرفه های متعددی وجود داشت. هر یک از امرا و اشراف دارای جایگاه مخصوص به خود بودند و از آنجا می توانستند مراسم را تماشا کنند.

بر بالای ساختمان هشت نیم دایره چوبی قرار داشت که در موقع آفتابی روی آن را چادری کرباسی می انداختند تا آفتاب مزاحم نباشد. بعدها در زمان مظفرالدین شاه، به لحاظ وزن زیاد ساختمان، طبقه فوقانی تکیه تخریب و برچیده شد و تیرهای چوبی با خرپاهای فلزی

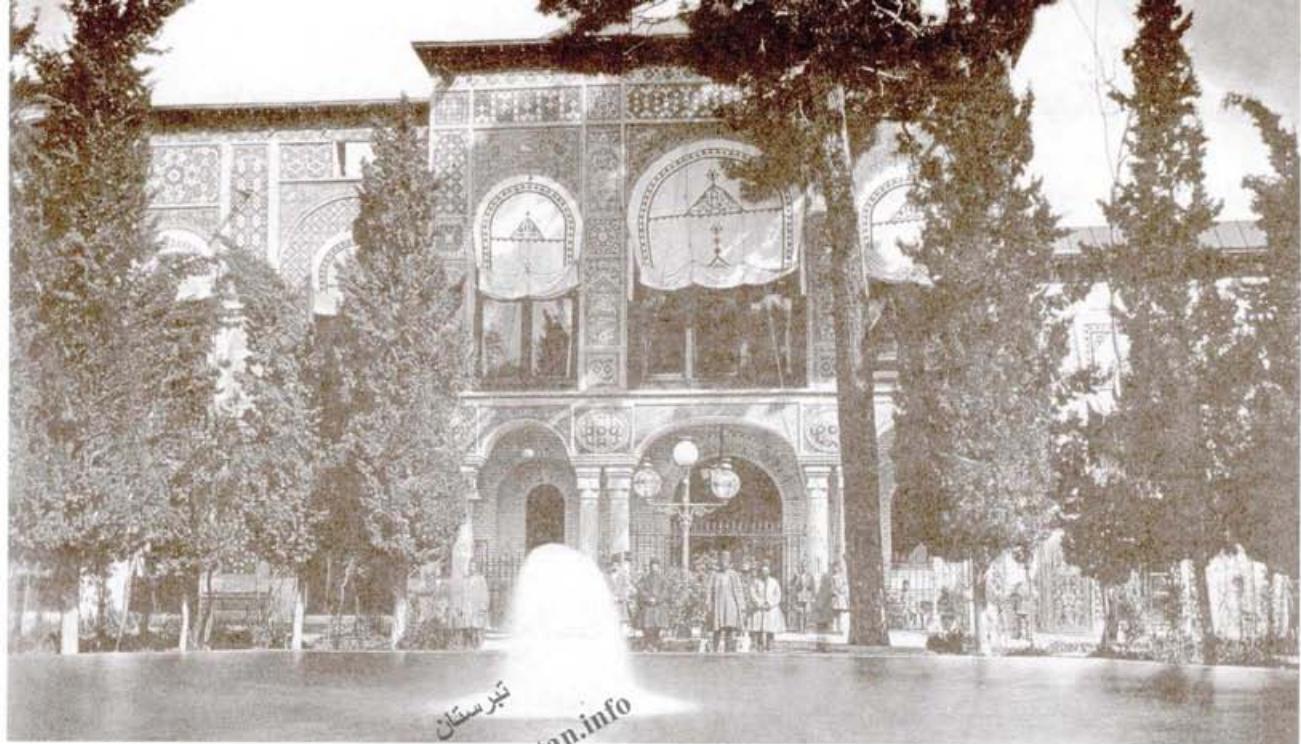
اعتمادالسلطنه در مورد تالار موزه می نویسد:  
«ایجاد و بنیاد اطاق موزه در کمال عظمت و  
شکوه به طرز موزه های ممالک متمدنه اروپا  
چنانچه در اوایل این باب گذشته، هم در سال  
سی و سوم از جلوس همایون». (۲۲)

اعتمادالسلطنه در مورد اشیاء نگهداری شده در  
این موزه چنین می نویسد:  
بزرگ اطاق موزه است که محفظه اشیاء  
عتیقه و مخزن <sup>بازار</sup> <sub>اهلان</sub> نفیسه می باشد، از قبیل  
احجار کریم و گوهرهای یتیم و اسلحه خطیر

با غ قرار داشت. ولی بعدها شاه بر اثر  
مسافرت به اروپا (۱۲۹۰ م.ق.) و دیدن موزه ها  
و کالریهای بزرگ کشورهای غربی، تصمیم  
گرفت او نیز موزه ای شبیه به موزه های  
اروپایی در ارگ سلطنتی تاسیس و ایجاد  
نماید. به همین منظور پس از بازگشت به  
ایران دستور داد که عمارت قدیمی سمت شمال  
با غ گلستان را خراب کرده اطاق موزه و  
سرسرا و حوضخانه و ملحقات دیگر آن را  
ساختنده اینک تقریباً همگی باقی هستند. (۲۳)

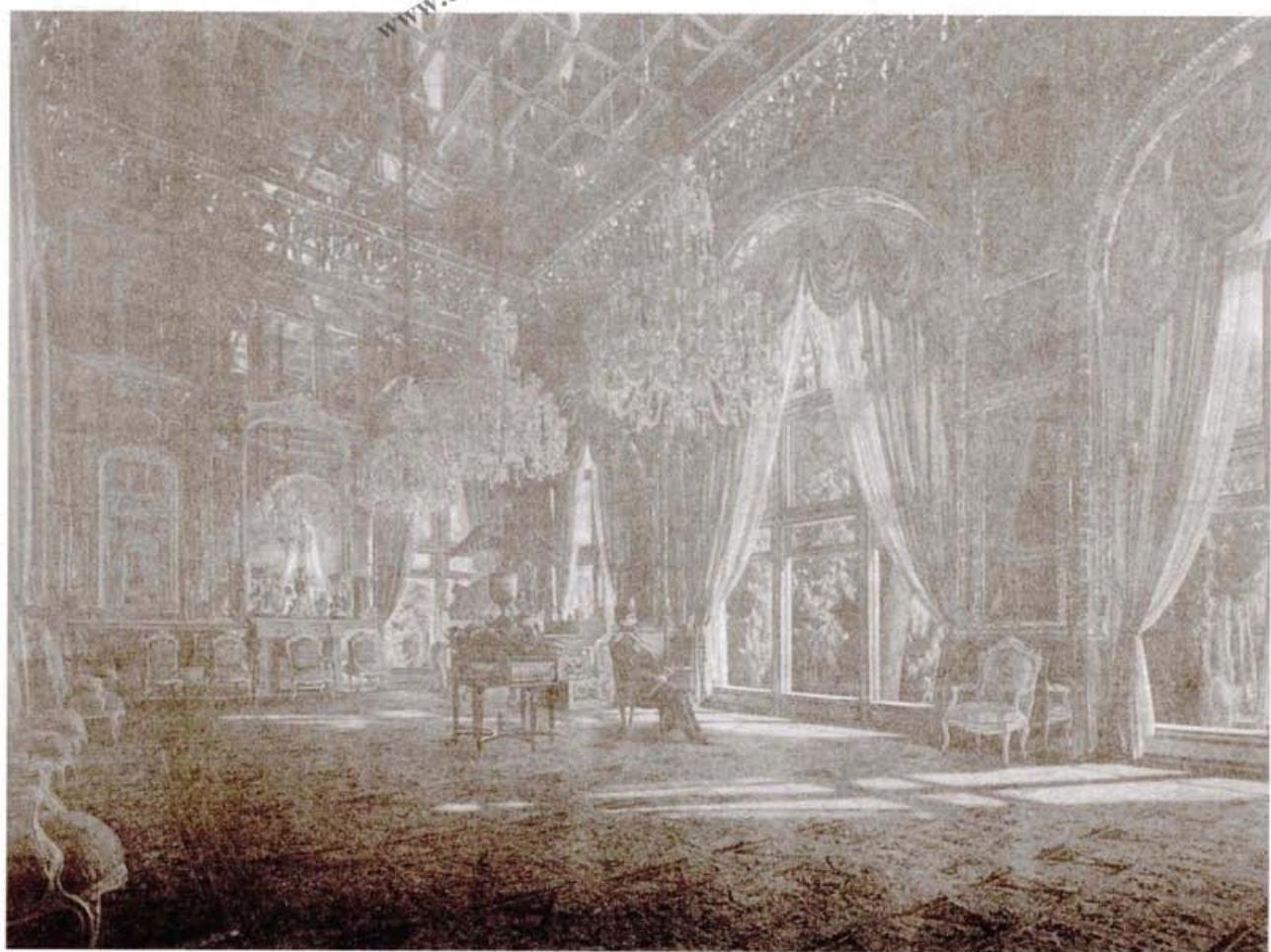


شکل ۳-۳۷- عمارت بادگیر از بناهای ساخته شده در زمان فتحعلیشاه قاجار



شکل ۳-۳۸ عمارت گلستان و حوض جوش جلوی آینه - عکاس عبدالله قاجار

تبرستان  
www.tabarestan.info



شکل ۳-۳۹ ناصر الدین شاه در تالار آینه، کاخ گلستان - ۱۳۱۳ ه.ق. مبلمان فرنگی و تزئینات ایرانی تالار قابل توجه است.

تهران در سال ۱۲۹۱ هـ ق توسط ناصرالدین شاه در کاخ گلستان گذارده شد.

برخلاف سایر ساختمانهای کاخ گلستان که در

زمان ناصرالدین شاه ساخته شد و همگی به

سبک تلفیقی بودند، دو ساختمان عمارت خوابگاه

و کاخ ابیض که در زمان وی در کاخ گلستان

ساخته شدند به سبک معماری نئوکلاسیک اروپا

بلویند. یعنی <sup>نیز</sup> برخلاف سایر ساختمانهای

مجموعه کاخ <sup>این</sup> دو ساختمان دیگر آثاری

از معماری و تزئینات سنتی ایران دیده نمی شود

و کاملاً نمای ساختمانهای فرنگی بر روی این

دو ساختمان پیاده شده است. مجدداً در اینجا

لازم به تذکر است که اگرچه نمای این دو بنا

شبيه ساختمانهای فرنگ است، ولی از نظر

مصالح و ساختار با شیوه های معماری سنتی

ایران اجرا گردیده اند.

در روزنامه شرف مورخ ۱۳۰۶ هـ ق در مورد

عمارت خوابگاه چنین آمده است:

و اوانی بی نظیر و بدایع صنایع و ودایع

طبایع و آثار خطاطین و مواریث سلاطین و

عجبایب عالم و مسکوکات امم و غیرذلک...<sup>(۲۳)</sup>

شایان ذکر است که موزه یکی از دستاوردهای

ذهنیت مدرن است. موزه محلی است برای

شناخت شیوه زندگی پیشینیان و توسعه علم و

آگاهی نسبت به آنچه که بر آنها گذشته است.

همچنین موزه مکانی است برای نگهداری آثار

فرهنگی، هنری و تکنیکی که آنها نیز به نوعی در

پیشبرد آگاهی و شناخت انسان از جهان

پیرامون خود کمک می کند.

«در سال ۱۶۸۳ اولین موزه به شکل امروزی

در دانشگاه کمبریج انگلستان با اهدای چندین

مجموعه آثار مختلف از طرف علاقه مندان

تشکیل شد.»<sup>(۲۴)</sup>

امروزه شاهدیم که موزه یکی از ساختمانهای

مهم در اکثر قریب به اتفاق شهرهای مدرن

امروزی است. بنا و بنیان این نهاد مدرن در

متاسفانه عمارت خوابگاه همراه با عمارت حرمخانه و بخش‌های شمالی کاخ گلستان در زمان رضا شاه از بین رفت. ولی کاخ ابیض باقی مانده اگر چه نمای غرقی این کاخ در زمان پهلوی دوم عوض شد. نماهای شمالی و شرقی این کاخ و همچنین فضاهای پله‌ها، بازشوها و تزئینات داخلی آن که از زمان ناصرالدین شاه یاقیمانده است بیانگر کپی برداری کامل از معماری ترک‌کلاسیک اروپا می‌باشد. دکتر فووریه طبیب مخصوص ناصرالدین شاه که در بین سالهای ۱۳۰۶-۱۳۰۹ ه. ق. در تهران بوده در کتاب خود در مورد این کاخ می‌نویسد: «و عمارتی که به تازگی به سبک معماري عهد لوئی شانزدهم به سمت مغرب ساخته شده است.»<sup>(۲۶)</sup>

مجموعه کاخ گلستان در پایان سلطنت ناصرالدین شاه بسیار متفاوت از ابتدای سلطنت وی بود. تاسال ۱۲۶۴ ه. ق. منبع الهام و الگوی

«این عمارت مبارکه که به وضع و طرح یکی از عمارت‌های بسیار خوب فرنگستان است دو سال قبل جناب جلال‌التمام امین‌السلطان وزیر اعظم داخله و مالیه و دربار اعظم در عمارت و حیاط فسیح الفضای حرمخانه ... بنا شده است... هنوز بدین وضع مخصوص بنای قصری در امارت مبارکه سلطنتی نشده بود به انواع زینتها بنائی و حجاری و مجرهای مزین فلزی کار قورخانه ایران مزین است و به انواع بساطها و مبلهای نقیس گرانبها آراسته.»<sup>(۲۵)</sup> دوستعلی خان معیرالممالک در مورد این عمارت خوابگاه می‌نویسد:

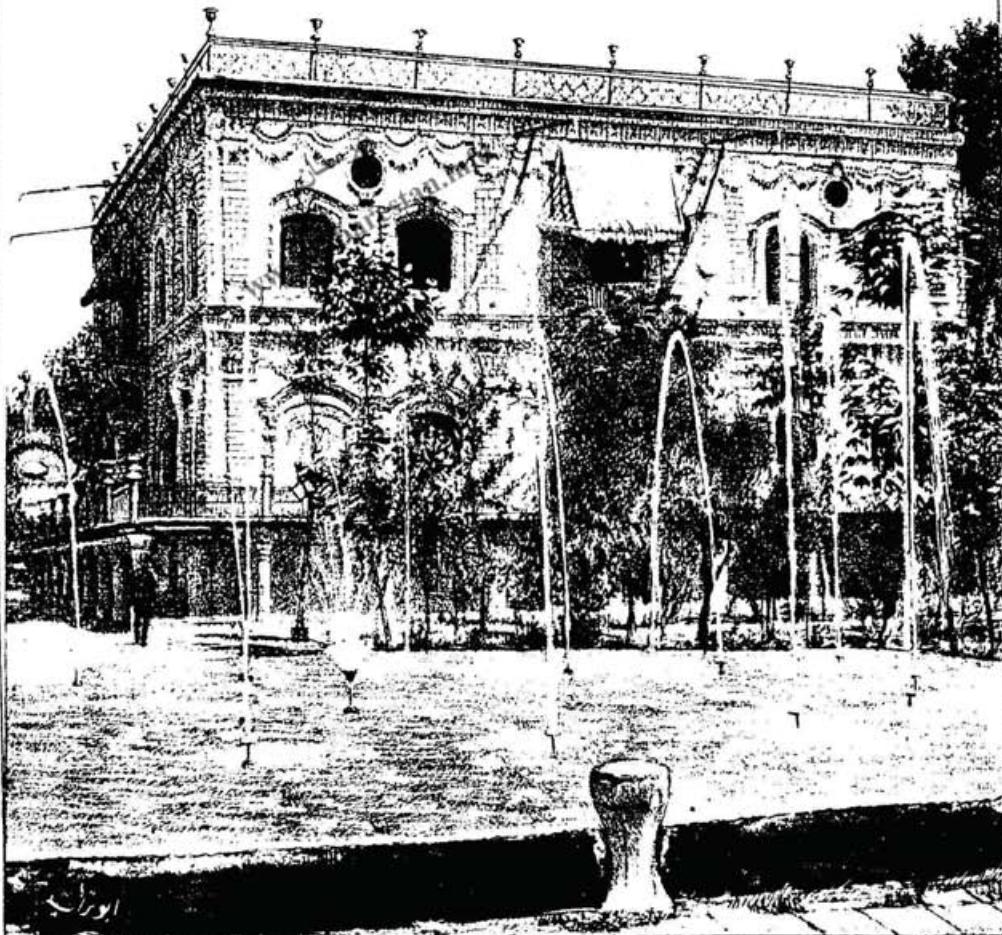
«در وسط عمارت دو طبقه زیبایی بر خلاف بناهای دیگر از روی نقشه کاخ دلمه باگچه (در اسلامبول) سلطان عثمانی ساخته شده بود که خوابگاه خوانده می‌شد (اکنون وزارت دارایی جای آن واقع است) و دورش نرده‌های فلزی و دری آهنین قرار داده بودند.»<sup>(۲۷)</sup>

هزه هشتاد و پنجم

# ترفه

سنه ارديبهشت

این روز ناشر شریفهای گنبد طبع میشد  
قیمت نجفی قران سالانه بیک دهان دو هزار تومان



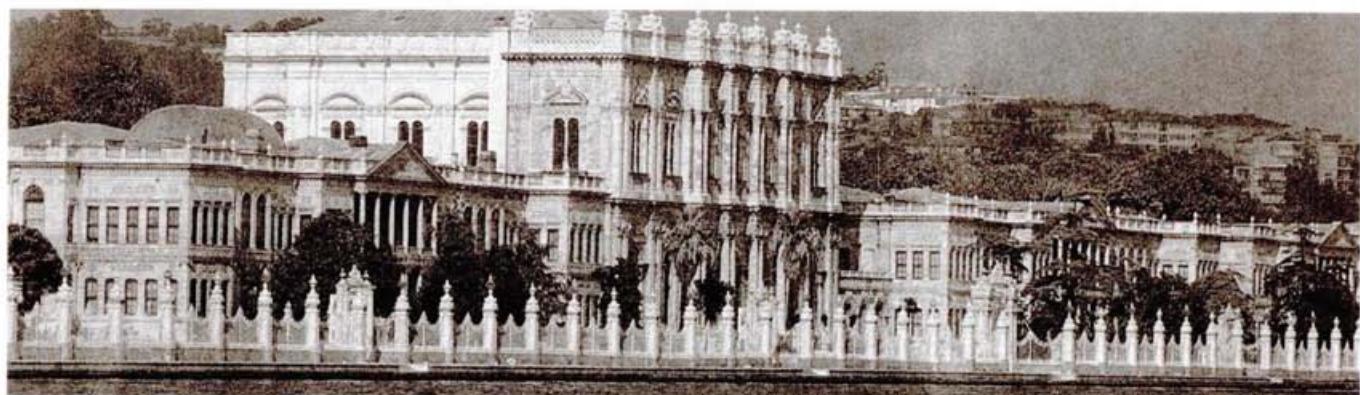
عمارت مبارکه خوابگاه

شکل ۳-۴۰- عمارت خوابگاه در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، بین سالهای ۱۳۰۳-۱۳۰۴ ه.ق در

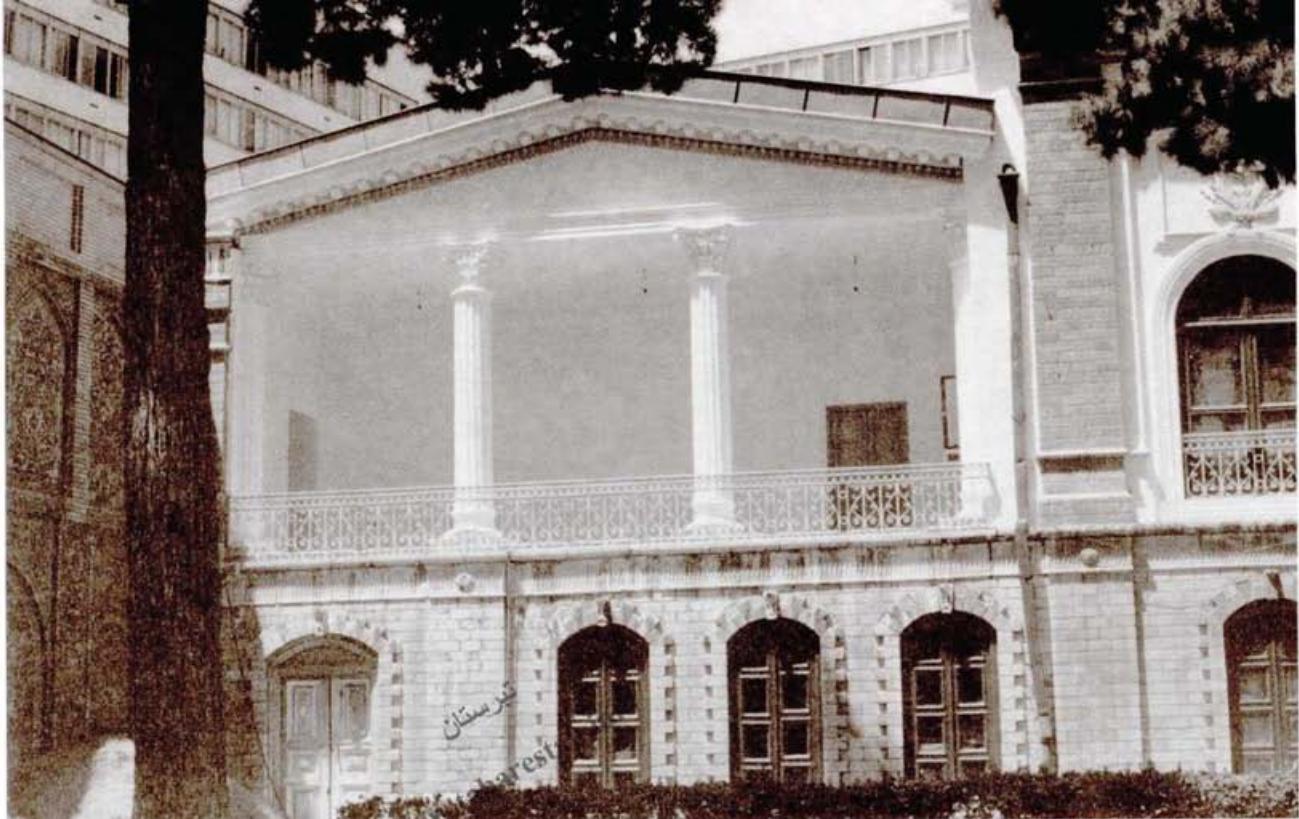
قسمت اندرونی ارغ احداث گردید.



شکل ۳-۴۱- در نمای عمارت خوابگاه هیج آثاری از معماری سنتی ایران مشاهده نمی شود. این کاخ نمود بارزی از ظهور سبک نئوکلاسیک در اوخر سلطنت ناصرالدین شاه است.



شکل ۳-۴۲- طرح عمارت خوابگاه، شباهت زیادی به کاخ دلمه باğچه که در نیمه قرن نوزدهم توسط سلطان عبدالمسعود اول در استانبول ساخته شده است، دارد.



شکل ۳-۴۳- بخشی از نمای شرقی کاخ ابیض



شکل ۳-۴۴- عکس از نمای شرقی کاخ ابیض. این کاخ نماد دیگری از سبک نوکلاسیک در مجموعه کاخ گلستان است.



شکل ۳-۴۵ - نمای شرقی کاخ لوور (Louvre Palace 1667-70) در پاریس. با توجه به دو شکل قبلی، کاخ ابیض شباهت زیادی به نمای میانی و نمای جناحین عکس فوق دارد



شکل ۳-۴۶ - کاخ ابیض در سال ۱۳۰۹ ه.ق. در سمت جنوب کاخ گلستان احداث گردید.

سیاسی و اجتماعی اروپاییان در ایران افزایش

یافت، نمود کالبدی آن در طرح کاخهای گلستان

ظاهر گردید. به تدریج الگوهای سنتی به حاشیه

رانده شد و به جای آن تلفیقی از معماری سنتی

کاخها گلستان، سنت معماری ایران زمین بود.

ولی در طی سلطنت پنجماه ساله این پادشاه

همچنان که ذهنیت درباریان و امراء هرچه

بیشتر متوجه مغرب زمین می‌شد و نفوذ

میرزا مهدی خان شقاقی در خاطرات خود در

مورد این ساختمان می نویسد:

«افسوسی که هست این است که پس از

مراجعةت از قم مرحوم سپهسالار به خیال

ساختن عمارت بهارستان و مسجد افتاد.

طراحی و ساختن آن بنها به من رجوع گشت

و من همین استاد حسن را جهت همکاری از قم

به تهران آوردم و مرحوم میرزا حسن خان  
منشی اسرار <sup>وزیر</sup> <sub>بهم</sub> همراهی نمود و شهریه و

انعام دادند و ساختن این بنها را از مسجد

ناصری (سپهسالار) و عمارت بهارستان به من

و او رجوع کردند و من مثل مهندس طرح فقط

در ساختن آن بنا نظارت می کردم.»<sup>(۲۹)</sup>

با توجه به تصاویری که از نماهای خارجی و

فضاهای داخلی کاخ سپهسالار از عهد ناصری

به جای مانده می توان بیان نمود که این

ساختمان نماد کاملی از سبک تلفیقی است،

سبکی که در این دوره برای طرح کاخهای امرا و

ساختمانهای مهم حکومتی مورد استفاده قرار

و فرنگی و در اواخر سلطنت وی ظواهر کامل

معماری فرنگی جایگزین آنچه می شود که بود.

#### ۴- مجموعه سپهسالار

در سمت شمال شرق دارالخلافه ناصری، باغ

بزرگی در نزدیکی باغ نگارستان به نام باغ

سپهسالار متعلق به میرزا حسین خان

سپهسالار<sup>(۳۰)</sup> وزیر باکفایت ناصرالدین شاه قرار

داشت. میرزا حسین خان در این باغ دو بنای

بسیار مهم یکی کاخ سپهسالار و دیگری مسجد

سپهسالار از خود به جای گذارد. کاخ سپهسالار

توسط میرزا مهدی خان شقاقی<sup>(۳۱)</sup>، ملقب به

ممتحن الدوله در سال ۱۲۹۳ ه.ق. (۱۲۵۳ م.ش)

آغاز و در سال ۱۲۹۶ ه.ق. پایان یافت. وی اولین

معمار تحصیل کرده ایرانی در اروپا بود. او

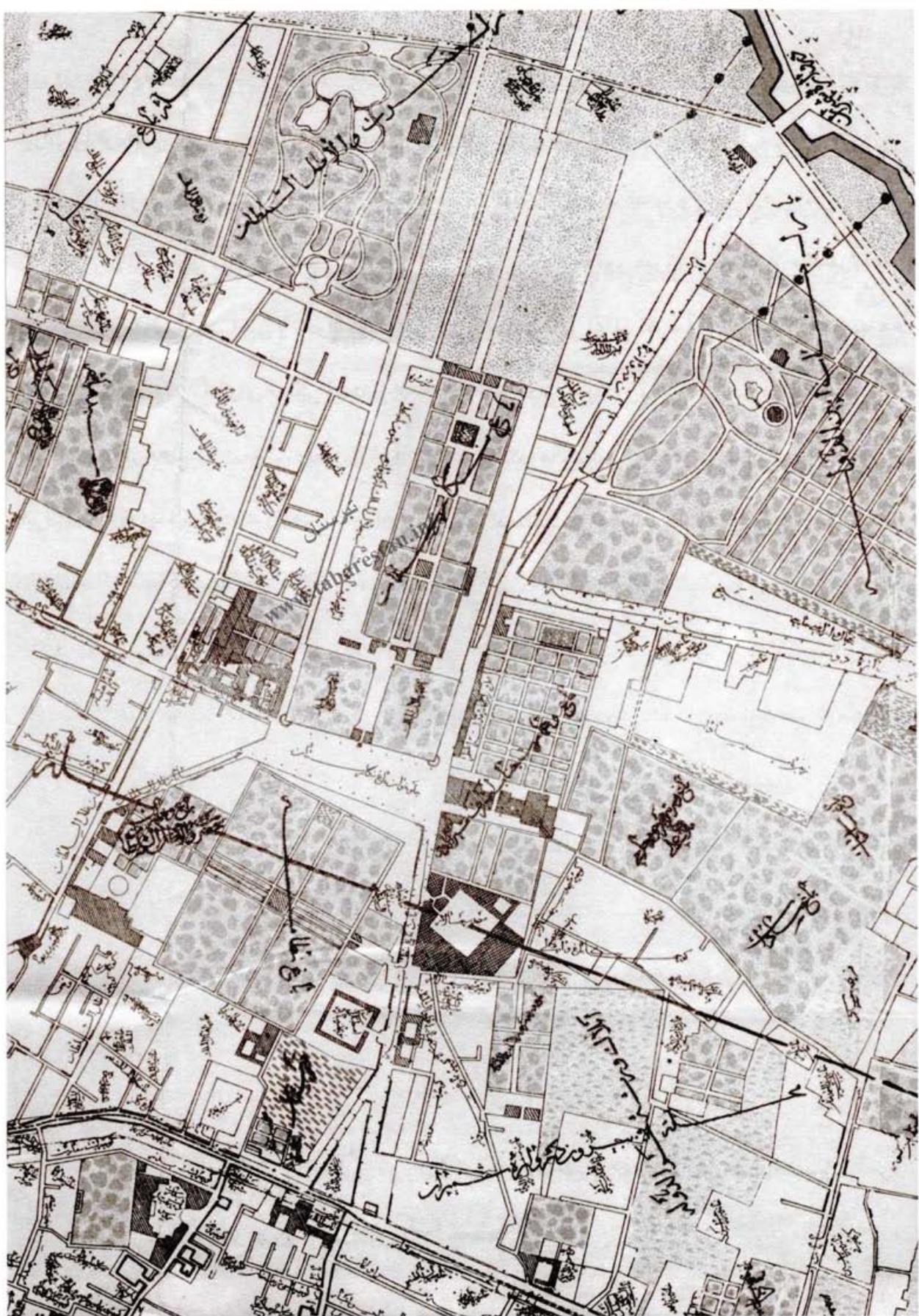
تحصیلات خود را در مدرسه صنایع مرکزی

فرانسه و مدرسه معماری پاریس به پایان

رسانیده بود. شاید به همین دلیل وی مورد

توجه سپهسالار که خود نیز فردی دنیا دیده و

افکار مترقی داشت، قرار گرفت.



۴۷-۳-سایت پلان باغ مشیرالدوله (مجموعه سپهسالار) در وسط این نقشه - مربوط به سال ۱۳۰۹ ه.ق.- مشخص است.

ولیعهد به تهران می آمد و همچنین برای مراسم غیررسمی استفاده می شد.

در روزنامه شرف مورخ ۱۳۰۶ ه.ق آمده است: «مرحوم مغفور میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم تقریباً در ده سال قبل شروع و اقدام به بنای عمارت در این باغ وسیع که ابتدا متجاوز از یکصد هزار ذرع مضروبی میباشد آن هی شد نموده بعضی عمارت و ابینه که از قدیم در آنجا بود خراب و منهدم کرده عمارتی بسیار عالی و مفصل به وضع عمارت خوب فرنگستان مشتمل بر فوقانی و تحتانی و تالارها و یورتهای متعدد و حوضخانه دوروی بسیار وسیع و تالار سفره خانه خیلی فسیح و باشکوه که قریب چهارصد و پنجاه ذرع مضروبی فرش انداز آن تالار می شود... که اکنون فی الواقع یکی از مهمانخانه های معتبر دولتی شمرده می شود که لایق ورود و نزول مهمانهای بسیار محترم

می گرفت. دودریها و سه دریها و آجرکاری ایرانی با قوسهای نیمایر رومی، بام شیروانی و ستونهای فرنگی تلفیق شده است. آینه کاری، گچ بری و نقاشی های داخل بنا نیز تلفیقی از گره چینی، مقرنس، اسلیمی و نقوش انتزاعی ایرانی با طرحهای واقع گرای فرنگی است. کالبد ساختمان به صورت سنتی و با روشهای ایرانی اجرا گردیده است. دیوارهای بنا دیوار باربر، سقف ساختمان به صورت طاق آجری و یا تیر چوبی و کاهگل و بام ساختمان با خربای ایرانی و ورق شیروانی اجرا شده است.

پس از مرگ میرزا حسین خان در سال ۱۲۹۸ ه.ق. به خاطر آنکه وی فرزندی نداشت، کاخ سپهسالار به تملک ناصرالدین شاه درآمد. وی نیز آن را به میرزا یحیی خان مشیرالدوله برادر سپهسالار سپرد. از این زمان این ساختمان به صورت یکی از عمارتهای حکومتی درآمد. در این دوره از کاخ برای موقعی که

به صورت موقت کاخ سپهسالار برای مقر مجلس انتخاب گردید. از این تاریخ تا زمان به توب بستن مجلس توسط قوا قزاق در سال ۱۳۲۶ق. (در زمان سلطنت محمد علیشاه) کاخ و مسجد سپهسالار و میدان بهارستان به صورت کانون تحولات و مبارزات سیاسی بین مشروطه خواهان و مخالفان مشروطه درآمد. کاخ سپهسالار

خارجه و داخله از شاهزادگان عظام و امراء کبار داخله و وزرای مختار و خانواده های سلاطین معظم خارجه است.»<sup>(۳۰)</sup>

پس از صدور فرمان مشروطیت توسط مظفر الدین شاه در سال ۱۳۲۴ق. اولین جلسات مجلس شورای ملی در مدرسه نظام واقع در ارگ حکومتی برگزار شد. ولی به سبب آنکه امکانات این مدرسه جهت مجلس مناسب نبود،



شکل ۳-۴۸- نقاشی رنگ و روغن از میدان بهارستان (۱۳۲۹ق.)- مسجد سپهسالار در سمت راست، سر در و ساختمان مجلس شورای اسلامی در انتهای میدان قرار دارد.

عين آن را تقلید و در تهران ساخته است. آیا به نیت اینکه آنجا هم مجلس شورای ایران بشود؟ آری بدون هیچ شک.»<sup>(۴۶)</sup>

سایر ساختمانهای مجموعه کاخ سپهسالار نیز

همانند خود کاخ به سبک تلفیقی طراحی شده

بودند. کاخ سپهسالار در حقیقت بخش بیرونی

مجموعه بود. در سمت شرق کاخ، بخش اندرونی

کاخ قرار داشت. پس از مرگ سپهسالار و

تصاحب کاخ نویسندگان شاه، بخش

اندرونی مجموعه در اختیار همسر سپهسالار به

نام قمرالسلطنه قرار گرفت. پس از فوت وی در

سال ۱۳۰۹ ه.ق. این قسمت نیز به تملک

ناصرالدین شاه درآمد. در همان سال، شاه این

بخش از کاخ را در اختیار ملیجک قرار می دهد.

در سمت جنوب این قسمت کاخ معروف به

ملیجک در سال ۱۳۱۲ ه.ق. ساخته می شود که

موضوع بحث در قسمت پایانی همین فصل

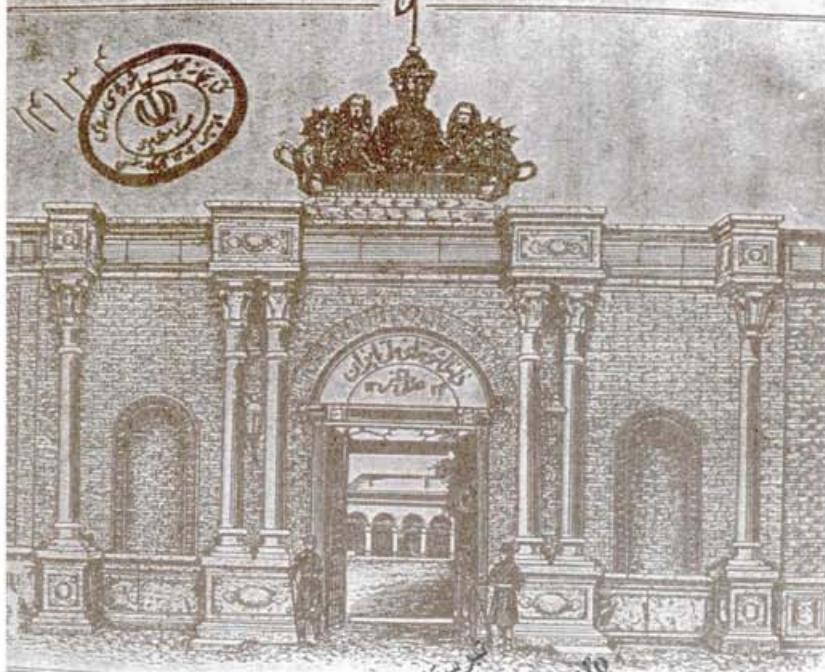
است.

سردر باغ در سال ۱۲۹۸ ه.ق. یعنی دو سال پس

شورای ملی ایران بوده است. پلانها، نماها و تزئینات این ساختمان در طی این مدت تغییرات بسیار زیاد نموده و از آثار بنای اولیه کاخ بخشهای اندک به جای مانده است.<sup>(۳۱)</sup>

در لغت نامه دهخدا آمده است:

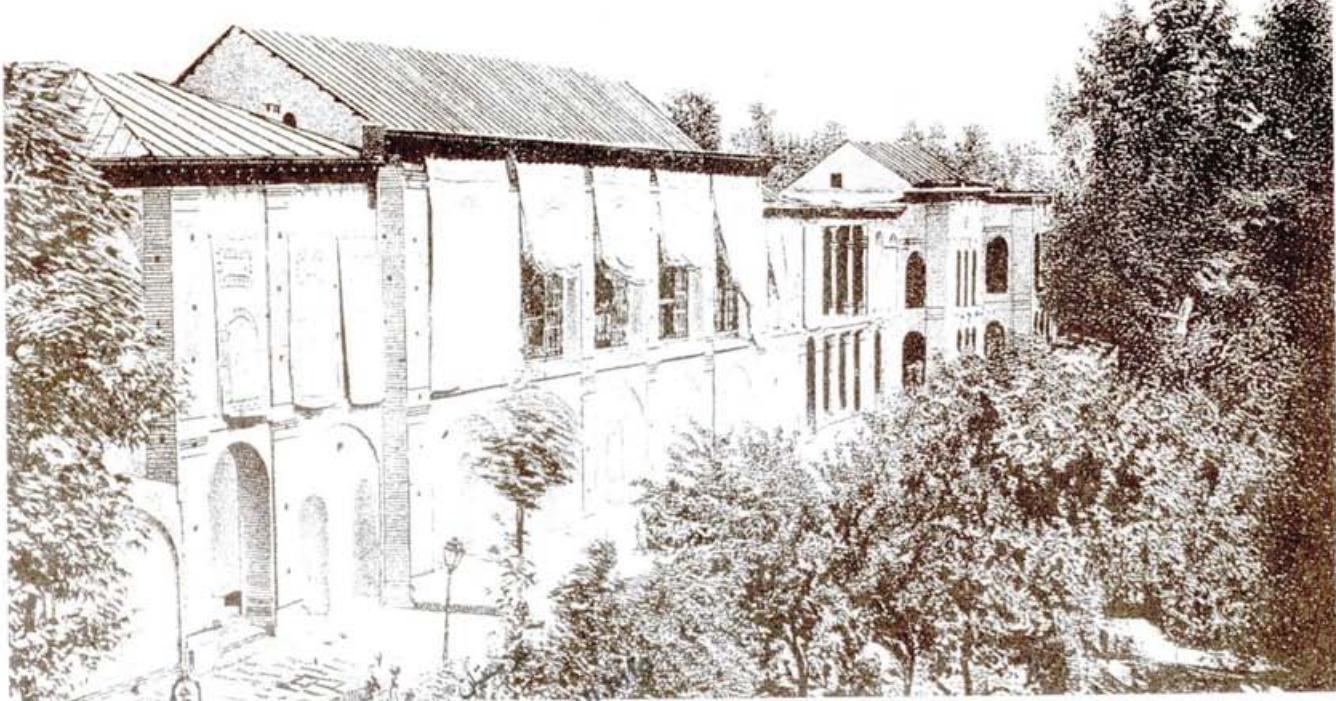
«مرحوم دهخدا به خط خویش نوشته است: پس از کودتای محمدعلیشاه که من به اروپا و سپس به استانبول رفتم، دو سه بار مرا به مجلس دعوت کردند... محمدعلی بیگ همدانی که وکیل کربلا در مجلس عثمانی بود و مرا در شکفت دید از من پرسید و از اینکه من همه جاهای ندیده آن را می شناسم و از پیش وضع آن را خبر می دهم متعجب بود و این بدان علت بود که ساختمان و عده اتاقها و بزرگی و کوچکی و سمت و ارتفاع و انفصال بنها درست مانند مجلس شورای ملی طهران بود حتی زینت ها از قبیل آینه ها و غیره یکی بود. این بنا را مدحت پاشا برای مجلس شورای اول عثمانی ساخته بود و سپهسالار



شکل ۳-۴۹- سر در باغ  
سپهسالار بعد از تبدیل  
شدن این مکان به  
مجلس شورای ملی  
ایران.



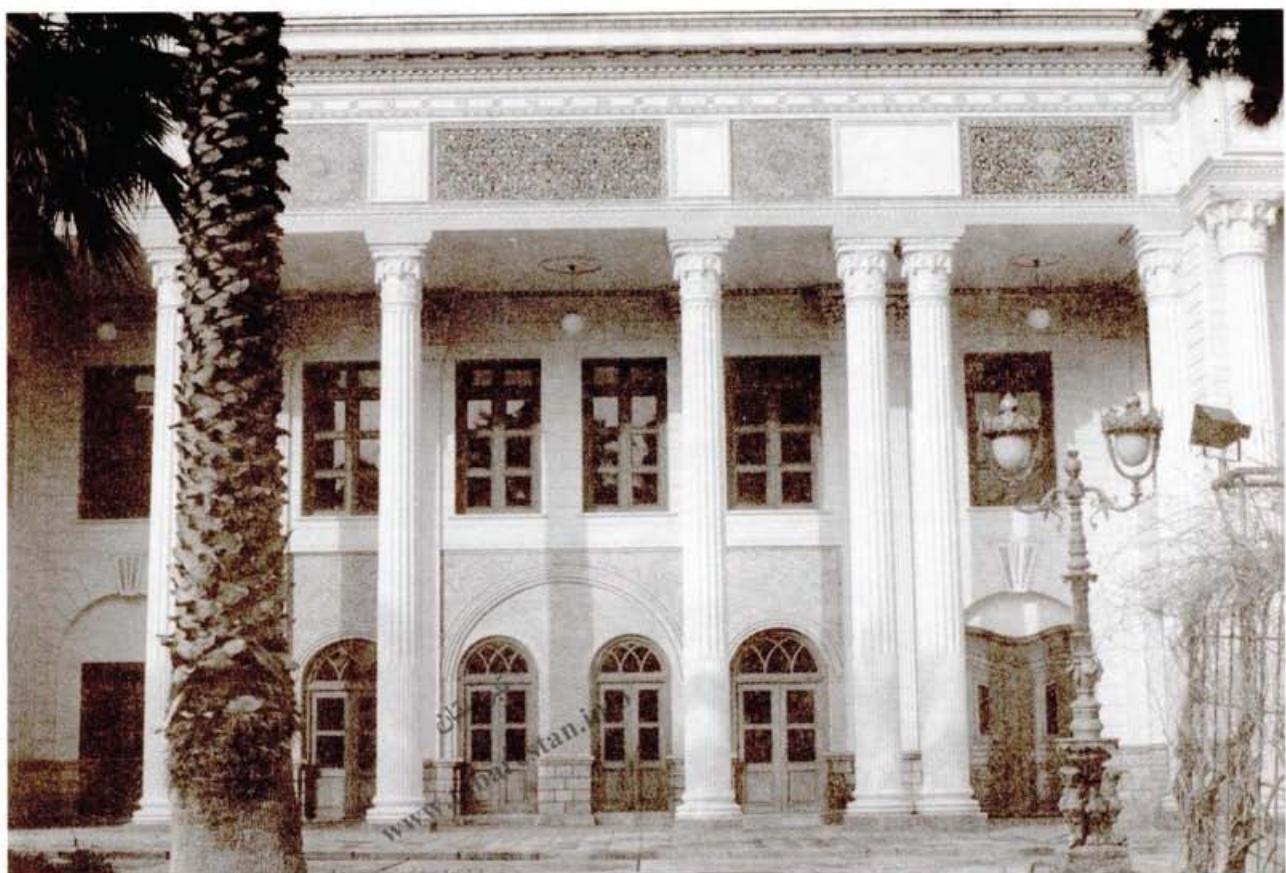
شکل ۳-۵۰- سر در باغ سپهسالار



شکل ۳-۵۱- بخشی از مجموعه سپه‌رستان



شکل ۳-۵۲- نمای جنوبی عمارت سپه‌سالار در اوخر دوره قاجاریه



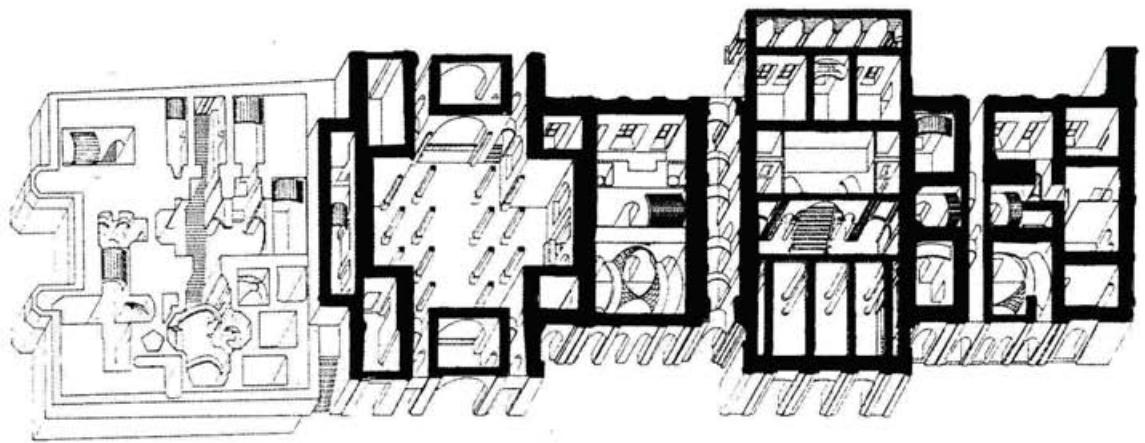
شکل ۳-۵۳- بخشی از نمای جنوبی عمارت سپهسالار در حال حاضر، قسمت آجری نما مربوط به بنای اولیه است.



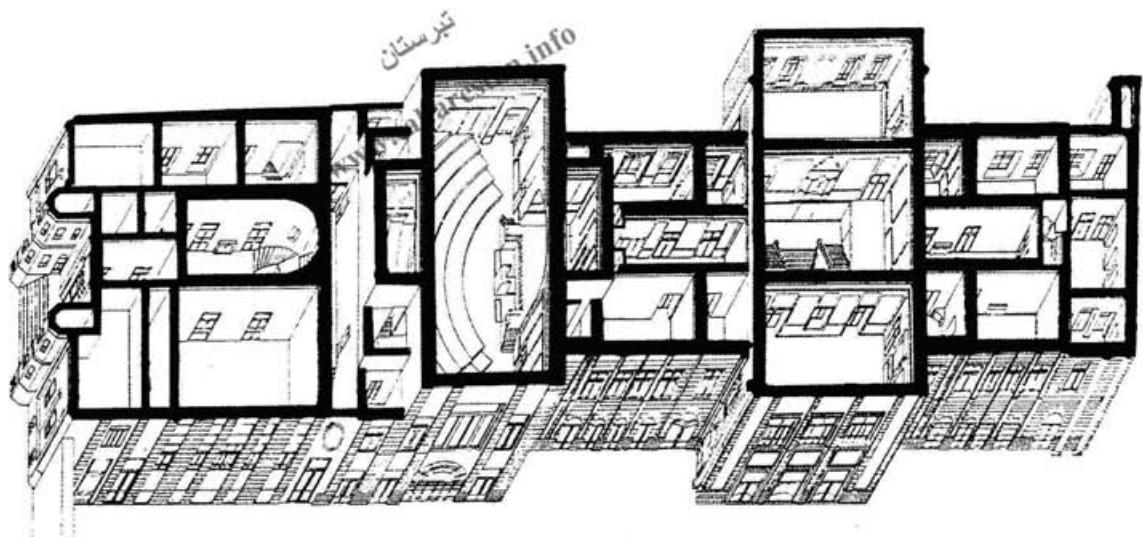
الف - تزئینات داخل عمارت سپهسالار ۳-۵۴



شکل ۵۴-۳-ب- تزئینات داخل عمارت سپهسالار



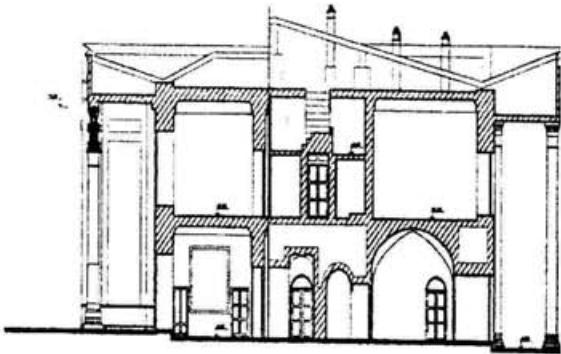
شکل ۳-۵۵- پلان سه بعدی از زیر زمین عمارت سپهسالار



شکل ۳-۵۶- نمای جنوبی و غربی و پلان سه بعدی از طبقه اول عمارت سپهسالار.



شکل ۳-۵۷- بخش از نمای (اولیه) جنوبی کاخ سپهسالار- بازسازی شده



شکل ۳-۵۸- دو برش عرضی از مجموعه سپهسالار

تبرستان

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)



شکل ۳-۵۹- برشی طولی از عمارت سپهسالار

معماری هر یک از این ساختمانها در جدول ۲-۲

عنوان شده است. از هر یک از این سه سبک بنا،

یک نمونه ساختمان انتخاب گردیده است.

هر یک از این سه ساختمان نمادی از سنت و یا

تجدد و یا تلفیقی از این دو هستند. کاخ

شمس‌العماره (۱۲۸۲-۸۴ ه.ق.) سمبولی از

معماری تلفیقی- ایرانی و فرنگی است. مسجد

سپهسالار (۱۲۵۰-۱۲۹۶ ه.ق.) نمودی از

معماری سنتی ایران زمین است که در آن آثار

معماری فرنگی ناچیز و اندک است. و بالاخره

کاخ ملیجک (۱۲۱۲ ه.ق) که از جمله آخرین

ساختمانهای مهم ساخته شده در عصر ناصری

است، نمونه کامل از یک ساختمان فرنگی در

دارالخلافه ناصری است. در این قسمت این سه

ساختمان با توجه به موضوعات:

۱- منبع الهام، ۲- نوع سازه و مصالح، ۳-

عناصر تشکیل دهنده ساختمان ۴- تزئینات

۵- شکل کالبدی و ۶- سبک ساختمان تحلیل

خواهند شد.

از اتمام کاخ، توسط معمار فرانسوی به نام

بوatal به سبک تلفیقی طراحی می شود. این بنای

ورودی که رو به میدان بهارستان داشت، به

صورت نماد مجلس شورای ملی درمی آید. این

سردر در سال ۱۳۱۳ ه.ش. تخریب و سردر

فعلی که برای عبور اتومبیل مناسب است ساخته

می شود.

در جنوب باغ سپهسالار در سال ۱۲۹۶ ه.ق.

بنای عظیم مسجد، مدرسه سپهسالار آغاز

می گردد. این ساختمان نیز در قسمت بعدی

همین فصل مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت.

## ۵- مشاهده ساختمانها

همانگونه که در فصل اول، عنوان گردید، در

عصر ناصری کاخها و ساختمانهای مهم

بسیاری در شهر تهران ساخته شد و اکثر کاخها

و ساختمانهای شاخص باقیمانده از دوره

قالجاریه متعلق به زمان سلطنت این پادشاه است.

این ساختمانها به سه سبک سنتی، تلفیقی و

نوکلاسیک تقسیم بندی شده اند. نام سبک

### جدول ۳-۲- ساختمانهای شاخص ساخته شده در زمان سلطنت ناصرالدین شاه ۱۳۱۳-۱۲۶۴ م.ق.

نام بنا	بانی	تاریخ بنا م.ق.	سبک	توضیحات
۱- مدرسه دارالفنون	میرزا تقی خان امیر کبیر	۱۲۶۶-۱۲۶۸	تلفیقی	توسط میرزا رضا مهندس باشی طراحی و توسط محمد تقی خان معمار باشی اجرا شد.
۲- قصر دوشان تپه	ناصرالدین شاه	۱۲۶۹	تلفیقی	توسط حاجب الدوله ساخته شد.
۳- قصر فیروزه	ناصرالدین شاه	۱۲۶۹	تلفیقی	توسط میرزا مهدی خان شفاقی طراحی شد. در حال حاضر جنب اتوبان افسریه به عنوان خوابگاه نیروی دریایی سپاه مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۴- باغ و عمارت نظامیه	میرزا آقاخان نوری صدراعظم	۱۲۷۰-۷۱	تلفیقی	قبل از ویرانی به رستورانی به نام لقانطه تبدیل گردید.
۵- مسجد مدرسه شیخ عبدالحسین	شیخ عبدالحسین تهرانی	۱۲۷۰-۸۱	ستی	از ثلث ارث امیر کبیر ساخته شد. باز شدن پلان گنبدخانه از سمت شرق و غرب. این ساختمان موجود است.
۶- کاخ سلطنت آباد و برج کلاه فرنگی	ناصرالدین شاه	۱۲۷۴-۱۳۰۵	تلفیقی	موجود است.
۷- باغ فردوس	حسینعلی خان معیر الممالک داماد فتحعلی شاه	۱۲۷۴	تلفیقی	موجود است
۸- میدان مشق	فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه	بازسازی ۱۲۷۸	ستی و تلفیقی	در زمان ناصرالدین شاه بنایی به شیوه معماری روسی در آنجا احداث و مرکز قراقرخانه گردید.
۹- خانه نظام الملک	میرزا کاظم خان نظام الملک	۱۲۸۰-۱۳۰۰	تلفیقی	در سال ۱۳۳۰ م.ق. از طرف حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی خربداری شد. بخش بیرونی آن موجود است.
۱۰- شمس العماره	ناصرالدین شاه	۱۲۸۲-۸۴	تلفیقی	دارای اولین نمونه از ستون هاونزد های چدنی. زیر نظر دوستعلی خان معیرالممالک و توسط علی محمد کاشی، طراحی و اجرا شد. موجود است.

جدول ۳-۲- ساختمانهای شاخص ساخته شده در زمان سلطنت ناصرالدین شاه ۱۳۱۳-۱۲۶۴ م.ق.

نام بنا	بانی	تاریخ بنا م.ق.	سبک	توضیحات
۱۱- مسجد مدرسه سپهسالار قدیم	میرزا محمدخان سپهسالار	۱۲۸۳	ستی	در خیابان ناصرخسرو کوچه مروی، موجود است.
۱۲- بانک شاهی	میرزا قهرمان امین لشکر	۱۲۸۴ حدوداً	تلفیقی	در سال ۱۳۰۷ م.ق. این بنا از طرف بانک شاهنشاهی خریداری شد. تخریب شده است.
۱۳- مسجد مدرسه معیرالممالک	دوستعلی خان نظام الدوله	۱۲۸۴-۹۰	ستی	در خیابان خیام کوچه آب انبار معیر موجود است.
۱۴- میدان توپخانه	ناصرالدین شاه	۱۲۸۴	تلفیقی تبرستان	توسط محمد ابراهیم خان وزیر نظام اجرا گردید.
۱۵- دروازه‌های تهران	ناصرالدین شاه	۱۲۸۴-۱۲۹۴	تلفیقی	دوازده دروازه به دور شهر، در زمان رضاشاه تخریب گردیدند.
۱۶- تکیه دولت	ناصرالدین شاه	۱۲۸۵	تلفیقی	دارای اولین نمونه از خرپای فلزی، تخریب شده است.
۱۷- سفارت انگلیس	دولت انگلیس	۱۲۸۶-۱۲۸۷	تلفیقی	طرح: جی. دبلیو. وايلد.
۱۸- مریضخانه دولتی	ناصرالدین شاه	۱۲۹۰	تلفیقی	اولین بیمارستان دولتی در ایران، تخریب شده است.
۱۹- قصر و باغ عشت آباد	ناصرالدین شاه	۱۲۹۱	تلفیقی	نمود کالبدی تلفیق حرمسراي شرقی با ظاهره معماری فرنگی
۲۰- عمارت گلستان	ناصرالدین شاه	۱۲۹۱-۹۴	تلفیقی	اولین موزه ایران، موجود است.
۲۱- باغ و عمارت معیرالممالک	دوستعلی خان معیرالممالک	۱۲۹۰ ۹	نوکلاسیک	تخریب شده است.
۲۲- کاخ سپهسالار	میرزا حسین خان مشیرالدوله	۱۲۹۳-۹۶	تلفیقی	توسط میرزامهدی خان شفاقی طراحی و توسط استاد حسن معمار اجرا شد و در سال ۱۳۷۸ ه.ش. مرمت شده است.

جدول ۳-۲- ساختمانهای شاخص ساخته شده در زمان سلطنت ناصرالدین شاه ۱۳۱۳-۱۲۶۴ م.ق.

نام بنا	بانی	تاریخ بنا ۵.ق.	سبک	توضیحات
۲۳- قصر شهرستانک	ناصرالدین شاه	۱۲۹۴-۹۵	تلفیقی	زیرنظر امین السلطان وزیر دربار و به معماری حاجی ابوالحسن معماری‌باشی اجرا گردید.
۲۴- باغ و عمارت مسعودیه	ناصرالدین شاه	۱۲۹۵	تلفیقی و نوکلاسیک	توسط استاد شعبان معماری‌باشی اجرا شد. موجود است.
۲۵- مسجد مدرسه سپهسالار(مطهری)	میرزا حسین خان مشیرالدوله	۱۲۹۶	ستی تبرستان	توسط میرزا مهدی خان شفاقی طراحی و توسط استاد حسن معمار اجرا شد. در سال ۱۳۸۱ ه.ش. مرمت شده است.
۲۶- کاخ صاحقرانیه	ناصرالدین شاه	۱۲۹۷	تلفیقی	در شمال شرق تهران در نیاوران. تنها قسمت بیرونی کاخ باقیمانده و قسمت اندرونی از بین رفته است.
۲۷- عمارت حرمخانه (اندرون)	ناصرالدین شاه	۱۳۰۰	تلفیقی	زیر نظر امین السلطان وزیر دربار و به معماری حاجی ابوالحسن معماری‌باشی
۲۸- مدرسه نظام	ناصرالدین شاه	۱۳۰۱	تلفیقی	در داخل ارگ، تخریب شده است.
۲۹- قصری‌ساقوت (سرخه حصار)	ناصرالدین شاه	۱۳۰۲-۱۳۰۳	نوکلاسیک	به مبارزت میرزا محمدخان سرتیپ اول و تحت ریاست امین‌السلطان وزیر اعظم. تنها قسمت بیرونی کاخ باقی مانده، در حال حاضر دفتر بیمارستان شهید لواسانی در آنجا قرار دارد.
۳۰- سردر شمس العماره	ناصرالدین شاه	۱۳۰۳	تلفیقی	زیرنظر امین‌السلطان، مجاور خیابان ناصرخسرو
۳۱- قصر امیریه	کامران میرزا نایب‌السلطنه	۱۳۰۴	تلفیقی	در سال ۱۳۰۱ ه.ق. به محل دانشکده افسری تبدیل شد.
۳۲- عمارت خوابگاه	ناصرالدین شاه	۱۳۰۳-۱۳۰۴	نوکلاسیک	به تقلید از قصر دلمه‌باغچه استانبول، زیر نظر امین‌السلطان، تخریب شده است.

جدول ۳-۲- ساختمانهای شاخص ساخته شده در زمان سلطنت ناصرالدین شاه ۱۳۱۳-۱۲۶۴ هـ.

نام بنا	بانی	تاریخ بنا هـ.	سبک	توضیحات
۲۳- عمارت و باغ	کامران میرزا پرسوم ناصرالدین شاه	بعد از ۱۲۹۵	نوکلاسیک	دارای باغبانان فرنگی بوده است. تخریب شده است.
۳۴- عمارت		۱۳۰۴-۹	تلفیقی	تحت نظر علیقلی خان وزیر علوم. تخریب شده است.
۲۵- عمارت پارک	میرزا علی اصغر خان امین السلطان، صدراعظم	۱۳۰۴-۶	نوکلاسیک	از سال ۱۳۲۵ به تصرف سفارت روس درآمد.
۲۶- ایستگاه راه آهن		۱۳۰۵-۹	نوکلاسیک	راه آهن توسط بلژیکی‌ها برای اولین بار احداث گردید. تخریب شده است.
۳۷- باغ و عمارت	حاج میرزا علی خان امین الدوله	آغاز سده ۱۴	نوکلاسیک	هیچگونه نمادی از معماری سنتی ایران در ظاهر این بنا دیده نمی‌شود.
۲۸- کاخ ابیض	ناصرالدین شاه	۱۳۰۶-۱۳۰۹	نوکلاسیک	جهت نگهداری اثاث اهدایی سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی، موجود است.
۲۹- کاخ ملیجک	عزیزالسلطان	۱۳۱۳	نوکلاسیک	ساختار ایرانی، ظاهر فرنگی. در سال ۱۳۷۹ هـ. مرمت شده است.



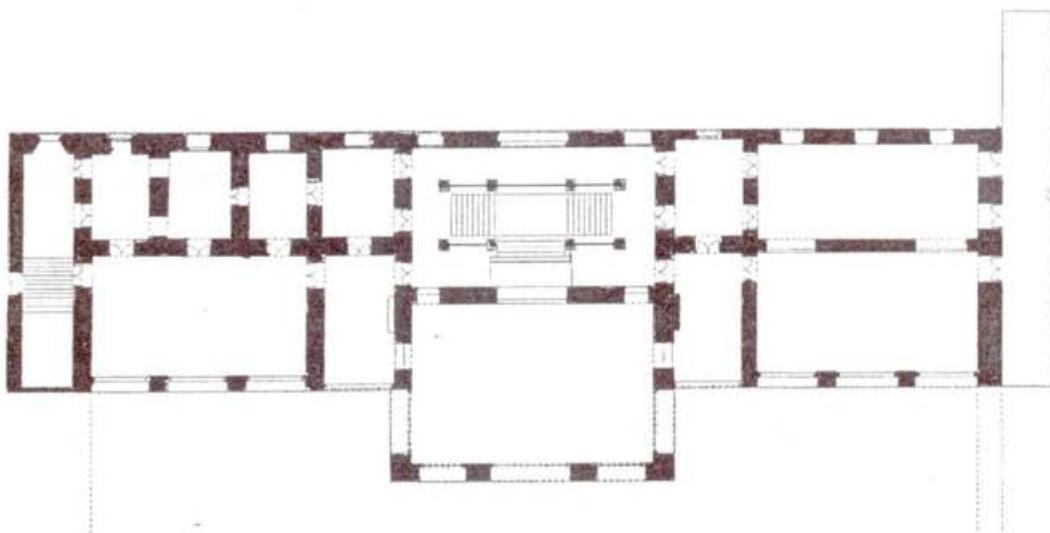
شکل ۳-۶۰- سرستون کرتین در خانه امام جمعه تهران



شکل ۳-۶۱- نمای جنوبی خانه امام جمعه (خانه نظام الملک) تلفیقی از ستونهای کرنتین و سنتوری شکسته با ارسی‌ها و تزئینات ایرانی است



شکل ۳-۶۲- گراورها از تصاویر ساختمانها و افراد اروپائی، قاب شده در گچکاری خانه امام جمعه(نظام الملک).



شکل ۳-۶۳- مجموعه بیرونی کاخهای مسعودیه، از بالا سمت چپ در جهت عقربه های ساعت، عمارت سردر ورودی، دیوانخانه، عمارت سید جوادی و عمارت مشیرالملکی. به ابعاد تالار راه پله نسبت به مساحت طبقه اول عمارت دیوانخانه و محور قرار گرفتن راه پله براساس دو محور اصلی عمارت در پائین صفحه توجه کنید.



شکل ۴-۳- راه پله ساختمان تأثیر بوردو (۱۷۷۳-۸۰) در سمت راست و راه پله ساختمان ابرای باریس (۱۸۶۱-۷۵) در سمت چپ، نشان دهنده اهمیت راه پله از نظر ابعاد و قرار گرفتن در محور در معماری نئو کلاسیک قرن هیجده و نوزده فرانسه می باشد. به پلان راه پله عمارت دیوانخانه در صفحه قبل توجه کنید.

أخذ شد.

## ۱-۵-عمارت شمس العماره

در روزنامه شرف، نمره بیست و هفتم مورخ جمادی الاول ۱۳۰۲ آمده است:

«عمارت مبارکه رفیع شمس العماره که نظیر عمارت سلطنتی بسیار خوب فرنگستان و در مناعت و مقانت بنا و شکوه منظر و بداعت وضع اول بنای سلطنتی ایران می تواند بود در سال یک هزار و دویست و هشتاد و چهار

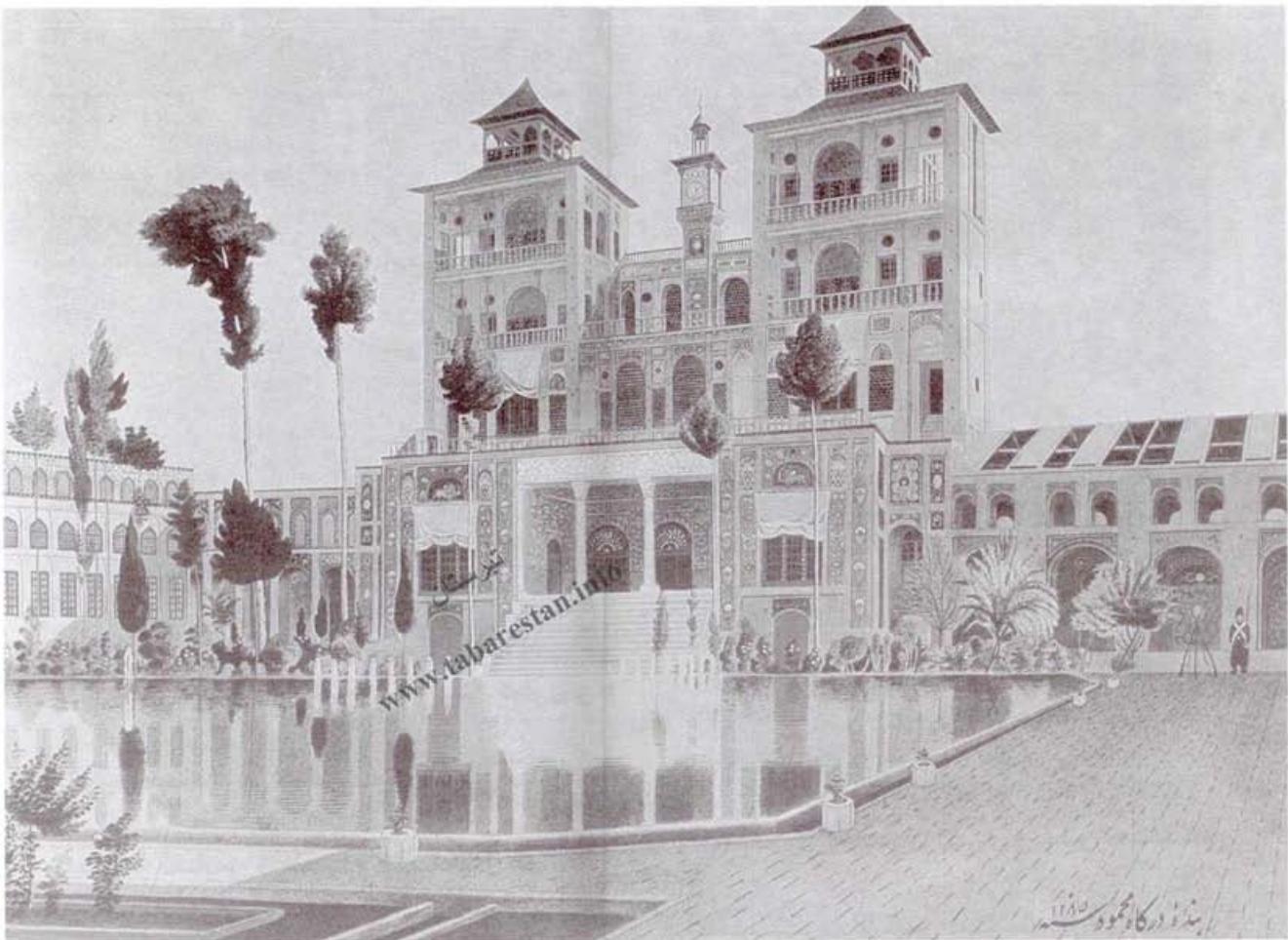
شاخصترین بنای ساخته شده در ارگ حکومتی و مرتفعترین ساختمان دارالخلافه ناصری، کاخ شمس العماره است. کار احداث این ساختمان در سال ۱۲۸۲ هـق به دستور ناصرالدین شاه آغاز و پس از دو سال پایان پذیرفت. ظاهراً ایده این طرح به سبب علاقه پادشاه به ساختمانهای اروپائی، از روی تصاویر ساختمانهای فرنگی

تشریفاتی آن بوده است و در ایوان و سالن‌های پرترزین و باشکوه آن از مقامات و سرشناسان پذیرایی می‌شده است. البته این ساختمان به لحاظ آن که مرتفع‌ترین ساختمان تهران بوده و از بسیاری از نقاط شهر قابل رؤیت توسط رعایای پادشاه بوده، به صورت نماد و جلوه‌ای از قدرت و تمول و در عین حال ذهنیت فرنگ‌ماه پیارشان [www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

اعتمادالسلطنه در مورد این کاخ می‌نویسد: «و دیگر از عیون آثار و غرر مبانی اعلیحضرت اقدس صاحبقرانی قصر شمس‌العماره است که بر طبقات چند بعضی‌ها فوق بعض افراخته و از داخله و ظاهر به انواع تکلفات و تزئینات آراسته شده است، هماناً به هندسه و ترکیب و طرح و تشکیل این اثر جلیل و مزایای تالارها و مجالس و کاخها و مناضر آن در میان اینه سلاطین سلف ایران اثری نشان نداده‌اند و این اساس جدید و

بر حسب امر قدر قدر جهان‌نمطاع همایون شاهنشاهی ادام الله سلطانه و مباشرت و مواظبت مرحوم نظام‌الدوله دوست‌عليخان معیرالممالک با مخارج و مصارف گزارف دولت در سمت شرقی باغ سلطنتی همایونی که طرف دیگر آن منظر به ابتدای خیابان مبارکه ناصری دارد بنا گردید. این بنا مشتمل بر شش مرتبه است و تالارها و اطاقدا و بالاخانه های عالی مزین دارد که همه آینه کاری و حجاری سنگ مرمر ممتاز منبت شده و مبلهای ممتاز و نفایس گرانبها و بساطهای عدیم النظیر و پرده‌های تصویر اساتید فرنگ دارد و بنایی از هر جهت به این آراستگی و رفعت و خوش منظری و شکوه کمتر در عالم دیده و شنیده شده است...»

عملکرد اصلی این بنای مرتفع جهت تماشای شهر تهران و اطراف آن از بالای ساختمان توسط ناصرالدین شاه و مهمانان وی و اهل حرم بوده است. عملکرد دیگر این بنا جنبه



شکل ۳-۶۵- کاخ شمس‌العماره مرتفع ترین ساختمان تهران در زمان ناصرالدین شاه و تا پایان دوره قاجاریه است این کاخ به دستور ناصرالدین شاه و زیر نظر دوستعلی خان معیرالممالک (خواهرزاده شاه) ساخته شده است.

عنوان یکی از ورودی‌های کاخ گلستان از سمت خیابان ناصریه ساخته شد. ساختمان جدید نیز همانند خود شمس‌العماره به سبک تلفیقی احداث گردید. در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در سمت جنوبی

جوسق جاوید به اهتمام دوستعلی خان معیرالممالک (نظام‌الدوله) سرانجام یافت.<sup>(۳۲)</sup>

در سال ۱۳۰۳ هجری قمری در سمت جنوبی شمس‌العماره، سردر شمس‌الumarah به

نیز حسب الامر قدر قدر جهان مطاع همایون

میدان بسیار وسیعی در جلو این سردر طرح

انداخته و بنا کردند که اطراف آن حجرات

بسیار خوب برای ارباب حرف و صنایع

مستظرفه است و وسط میدان حوض مستدير

بزرگی دارد که همه وقت به قدر یک ربع سنگ

و بلکه نیم سنگ آب از فواره آن می‌جهد و نظر

به حسن منظر و شایستگی موقع و فسحت

فضای [ایلین میدان و خیابان چراغان و](http://www.shahrestan.info)

آتش بازی دولتی و جشن‌های لیالی اعیاد

چندی است که در این میدان مهیا و برپا

می‌شود.»<sup>(۳۳)</sup>

### ۱-۵- منبع الهام شمس العماره

منبع الهام این ساختمان در طرح کلی و همچنین

در جزئیات و اجراء آن تلفیقی از معماری فرنگی

و ایرانی بوده است.

اعتماد السلطنه در مورد سبک این ساختمان

می‌نویسد:

جلوی سردر شمس‌العماره به نام جلوخان

شمس‌العماره احداث شد. در روزنامه شرف

آمده است:

«سه چهار سال قبل بر حسب اراده و اشاره

علیه بندگان اعلیٰحضرت قوی‌شوکت اقدس

همایون شاهنشاهی خلد الله تعالیٰ ملکه و

سلطانه و اهتمام و توجه مخصوص جناب

مستطاب امین‌السلطان وزیر اعظم دولت علیه

سردری بسیار عالی و تalarی مزین به لطایف

آینه‌کاری و ظرایف مقرنس و گچ‌بری رو به

شرق بنا کردند که همه روزه هنگام طلوع

آفتاب از تابش لمعات نور تالار مزبور چنان

مشعشع و درخشان می‌شود که دیده بیننده را

خیره می‌سازد و همه وقت به انواع مبل و

اسباب گران‌بها آراسته و مرتب است که

گاهگاه در اوقات اقامت بندگان اقدس همایون

شهر و مقر خلافت عظمی لختی از روز را ذات

قدس شاهانه متفرجاً به این جا تشریف

آورده ساعتی جلوس می‌فرمایند و سال قبل را



شکل ۳-۶۶- سبک تلفیقی عمارت شمس‌العماره نمادی از بینش فکری و فرهنگ التقاطی درباره ناصرالدین شاه بوده است.



شکل ۳-۶۷- سر در شمس‌العماره ۱۳۰۳ ه.ق. همانند خود عمارت شمس‌العماره به سبک تلفیقی ساخته شده است.

کاخ‌های وی در تهران بتواند با کاخ‌های صفوی

در اصفهان از نظر هیبت و عظمت برابری کند.

هر دو کاخ به گونه‌ای طراحی شده‌اند که از

داخل آن بتوان محیط اطراف را تماشا کرد و هر

دو بنا به صورتی واقع گردیده‌اند که بر فضای

اطراف خود مسلط باشند.

همچنان که ذکر شد، جلو خان شمس‌العماره در

۱۳۰۵ هجری قمری در سمت شرقی کاخ

در مجاور خیابان ناصری احداث گردید. اگرچه

این میدان بسیار کوچکتر از میدان نقش جهان

اصفهان است، ولی در این جا نیز مانند نمونه

اصفهان، بنای کاخ بر فضای مقابل خود مشرف

است.

در داخل شمس‌الumarah علاوه بر عناصر و

تزئینات فرنگی، نمونه‌های ایرانی زیادی وجود

دارد که در دنباله مطلب ذکر خواهد شد.

«بنیان و بنیاد کوشک مبارک معروف به

شمس‌الumarah که از عظایم آثار این شهریار و

امتیازش بر جمیع این شهریار بلکه ایران اظهر

من الشمس است و مشتمل بر طبقات خمس و

این یادگار بزرگوار چنانچه در اوایل این باب

که اجله آثار این شهریار جمله محض تعظیم و

امتیاز مذکور می‌افتد اشارت شد به دستیابی

دوستعلی خان معیرالممالک به سبک قصور

عمارات فرنگستان طرح ریخته و پرداخته و

بنا برداشته و افراده شده است...»<sup>(۳۴)</sup>

کلاه فرنگی‌ها، ساعت و ارتفاع این ساختمان-

غیر مذهبی - شباهت زیادی با ساختمان‌های

اروپایی را تداعی می‌کند، ولی، در عین حال این

ساختمان بی‌شباهت به مرتفع‌ترین کاخ دوران

صفویه یعنی کاخ عالی‌قاپو نیست. ارتفاع،

برون‌گرایی و فضایی جهت تماشای شهر نیز از

جمله نمادهای بارز کاخ عالی‌قاپو بوده است.

شاید قصد ناصرالدین شاه این بوده که مجموعه

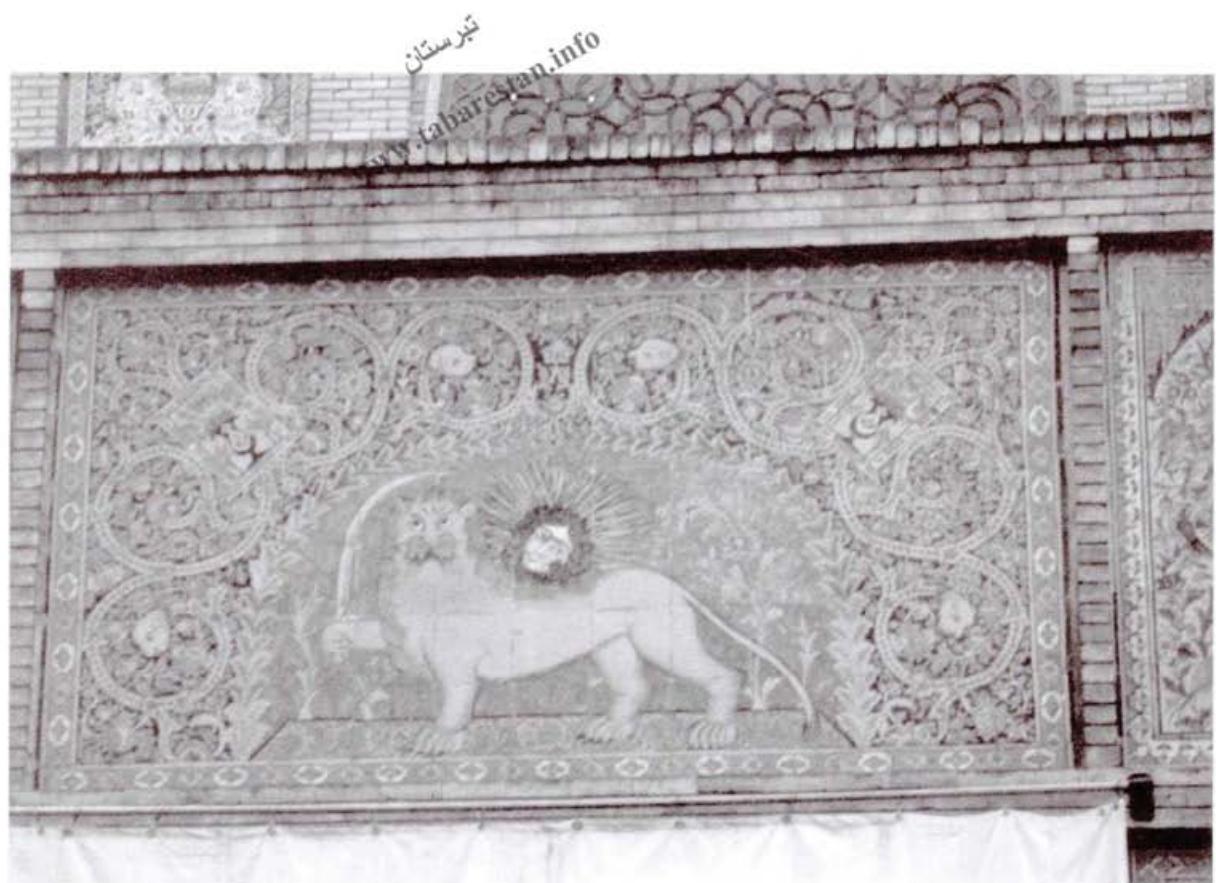
## ۱-۲-۵- نوع مصالح و سازه

استفاده گردیده است. برای پوشش بام از  
شیروانی و برای نرده‌ها و تعدادی از ستون‌ها  
از چدن استفاده شده است. خرپای مورد  
استفاده برای شیروانی چوبی است.

### ۳-۱-۵-عناصر تشکیل دهنده ساختمان

عناصر تشکیل دهنده این ساختمان نیز بخشی  
ایرانی و بخشی فرنگی است. در این ساختمان از

مصالح مورد استفاده در این ساختمان، مصالح  
بنائی و عمدتاً خشت و گل و آجر است. سیستم  
سازه‌ای بنا به صورت دیوار باربر با طاق‌های  
آجری و چوبی است. قاب در پنجره‌ها و بعضی  
از ستون‌ها نیز چوبی هستند. برای ازاره و  
پله‌های ساختمان از سنگ مرمر استفاده شده  
است، از مصالح فرنگی نیز در این ساختمان



شکل ۳-۶۸- شمس‌العماره، تصویر شیر و خورشید بر روی نمای غربی

محوطه آن دارد و در معرض دید افراد خارج از  
محوطه خصوصی کاخ قرار دارد.

#### ۱-۵-تزئینات

تزئینات ساختمان نیز همانند دیگر بخش‌های بنا  
به صورت تلفیقی از تزئینات ایرانی و فرنگی  
است. کلیه سطوح داخلی و خارجی این کاخ  
تزئین شده و کمتر جایی در بنا یافت می‌شود که

ستون‌ها و سرستون‌های سبک صفوی و قوس

جناغی استفاده شده که ریشه در سنت معماری

ایران دارد، در عین حال از ستون‌های چوبی و  
چدنی<sup>۱</sup> با سرستون کرینتین، بام شبیدار،  
ستوری، قوس‌رومی و ساعت استفاده شده است.  
این ساختمان اولین بنای مسکونی برون‌گرا در  
تهران است که دید به بیرون فضای کاخ و



شکل ۳-۶۹- دسته موزیک در حال نواختن مارش نظامی، نمای غربی شمس‌العماره

<sup>۱</sup>- با توجه به تصاویر ساختمانهای دارالخلافه  
ناصری، این ساختمان اولین بنایی در تهران است که  
در آن از ستونهای فلزی استفاده شده است.

ایرانی مانند اسلامی، گره چینی، قطاربندی و مقرنس است. نقوش فرنگی مانند نقاشی واقع‌گرا (تصویرگی‌هان به صورت طبیعی و ساختمان‌های فرنگی) و حجاری با ترسیمات و نقوش واقعی و مجسمه سازی است.

فاقد تزئینات باشد. البته سطوح تزئین شده و میزان ظریف کاری در طبقات پایین بیشتر و به تدریج در طبقات بالا کمتر است. تزئینات شامل گچ‌کاری، آینه‌کاری، کاشی‌کاری، آجرکاری، چوب‌کاری و حجاری است. نقوشی که بر روی سطوح فوق نقش بسته شامل نقوش



شکل ۳-۷۰ - تصویری از ساختمانهای اروپایی بر روی نمای غربی شمس العماره



شکل ۳-۷۱- آینه کاری بر روی مقرنس سقف هشتی ورودی به شمس العماره

صورت می‌گیرد. بر روی محور ایوان هم کف

### ۵-۱-۵- شکل کالبدی

پلهای بزرگ رو به حیاط وجود داشته که ملهم

پلان ساختمان در طبقات پایین به صورت ایرانی

از ساختمان‌های فرنگی است. در معماری ایران

است یعنی پلان تنها از یک سمت، رو به حیاط

در دوره اسلامی پله بر روی محور اصلی بنا

مرکزی باز می‌شود. ایوانی بزرگ رو به حیاط

کمتر دیده شده است. این پله بعدها برچیده

در وسط طبقه همکف قرار دارد. جهت دسترسی

می‌شود و درحال حاضر وجود ندارد.

به طبقات فوقانی پله‌ها همانند اکثر بناهای

پلان‌ها در طبقات فوقانی حالت بروزنگرا دارند

مسکونی در ایران در پستوهای پشت اطاق‌های

در هر چهار سمت ساختمان بازشویی به

اصلی قرار گرفته‌اند. نظام گردشی ساختمان نیز

بیرون وجود دارد. وجه غالب نما در طبقات

ایرانی است. یعنی ارتباط از طریق اتاق به اتاق

معماری را نشان می‌دهد.

#### ۱-۶-۵-سبک ساختمان:

با توجه به مطالب عنوان شده در فوق، سبک این ساختمان کاملاً در مقوله سبک تلفیقی دوره قاجاریه می‌گنجد و یکی از بهترین نمونه‌های اجرا شده در این سبک است.

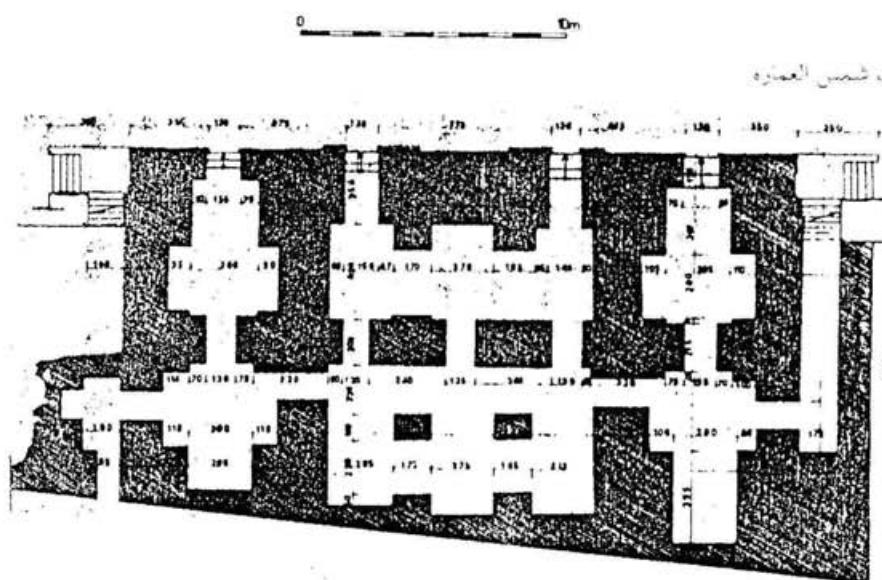
#### ۱-۶-۵-تحليل نهایی:

بنای شمس‌العماره به تحقیق نقطه عطفی در تاریخ معماری کشور ما محسوب می‌شود.

فوچانی به معماری فرنگی شباht پیدا می‌کند.

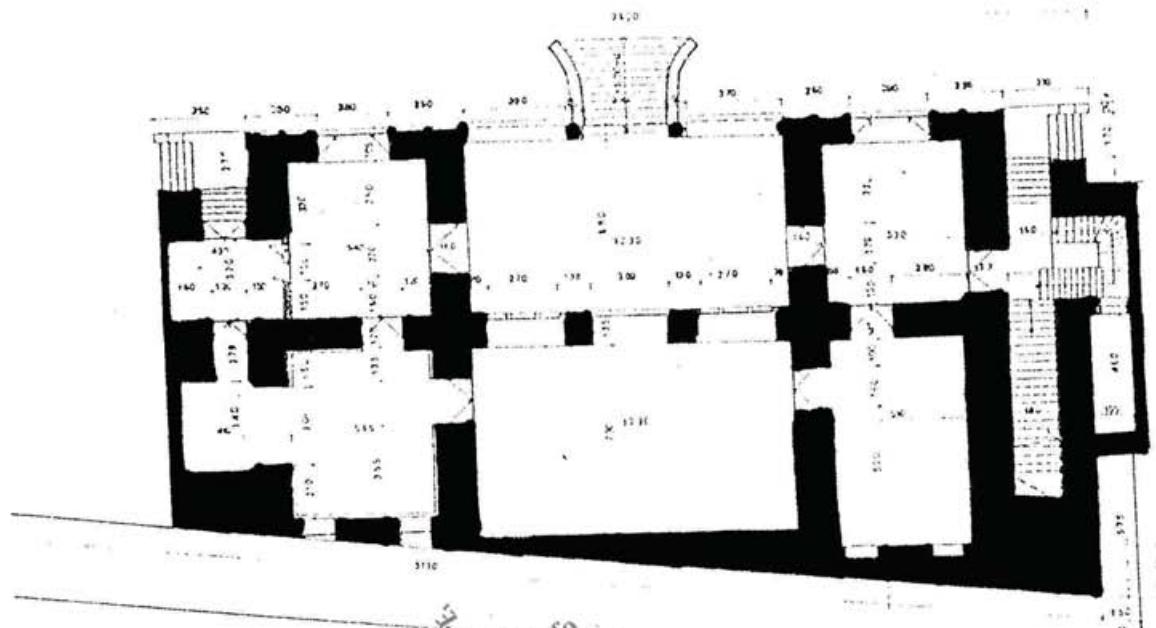
خصوصاً وجود کلاه فرنگی‌ها، ساعت و بازشو در چهار سمت ساختمان نمودی از این مطلب است. لازم به ذکر است که ساعت بالای شمس‌العماره از طرف ملکه ویکتوریا، پادشاه انگلستان به ناصرالدین شاه اهداء شده بود.

در مقطع ساختمان نیز التقاط معماری ایرانی و فرنگی دیده می‌شود. دیوارهای ضخیم باربر آجری و طاق‌های تخت آجری در مقابل خرپا و سطوح شیبدار با مقابل و تلفیق این دو شیوه



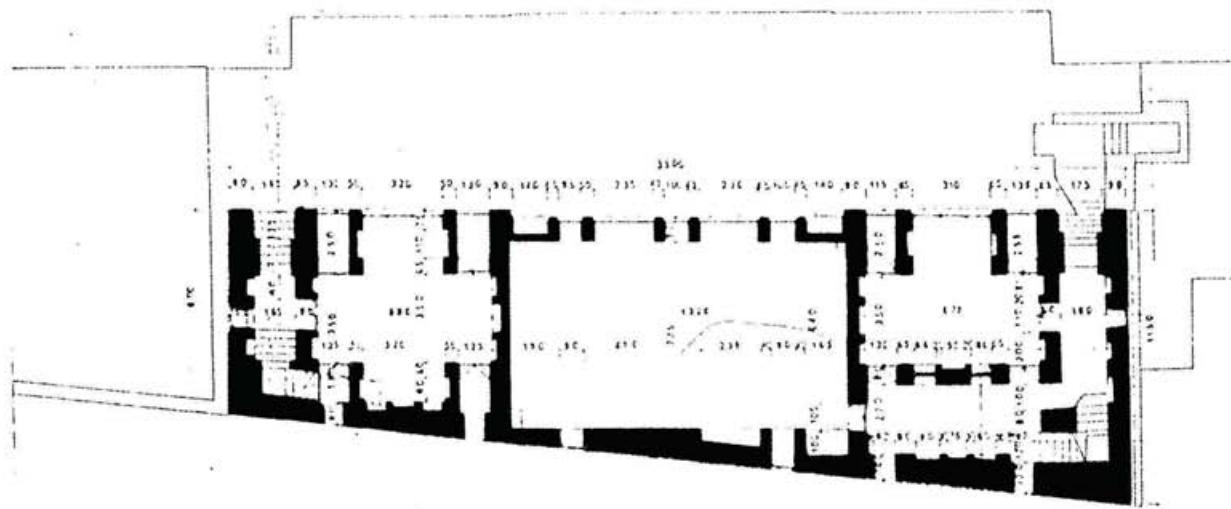


شکل ۷۳-۳-نمای غربی عمارت شمس‌العماره



پلان همکف - شمسالعماره

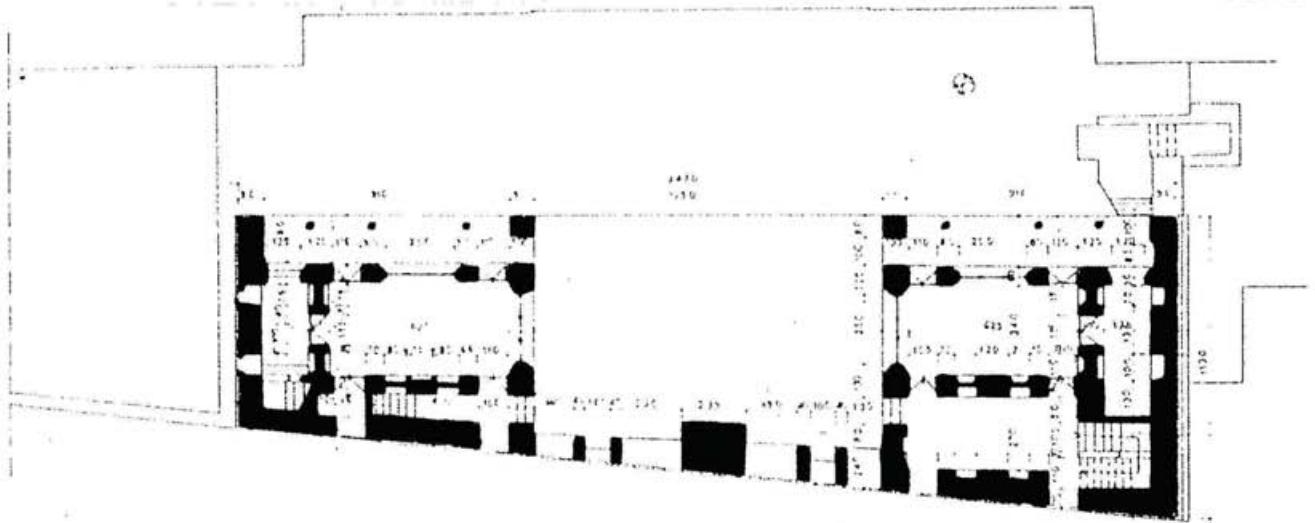
GROUND FLOOR PLAN - SHAMSOL EMAREH



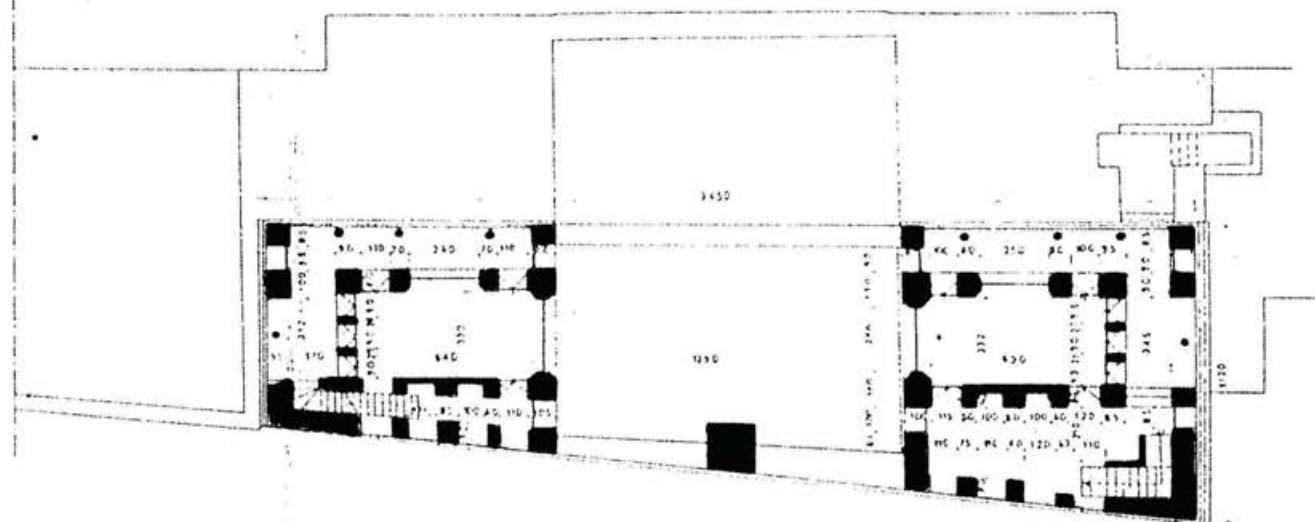
پلان طبقه اول - شمسالعماره

FIRST PLAN - SHAMSOL EMAREH

شکل ۳-۷۴- پلان طبقات همکف و اول شمسالعماره

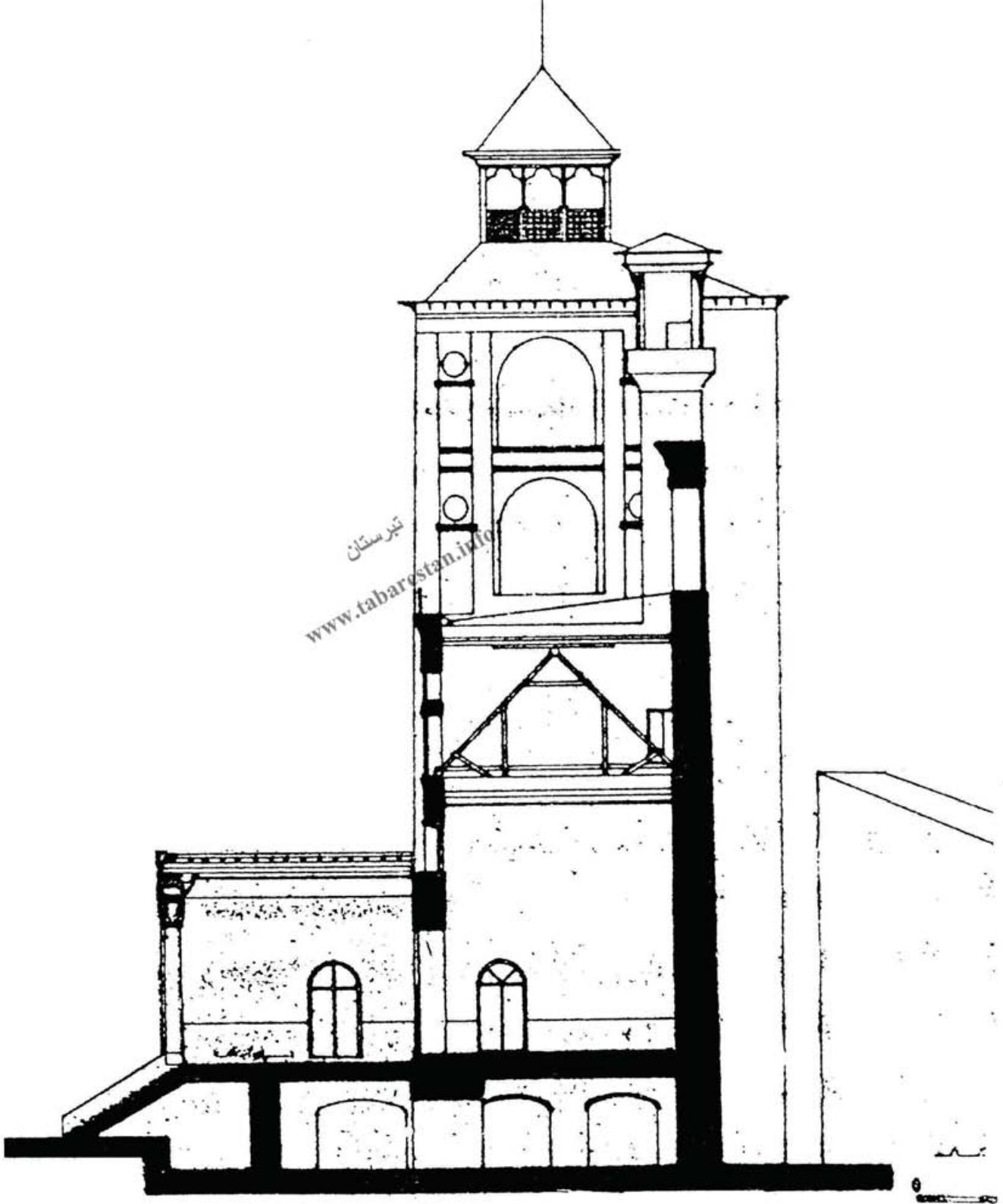


پلان طبقه دوم - شمسالعماره  
SECOND PLAN - SHAM SOLEMARAH

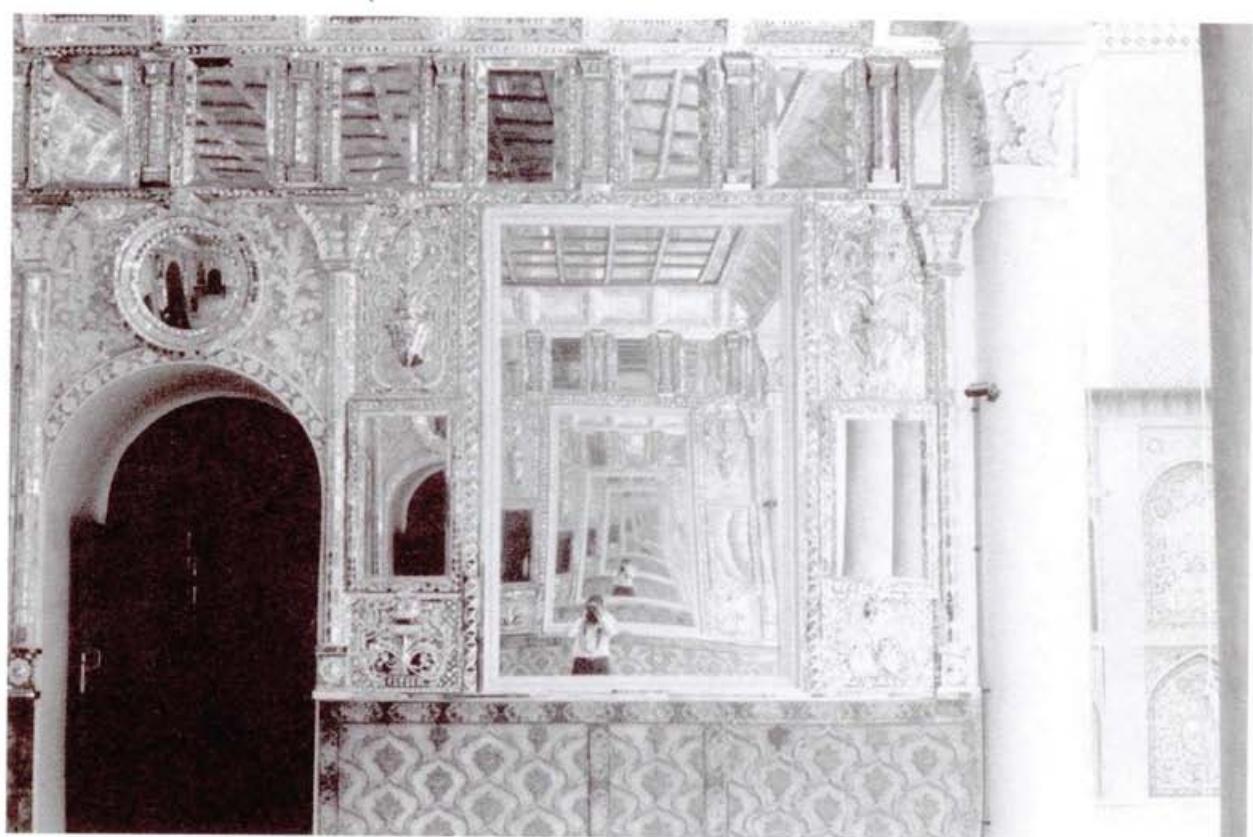
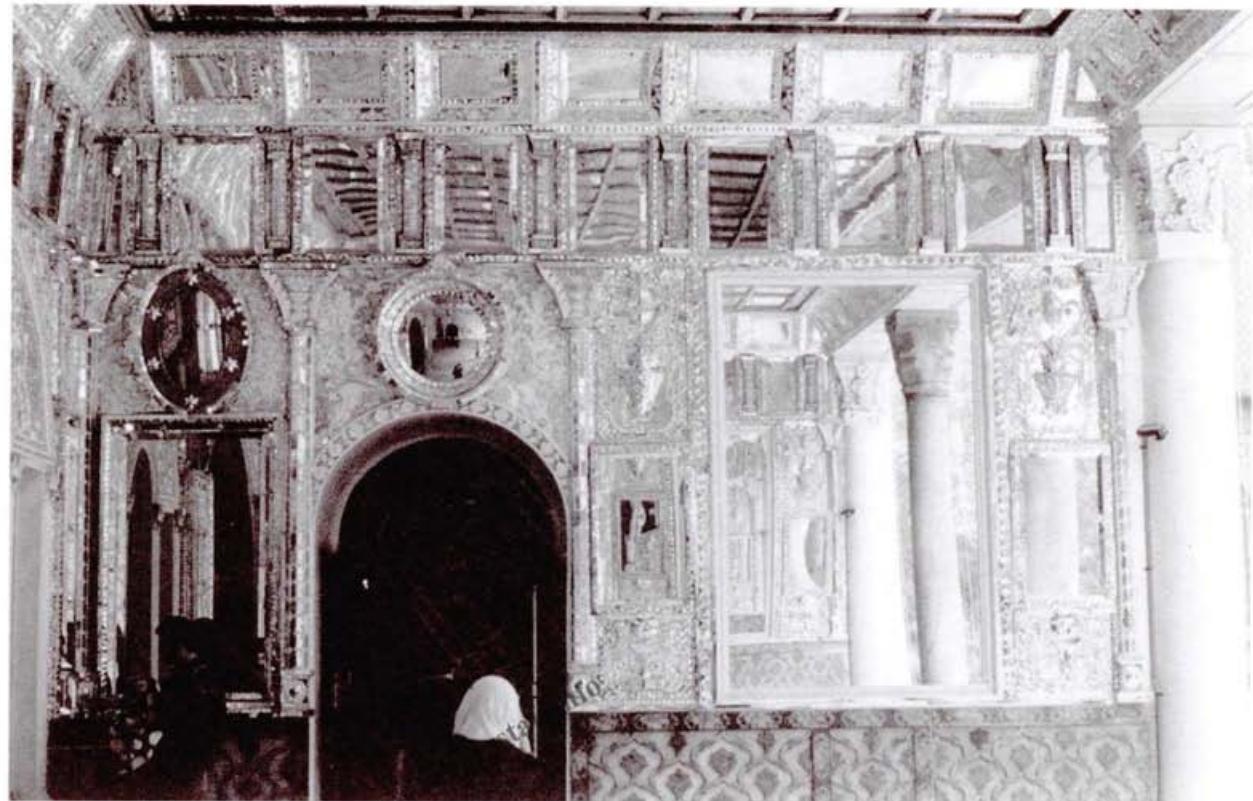


پلان طبقه سوم - شمسالعماره  
THIRD - SHAMSOL EMAREH

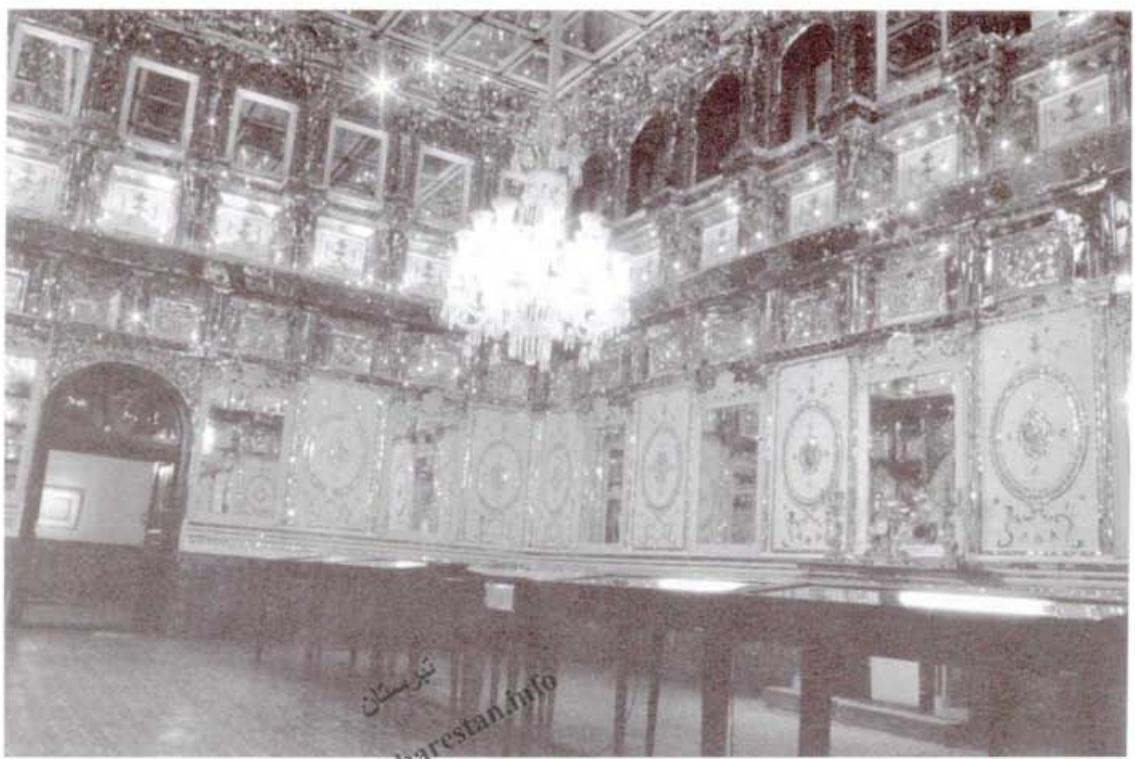
شكل ۳-۷۵ - پلان طبقات دوم و سوم شمسالعماره



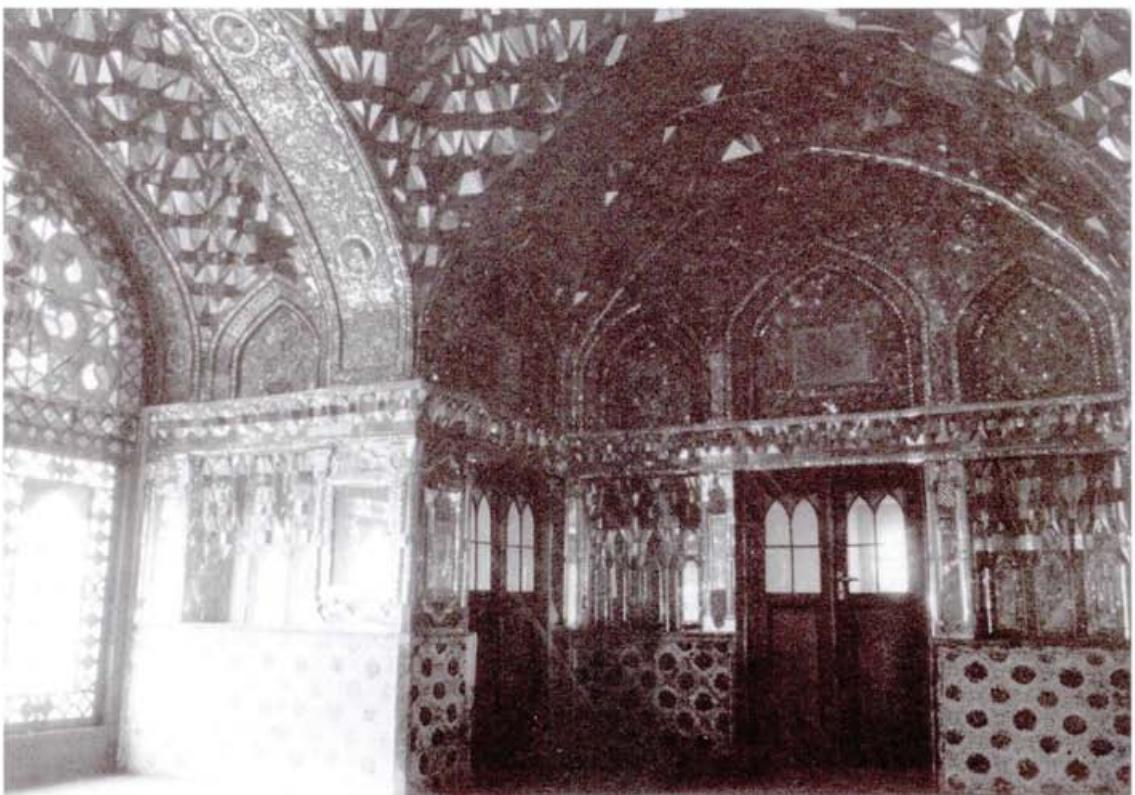
شکل ۳-۷۶- برش عرضی از عمارت شمس‌العماره



شکل ۳-۷۷- دو عکس از ایوان اصلی در طبقه همکف شمس العماره



شکل ۳-۷۸- تالار اصلی در طبقه همکف شمس العماره



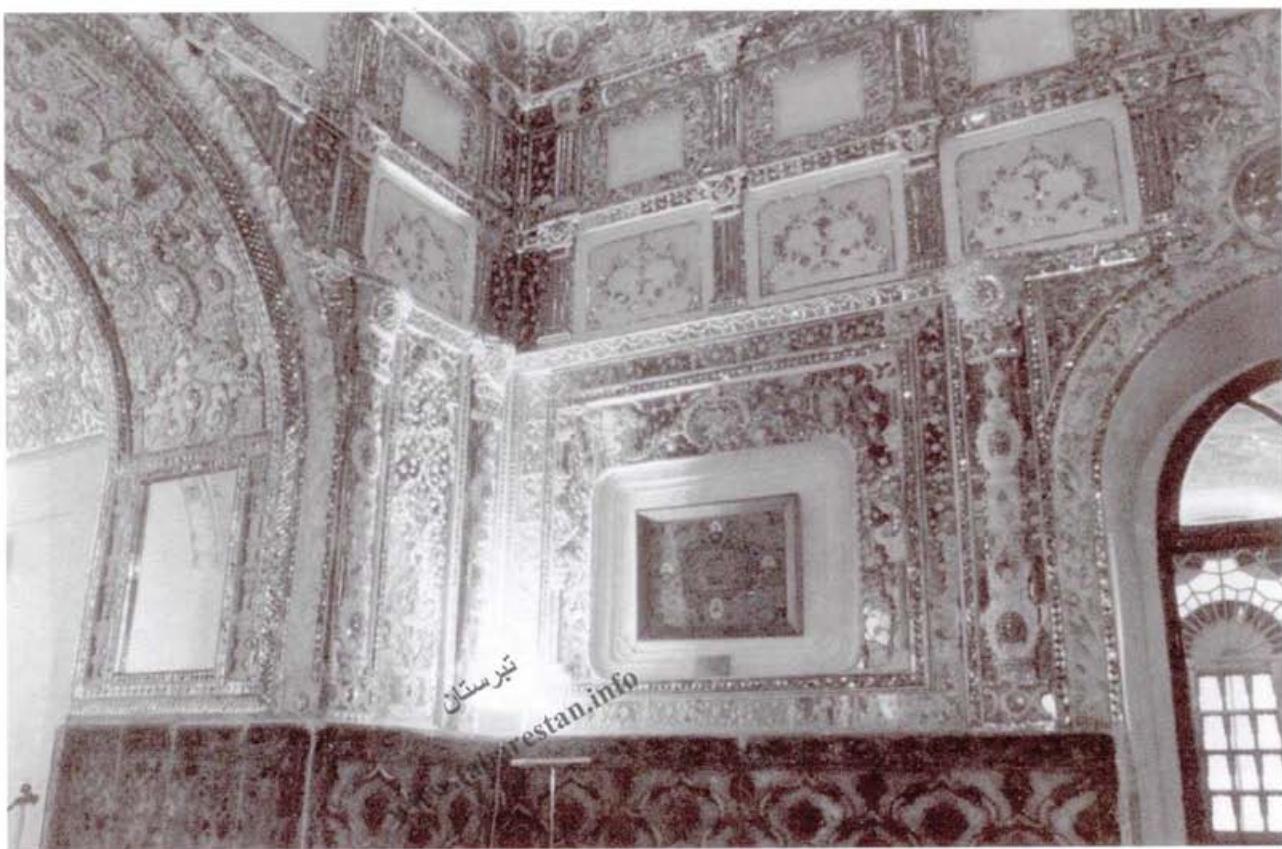
شکل ۳-۷۹- تزئینات آینه کاری بر روی سطوح فوقانی طبقه اول شمس العماره



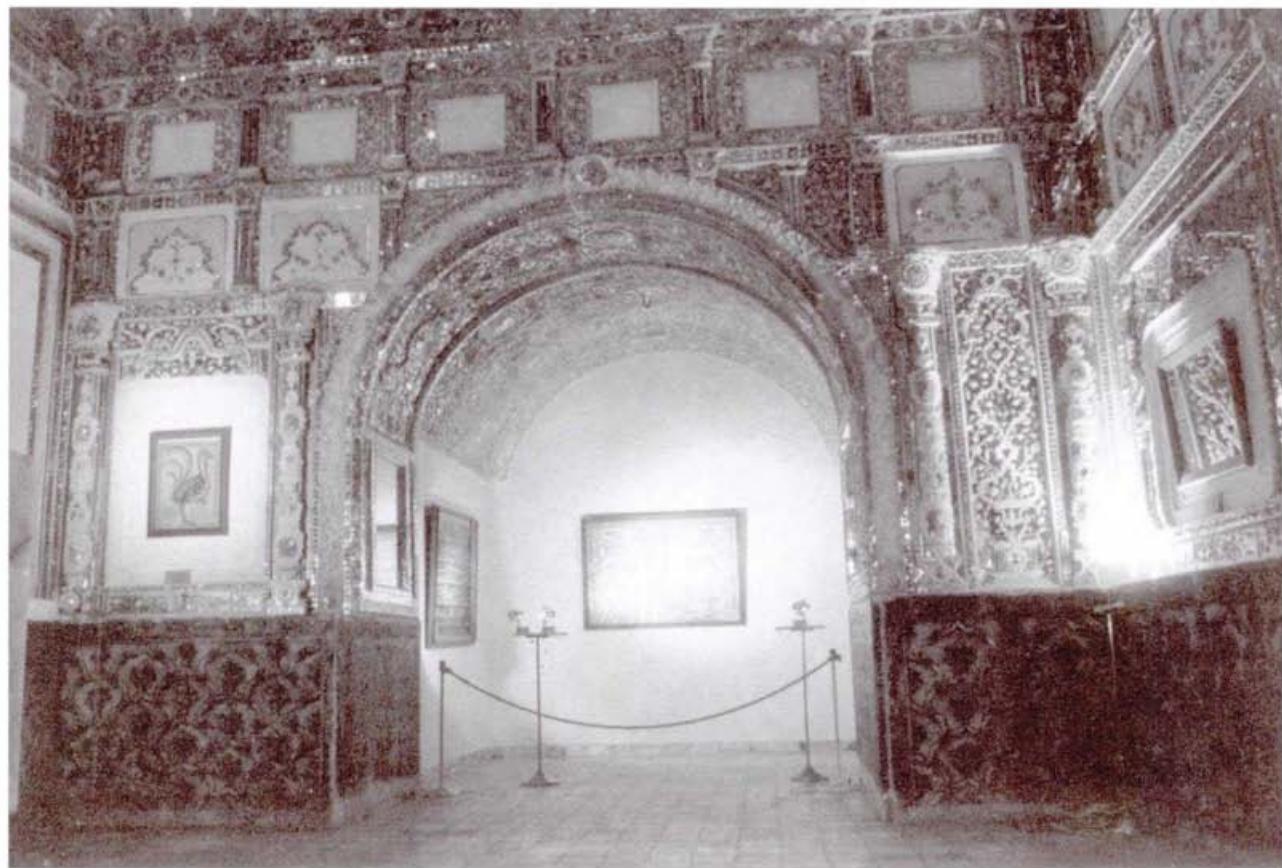
شکل ۳-۸۰ - ازاره مرمری در تالار اصلی طبقه همکف



شکل ۳-۸۱ - ازاره مرمری در تالار اصلی طبقه همکف دوره قاجاریه

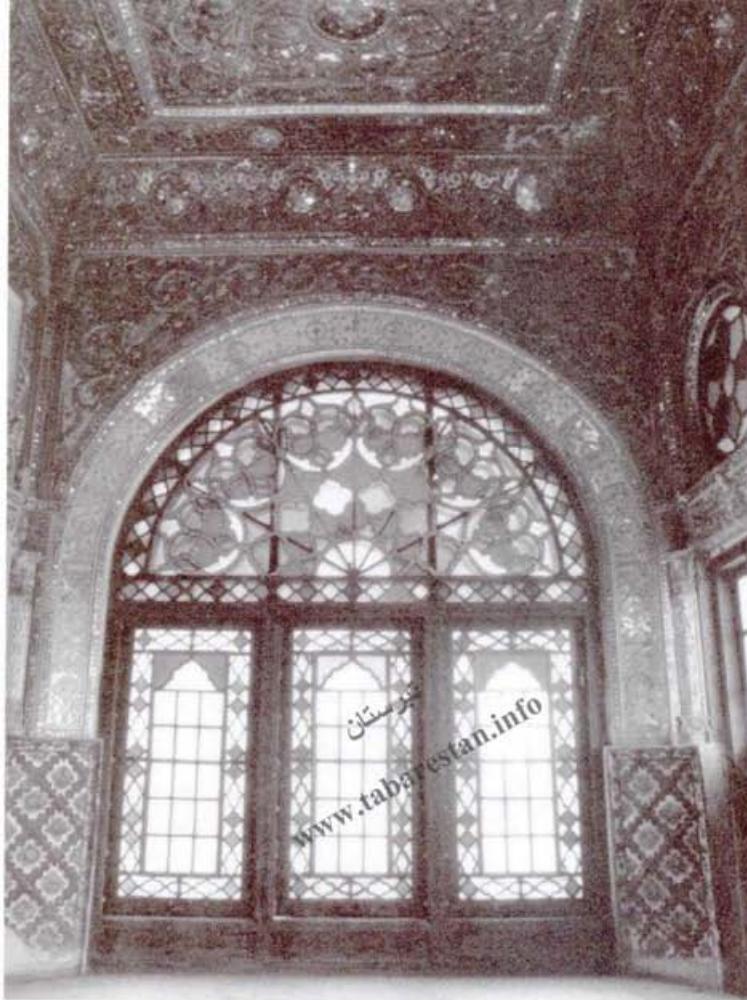


شکل ۳-۸۲- تزئینات سطوح گوشواره جنوب شرقی شمس‌العماره



شکل ۳-۸۳- تزئینات سطوح گوشواره جنوب شرقی شمس‌العماره

شکل ۳-۸۴ - ارسی و  
تزئینات اسلامی توسط آینه  
کاری و گچ بری در طبقه  
سوم شمس العماره



شکل ۳-۸۵ - تزئینات در طبقه چهارم نسبت به طبقات پایین تر کمتر است.



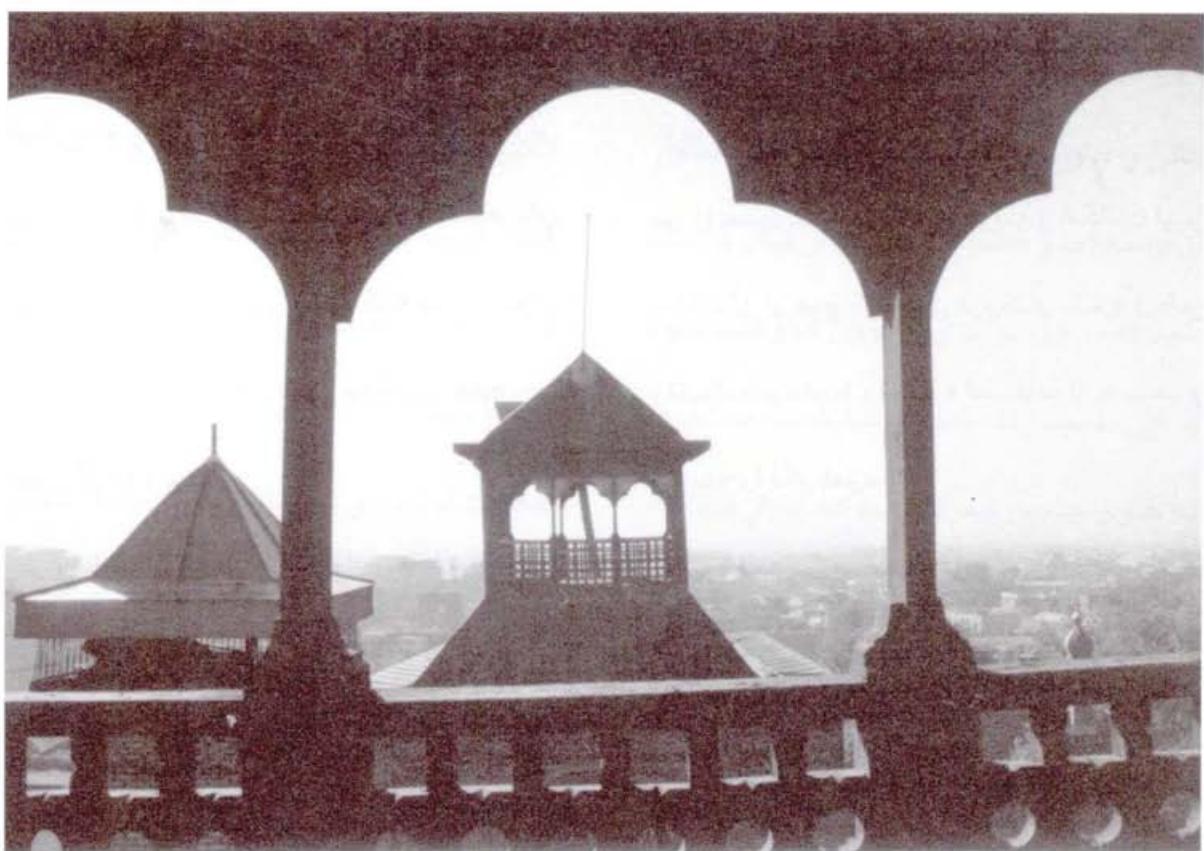
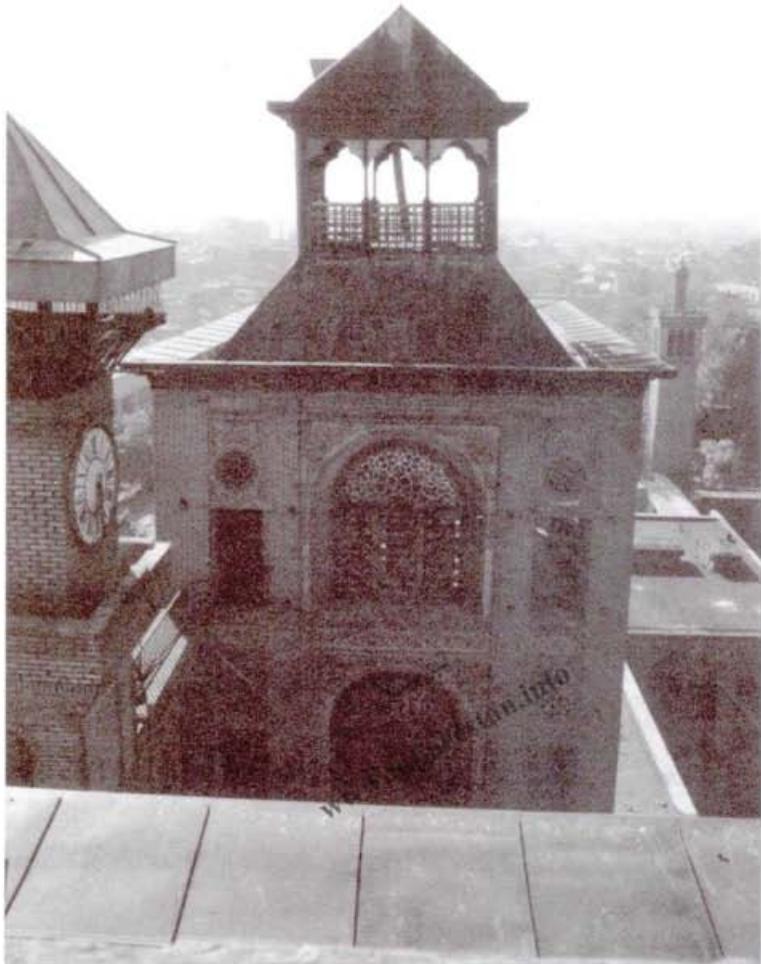
شکل ۳-۸۶- نرده چدنی در ایوان طبقه چهارم شمس العماره



شکل ۳-۸۷- ستونهای چدنی در ایوانهای طبقه چهارم شمس العماره

شکل ۳-۸۸- دو عکس از بالای

آخرین طبقه شمس العماره



می‌توانست شهر و ساکنان شهر را نظاره کند.  
مردم شهر نیز با نظاره به این ساختمان  
می‌توانستند شوکت و جلال حاکم و نمود کالبدی  
ذهنیت وی را مشاهده نمایند.

## ۵-۵-مسجد مدرسه سپهسالار

اگرچه ناصرالدین شاه بانی احداث هیچ مسجد  
جیدی در تهران نبود، ولی وزیراعظم وی،  
میرزا حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۹۶  
هجری قمری (دو سال قبل از فوتش) از دارایی  
شخصی خود و ارث پدری اقدام به ساخت  
بزرگترین مسجد تهران، یعنی مسجد سپهسالار  
کرد.

میرزا حسین خان در تأمین هزینه و امکانات این  
ساختمان از هیچ کوششی فروگذار نکرد و طی  
وقفنامه‌ای مفصل، نحوه استفاده از مسجد و  
مدرسه را ذکر نمود.

در روزنامه شرف نمره سی و دویم مورخ شوال  
۱۳۰۲ هجری قمری آمده است :

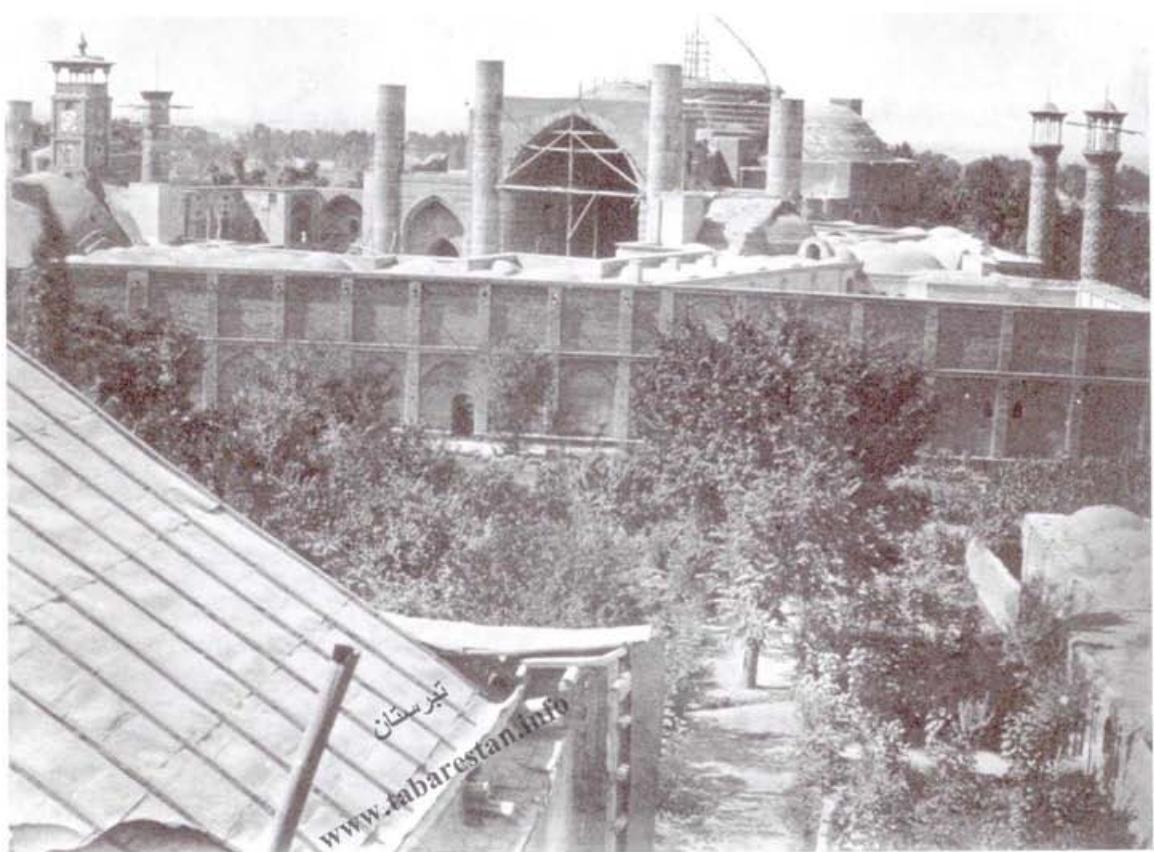
شمس‌العماره یا به عبارتی خورشید ساختمان‌ها  
به عنوان مرتفع ترین ساختمان شهر تهران  
نمادی از سلطه حکومت و بینش فکری حاکم  
بود. منبع الهام این ساختمان همانند دیگر موارد  
دربار ناصرالدین شاه، التقاطی از سنت و  
نوگرانی بوده است. همچنانکه فرهنگ و شیوه  
ظاهری زندگی غربیان بر روی یک قالب ایرانی،  
الگوی طبقه ممتاز و در رأس آن پادشاه بود،  
نماد کالبدی آن در شمس‌الumarah تجلی یافت. تا  
قبل از شمس‌الumarah، سواد شهر و نمادهای  
شاخص شهر تماماً انعکاسی بود از فرهنگ و  
شیوه سنتی زندگی ما ایرانیان. ولی اکنون کلاه  
فرنگی‌ها و برج ساعت شمس‌الumarah جایگزین  
مناره‌ها و گنبدهای مساجد شده و نمادهای  
فرنگی الگوی جدیدی بود که به عنوان  
شاخص‌ترین سمبل‌های شهر جایگزین نمادهای  
سنتی گردیده بود.

این ساختمان شش طبقه اولین بنا با نمای  
بیرونی در شهر تهران بود و پادشاه از فراز آن

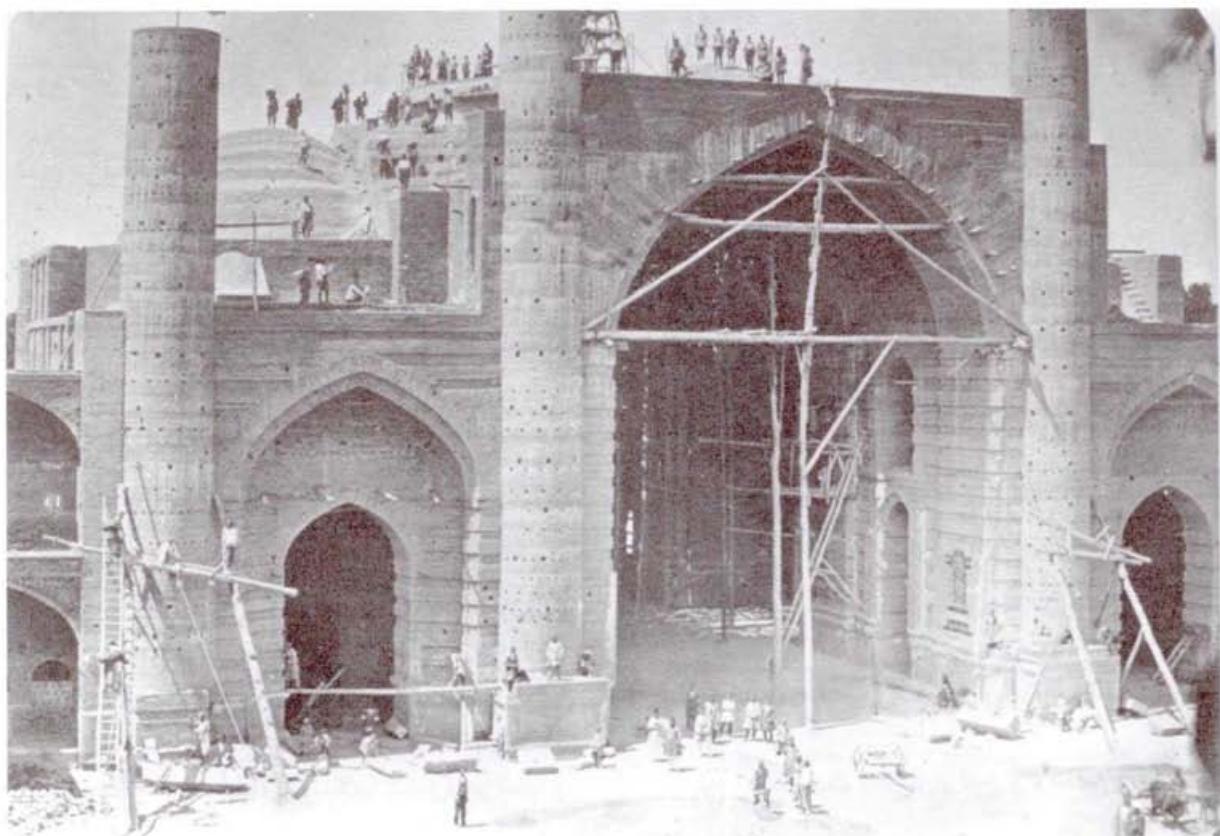
مهیا داشت و صیغه وقف در محضر علمای اعلام دارالخلافه جاری و واقع و وقfnامه معتبر به امضاء و مهر ایشان تحریر شد، اما عمر آن مرحوم وفا به اتمام این بنا نکرده، چهار سال قبل در ارض اقدس در حالی که به ولایت خراسان منصوب بود وفات نمود.

چون تولیت مطلقه این جامع مبارک بر حسب فهارسانی و تعیین در وقfnامه با شخص همایون سلطنت است لهذا بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی صاحبقران خلدالله سلطانه اقدام و اهتمامی خاص در اتمام این بنا و اساس خیر مبذول فرموده به مباشرت جناب اشرف یحیی خان مشیرالدوله برادر مرحوم سپهسالار اعظم او به اتمام بنا مسجد فرمودند. صحن مسجد طولاً شصت و یک زرع عرضًا شصت ذرع و چهار سمت آن دو مرتبه و مشتمل بر حجرات فوچانی و تحتانی برای جای طلاب علوم است. مقصوره و ایوان آن که در طرف قبله واقع است بسیار رفیع و وسیع و دارای

«مسجد جدیدالبنای ناصری از اینیه و آثار عظیمه عهد همایون است که در دارالخلافه باهره تهران بنا شده است و در متنant اساس و رفعت بنا و وسعت فضا و خوشی وضع بر اغلب اینیه ایران مزیت دارد و میتوان گفت پس از اتمام اول مسجد ممالک محروسه خواهد بود. تقریباً شش سال قبل که سال دویست و نود و هفت هجری بود مرحوم میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم دولت علیه اقدام و شروع به احداث و ایجاد این بنا خیر نموده. از بذل سعی و اهتمام و صرف مال هیچ دریغ نداشت تا بنیاد و اساس این بنا عالی و جاوید برآورده شد و موقوفات بسیار از مستغلات و صنایع و عقار از مال خاصه خود که در این دولت روزافزون اندوخته بود بر این مسجد وقف نمود و کتابخانه معتبری که حاوی چندین هزار جلد کتاب از کلام الله مجید و کتب معتبره علمیه از خطی نفیس و چاپی ممتاز است برای طلاب علوم مرتب و



شکل ۳-۸۹- دورنمای مسجد سپهسالار از بالای کاخ سپهسالار



شکل ۳-۹۰- نمای گنبد خانه و ایوان جنوبی مسجد مدرسه سپهسالار در حین اجرا

ایوانی به صورت سمبول و نمادی از مساجد

مناره‌های عالی اما هنوز ناتمام می‌باشد و

ایرانی درآمده است.<sup>(۲۵)</sup>

طاق گنبد آن نیمه کاره است....»

اکثر قریب به اتفاق مساجد ساخته شده در ایران از زمان سلجوقيان تا کنون به صورت حیاط مرکزی چهار ایوانی بوده است. پروفسور آندره‌گدار این نوع مساجد را مساجد ایرانی و دکتر محمدکریم پیرنیا آنها را مساجد چهار ایوانی نامیده‌اند. این اسم‌گذاری در مقابل مساجد شبستانی سبک عربی که دارای حیاط مرکزی و فاقد ایوان است به کار رفته است.

کاشی‌کاری‌های الوان که اکثر سطوح مسجد را پوشانیده است نماد دیگری از مشخصه‌های مساجد ایرانی است. به جز در مناطقی که از لحاظ فرهنگی تحت تأثیر فرهنگ و معماری ایران بوده‌اند (مانند آسیای میانه، قفقاز، افغانستان و عراق) پوشش وسیع کاشی و تنوع رنگ به این اندازه، در مساجد سایر ممالک اسلامی مشاهده نمی‌شود.

در بخش‌هایی از تزئینات سطوح این ساختمان

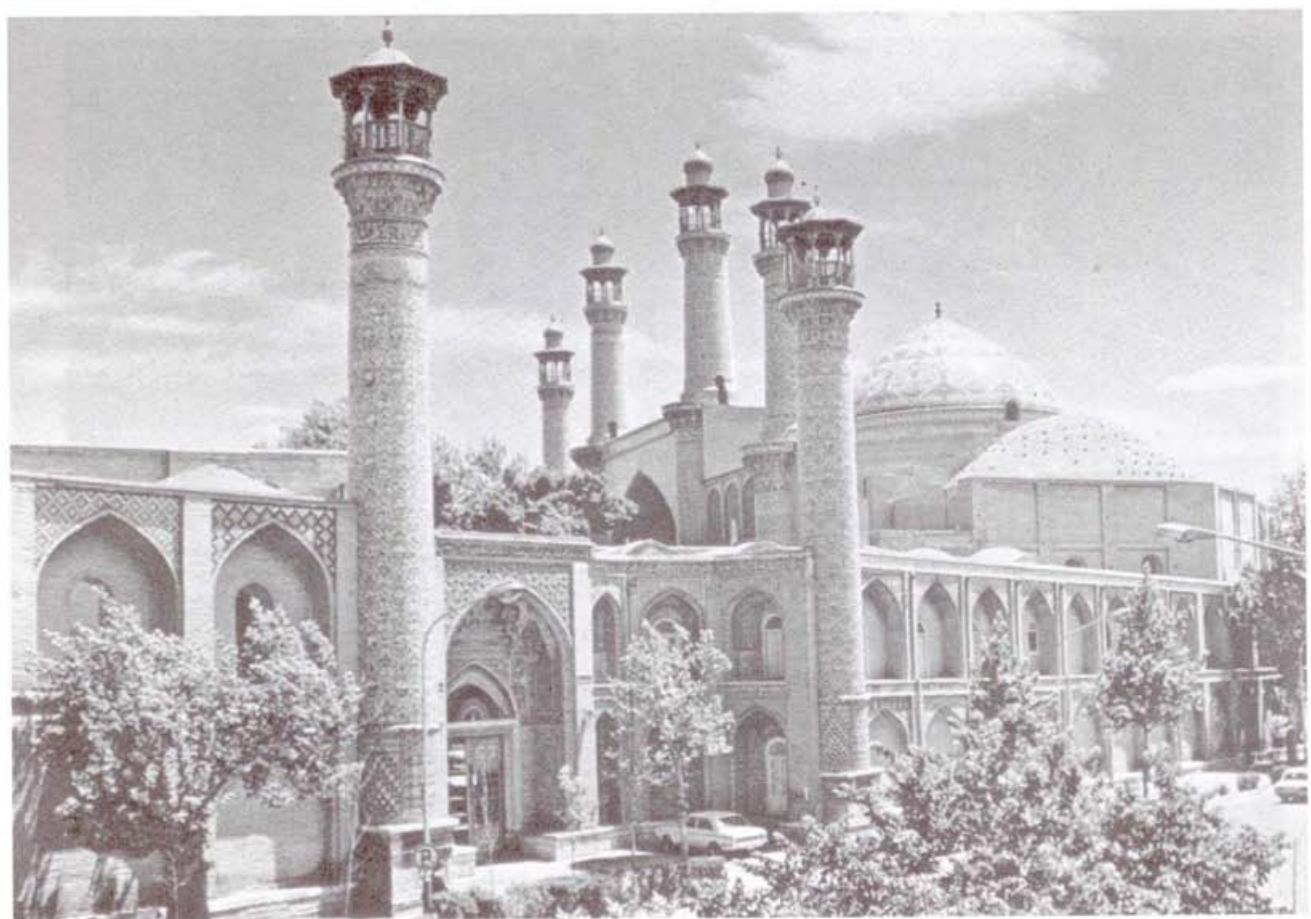
همانند کاخ سپهسالار، معمار این بنا میرزا مهدی خان شقاقی و مجری آن استاد حسن معمار بود. ولی یحیی خان، برادر سپهسالار، پس از در دست گرفتن اختیار ساخت مسجد، این دو را معزول نمود. استاد جعفرخان معمار باشی و استاد حسین لرزاده بخش‌هایی از بنا و کاشی‌کاری‌های این ساختمان را انجام داده‌اند. کار اجرائی این ساختمان سرانجام در سال ۱۲۳۰ هجری شمسی به پایان رسید.

## ۱-۲-۵- منبع الهام مسجد سپهسالار

منبع الهام این مسجد- مدرسه، سنت معماری ایران زمین است. این مسجد به صورت حیاط مرکزی چهار ایوانی طراحی شده است. از زمان سلجوقيان و به طور اخص از زمان احداث مسجد جامع زواره (قرن ششم هجری قمری) در استان اصفهان، مسجد حیاط مرکزی چهار



شکل ۳-۹۱- نمای جنوبی و غربی مسجد سبھسالار



شکل ۳-۹۲- نمای غربی مسجد سبھسالار

## ۵-۲-۵-نوع مصالح و سازه

نوع مصالح و سازه این ساختمان تماماً ایرانی است. اسکلت ساختمان از نوع دیوار باربر، ستون، قوس و گنبد می‌باشد که با مصالح بنایی اجرا گردیده است. به طور کلی می‌توان بیان نمود که نحوه اجرای کالبد این ساختمان در ادامه روش‌های معماری سنتی ایران است و هیچ‌گونه نفوذ ایرانی و یا نفوذ معماری غرب در زمینه ساختکاری و نوع مصالح مورد استفاده در این ساختمان مشاهده نمی‌شود. از خشت و آجر برای دیوارها و طاق‌ها و از سنگ برای ستون‌ها و پوشش ازاره استفاده گردیده است. برای پوشش کف آجر و یا سنگ به کار رفته است.

## ۵-۲-۳-عناصر تشکیل دهنده ساختمان

عناصر تشکیل دهنده این ساختمان نیز عمداً ایرانی می‌باشند. طاق‌ها، گنبدها، گلdstه‌ها،

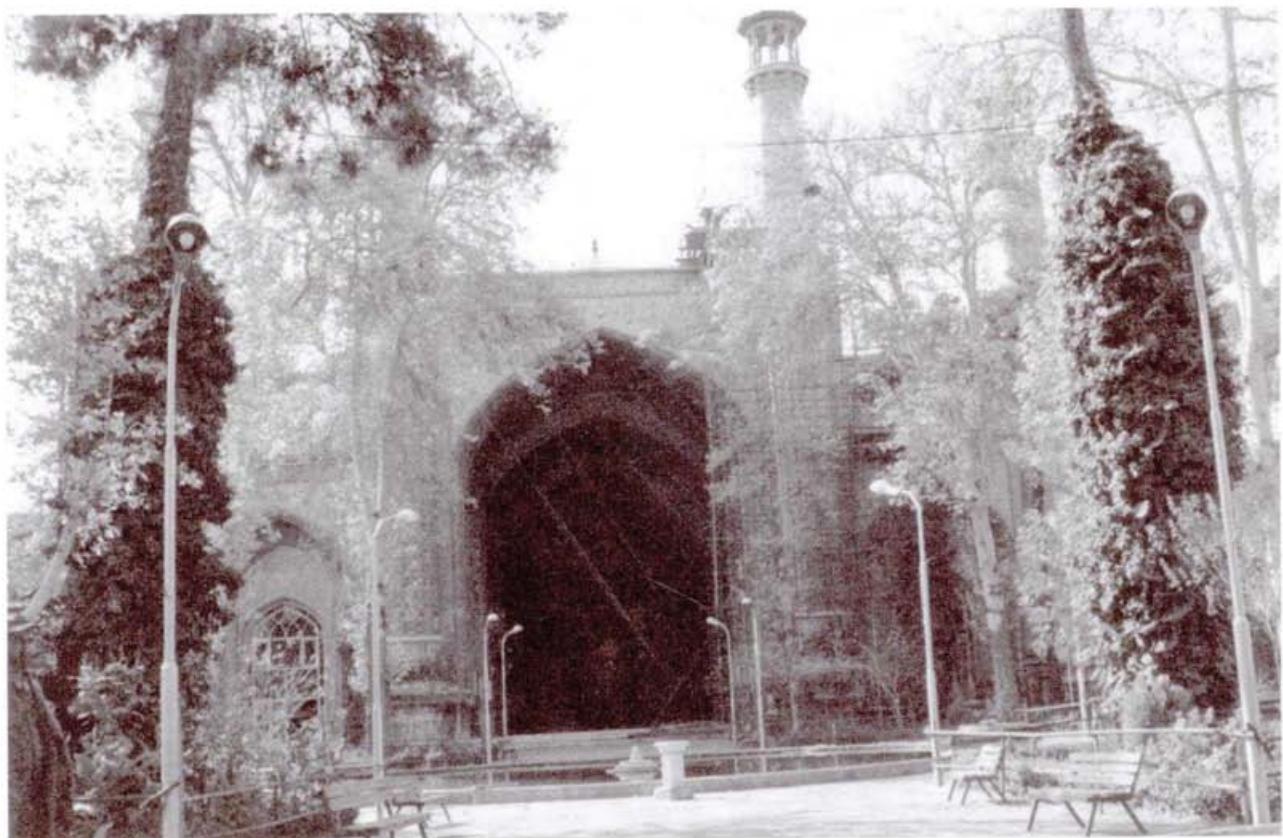
آثاری از نفوذ طرح‌های فرنگی دیده می‌شود که

در قسمت ۴-۵-تزئینات در دنباله همین فصل مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

شایان ذکر است که شباهت‌هایی بین این مسجد و مساجد عثمانی در ترکیه مشاهده می‌شود. خصوصاً پلان مسجد در زیر گنبدخانه که به صورت چلپا است و در مساجد ایران کمتر این نوع پلان وجود دارد. همچنین خیز کم گنبد و تعداد زیاد گلdstه (هشت عدد) بی شباهت به مساجد عثمانی نیست. احتمالاً این مسئله بی‌ارتباط به این موضوع نباشد که سپهسالار بین سال‌های ۱۲۷۹-۱۲۷۵ هجری قمری وزیر مختار ایران در استانبول بوده است و همچنین خان شقاقي با معماری عثمانی و شهر استانبول از نزديك آشنايی داشته است. طرح سفارت ايران در استانبول در زمانی که سپهسالار سفير ايران در آنجا بود، توسط ميرزا مهدى خان کشيده شده است.



شکل ۳-۹۳- سر در ورودی واقع در سمت غربی مسجد



شکل ۳-۹۴- ایوان جنوبی مسجد

ایران زمین است. پوشش سطوح مختلف مسجد

با مصالحی چون کاشی، آجر، سنگ و یا گچ

بوده که روال و قاعده معمول در مساجد ایران

است. نقوش و نوع تزئینات سطوح این ساختمان

نیز عمدهاً ایرانی است. اگرچه نفوذ تزئینات

غربی در کنار تزئینات ایرانی در این ساختمان

به وضوح مشهود است.

بر ساختمان‌های مذهبی ایران در بعد از اسلام

از سه نوع نقش استفاده شده که شامل نقوش

انتزاعی، هندسی و خطاطی است. نقوش انتزاعی

با الهام از طبیعت انجام می‌گرفته که اساساً به

صورت نمادین و انتزاعی اشکال گیاهی به

تصویر کشیده می‌شده و به نام اسلامی خوانده

می‌شود. نقوش هندسی به صورت گره چینی

است که با کنار هم قرار دادن دواير و ترسیم

قطراها و ترها آن، این اشکال به دست

می‌آيند.

شیستان‌ها و ایوان‌ها جملگی آن چیزی است که

در سنت معماری ایران وجود داشته است.

نوع قوس‌های مورد استفاده در این ساختمان

جناغی است. فقط در سمت ایوان غربی و شرقی

حیاط مسجد، تعدادی قوس رومی به کار رفته

که موضوعی جدید است، زیرا از قرن دوم و

سوم هجری تا دوره ناصرالدین شاه در ایران

برای اکثر قریب به اتفاق مساجد از قوس جناغی

استفاده شده است. استفاده از قوس رومی

می‌تواند نشانه‌ای از نفوذ معماری مغرب زمین

باشد. باید اضافه شود که قوس رومی در اکثر

ساختمان‌های شاخص عصر ناصری مورد

استفاده قرار گرفته است.

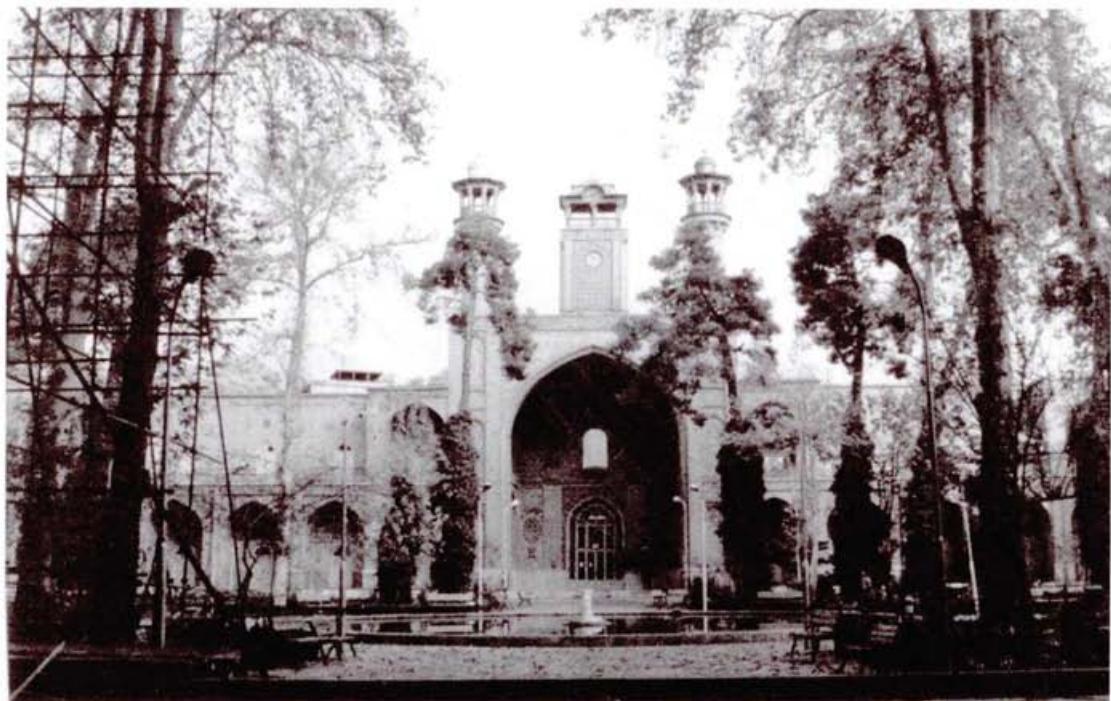
## ۴-۵-۲-۴- تزئینات

عمده تزئینات این ساختمان همانند دیگر

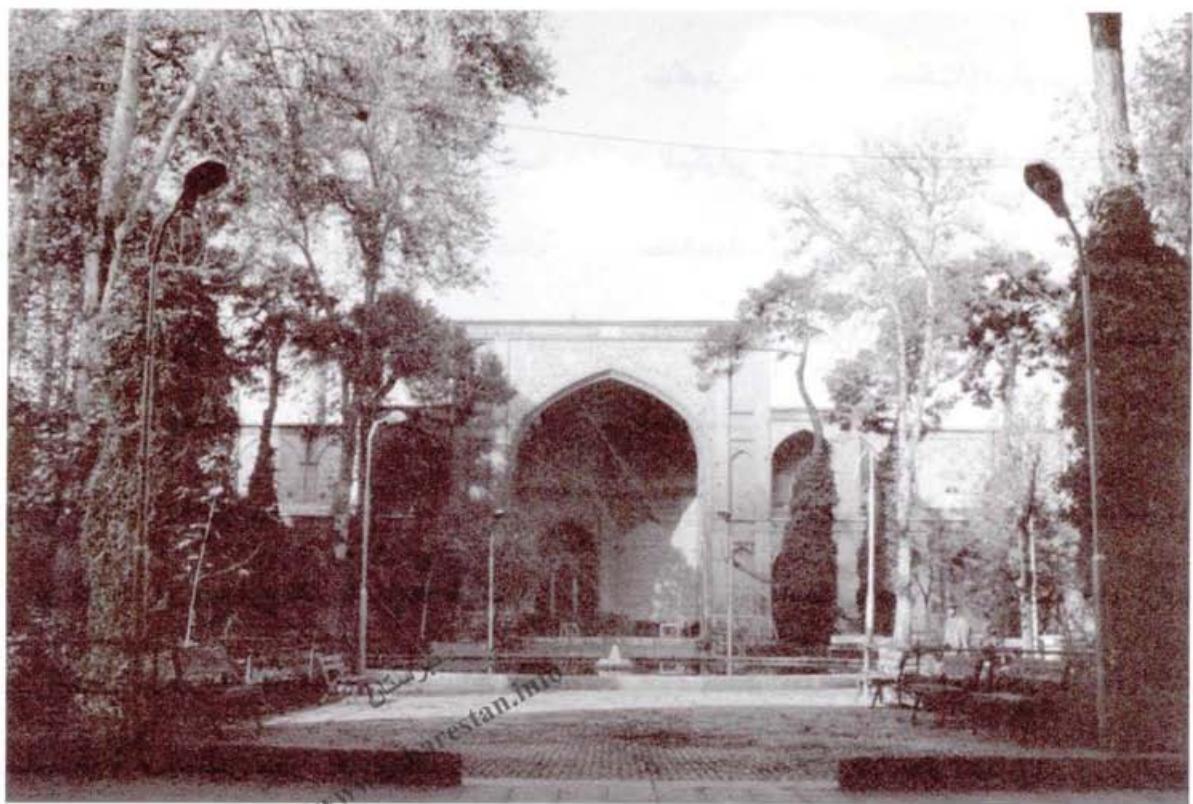
بخش‌های بنا، ملهم از تزئینات و معماری سنتی



شکل ۳-۹۵- ساعت بر بالای ایوان شمالی مسجد



شکل ۳-۹۶- ایوان شمالی مسجد - حجره های طلبه ها در دو طرف ایوان قرار دارد.



شکل ۳-۹۷- ایوان غربی مسجد



شکل ۳-۹۸- ایوان شرقی مسجد

مانند دیوار ایوان و شبستان جنوبی به سمت واقع‌گرایی گرایش پیدا نموده است. گیاهان از حالت انتزاعی خارج شده و به صورت تصاویری واقعی گل، بوته، برگ و پرنده در آمده است.

از دیگر موارد نفوذ تزئینات فرنگی در حجاری‌های انجام شده بر روی سنگ‌های ازاره است، سنگ‌های تزئین شده در پای مناره‌ها که نقوش واقعی گل و گیاه و گلدان بر روی آنها کنده شده، نشان بارز از نفوذ تزئینات فرنگی در این مسجد دارد.

### ۵-۲-۵-شکل کالبدی

شکل کالبدی بنا که شامل پلان، نما و مقطع و نهایتاً شکل کلی ساختمان باشد، ایرانی است. اگرچه پلان مسجد در زیر گنبدخانه به نوعی نوآوری محسوب می‌شود و با اتصال چهار فضای مکعب شکل به فضای زیر گنبد، وسعت و حجم این قسمت گسترش یافته است. همان‌گونه

این اشكال نيز ملهم از طرح انتزاعی گل و يا خورشيد است. همچنین آيات شريفه قرآن مجيد و يا احاديث با خطوطى همچون كوفى، ثلث، بنائي و يا ندرتاً نستعليق بر روی بدنه بناهای مذهبى همچون مساجد، مدارس، تكايا، حسينيه‌ها و بقاع متبركه نوشته مى‌شده است.<sup>(۳۶)</sup>

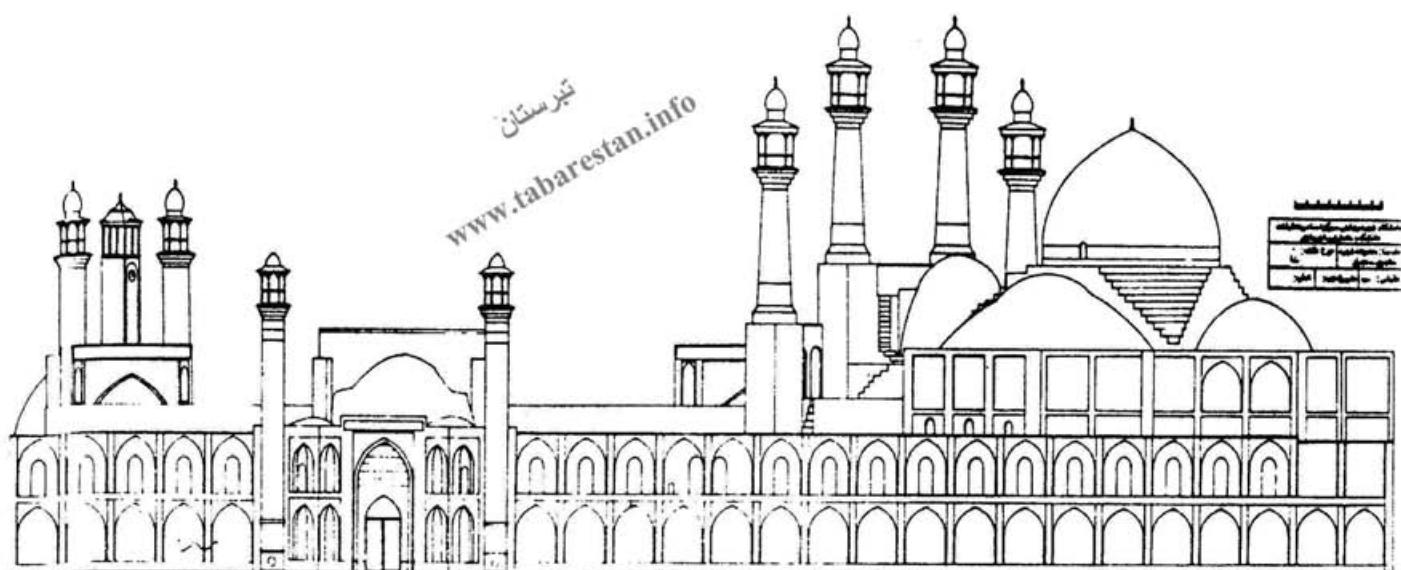
در اين مسجد هر سه نوع نقش مشاهده مى‌شود. اين نقوش بر روی دیوارها، طاق‌ها و گنبد ساختمان و همچنین محراب‌های مسجد با کاشی‌های هفترنگ و معرق و يا گچ‌كاری و آجر‌كاری اجرا شده است. در زير طاق‌ها و در بالاي دیوارها و ستونها از دیگر تزئینات معماری سنتی همچون رسمي‌بندی، مقرنس و قطاربندی استفاده گردیده است. در مسجد مدرسه سپهسالار، خلاصه وقfname اين ساختمان با خط نستعليق بر روی چهار دیوار اطراف حياط مرکзи نوشته شده است.

نکته قابل توجه اينکه تزئینات اسلامي بر روی گل‌دسته‌ها و بعضی دیگر از قسمت‌های مسجد

مسجد و ارتباط به قسمت‌های مختلف مسجد از طریق حیاط مرکزی است که کاملاً یک نظام گردشی ایرانی است.

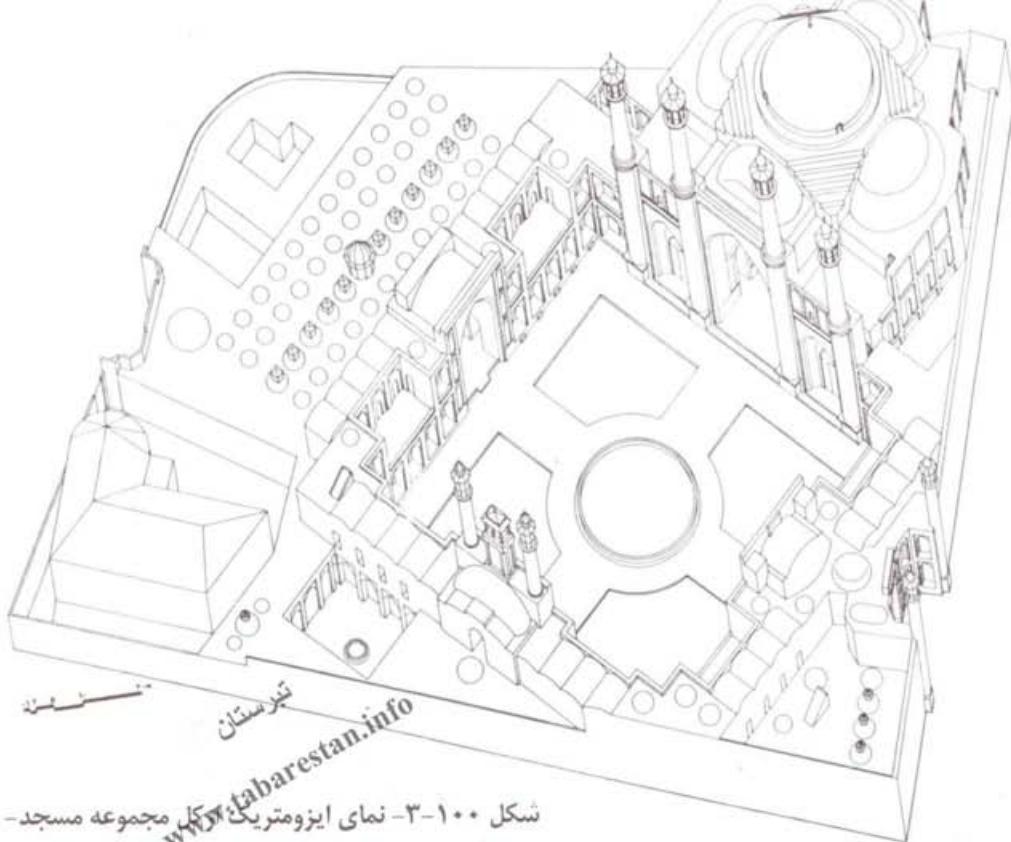
که ذکر گردید، طرح این قسمت شباهت به پلان مساجد عثمانی در ترکیه دارد.

نظام گردشی ساختمان به صورت ورود از مجاور یک ایوان (ایوان غربی) به حیاط مرکزی



### نیای ورودی اصلی

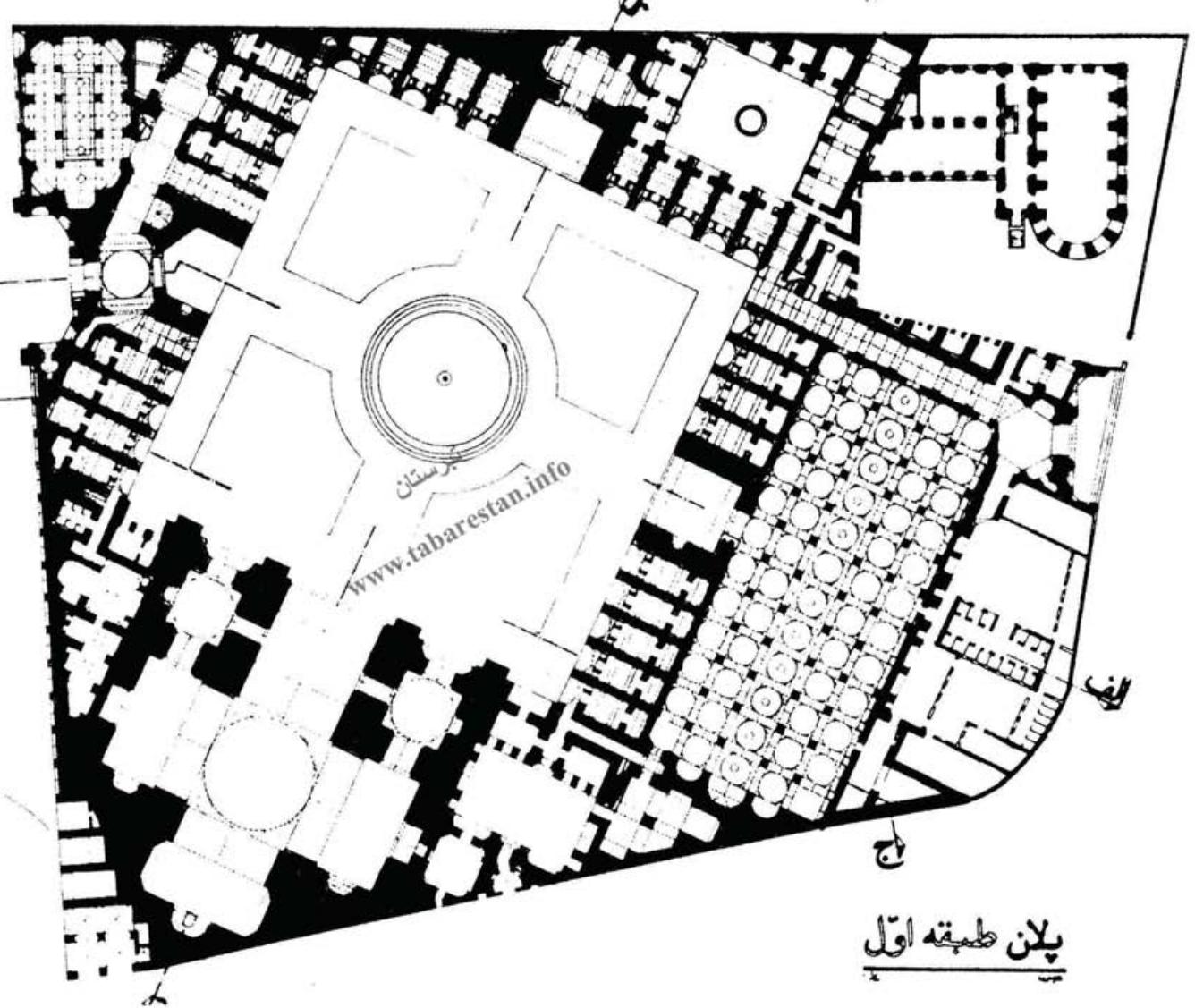
شکل ۳-۹۹- نمای غربی مسجد- سردر ورودی اصلی



شکل ۳-۱۰۰- نمای ایزومتریک مجموعه مسجد- مدرسه سپهسالار

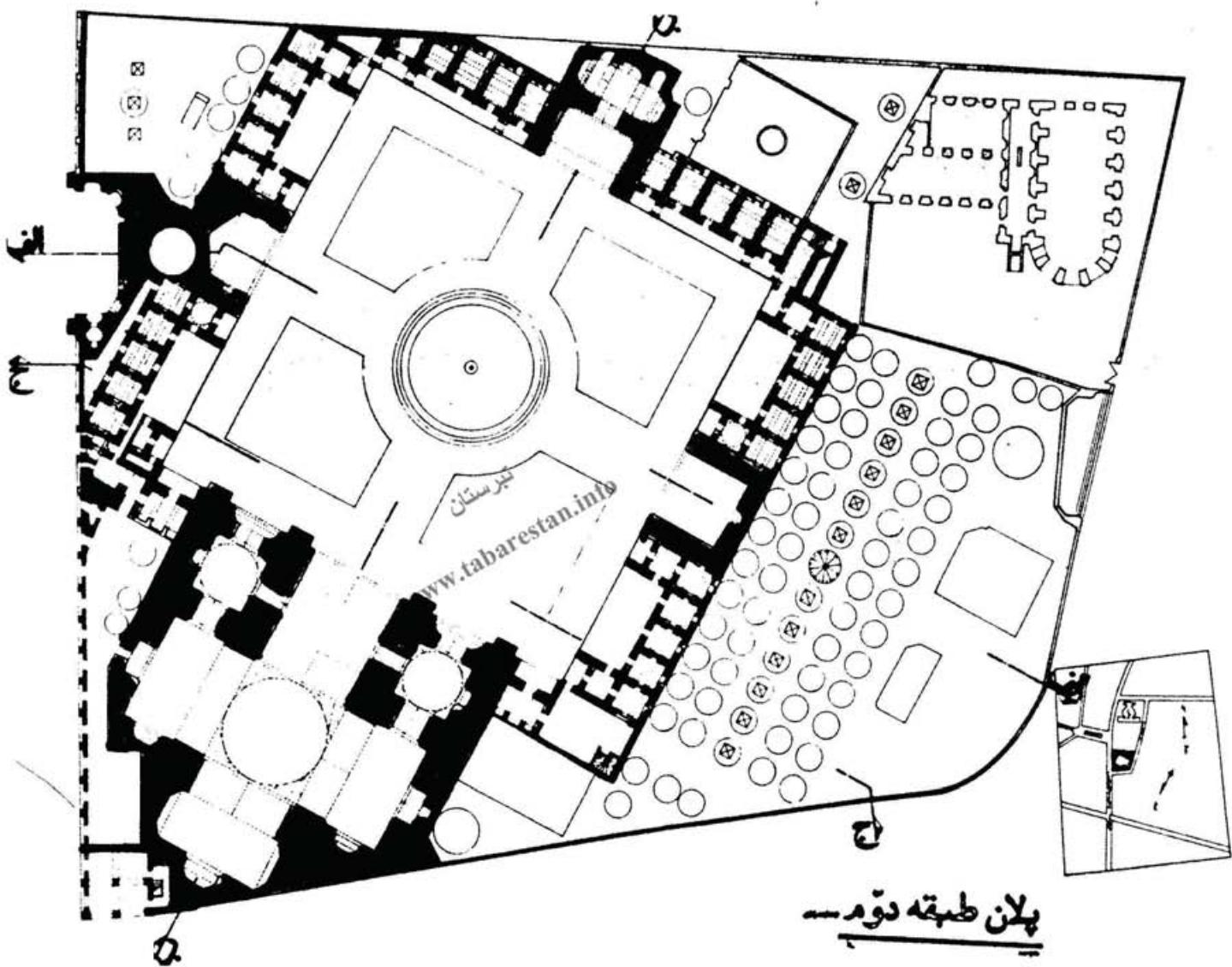


شکل ۳-۱۰۱- نیروی جانبی و قائم گنبد اصلی مسجد سپهسالار مشابه گنبد مسجد سلطان احمد(اوایل قرن ۱۷ میلادی) در استانبول از طریق چهار گنبد جانبی (در مسجد سلطان احمد چهار نیم گنبد) به پایه ها منتقل می شود.



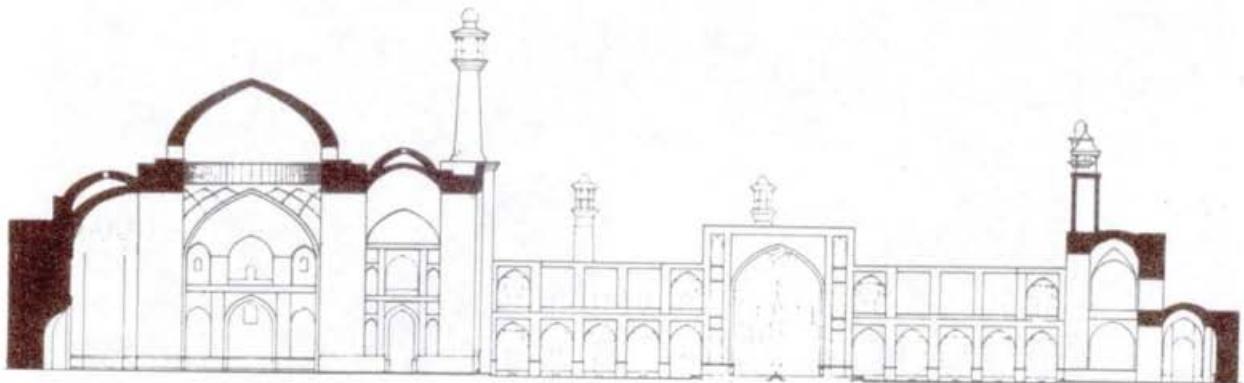
پلان طبقه اول

شکل ۳-۱۰۲ - پلان طبقه همکف



پلان طبقه دوم

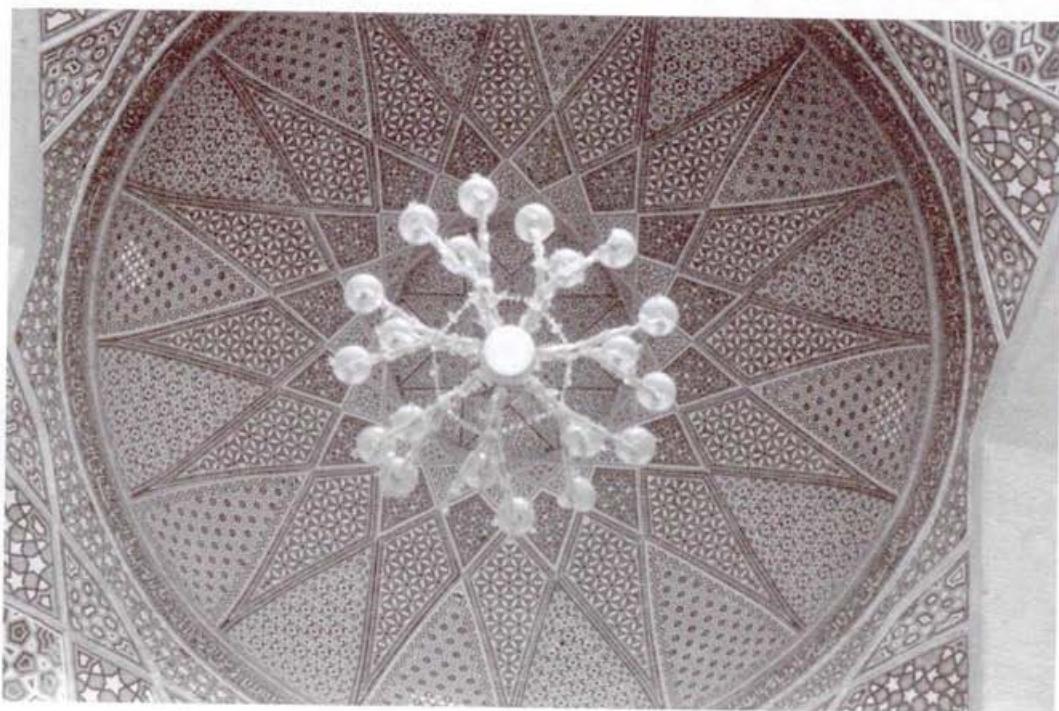
شکل ۳-۱۰۳- پلان طبقه اول



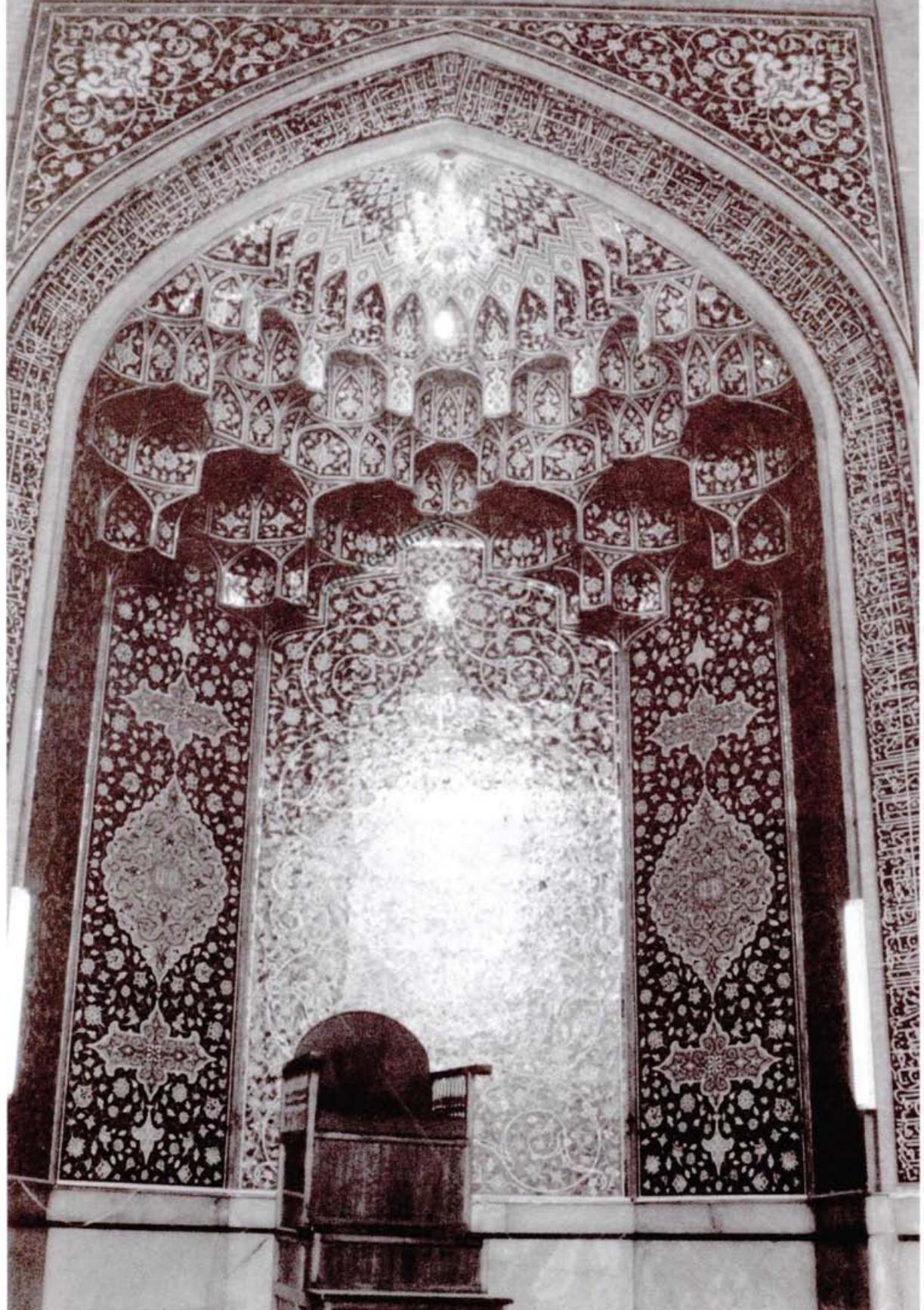
مقطع نمای بیرون



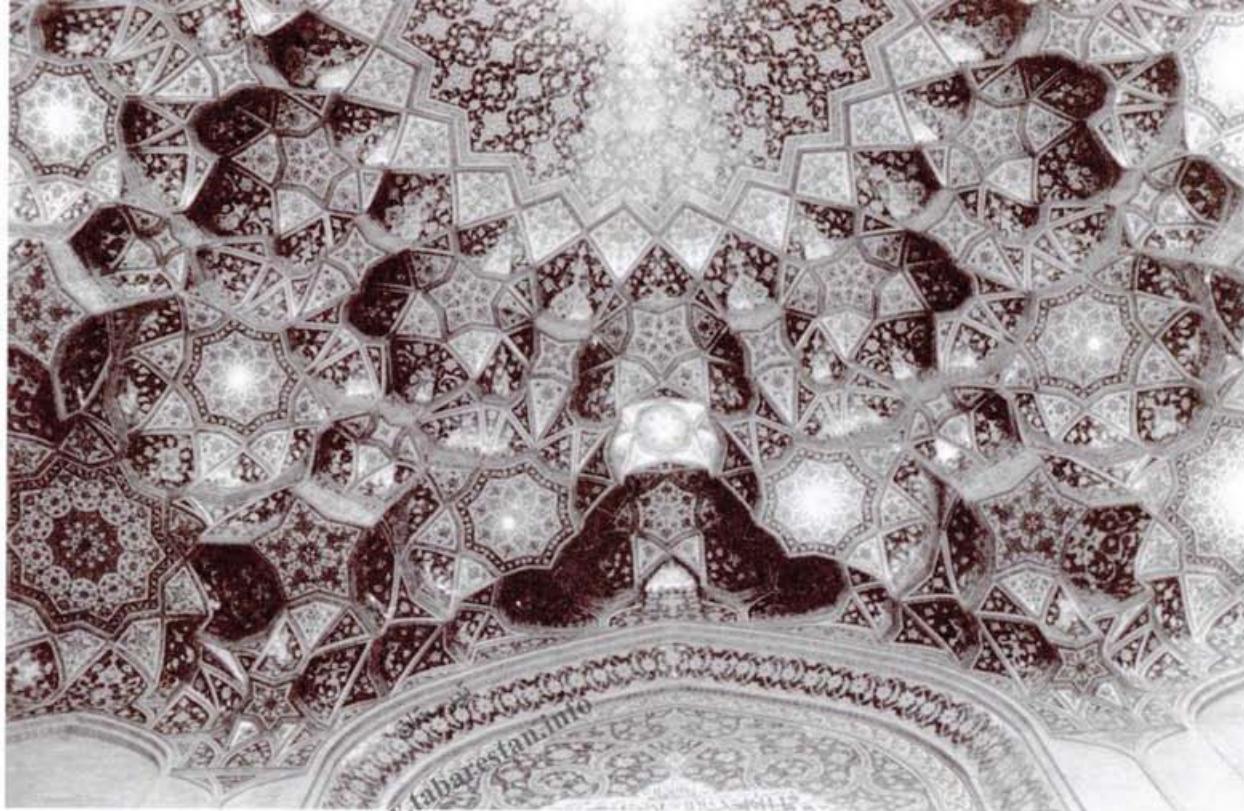
شکل ۱۰۴-۳- مقاطع الف - الف و ب - ب



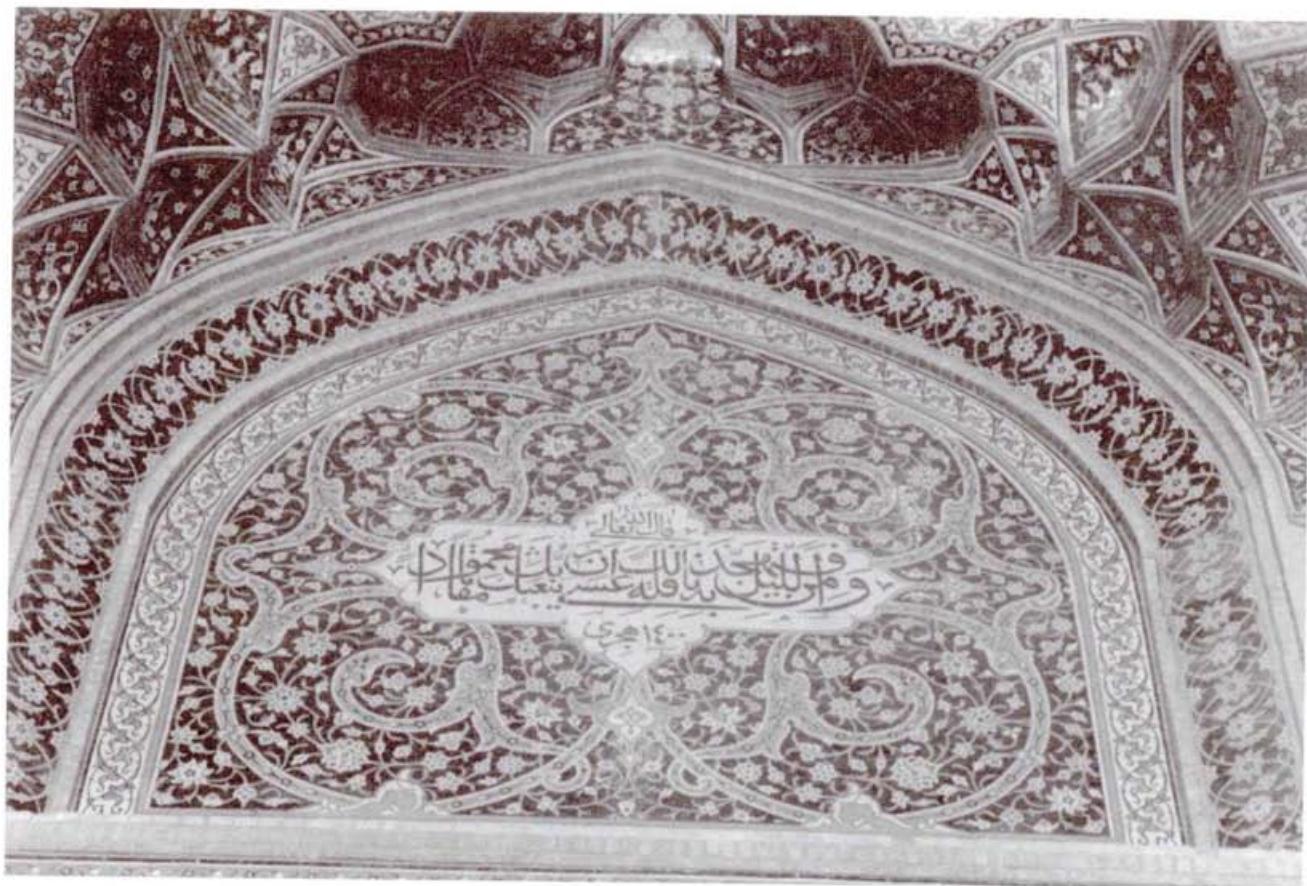
شکل ۱۰۵- طاق زیر گنبد اصلی مسجد در شستان جنوبی



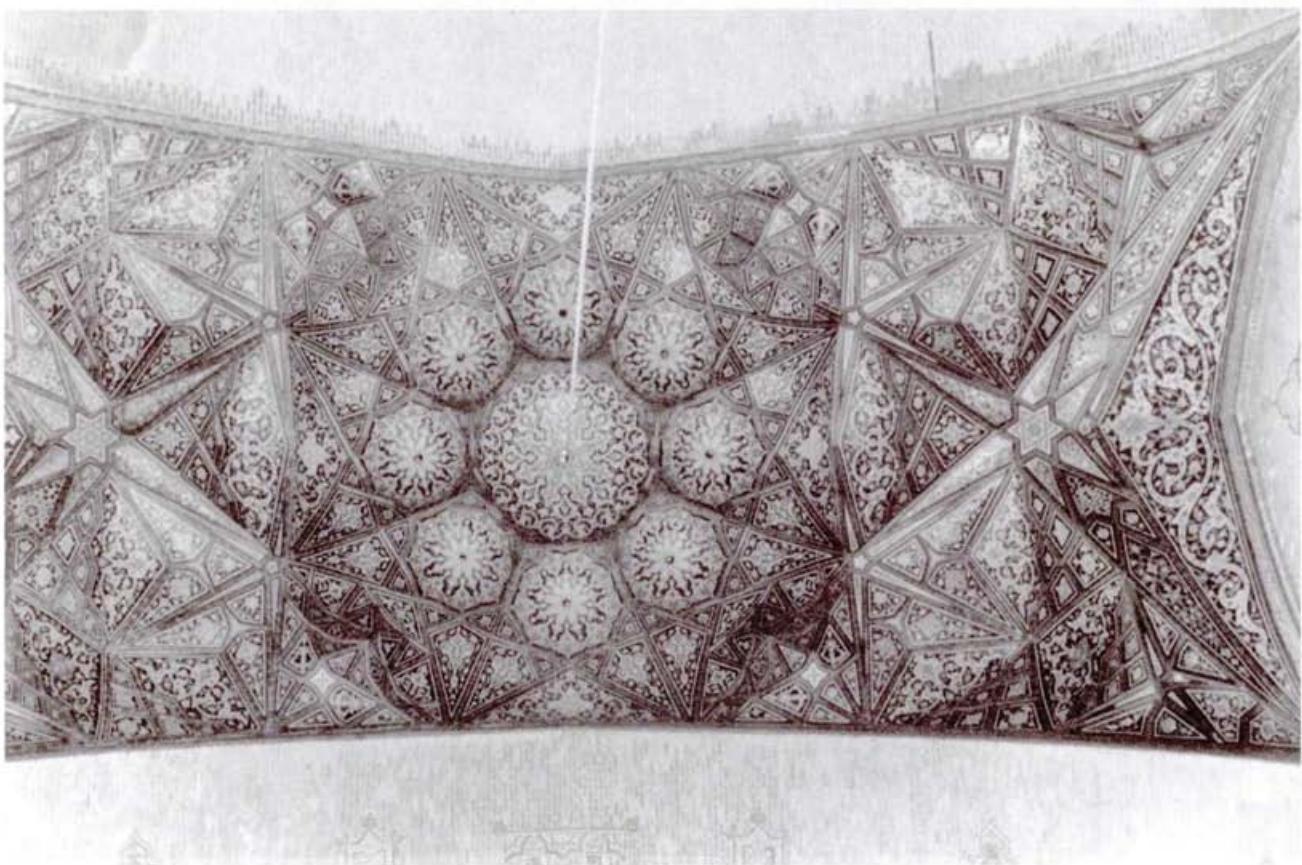
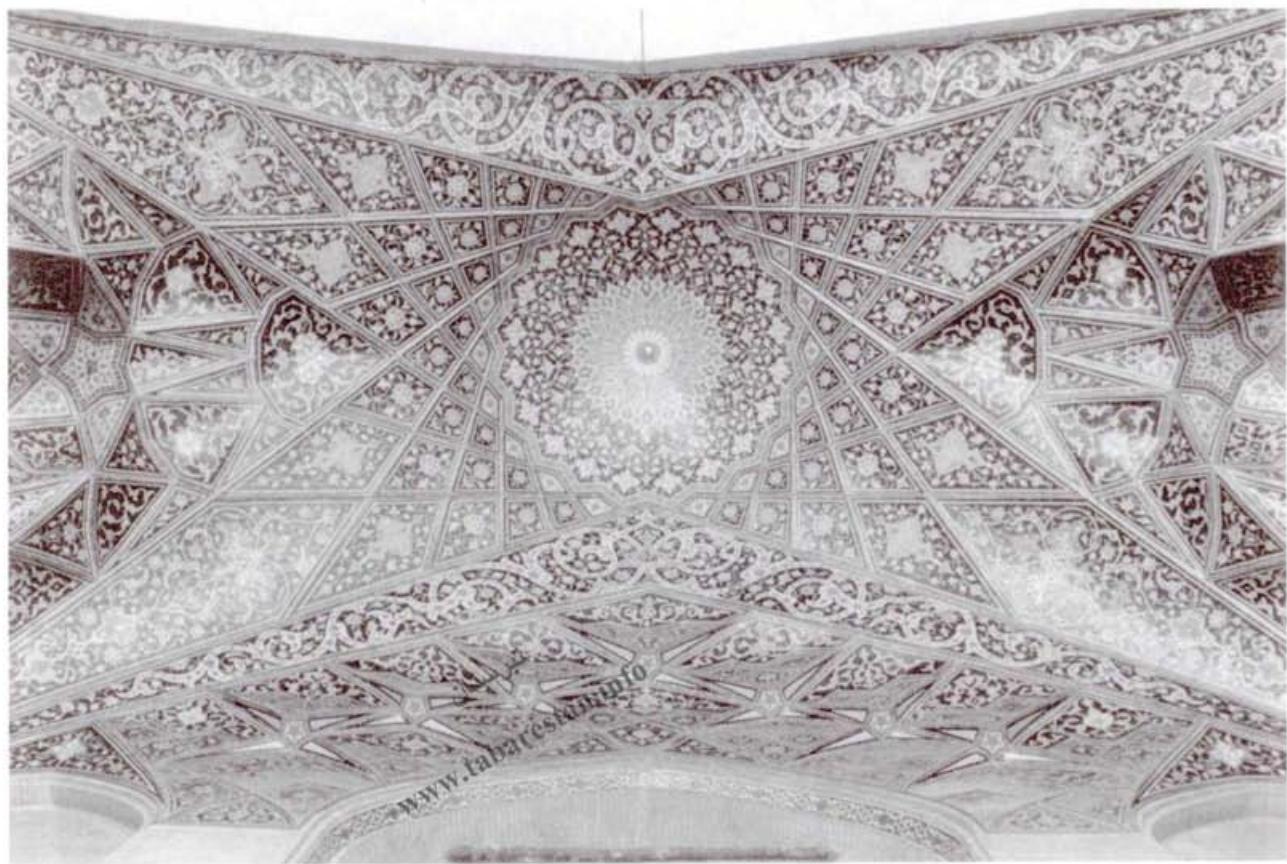
شکل ۱۰۶-۳- محراب اصلی شہستان جنوبی مسجد



شکل ۱۰۷-۳-بخشی از طاق بالای محراب شسبستان جنوبی



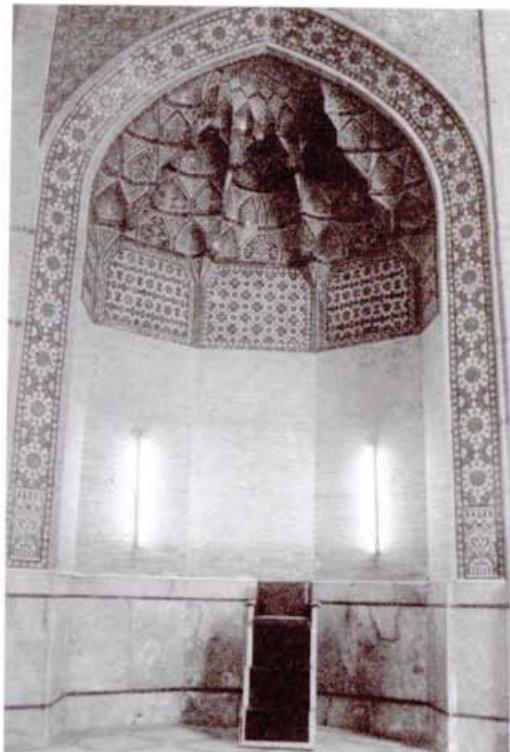
شکل ۱۰۸-۳-کتیبه محراب اصلی شسبستان جنوبی



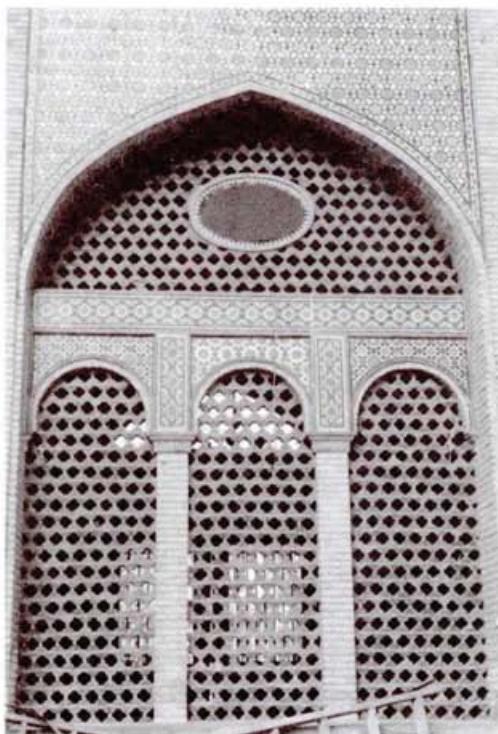
شکل ۳-۱۰۹- دو عکس از طاقهای شبستان جنوبی مسجد



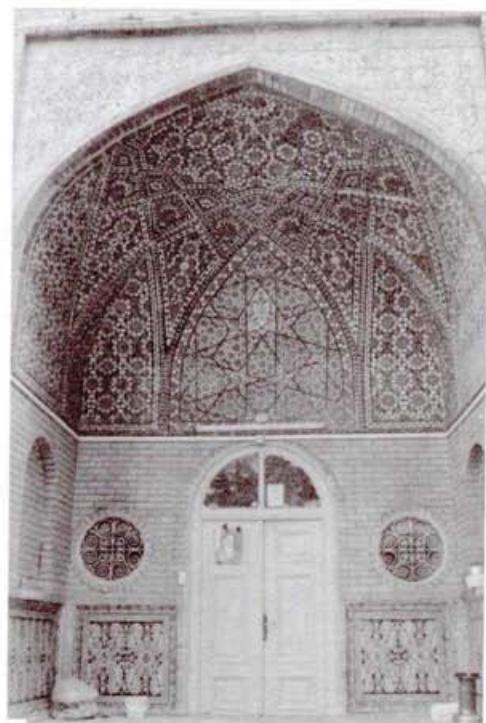
شکل ۳-۱۱۱- محراب کوچک شبستان جنوبی



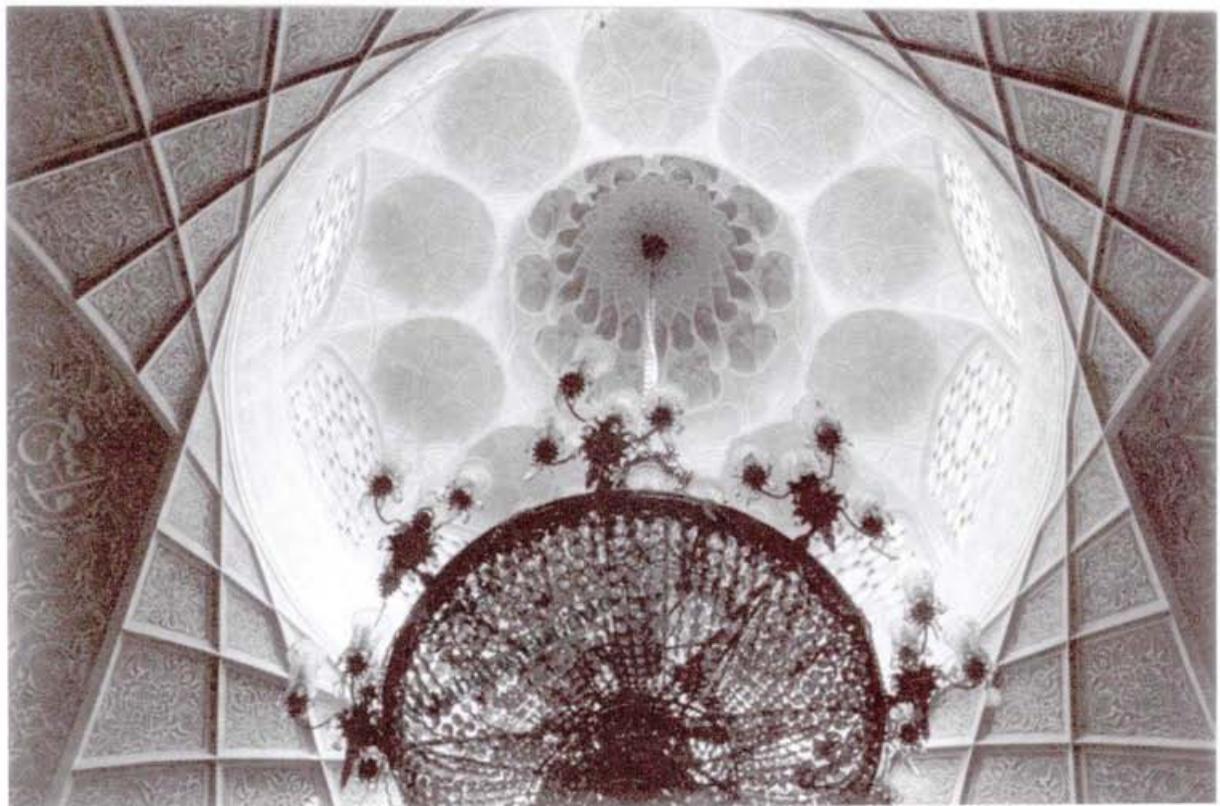
شکل ۳-۱۱۰- سردر ورودی مسجد



شکل ۳-۱۱۳- قوس جناغی و قوسهای رومی و تزئینات گره چینی  
واقع در ایوان غربی



شکل ۳-۱۱۲- ورودی حجره های طلاب



شکل ۱۱۴-۳- گنبد اصلی شبستان زمستانی

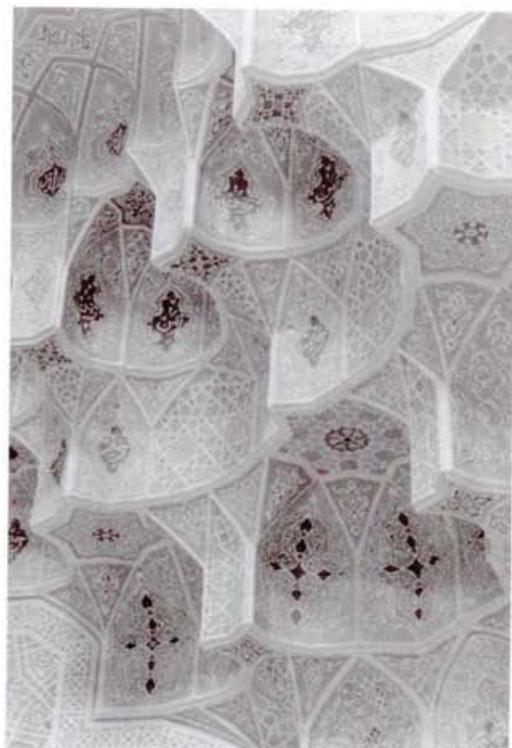


شکل ۱۱۵-۳- شبستان زمستانی در سمت شرق مسجد



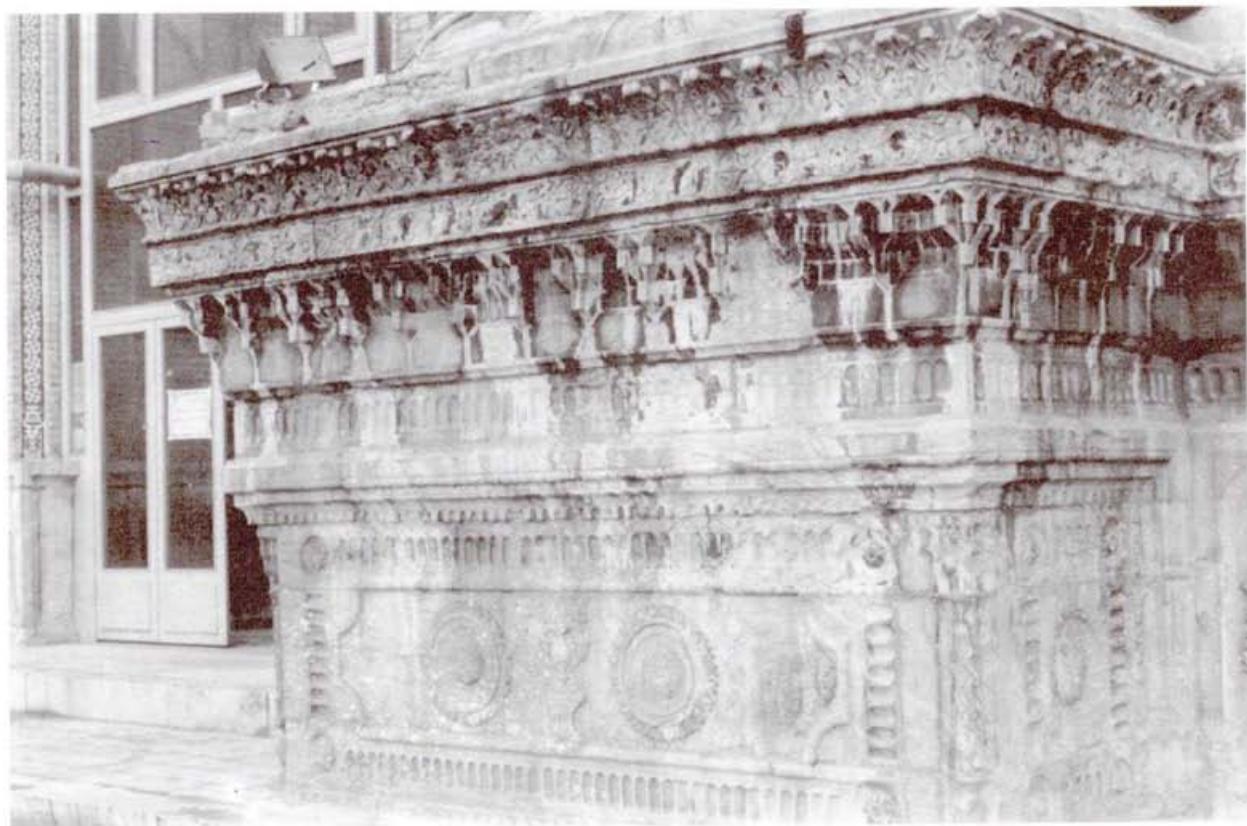
www.tabarestan.info

شکل ۱۱۶-۳- دو تصویر از مناره ها و تزئینات و تصاویر فرنگی بر زوی آنها

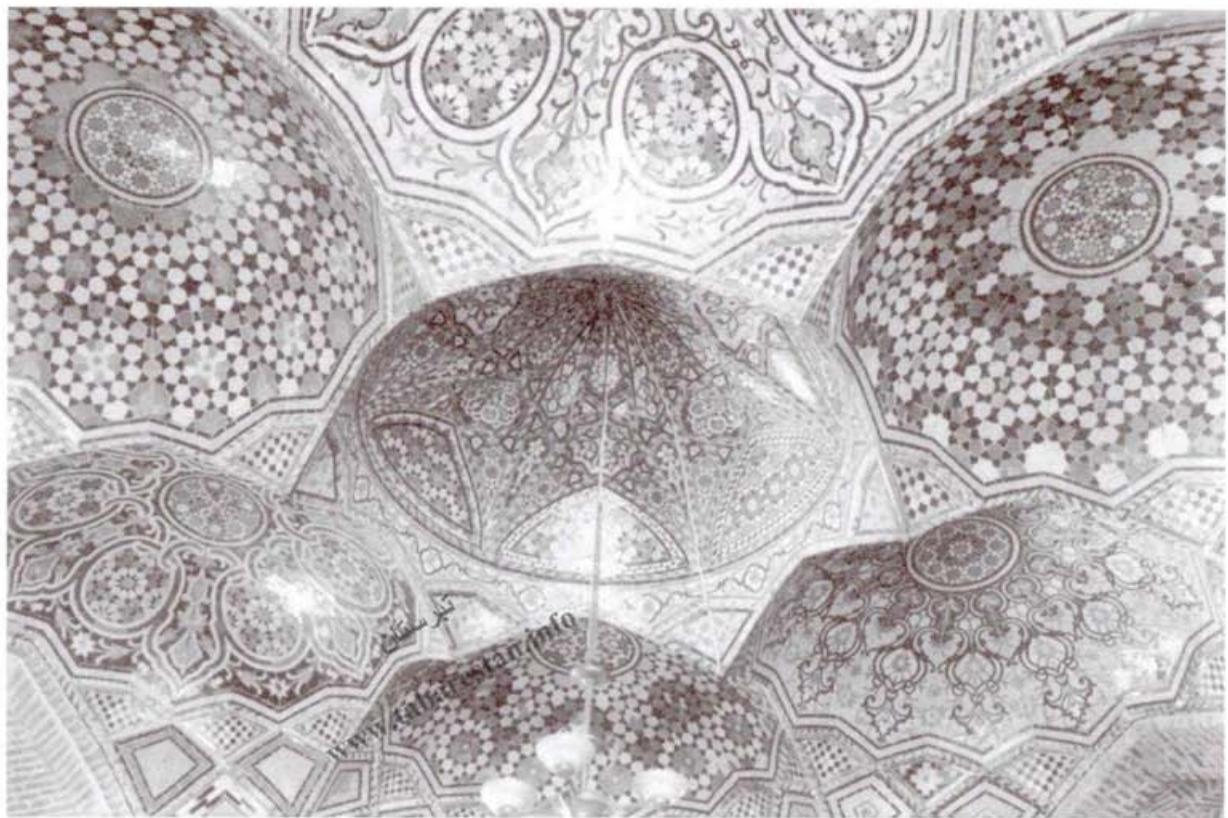


شکل ۱۱۷-۳- شبسستان زمستانی محراب اصلی

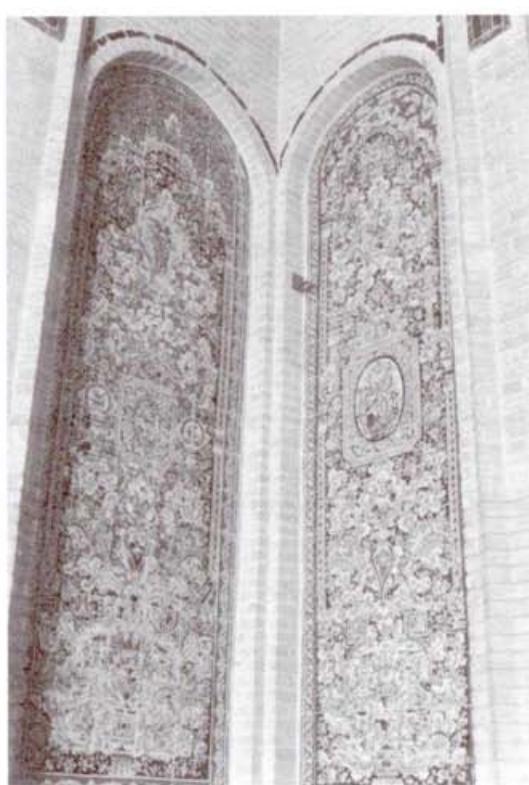
شکل ۱۱۸-۳- بخشی از محراب اصلی شبسستان زمستانی شکل



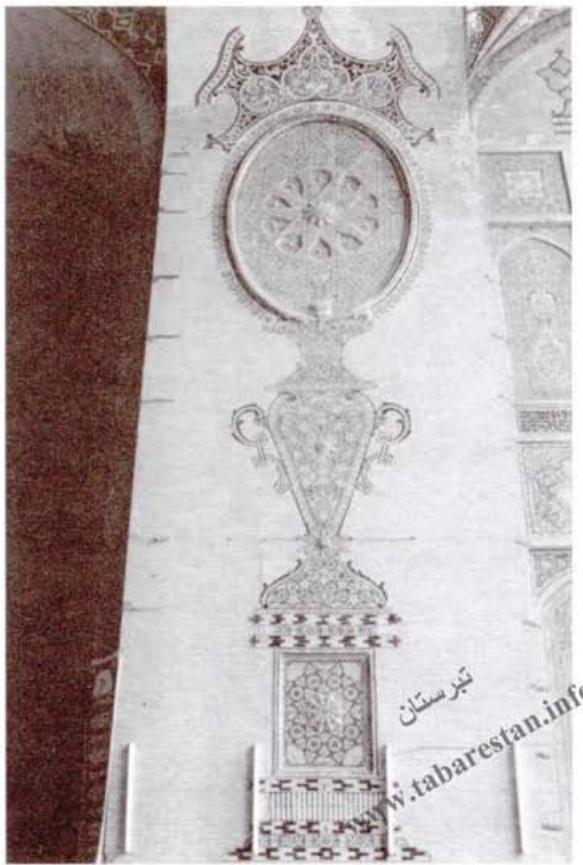
شکل ۳-۱۱۹- سه تصویر از نمادهای فرنگی بر روی پایه سنگی مناره جنوبی مسجد



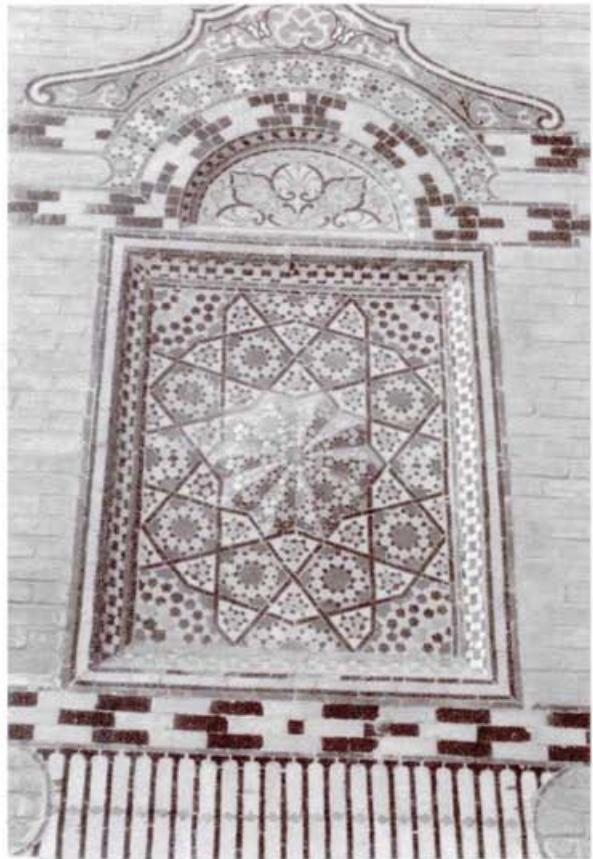
شکل ۳-۱۲۰- طاق هفت کاسه واقع در سمت شرقی مسجد



شکل ۳-۱۲۱- دو تصویر از کاشی کاری مصور با نمادهای واقعی از گل و گیاه و پرنده در ایوان جنوبی مسجد



شکل ۱۲۳-۳- نمادی از گلستان - ایده فرنگی - در شیبستان  
جنوبی مسجد



شکل ۱۲۲-۳- تزئینات اسلامی و گره چینی در شیبستان  
جنوبی مسجد

### ۵-۲-۷- تحلیل نهایی

مسجد سپهسالار اولین مسجد بزرگ و مهم در تهران است که در آن گونه‌ای از نفوذ معماری غرب دیده می‌شود. لذا گرایش به غرب‌گرائی و فرنگی‌ماهی که ابتدا از ساختمان دارالفنون و سپس کاخ‌های دربار شروع شده بود، نهایتاً در ساختمان بزرگترین مسجد تهران پدیدار می‌شود.

### ۵-۲-۶- سبک ساختمان

با توجه به اینکه نفوذ معماری فرنگی و عثمانی در این ساختمان نسبتاً جزئی است، و منبع الهام، شکل کالبدی، عناصر معماری و نوع مصالح و سازه عمدها ایرانی می‌باشد، لذا سبک این ساختمان در چارچوب سبک معماری سنتی ایران می‌گنجد.

### ۳-۵-کاخ ملیجک

از این زمان به بعد به این قسمت از مجموعه

سپهسالار، عزیزیه می‌گفتند. ملیجک ملقب به عزیزالسلطان و سپس سردار محترم بوده است.

دوستعلیخان معیرالممالک در این رابطه چنین

ذکر می‌کند:

«چون عزیزالسلطان به سن یازده سالگی

رسید، شاه عمارت اندرونی قمرالسلطنه دختر

نائجعلیشاه و زن حاج میرزا حسین خان

سپهسالار را که در سمت شرقی باغ مجلس

شورا واقع بود به او بخشید. عزیز السلطنه

عمارت مذبور را عزیزیه نامید و زندگی عالی

و دستگاهی باشکوه در آنجا برای خود فراهم

آورد... چون عزیزخوانده هجدۀ ساله شد،

شاه دختر خود اخترالدوله را که از

صغر اسلطان خانم داشت به زنی وی ارزانی

داشت. جشن عروسی سخت باشکوه و جهیزیه

بسیار مفصل بود...»<sup>(۳۷)</sup>

کاخ ملیجک توسط غلامعلیخان معروف به

ملیجک شخص مورد علاقه ناصرالدین شاه در

سال ۱۲۱۳ هجری قمری احداث شد. ملیجک در

حدود سال ۱۲۹۶ هجری قمری متولد گردید. وی

برادرزاده یکی از زنان سوگلی شاه بود و از

کودکی بسیار مورد توجه شاه قرار داشت.

ناصرالدین شاه در سفر سوم خود به اروپا

در سال ۱۳۰۶ هجری قمری وی را به همراه خود

می‌برد.

شاه هم‌چنین دختر خود اخترالدوله را به

همسری ملیجک درآورد و باغات و املاک

زیادی به نام وی می‌کند. منجمله شاه، پس از

فوت قمرالسلطنه (همسر سپهسالار) در سال

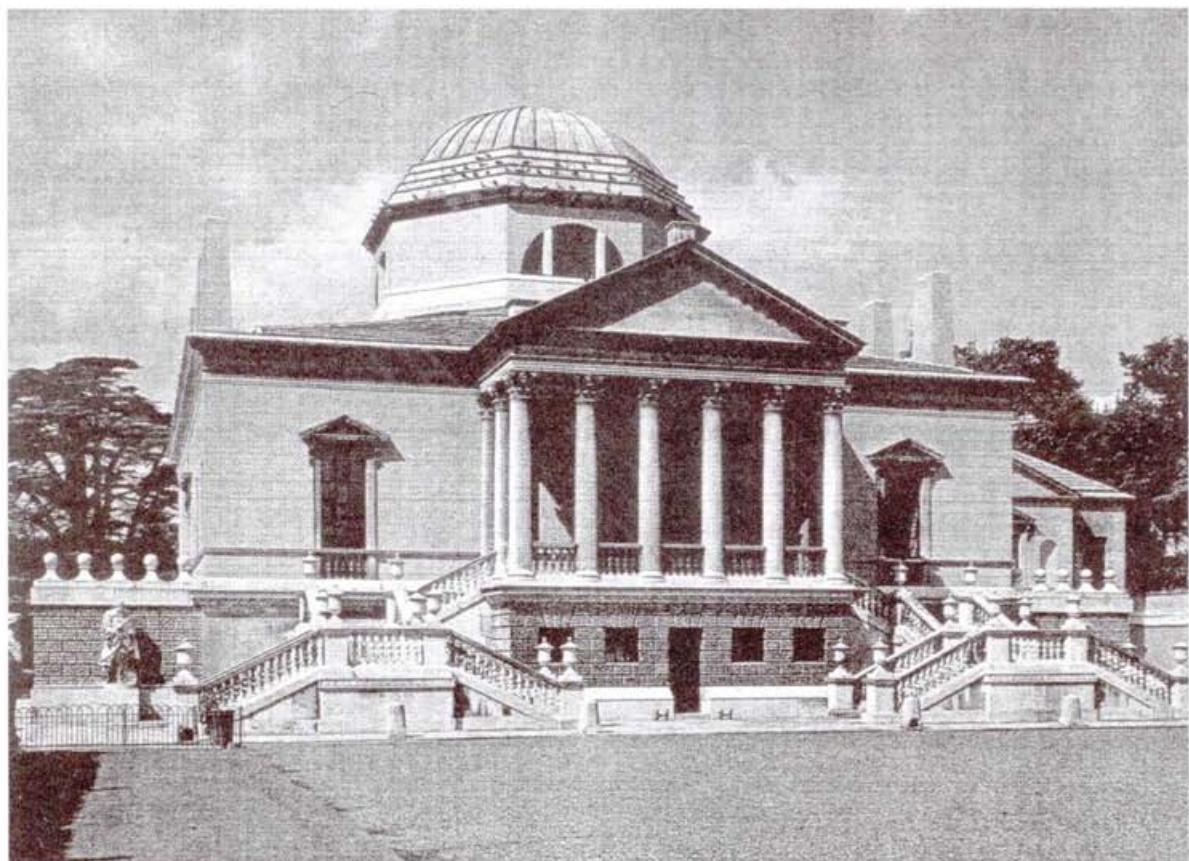
۱۳۰۹ هجری قمری بخش اندرونی مجموعه

سپهسالار را که به تصرف پادشاه درآمده بود

به ملیجک و اخترالدوله می‌بخشد.



شکل ۳-۱۲۴- نمای اولیه جنوب کاخ ملیجک



شکل ۳-۱۲۵- نرده ها، راه پله و ستونهای کاخ ملیجک شباهت زیادی به خانه چیسویک (Chiswick House 1725) در عکس فوق، در نزدیکی لندن دارد.

بلاشک مجموعه عزیزیه تا سال ۱۳۲۸ هجری

قمری در اختیار عزیزالسلطان بوده است.

چنانچه در خاطرات خود مربوط به پنجم محرم

۱۳۲۸ هجری قمری می‌نویسد :

«صبح عملجات از طرف مجلس آمده بودند که

می‌خواهیم اتاق‌هایی که وصل به ما است تیغه

کنیم، امروز بنا بود بروند عدله برای این کار

آن آنجا آدم بسیابید... از آن طرف هم خودشان

مشغول خراب کردن شدند. باری اسباب

وحشت اندرون من شده، نمی‌دانم این چه

ملکتی است و چه قانونی، خداوند خودش

اصلاح کند.»<sup>(۴۰)</sup>

بین سال‌های ۱۳۲۴ تا سال ۱۳۲۹ هجری قمری

کاخ ملیجک توسط ملیجک تخلیه و در اختیار

فردی به نام دکتر کردستانی قرار می‌گیرد. بین

سال‌های ۱۳۲۹ هجری قمری (افتتاح مجلس

چهارم) و سال ۱۳۴۴ هجری قمری (پایان مجلس

پنجم) مجموعه عزیزیه به مجلس شورای ملی

و اگذار می‌گردد. از آن زمان این ساختمان

اعتمادالسلطنه در خاطرات خود در ۷ رمضان

۱۳۰۹ هجری قمری می‌نویسد: «اندرونی باغ

سپهسالار را هم که خانه قمرالسلطنه بود و

سه‌چهار دستگاه عمارت و باغ است به

عزیزالسلطان بخشیدند...»<sup>(۴۱)</sup>

تاریخ احداث بنا در سال ۱۳۱۲ هجری قمری

همزمان با سال ترور ناصرالدین شاه بود.

ملیجک در خاطرات خود در روز جمعه دوم

ربیع الاول ۱۳۱۲ هجری قمری چنین نگاشته

است :

«ساعت چهارونیم از شب گذشته آغابشیر از

شهر وارد شد. دو روز قبل رفته بود امامزاده

داود، دیشب وارد شد، از قراری که می‌گفت

شهر بسیار گرم است. می‌گفت از عمارت

تازه‌ای که در عزیزیه بنا شده (عمارتی که

شاه از قمرالسلطنه خریده و آن را به داماد

خویش ملیجک و دخترش اخترالدوله بخشید)

طاق زیرزمینی‌ها را زده‌اند، حالا مشغول

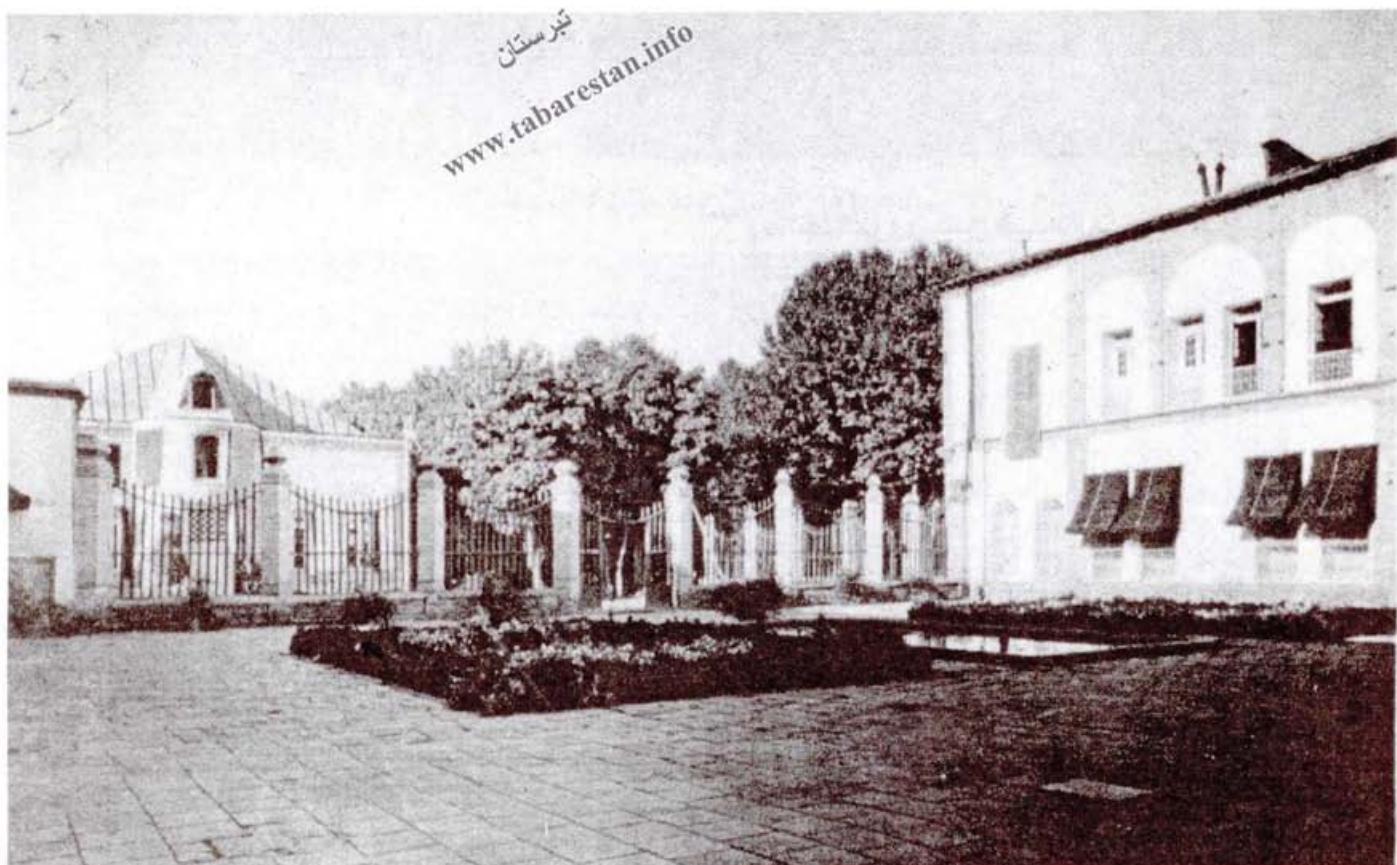
بنائی اتاق‌های روی زمین هستند...»<sup>(۴۲)</sup>

مورد تاریخ انجام این تغییرات به دست نیامده است. از اوایل سال ۱۳۷۹ هجری شمسی بازسازی و مرمت این بنا مطابق آنچه در که در

به عنوان یکی از ساختمان‌های مجلس بوده و به عنوان ساختمان شماره پنج مجلس شناخته می‌شده است.<sup>(۴۱)</sup>

زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ هجری شمسی وجود داشته توسط مهندسین مشاور باوند آغاز شده است.

در بازسازی‌های بعدی، در طی سال‌های گذشته تغییراتی نسبتاً اندک در نما، بام و پلان این ساختمان ایجاد شده که متأسفانه سندی در



شکل ۱۲۶-۳- نمای اولیه شمال کاخ ملیجک در سمت چپ و نمای شرقی کاخ سپهسالار در سمت راست عکس است.



شکل ۳-۱۲۷-نمای جنوبی کاخ ملیجک

طبق شیوه‌های اجرائی سنتی ساخته شده است.

ساختمان دارای یک زیرزمین و یک طبقه همکف

و یک نیم طبقه بر بالای طبقه همکف است. در

زیرزمین دیوارهای باربر آجری با طاق تخت

آجری اجرا گردیده است. در طبقات فوقانی

دیوارها باربر و آجری هستند. سقف این طبقات

با الوار چوبی و کاهگل اجرا شده. در سمت

بالکن جنوبی، بار سقف بر روی الوارهای چوبی

است. بام ساختمان با شیروانی پوشیده شده و

در زیر آن یک خرپای ایرانی با الوارهای چوبی

اجرا گردیده است.

سطحه مختلف بنا و تزئینات آن در طبقات

### ۱-۳-۵-منبع الهام کاخ ملیجک :

بدون تردید منبع الهام کاخ ملیجک، کاخهای

اروپایی بوده است. چه در ساختمان اولیه و چه

بعد از انجام تغییرات در این ساختمان، هیچ یک

از بخش‌های مختلف این کاخ شباهتی به

ساختمان‌های سنتی ایران ندارد. باید بیان نمود

که طرح این ساختمان در کلیات و جزئیات آن

تماماً بر مبنای معماری اروپایی ترسیم شده

است.

### ۲-۳-۵-نوع سازه و مصالح

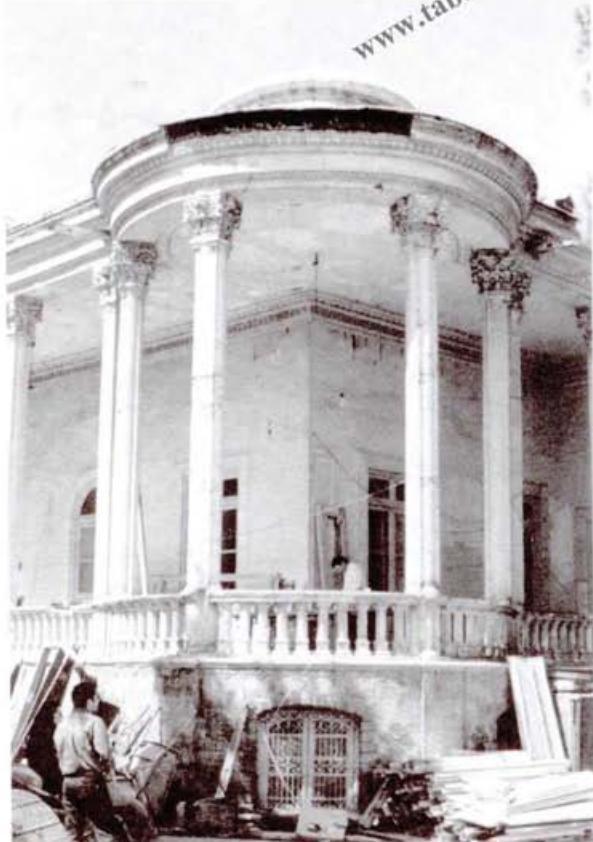
کالبد ساختمان یا به عبارتی سفت کاری بنا بر

ستون‌های ساختمان چه در قبل و چه در بعد از بازسازی شبیه ستون‌های کورینتین<sup>(۲۲)</sup> است. البته تنشیات و جزئیات ستون کرینتین صحیح اجرا نشده. نرده‌های ایوان جنوبی و پله‌های آن نیز در قبل و بعد از بازسازی شبیه نرده‌های کاخ‌های دوره رنسانس و نئوکلاسیک است.

قوس‌های مورد استفاده در ساختمان به صورت

فوقانی با گچ اجرا گردیده. در طبقه زیرزمین سطح خارجی با آجرنما و سطوح داخلی و تزئینات آن با گچ انجام شده است. ورق شیروانی تنها مصالح جدید در این ساختمان است.

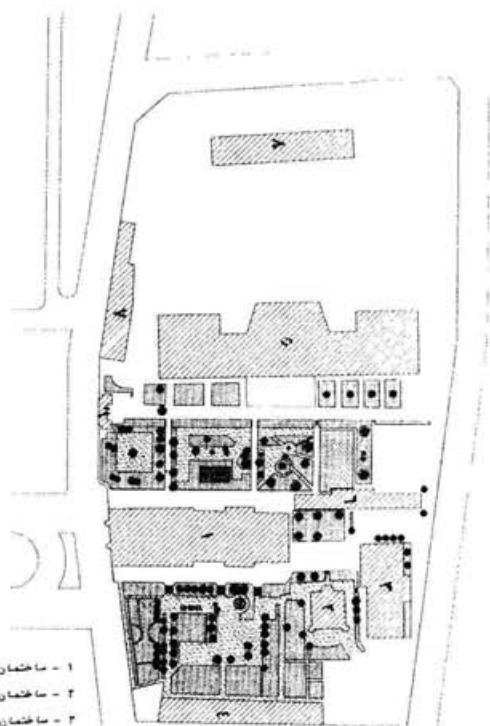
### ۳-۳-۵-عناصر تشکیل دهنده ساختمان



شکل ۳-۱۲۸- دو تصویر از ایوان جنوبی کاخ ملیجک

استفاده شده که آن نیز در معماری سبک مانریست<sup>(۴۳)</sup> (شیوه گری) و سبک نئوکلاسیک اروپا مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

نکته حائز اهمیت اینکه کاخ‌ها و ساختمان‌های مهم در اروپا در این دوره با سنگ ساخته می‌شده است. (همانند آنچه که در یونان و روم باستان متداول بوده است) ولی معماری ما در دوره قاجاریه خصوصاً در مناطق مرکزی کشور مانند تهران، با آجر اجرا می‌گردیده است. لذا در این ساختمان سطوح فوقانی بنا و



شکل ۳-۱۲۹- سایت پلان باغ سپهسالار در حال حاضر

قوس رومی است و کلیه تزئینات این ساختمان نیز فرنگی است.

### ۳-۵- تزئینات

در بازسازی ساختمان، تزئینات زیبای بالای بازشوهای خارجی حذف می‌شود. همچنین تزئینات لبه زیر شیروانی و تزئینات محل تلاقی دیوار و سقف بالکن عوض می‌گردد. سرستون‌ها نیز بعد از بازسازی تا اندازه‌ای متفاوت از قبل از آن است. ولی تزئینات چه در قبل و چه در بعد از بازسازی هیچ‌گونه تشابهی با تزئینات ایرانی ندارد و تماماً از مدل‌های فرنگی الگوبرداری شده است.

گچبری داخل ساختمان مشابه تزئینات یونان و روم باستان است که در این دوره (اوخر قرن ۱۹ میلادی) در معماری سبک نئوکلاسیک اروپا مورد استفاده قرار می‌گرفته است. بر بالای بعضی از بازشوهای داخلی ساختمان از تزئینات چوبی به صورت سنتوری شکسته

دو مورد یعنی پله و راهروی مرکز ساختمان ایده فرنگی است. در طبقه زیرزمین نیز مشابه همین راهرو وجود دارد.

در قبل از بازسازی، ورودی به همکف از سمت جنوب بنا از طریق یک پله دو شاخه بوده که بعد از بازسازی تبدیل به یک پله در وسط محور ساختمان می‌شود. هر دو مدل پله از روی ساختمان می‌شوند. هر دو زیرپله دو شاخه، در بعد از بازسازی کور می‌شود. لذا باید بیان نمود که نظام گردشی ساختمان چه در ابتدا و چه در بعد از بازسازی کلاً اروپایی است.

کلیه قسمت‌های مختلف نمای ساختمان و شکل کلی آن در قبل از بازسازی به تبعیت از معماری غربی است. بام ساختمان قبل از بازسازی به صورت شیروانی ساده بوده است. ولی بعد از بازسازی، ارتفاع بام افزایش یافته و یک لبه بر روی آن ایجاد شده و به صورث دوشیبیه درآمده که شبیه بام‌های معروف به منسارد<sup>(۴۴)</sup>

ستون‌ها با گچ سفید پوشش شده‌اند. این نوع پوشش نسبت به سطوح آجری، شباهت بیشتری به سنگ دارد. پوشش خارجی طبقه زیرزمین با آجرنما است. اما رنگ، ابعاد، تزئینات و نحوه چیدن این آجرها به صورتی است که شباهتی به سطوح آجری ندارد و در نگاه اول بیشتر یک نمای سنگی به ذهن انسان خطور می‌کند.

### ۳-۵-۵-شکل کالبدی

پلان ساختمان به صورت برون‌گرا و تقریباً متقارن است. اتاق‌های شمالی ساختمان در طبقه زیرزمین مشابه یکدیگر نیستند. در طبقه همکف نیز اتاق‌های شمالی شبیه هم نیستند که احتمال دارد در بازسازی‌های بعدی، این اتاق‌ها از حالت تقارن خارج شده باشند.

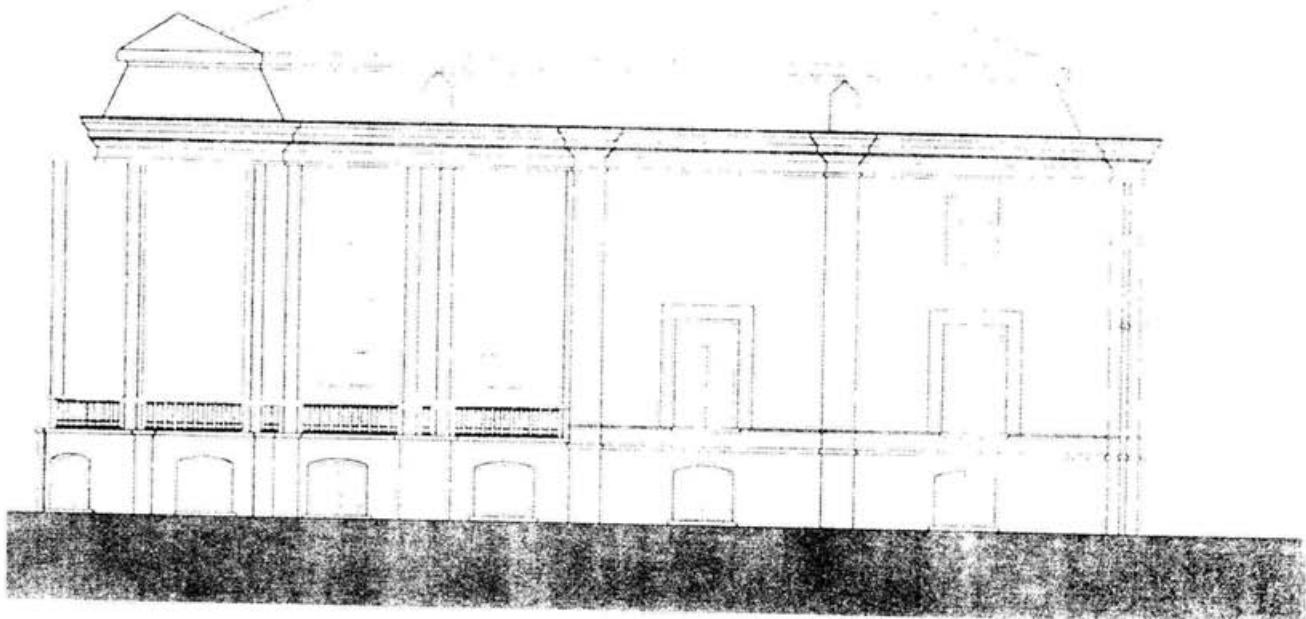
پله ورودی به طبقه همکف از سمت شمال بر روی محور وسط ساختمان قرار دارد و به یک راهرو منصل است. ارتباط به کلیه اتاق‌ها در این طبقه از طریق این راهرو صورت می‌گیرد که هر

معماری کارت پستالی است. معماری که کلاً و جزئی از روی عکس‌های کاخ‌های فرنگی ساخته شده است. اگرچه این ساختمان توسط کارگران و بناهای ایرانی ساخته شده و مصالح آن آجر و تیر و تخته محلی است، ولی در ظاهر این بنا هیچ‌گونه آثاری از معماری ایران زمین دیده نمی‌شود. ستون‌ها، نرده‌ها، بازشوها، پله‌ها، تزئینات و بفروطور کلی ظاهر ساختمان شبیه ساختمان‌های سبک نئوکلاسیک در غرب است که سبک غالب در این دوره در اروپا بوده است.

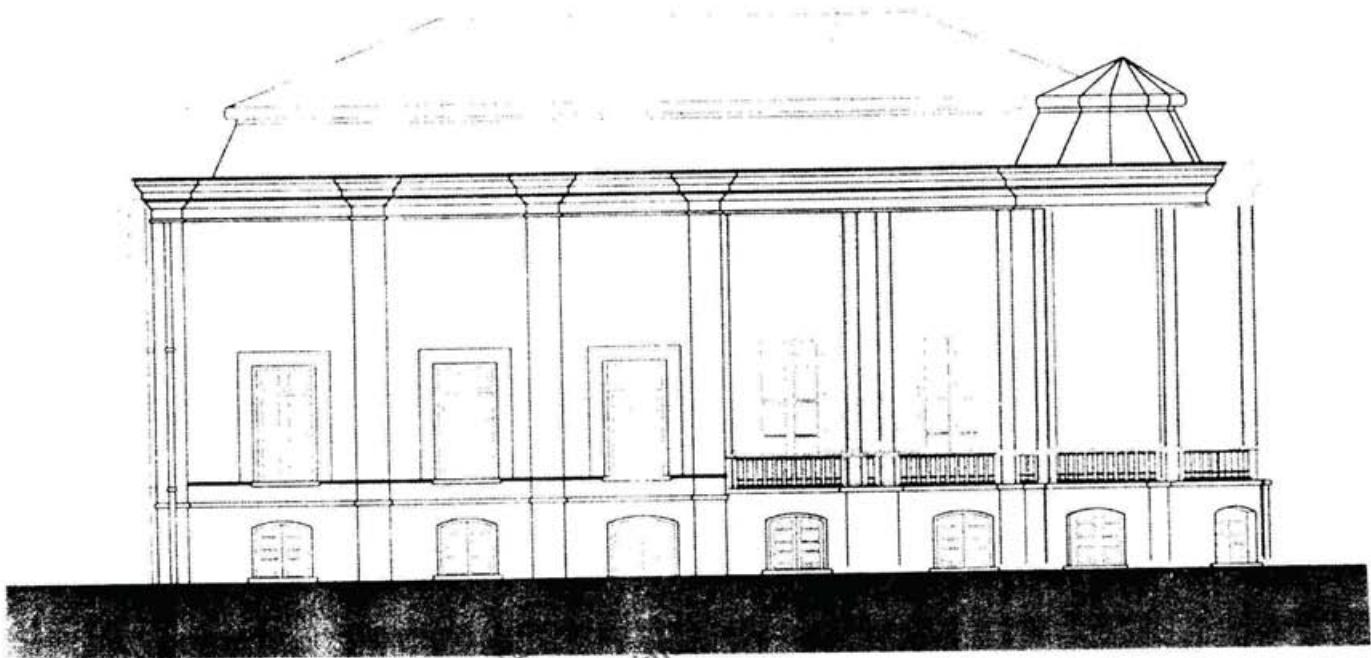
است. طرح این نوع از بام‌ها از اواسط قرن هفده میلادی بر روی بام‌های کاخ‌های پاریس توسط معمار فرانسوی، فرانسیوس منسارت<sup>(۴۵)</sup> آغاز گردید. مقطع ساختمان از نظر سفت‌کاری ایرانی است ولی نازک‌کاری، بازشوها و بام ساختمان از روی مدل‌های فرنگی الگوبرداری شده است.

### ۶-۳-۵- سبک ساختمان

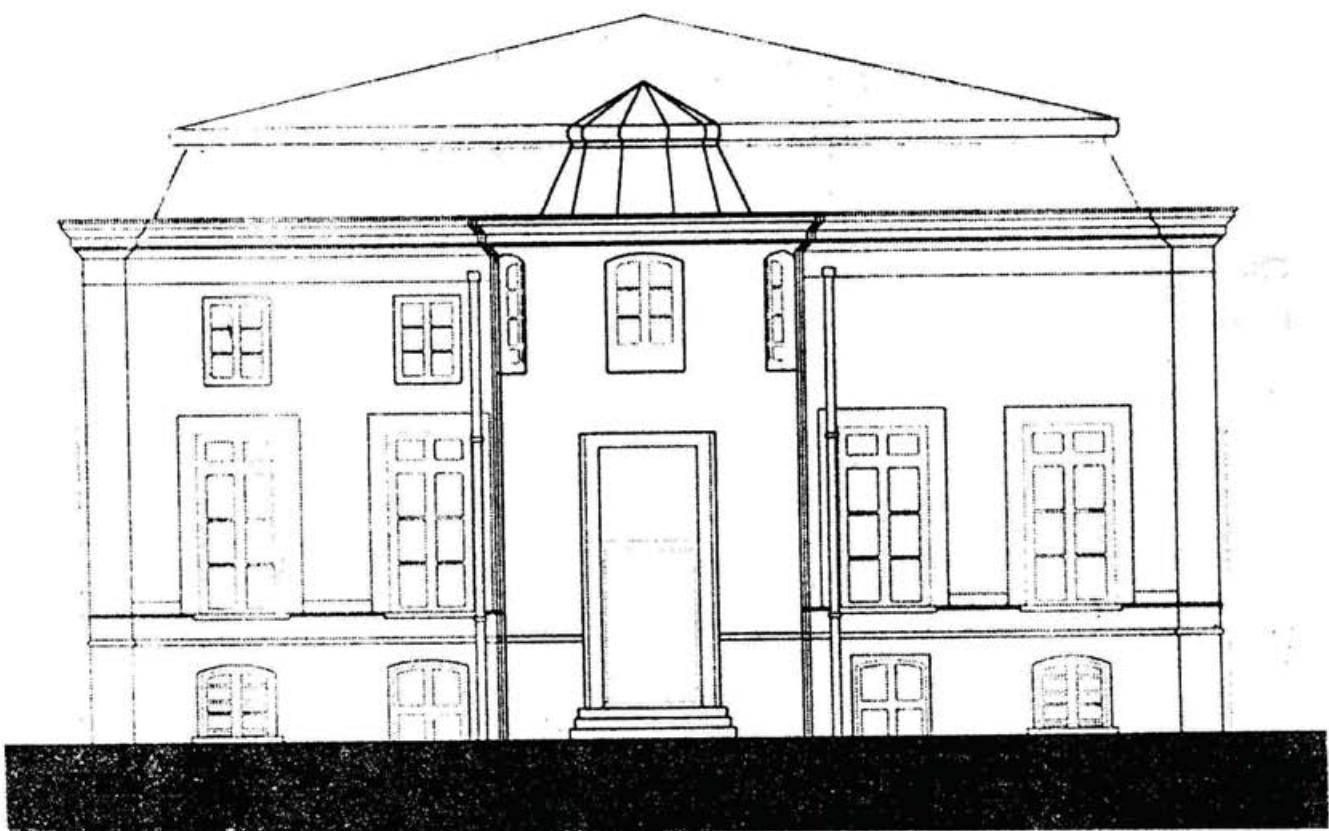
کاخ ملیجک مثال بسیار خوب و بارزی از



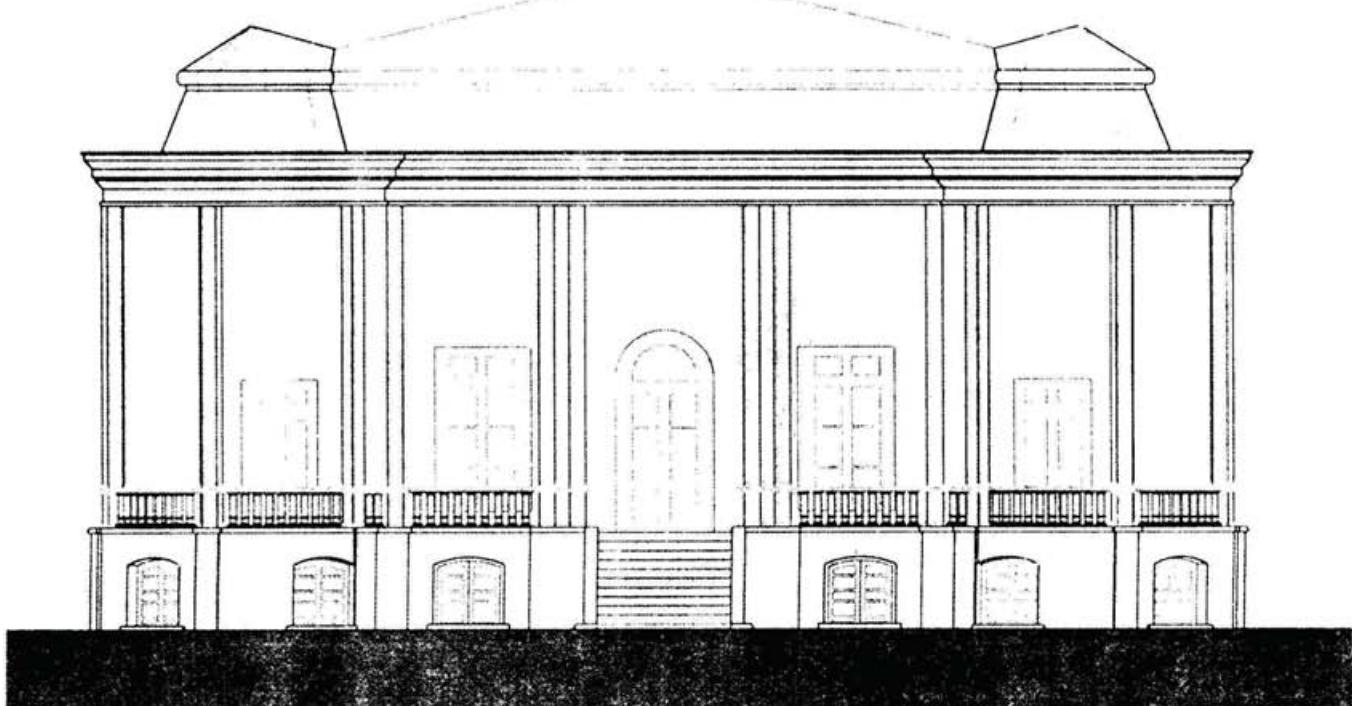
شکل ۳-۱۳۰- نمای شرقی کاخ ملیجک



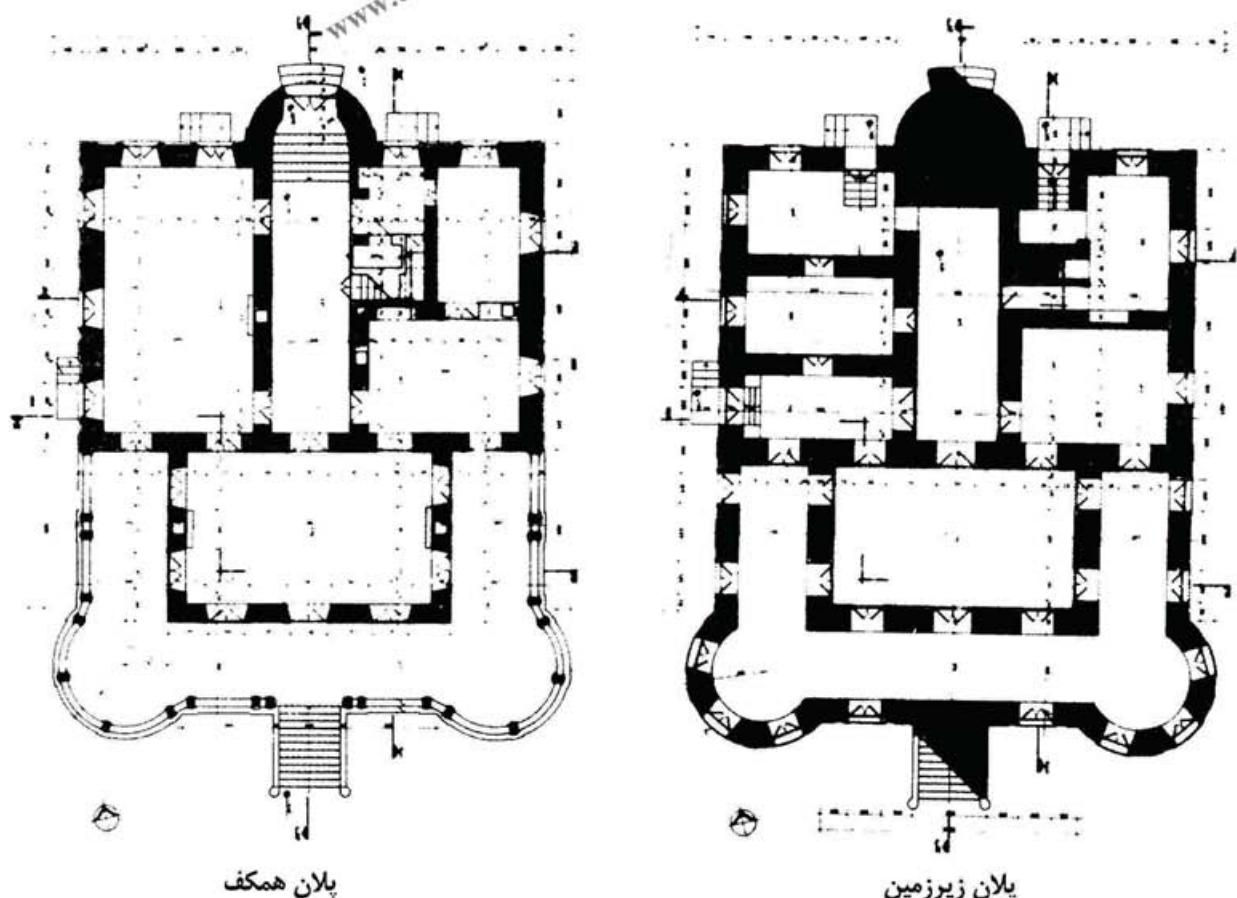
شکل ۳-۱۳۱- نمای غربی کاخ ملیجک  
[www.tajroebestan.ir](http://www.tajroebestan.ir)



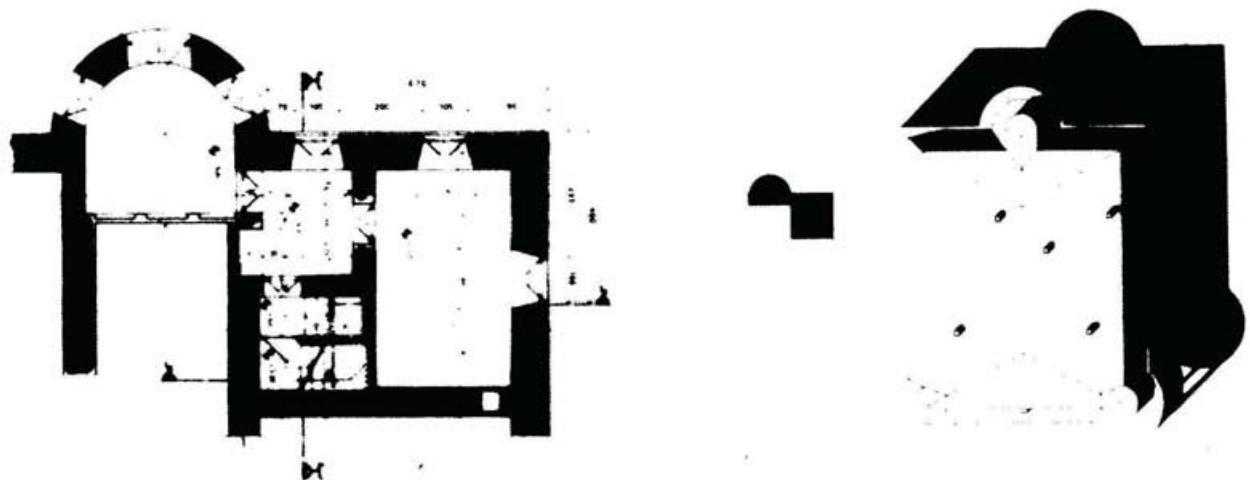
شکل ۳-۱۳۲- نمای شمالی کاخ ملیجک



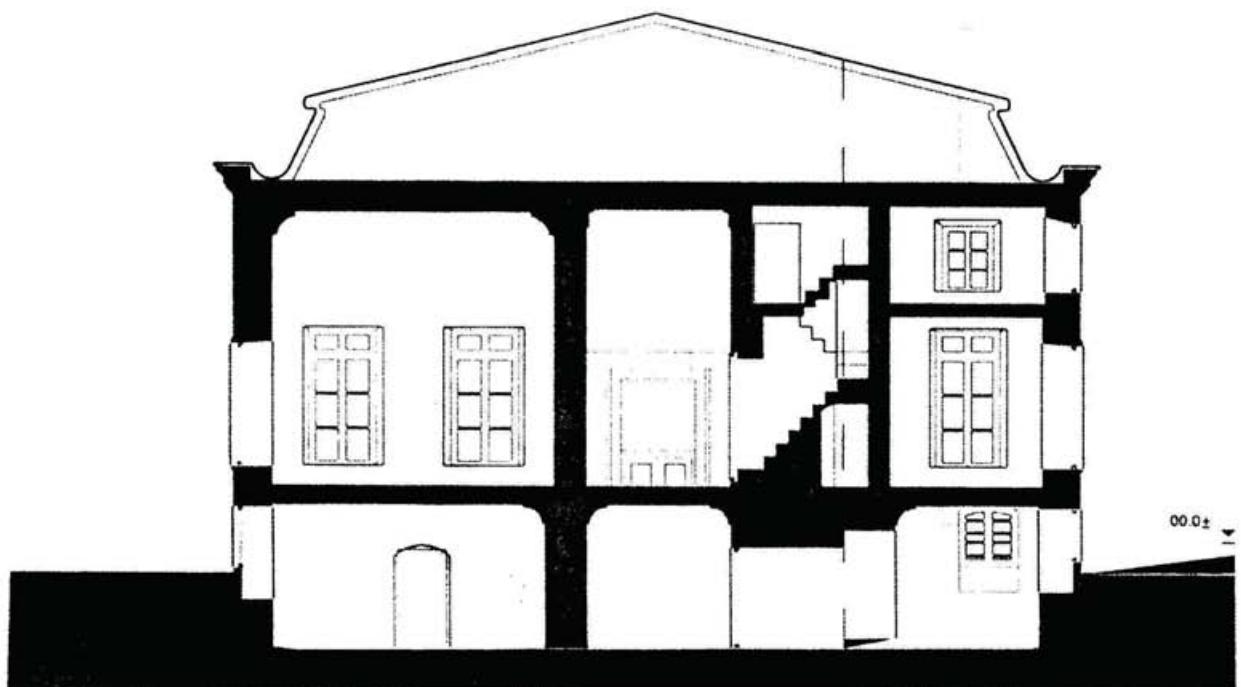
شکل ۱۳۳-۳-نمای جنوبی کاخ ملیجک



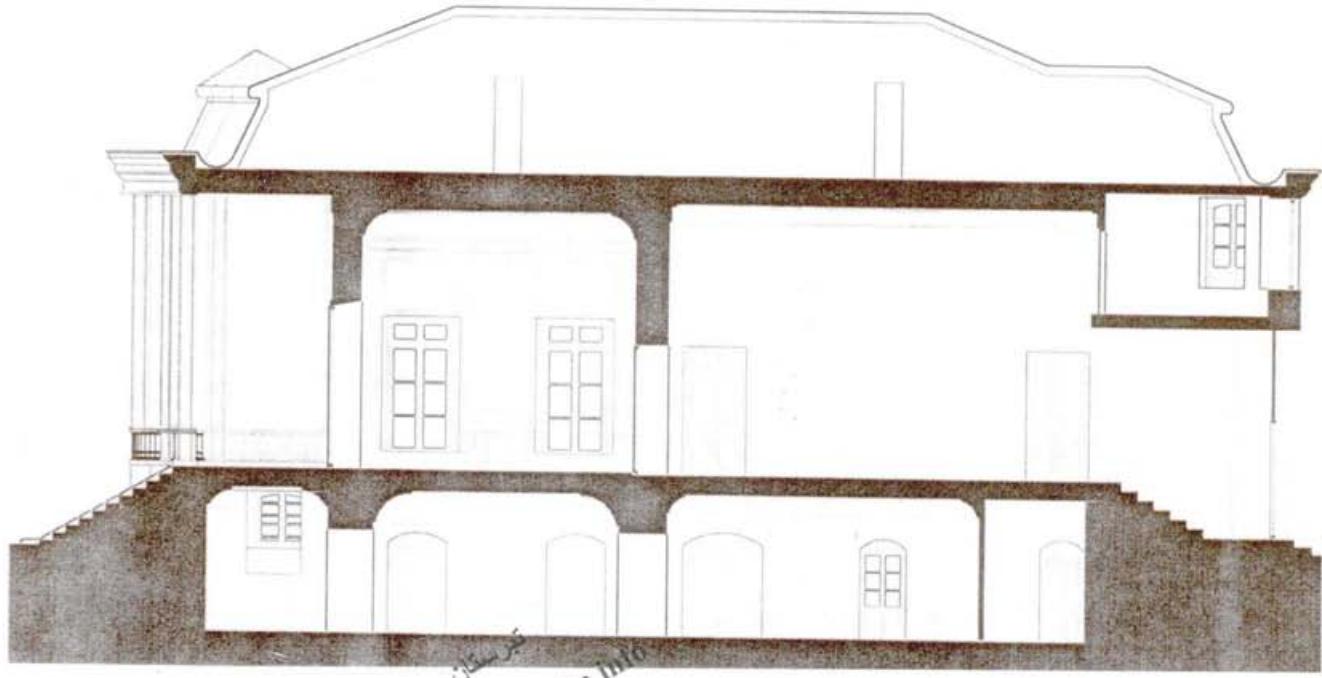
شکل ۱۳۴-۳-پلانهای کاخ ملیجک



تبرستان پلان نیم طبقه بالای همکف  
ادامه شکل ۱۳۴-۳-پلانهای کاخ ملیجک  
پلان بام



شکل ۱۳۵-۳-قطع عرضی از کاخ ملیجک



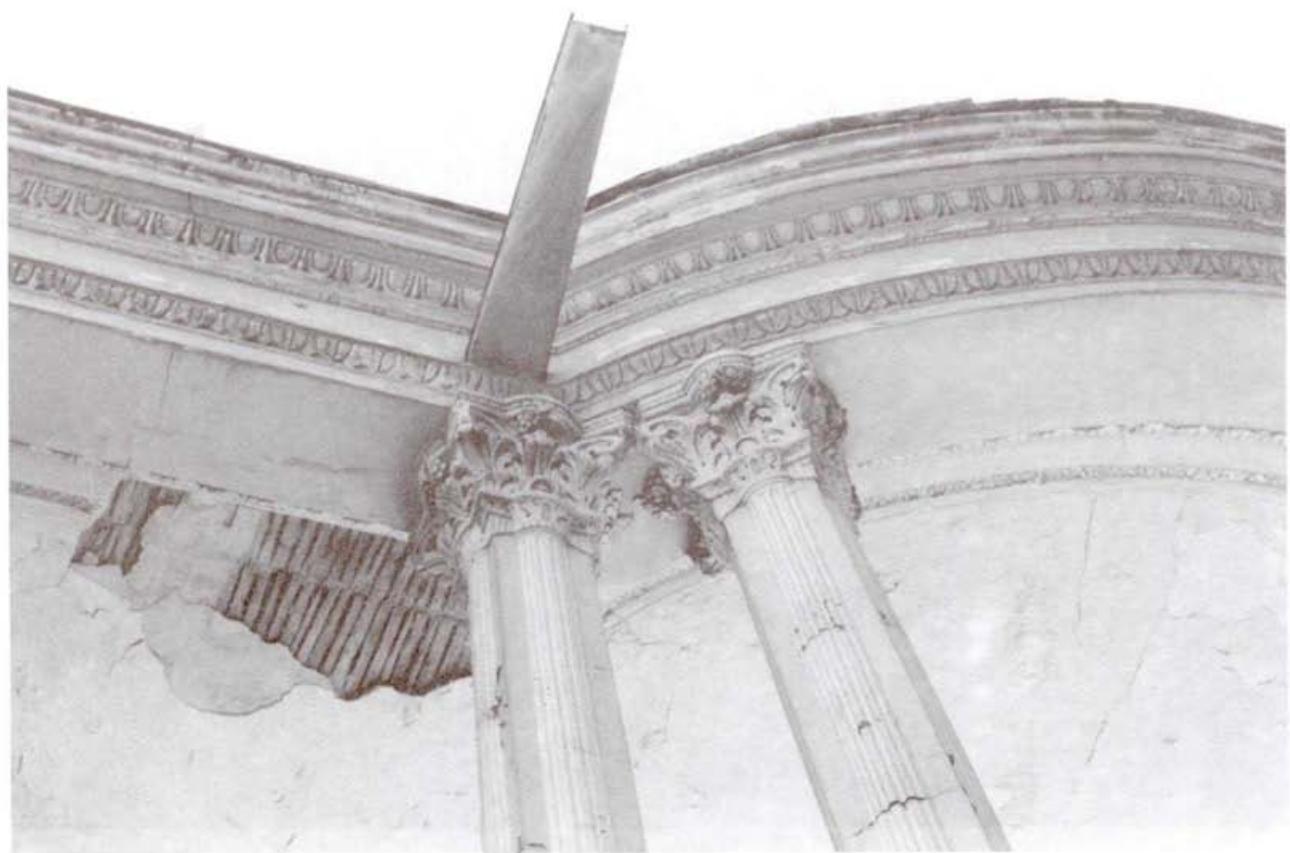
شکل ۱۳۶-۳- مقطع طولی از کاخ ملی



شکل ۱۳۷-۳- نمایی از سرستونها و ایوان غربی



شکل ۱۳۸-۳- نمایی از سرستونهای کورنتین ایوان جنوبی



شکل ۱۳۹- از پوشش گچی بر روی تخته های چوبی برای سقف طبقه اول استفاده شده است.



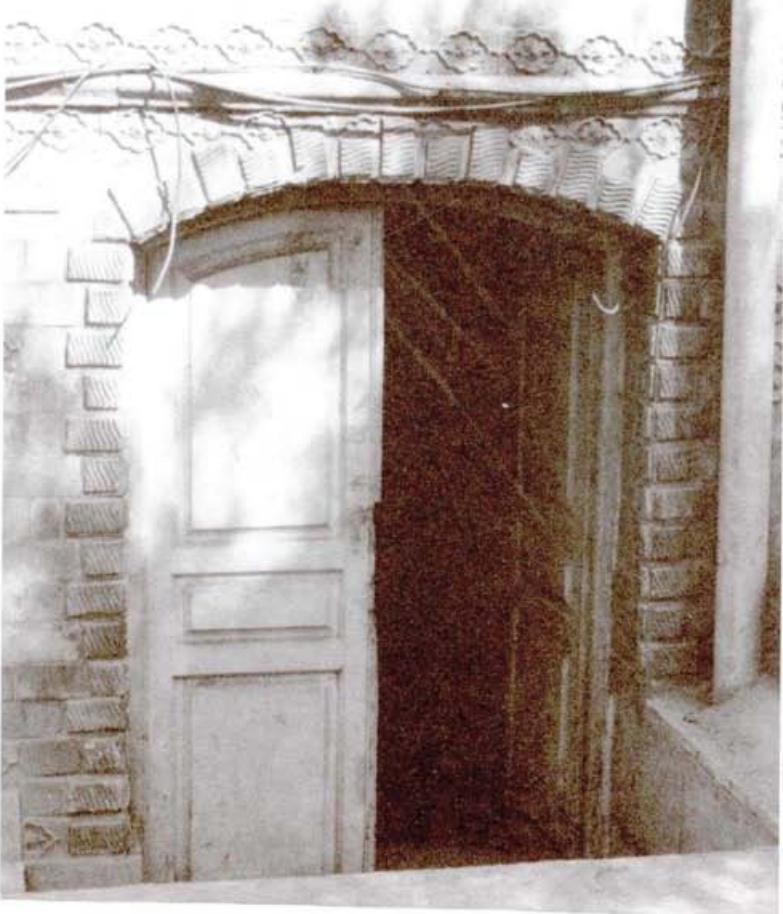
شکل ۱۴۰-۳- تصویری از مرمت و بازسازی کاخ ملیجک - بهار ۱۳۷۹



شکل ۱۴۱-۳- بخش فوقانی نمای غربی کاخ



شکل ۱۴۲-۳- نمای غربی کاخ



شکل ۱۴۳-۳- در

ورودی به زیر زمین

از سمت شمال کاخ



شکل ۳-۱۴۴- از آجرهای نما به شکل سنگ جهت پوشش سطوح خارجی زیر زمین استفاده شده است.



شکل ۳-۱۴۵- پنجره بالای ورودی در نمای شمالی کاخ



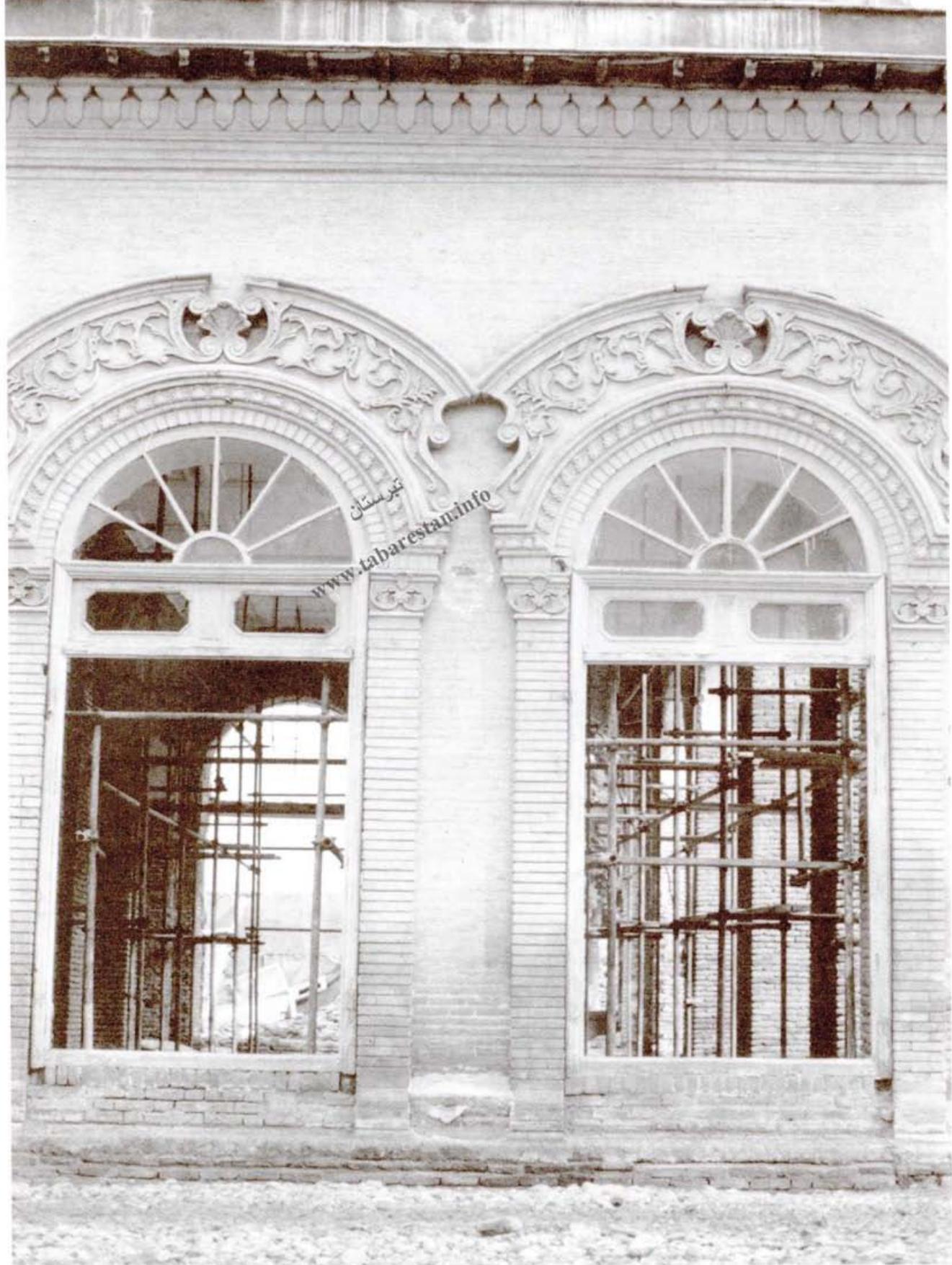
شکل ۳-۱۴۶- درسه تصویر از  
بخش‌های مختلف ساختمان  
ملیجک- صراحی ایوان جنوبی،  
پنجره غربی و گنجه در داخل بنا-  
نمادهای شاخصی از معماری فرنگی  
ملاحظه می شود.



شکل ۳-۱۴۷- جهت پوشش سطوح مختلف نمای شمالی، از آجر نما استفاده شده است.



شکل ۳-۱۴۸- کتابخانه مجلس (بخشی از مجموعه عزیزیه) در شرق کاخ ملیجک



شکل ۱۴۹-۳-نمای دو پنجره از نمای غربی کتابخانه مجلس



شکل ۳-۱۵۰- عناصر تشکیل دهنده معماری همچون نیم ستونهای به دیوار چسبیده دوریک و ایونیک، قوسهای نیمداپر، سنتوری و سنتوری شکسته و ترده های به شکل صراحی بر بالای کلیسای بیبیانای مقدس (Sta.Bibiana 1624) در رم - طرح برنینی - به کرات مورد تقلید ساختمانهای تلفیقی و فرنگی در دوره ناصری در تهران قرار گرفته است.

### ۷-۳-۵-تحلیل نهایی

زمان سلطنت ناصرالدین شاه المان‌های

مشخصی از معماری غربی در ساختمان‌های

شاخص پایتخت تجلی پیدا کرد.

در دوره سلطنت ناصرالدین شاه اگرچه معماری

ما به سمت معماری غرب گرایش پیدا کرد ولی

این گرایش به صورت شکلی و ظاهری بود. در

این دوره هیچ‌گاه مباحث فلسفی معماری مغرب

زمین در ایران مطرح نشد و هیچ سند و مدرکی  
از ترجمه‌کتب یا مقالات معماری اروپائیان  
وجود ندارد.

کاخ ملیجک نمود کالبدی تغییر ذهنیت و نگرش

در دوره ناصرالدین شاه است. همچنان‌که امرا و

درباریان کشور به تدریج توجه خود را از سنت

و هنجارهای گذشته به سمت فرنگ و ظواهر آن

معطوف می‌دارند، کاخ‌ها و ساختمان‌های ساخته

شده توسط آنها نیز به تدریج از سنت معماری

ایران فاصله می‌گیرد، به نحوی که در اواخر

سلطنت ناصرالدین شاه، شاهد اجرای

ساختمان‌هایی کاملاً مطابق با الگویهای فرنگی

هستیم، مثال بارز این موضوع کاخ ملیجک است.

در پایان این فصل باید عنوان شود که معماری

هم همچون دیگر مظاهر زندگی ما ایرانیان تحت

تأثیر امواج نوگرانی قرار گرفت. شیفتگی در

مقابل مظاهر مدرن و کارایی بهتر شیوه‌های

جدید غربی از جمله عواملی بود که معماری

پایتخت را به سمت معماری اروپایی سوق داد.

در ابتداء گرایش به سمت معماری فرنگی در حد

تزئینات کاخ‌های امرا و اشراف بود. ولی از

## یادداشت‌ها:

- ۹- یحیی ذکاء، تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی (۷۸)، تهران ۱۳۴۹، ص ۳۷۴.
- ۱۰- محمدحسن خان اعتماد السلطنه، الماثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، جلد اول، انتشارات پرساطپر، ۱۲۶۳، ص ۸۸.
- ۱۱- ساختهای این بانک متعلق به میرزا قهرمان امیر لشکر بود که پس از تأسیس بانک شاهنشاهی ایران (بانک انگلیس) در سال ۱۳۰۷ ه.ق. از طرف بانک خریداری شد. از جمله اقدامات این بانک چاپ و نشر اسکناس در ایران برای اولین بار بود.
- ۱۲- در مورد خصوصیات کالبدی و اجتماعی میادین در مراکز شهری و مراکز محلات در شهرهای سنتی ایران نگاه کنید به: وحید قبادیان، بررسی اقلیمی ابنيه سنتی ایران، صص ۱۶۹-۱۶۴.

- ۱- صفامنش، کامران، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به کوشش باقر آیت‌الله زاده شیرازی، مجموعه مقالات، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور ۱۳۷۸، ص ۲۵۱.
- ۲- دوستعلی خان معیرالممالک، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، نشر تاریخ ایران (۱۰)، ۱۳۶۱، ص ۳۱.
- ۳- Ilya Nikolayvitch Berezin.
- ۴- جهت اطلاع از خصوصیات بافت شهری در اقلیم گرم و خشک ایران نگاه کنید به: وحید، قبادیان، بررسی اقلیمی ابنيه سنتی ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، فصل ششم.
- ۵- August Kriziz
- ۶- Baron Georges - Eugene Haussman 1809-91.
- ۷- Charles Louis Napolean Bonaparte III. بین سال‌های ۱۸۰۸-۷۳ میلادی زندگی می‌کرد و بین سال‌های ۱۸۴۸-۵۲ میلادی رئیس جمهور و بین سال‌های ۱۸۵۲-۷۰ میلادی امپراتور فرانسه بود.

- ۱۳-سفرنامه جکسن، ترجمه منوچهر امیری، فریدون بدره‌ای، ص ۴۷۳
- ۱۴-حسن بیگی، تهران قدیم، انتشارات ققنوس، زمستان ۱۲۶۶، صص ۵۴-۵۵
- ۱۵-یحیی ذکاء، تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۷۸، تهران، ۱۳۴۹، ص ۲۵۱
- ۱۶-اعتمادالسلطنه، محمدحسن، الماثر الآثار، ص ۸۸
- ۱۷-حسن بیگی، تهران قدیم، ص ۵۵
- ۱۸-یحیی ذکاء، تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، ص ۲۸۲
- ۱۹-اعتمادالسلطنه، الماثر الآثار، صص ۸۷-۸۸
- ۲۰-دوستعلی خان معیرالممالک، یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، نشر تاریخ ایران، (۱۰) ۱۳۶۱، ص ۶۴
- ۲۱-ذکاء، یحیی، تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی و راهنمای کاخ گلستان، ص ۱۲۲
- ۲۲-اعتمادالسلطنه، الماثر الآثار، ص ۱۰۹
- ۲۳-همان، ص ۸۷
- ۲۴-روزنامه همشهری، پنجشنبه ۱۳۷۶/۹/۱۳، ص ۱۶
- ۲۵-روزنامه شرف، نمره ۶۵، ۱۳۰۶ هجری
- ۲۶-ذکاء، یحیی، تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، ص ۳۱۶
- ۲۷-میرزا حسین خان سپهسالار ۱۲۹۸-۱۲۴۱، م.ق. متولد قزوین بوده و امیرکبیر صدراعظم در تربیت وی اهتمام فراوان نموده است. سپهسالار تحصیلات خود را در اروپا تکمیل نمود سپس به ترتیب تاریخی به سمت سفیر ایران در هند، ژنرال کنسول ایران در تفلیس، وزیر مختار ایران در دربار عثمانی، وزیر عدليه و اوقاف، سپهسالار قشون کشور، صدراعظم، فرمانروای

ساختمان‌های او شامل سفارت ایران در اسلامبول، قصر فیروزه، کاخ سپهسالار، مسجد سپهسالار، طرح میدان ارگ (اجرا نشد)، عمارت معتمدالسلطنه، عمارت میرزا سید موسی وزیر، عمارت قوام‌الدوله ثانی، عمارت سعدالدوله، عمارت میرزا سعیدخان و ساختمان حسام‌السلطنه است. خان شقاقی در سال ۱۲۹۹

مجري شمسی در سن ۷۶ سالگی درگذشت.

۲۹- خاطرات متحن‌الدوله، زندگی‌نامه میرزا مهدی خان متحن‌الدوله شقاقی، به کوشش حسین قلی خان شقاقی، نشر فرهنگ، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸.

۳۰- روزنامه شرف، نمره ۶۲ مورخ ۱۳۰۶

هجری قمری.

۳۱- جهت اطلاعات در مورد کاخ سپهسالار و تغییرات انجام شده در آن رجوع کنید: طرح مرمت و بازسازی ساختمان مجلس شورای ملی سابق، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی

گیلان و طوالش، وزیر امور خارجه، و بالاخره فرمانفرمای ایالات خراسان و سیستان و تولیت استان قدس رضوی را داشته است. وی مردم روش فکر و پیگیر اقدامات ناتمام امیرکبیر بوده است. در سال ۱۲۹۰ هجری قمری شاه را تشویق به دیدار از اروپا جهت درک ترقیات آن دیار از طرف شاه می‌نماید و خود به همراه وی عازم اروپا می‌شود. وی هم‌چنین تأسیس کابینه را به ناصرالدین شاه پیشنهاد می‌کند که مورد تأیید وی واقع می‌شود و با همیاری میرزا ملکم خان قراردادی با شرکت رویتر برای کشیدن خط‌آهن از دریای خزر به خلیج فارس می‌بندد و لی این قرارداد اجراء نشد.

۲۸- میرزا مهدی خان شقاقی در سال ۱۲۶۳ هجری قمری در محله سنگلاج تهران متولد شد. وی تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون گذراند و سپس عازم فرانسه گردید و فارغ‌التحصیل مدرسه صنایع مرکزی فرانسه و مدرسه معماری پاریس بود. طرح‌ها و

- و عمومی، مهندسان مشاور باوند، اسفندماه  
۱۳۷۴.
- ۳۹- بهرام افراصیابی، شاه ذوالقرنین و خاطرات  
ملیجک، انتشارات سخن، تهران، زمستان ۱۳۶۸
- ص ۲۵۵.
- ۴۰- همان.
- ۴۱- مطالب این پاراگراف بر طبق کفته‌های استاد  
عبدالحسین حائری، استاد نسخه‌شناسی در  
ایران یادداشت شده است. استاد حائری از سال  
۱۲۳ هجری شمسی تا کنون در کتابخانه  
مجلس بوئله‌افدو ۲۰ سال از این مدت سمت  
ریاست کتابخانه مجلس را داشته‌اند.
- 42-Corinthian  
43-Mannerist  
44-Mansard Roof  
45-Francois Mansart (1598-1666)
- ۴۶- لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران،  
بهمن ۱۳۴۱، جلد ۱۹، حسین سپهسالار، ص ۶۵۵
- ۴۷- دوستعلی خان معیرالممالک، یادداشت‌هایی از  
زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، ص ۱۵.
- ۳۲- اعتمادالسلطنه، الماثرالاثار، صص ۸۳-۸۴.
- ۳۳- روزنامه شرف، نمره شصت و هشتم، مورخ  
۱۳۰ هجری قمری.
- ۳۴- اعتمادالسلطنه، الماثرالاثار، ص ۱۰۵.
- ۳۵- جهت اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: آندره  
گدار، هنر ایران، صص ۳۷۹-۳۸۰ و وحید  
قبادیان، بررسی اقیمه ابنيه سنتی ایران،  
صص ۲۰۶-۲۰۷.
- ۳۶- نگاه کنید به وحید قبادیان، بررسی اقلیمی  
ابنیه سنتی ایران، تزئینات ابنيه مذهبی، صص  
۲۶۷-۲۷۳.
- ۳۷- دوستعلی خان معیرالممالک، یادداشت‌هایی  
از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه،  
صص ۹۴ و ۹۳.
- ۳۸- مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن  
۱۲ و ۱۳ هجری، انتشارات زوار، چاپ  
پنجم، جلد دوم، ص ۴۵.



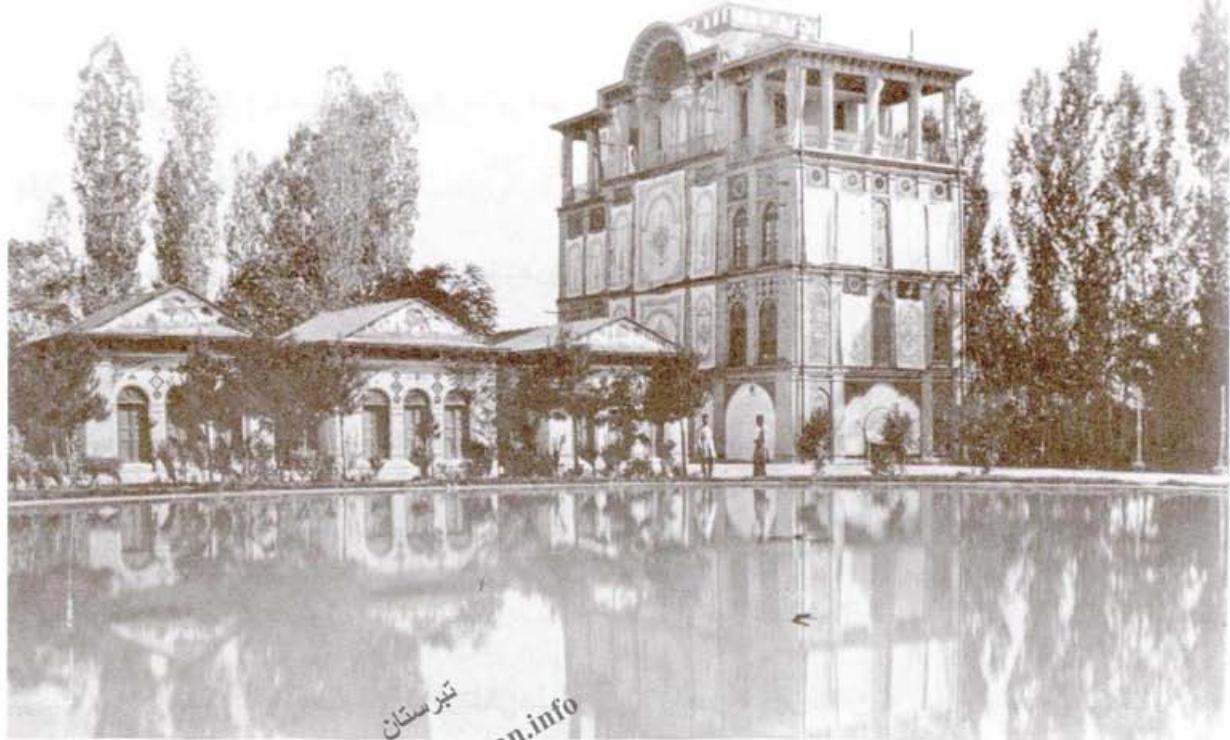
قصر شهرستانک - بخش اندرونی به صورت حیاط مرکزی و بخش بیرونی به صورت کوشک مشخص است.

## فصل چهارم: دلایل بروز و ظهور تجدد در معماری معاصر تهران

ابژه و موضوع شناخت است و بدین ترتیب امکان رشد سریع علم و تکنولوژی و به دنبال آن تسلط بر جهان پیرامون برای انسان مدرن فراهم گردید.

این تسلط تنها بر طبیعت و منابع آن نبود، بلکه اروپائیان بر سرزمین‌های اقوام دیگر نیز سیطره یافتند. از اواخر قرن پانزدهم جهان‌گشایی اروپائیان آغاز گشت و به موازات پیشرفت هر چه سریع‌تر علم و تکنولوژی در غرب، تسلط

در فصل اول مطرح شد که موضوعی به نام مدرنیته در اواخر قرن پانزدهم میلادی در اروپا زیربنای فکری، سیاسی، اجتماعی و تکنیکی در غرب را متحول ساخت. این زمان آغاز انسان‌گرایی و خردگرایی است و توجه انسان غربی بیش از پیش از امور اخروی به سمت امور دنیوی متوجه گردید و علم و تکنولوژی جهت دستیابی به این غایت مورد استفاده قرار گرفت. در جهان‌بینی مدرن، همه امور دنیوی



شکل ۱-۴- ساختمان کلاه فرنگی در مجموعه عشرت آباد به صورت برج طبقه و تلفیقی از معماری سنتی ایران و نوکلاسیک غرب است.

تبرستان  
www.tabarestan.info



شکل ۲-۴- در مجموعه عشرت آباد خانه های زنان و حرم‌سرا به صورت کوشکهای چهارراهی در کنار استخر قرار دارند. معماری ایرانی و فرنگی از نظر ذهنی و کالبدی در این مجموعه تلفیق شده است.

سمت شمال و نیروی دریایی امپراتوری انگلیس از طرف جنوب مواجه بودیم. شکست‌های پی‌درپی نظامی در مقابل این دو نیروی متخاصم باعث عقد قراردادهای یک طرفه به سود دول غالب و به ضرر دولت ایران گردید. به دنبال شکست‌های نظامی و سیاسی، امراء و متفکران به فکر چاره‌جویی و انجام تغییرات افتادند. اولین راه حل مجھنگ شدن به سلاح و فنون جنگ‌آوری اروپائیان بیبود. لذا سپاهیان، اولین قشری از جامعه ایران بودند که با تجهیزات مدرن آشنا گردیدند و تحت تعلیم مستشاران اروپایی قرار گرفتند و به لباس فرنگی ملبس شدند. فراگیری علم و تکنولوژی غربیان قدم دوم برای رویارویی در برابر اروپائیان بود. لذا اعزام دانشجو به فرنگ، ترجمه کتب، نشر روزنامه، تأسیس مدارس به شیوه غربی و استخدام معلمان فرنگی صورت گرفت. همچنین مهندسان، اطباء و متخصصان اروپائی در امور مختلف علمی و فنی جهت تصدی امور عمرانی، بهداشتی

آنها بر منابع طبیعی و انسانی این کره خاکی هر روز فزوئی یافت.

اولین برخورد ما ایرانیان با جهان مدرن قهرآمیز بود. در اوایل قرن شانزدهم میلادی، ادوات جنگی ما در مقابل سلاح آتشین عثمانیان و اروپائیان قرار گرفت. لذا در جنگ چالدران با عثمانی (که پیش از ما به توب آتشین مجهز شده بودند) و در جنگ خلیج فارس با پرتغالی‌ها، مقهور تسليحات مدرن آنها شدیم. ولی مواجهه ما با جهان مدرن که به صورت همه جانبه ارکان تمدن و تفکر ما را تحت تأثیر قرار داد و باعث خودآگاهی و درک عقب ماندگی و اراده جهت تغییرات شد، از اوایل قرن نوزدهم آغاز گردید. اگرچه، این تغییرات زیربنایی نبود و موضوع مدرنیته مورد توجه قرار نگرفت. این دوره آغاز مدرنیزاسیون- به شکل نو در آوردن جامعه- در ایران، بدون توجه به مبانی فکری مدرنیته- مدرنیسم- است.

این بار با ارتش مدرن و مجهز حکومت تزاری از

غربیان می‌زیست، از زمان فتحعلی‌شاه وضع دگرگون شد. از این زمان به تدریج جامعه ما از جهان شرق قدم به جهان دیگری به نام جهان سوم گذارد. جهان سوم جهانی است که منبع الهام آن منحصراً در محدوده جغرافیایی و فرهنگی آن قرار ندارد. جهان سوم در بسیاری از امور تحت تأثیر جهان دیگری به نام جهان اول و یا جهان مدرن است. الگوهای نوع لباس، آموزش، <sup>علم</sup> تکنولوژی، اقتصاد، هنر و معماری عمدهاً در ورای محدوده جغرافیایی و فرهنگی کشورهای جهان سوم شکل می‌گیرد.

لذا جهان‌گشایی اروپائیان که با توسل به علم و تکنولوژی مدرن صورت گرفت، نه تنها باعث سیطره نظامی و سیاسی آنها بر سایر ممالک گردید، بلکه هنجارها و شیوه‌های اجتماعی و فرهنگی کشورهای مغلوب را نیز دگرگون ساخت و در بسیاری از زمینه‌ها، الگوهای مدرن اروپایی جایگزین الگوهای سنتی در جوامع غیر اروپایی شد.

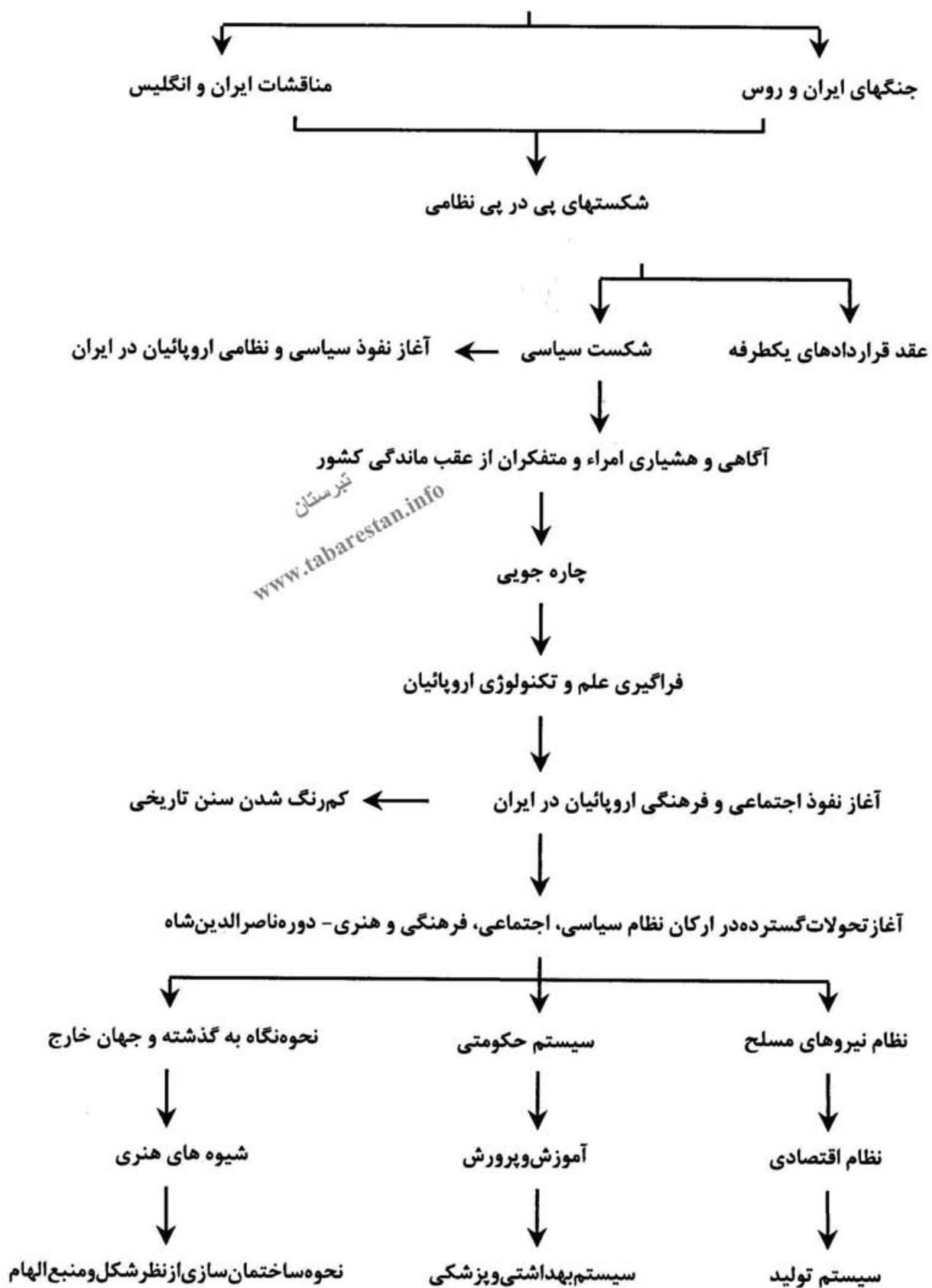
و سایر موارد استخدام گردیدند. با این کار نفوذ اروپاییان از حوزه نظامی و سیاسی خارج شده و در امور علمی و تکنیکی و نهایتاً اجتماعی و فرهنگی نیز نفوذ آنها در ایران گسترش یافت. از طرف دیگر، به تدریج سنن تاریخی و هنجارهای گذشته در مقابل کارایی بهتر روش‌های جدید غربی کمرنگ گردید. نمودار ۴-۱ ملاحظه شود. سفر امرا و اقشار مرفه و همچنین علماء و فرهیختگان جامعه به اروپا و مشاهده دستاوردهای مدرن و پیشرفت و ترقی در آن دیار، بیش از پیش تمایل و گرایش به سمت نوگرائی را ایجاب نمود. اگرچه همواره مخالفت‌هایی با تجدیدخواهی از طرف لایه‌های سنتی جامعه ابراز می‌گردید، ولی جهت صیانت از تمامیت ارضی و هویت ملی و همچنین بهره‌وری از ثمرات مدرنیزاسیون، گرایش به دستاوردهای اروپائیان متوقف نگردید. اگر تا پیش از زمان فتحعلی‌شاه، اینجا جهان شرق و آنجا جهان غرب بود و جامعه ما در چارچوب هنجارها و سنن خود و مستقل از



شکل ۳-۴- نمای شمالی کاخ صاحبقرانیه (۱۲۹۷ م.ق) در دامنه کوههای البرز در شمال تهران.



شکل ۴-۴- همانند نمای شمالی، پنجره‌های ارسی و قوس رومی جزو عناصر شاخص نمای جنوبی کاخ صاحبقرانیه است.



نمودار ۱-۴-دلایل ظهور نوگرانی در شنون مختلف زندگی ایرانیان در دوره قاجاریه

۱- تزئینات

- واقع گرانی در تصاویر گیاهی
- واقع گرانی در تصاویر انسان و حیوان
- استفاده از خطوط هندسی یونان و روم باستان
- نصب مجسمه بر روی بنا

۲- عناصر تشکیل دهنده ساختمان

- بام شیدار و ستوری
- بالکن
- ستونها و سرستونهای یونانی
- قوسهای رومی
- نرده به شکل صراحی

۳- نما

- تلفیق نماهای سنتی ایران با نماهای نوکلاسیک اروپا
- تقلید کامل از نماهای نوکلاسیک فرنگ بر روی کل نما

۴- مقطع

- برون گرانی
- بام شیدار
- بالکن
- محوریت راه پله

۵- پلان

- برون گرانی
- بالکن
- محوریت راه پله

۶- مصالح

- آهن سفید جهت پوشش بام
- چدن جهت ساخت ستون و نرده

نمودار ۴-۲- روند تأثیر معماری اروپائی بر بخش‌های مختلف ساختمانهای شاخص عصر ناصری



شکل ۴-۵- عمارت امین الدوّله در پارکی به همین نام در شمال شرق دارالوفایه ناصری، دروازه شمیران درست  
چپ عکس دیده می‌شود



شکل ۴-۶- طرح عمارت امین الدوّله نشان دهنده گرایش به سمت طرحهای کاملاً فرنگی در اوخر سلطنت  
ناصرالدین شاه است. درنمای این ساختمان هیچگونه نشانه‌ای از ظواهر معماری سنتی ایران مشاهده نمی‌شود.

ایران ساخته می شد. نفوذ معماری اروپایی تا

این زمان، از حد تزئینات فراتر نمی رفت. ولی از

این زمان عناصری از معماری فرنگی در

بخش‌های مختلف ساختمان‌های شاخص تهران

ظاهر گردید. این موضوع را در اولین ساختمان

مهم ساخته شده در عصر ناصری یعنی مدرسه

دارالفنون می‌توان مشاهده کرد. برای اولین بار

در تهران <sup>میر</sup> این ساختمان ستون‌ها، قوس‌ها، و

ستون‌ری به سبک فرنگی احداث گردید.

تزئینات اروپایی نیز از این زمان به صورت

گسترده بر روی نماهای ساختمانها استفاده

می‌شود. همچنین مصالح مدرن مانند آهن سفید

و چدن برای اولین بار در این دوره به صورت

محدود مورد استفاده قرار گرفت. نمودار ۲-۴

مالحظه شود.

ساختمان‌های شاخص عصر ناصری را به سه

گونه می‌توان تقسیم بندی نمود. گونه اول، گونه

تلفیقی است. در این گروه، تزئینات و المانهای

ایرانی و فرنگی به صورت التقادی در نما و پلان

جامعه سنتی مانیز مستثنی از این امر نبود.

تحولات، تغییرات و نوگرایی در طی جنگ‌های

ایران و روسیه و مناقشات ایران و انگلیس و بعد

از آن، در ارکان نظام لشکری، سیاسی و فکری

ما آغاز گردید. این تحولات در دوره ناصرالدین

شاه جلوه‌ای بارزتر و ملموس‌تر یافت.

نوگرایی در پاییخت کشور ابتدا از رأس هرم

قدرت و تفکر یعنی صاحبمنصبان حکومتی و

روشنفکران آغاز گردید. در دوره سلطنت

ناصرالدین شاه، هنجارهای اجتماعی زندگی آنها

دیگر کاملاً منطبق بر الگوهای سنتی نبود، بلکه

تلفیق و التقادی از سنت و تجدد این هنجارها را

شكل می‌داد. بنابراین آداب غذاخوردن، لباس

پوشیدن، تحصیل کردن، معاشرت نمودن و

سایر موارد به صورت آدابی تلفیقی و یا ایرانی

فرنگی درآمد.

در فصل سوم کتاب مشاهده گردید که تا زمان

سلطنت ناصرالدین شاه ساختمان‌های ساخته

شده در تهران بر طبق موازین معماری سنتی

ساختمان ظاهر می شود. در طی چهل سال اول سلطنت ناصرالدین شاه (۱۳۰۳-۱۳۶۴ ه.ق) ساختمانهای نوظهور همچون دارالفنون (اولین ساختمان در این گونه) تلفگرافخانه و مریضخانه و اکثر قریب به اتفاق کاخها به این گونه ساخته شدند.

گونه دوم گونه سنتی است که شامل ساختمانهای مذهبی همچون مساجد و مدارس می شود. اگرچه در بعضی از این ساختمانها تزئینات واقع گرای فرنگی دیده می شود و ندرتاً از ستونهای شبہ دوریک استفاده شده است، ولی ساختار و کالبد این ساختمانها در طی پنجاه سال سلطنت ناصرالدین شاه در چارچوب موازین معماری سنتی ایران باقی ماند.

در طی ده سال آخر سلطنت این پادشاه (۱۳۱۲-۱۳۰۳ ه.ق) تزئینات و نمادهای فرنگی به صورت بارزتر و عیان تر ظاهر می شود و کلیه تزئینات، عناصر و حتی طرح پلان و نمای ساختمان بر اساس الگوهای فرهنگی طراحی

می شود. اکثر قریب به اتفاق کاخها و ساختمانهای حکومتی در این دوره به گونه سوم یعنی گونه فرنگی ساخته شدند. جدول ۲-۲ ملاحظه شود.

لذا در پایان باید بیان نمود که روال پیوسته و مستمر معماری سنتی ایران همانند سایر موارد اجتماعی و فرهنگی کشور مابا قدری تقدم و تأخیر- در <sup>بیان</sup> <sub>www.taharestan.info</sub> تحول در جهت روند تکاملی معماری سنتی ایران نبود بلکه خود آگاهی نسبت به عقب افتادگی کشور و اراده جهت انجام تغییرات به منظور برابری و همسانی با توانائیهای اروپائیان و همچنین کارایی و همخوانی بهتر ساختمانهای اروپائی با شرایط جدید زندگی، باعث انجام این تحولات گردید.

مردم عادی جامعه در این دوره کمتر تحت تاثیر مدرنیزاسیون قرار گرفتند و برخلاف رده های بالای جامعه، نگردم عادی کماکان بر طبق شیوهای گذشته زندگی می کردند. معماری

۱- سنت و نوگرایی در معماری تبریز در زمان

ولایت‌عهدی عباس میرزا

۲- تاثیر استقرار انگلیسی‌ها در بوشهر بر

معماری این شهر

۳- تاثیر جنبش مشروطه بر معماری اواخر

دوره قاجاریه

۴- تاثیر مدرنیزاسیون زمان رضاخ شاه بر

معماری آن دوره

۵- تجزیه و تحلیل سنت و نوگرایی در معماری

دوره پهلوی دوم

۶- رابطه معماری امروز ایران با سنت و

نوگرایی

ساختمانهای اقشار متوسط و فرودست تهران

در این دوره عمدها در چارچوب موازین معماری

سننی باقی ماند.

موضوع سنت و نوگرایی یکی از مباحث مهم

جامعه امروز ما است. اکثر مباحث نظری در

مورد اقتدار مختلف جامعه مانند جوانان، زنان،

روشنفکران و غیره و موضوعاتی در ارتباط با

سیاست، فرهنگ، هنر، علم و تکنولوژی، به نوعی

مرتبط با مقوله سنت و نوگرایی است. مقالات،

کتابها و رسالات مختلف و گوناگون در این

موارد هر روز چاپ و منتشر می‌شود. ولی

مقوله سنت و تجدد به صورت یک موضوع

مستقل در معماری معاصر ایران مورد توجه و

تحلیل قرار نگرفته است. یکی از اهداف انجام این

كتاب، باز شدن بحث اين موضوع در حوزه

معماري معاصر ايران بوده است.

لذا برای انجام تحقیقات آتی، پیشنهادات ذیل در

مورد سنت و تجدد در معماری معاصر ایران در

مقاطع دیگر تاریخی ارائه می‌گردد:

پیوستها :

⇨ تاریخها و وقایع مهم دوره قاجاریه

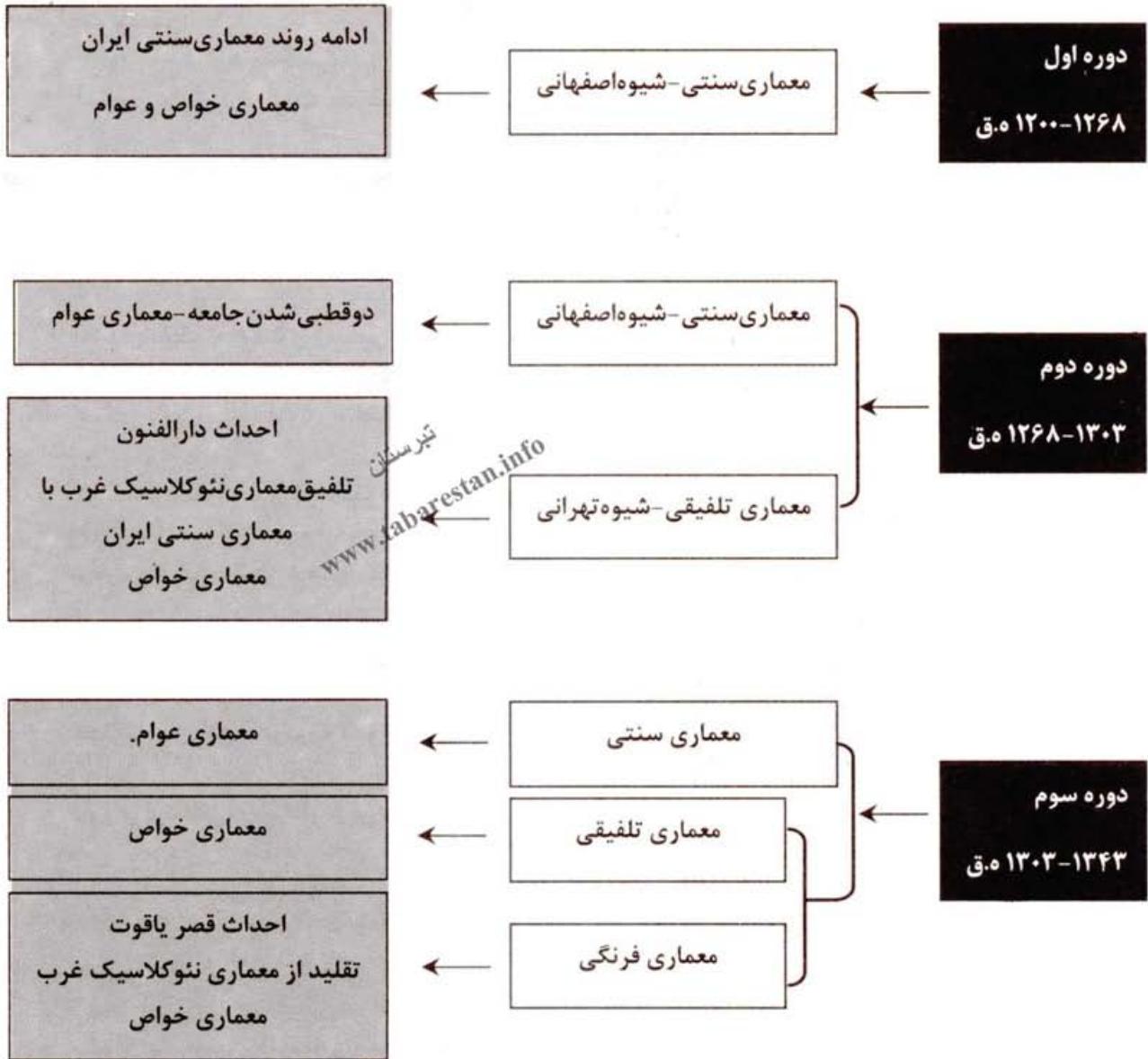
⇨ فهرست منابع

⇨ منابع اشکال

⇨ خلاصه انگلیسی

جدول ۱-۵- تاریخ ها و وقایع مهم در دوره قاجاریه با تأکید بر دوره سلطنت ناصرالدین شاه

نام پادشاه	تاریخ سلطنت	مدت سلطنت	وقایع مهم
آقا محمد خان	۱۲۱۱-۱۱۹۳ ه.ق. ۱۷۹۷-۱۷۸۹ م.	۱۸ سال ۵۶ - نجف	آغاز سلطنت خاندان قاجاریه ۱۱۹۳ ه.ق. پایتختی تهران ۱۲۰۰ ه.ق.
فتحعلی شاه	۱۲۱۲-۱۲۰۰ ه.ق. ۱۸۳۴-۱۷۹۷ م.	۳۸ سال ۶۴ - قم	عهدنامه گلستان ۱۲۲۹ ه.ق. عهدنامه ترکمنچای ۱۲۴۴ ه.ق.
عباس میرزا	۱۲۰۳-۱۲۴۹ ه.ق. تولد - فوت	--- ۴۶ - مشهد	اولین اعزام دانشجو به اروپا ۱۲۲۶ ه.ق.
محمد شاه	۱۲۵۰-۱۲۶۴ ه.ق. ۱۸۴۸-۱۸۳۴ م.	۱۴ سال ۴۲ - قم	بیرمان چاپ اولین روزنامه در ایران ۱۲۵۳ ه.ق.
ناصرالدین شاه	۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه.ق. ۱۸۹۶-۱۸۴۸ م.	۴۹ سال ۶۷ - شاه عبدالعظیم	نخستین سیم تلگراف ۱۲۶۷ ه.ق. عهدنامه هرات ۱۲۷۳ ه.ق. گسترش شهر تهران ۹۴- ۱۲۸۴ ه.ق. سه سفرشاہ به اروپا ۱۲۹۰- ۱۲۹۵ ه.ق. کارخانه گاز ۱۲۹۸ ه.ق. راه آهن ۱۳۰۵ ه.ق. قیام تباکو ۱۳۰۹ ه.ق.
مظفرالدین شاه	۱۳۱۳-۱۳۲۴ ه.ق. ۱۹۰۷-۱۸۹۶ م.	۱۰ سال ۵۵ - کربلا	امضای فرمان مشروطیت ۱۲۸۴ ه.ش.
محمدعلی شاه	۱۳۲۴-۱۳۲۷ ه.ق. ۱۹۰۹-۱۹۰۷ م.	۳ سال کربلا	به توب بستن مجلس ۱۳۲۶ ه.ق.
احمد شاه	۱۳۲۷-۱۳۴۴ ه.ق. ۱۹۲۰-۱۹۰۹ م.	۱۸ سال ۳۳ - کربلا	پایان سلطنت خاندان قاجاریه ۱۳۴۴ ه.ق.



نمودار ۱-۵- سبکهای رایج معماری در دوره قاجاریه در تهران

## فهرست منابع

### مباحث فلسفی:

- آشوری، داریوش، سنت، مدرنیته، پست مدرن، گفتگوی اکبرگنجی با داریوش آشوری، حسین بشريه، رضا داوری، موسی غنی نژاد، موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۵
- آشوری، داریوش، ما و مدرنیت، موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶
- احمدی، بابک، حقیقت و زیبایی، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۴
- احمدی، بابک، چاپ سوم، ساختار و تاویل متن، نشر مرکز، ۱۳۷۵
- افراسیابی، بهرام، دربار مظفر الدین شاه، چاپخانه مهارت، ۱۳۷۷
- برم، مارشال، تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، طرح نو، ۱۳۷۹
- بهنام، جمشید، ایرانیان و اندیشه تجدد، نشر و پژوهش فرزان روز، ۱۳۷۵
- جهانبگلو، رامین، مدرنیته دموکراسی و روشنفکران، نشر مرکز، ۱۳۷۹
- داوری اردکانی، رضا، اوتوپی و عصر تجدد، نشر ساقی، ۱۳۷۹
- سلطانزاده، حسین، هنر و زیبایی از دیدگاه ابن خلدون، فصلنامه معماری و فرهنگ، سال اول، شماره چهارم، بهار ۱۳۷۹.
- سلطانزاده، حسین، فلسفه و معماری، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۷
- شایگان، داریوش، افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه فاطمه ولیانی، نشر و پژوهش فرزان روز، ۱۳۸۰
- ضیمران، محمد، جستارهایی پدیدار شناسانه پیرامون هنر و زیبایی، نشر کانون، ۱۳۷۷
- ضیمران، محمد، سنت و تجدد در حقوق ایران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵

- فروغی، محمدعلی، سیر حکومت در اروپا، کتابفروشی زوار تهران، ۱۳۱۷
- کاجی، حسین، کیستی ما از نگاه روش‌نگران ایرانی، روزنه، ۱۳۷۸
- کاجی، حسین، تأملات ایرانی، مباحثی با روش‌نگران معاصر در زمینه فکر و فرهنگ ایرانی، انتشارات روزنه، ۱۳۷۹
- مکی، حسین، زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷
- نصر، سید حسین، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵
- نیچه، فردریش ویلهلم، اینک آن انسان، آدمی چگونه همان می شود که هست، ترجمه بهروز صفری، فکر روز، ۱۳۷۸
- هایدگر، مارتین، پرسش در باب تکنولوژی، ترجمه محمدرضا آلبیدی، مؤسسه فرهنگی اندیشه، ۱۳۷۵

### مباحث سیاسی و اجتماعی:

- اتحادیه، منصوره، اینجا طهران است، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۷
- اطلس فرهنگی ایران، اطلس فرهنگی شهرتهران، شورای عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی، ۲۵۳۵
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، الماثر و الاثار، به کوشش ایرج افشار، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مرآت البلدان، به کوشش عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، سفرنامه صنیع الدوله از تفلیس به تهران، به کوشش محمد گلبن، انتشارات سحر، ۲۵۲۶.
- افراصیابی، بهرام، شاه ذوالقرنین و خاطرات مليجک، انتشارات سخن، ۱۳۶۸.
- بامداد، مهدی، چاپ پنجم، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، انتشارات زوار
- بل، گرتروود، تصویرهایی از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تبرستان  
www.tabarestan.info . ۱۳۶۳
- بیگی، حسن، تهران قدیم، انتشارات ادب، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- جلالی، بهمن، گنج پیدا، مجموعه ای از عکس‌های آلبوم خانه کاخ موزه گلستان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.
- تکمیل همایون، ناصر، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، دارالخلافه ناصری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.
- تکمیل همایون، ناصر، تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، جلد یکم، شکل گرفتن نیروهای نظامی در آغاز دوره قاجاریه، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶.
- جواهر کلام، عبدالعزیز، تاریخ طهران، انتشارات کتابخانه منوچهری
- چرچیل، جورج پ، فرهنگ رجال قاجار، ترجمه و تأليف، غلامحسین میرزا صالح، انتشارات زرین، ۱۳۶۹.

- ذکاء، یحیی، تهران در تصویر، سروش، ۱۳۶۹.
- رایت، سردنیس، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ترجمه اسکندر دلم، انتشارات نهال، ۱۳۶۴.
- روزنامه ایران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۴.
- روزنامه‌های شرف و شرافت، زیر نظر محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، با مقدمه و فهارس آقای جواد صفی نژاد، انتشارات یساولی فرهنگسرا، ۱۳۶۳.
- روزنامه دولت علیه ایران، ۱۳۷۰، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- روزنامه ملتی (روزنامه ملت سینه ایران)، به کوشش فرید قاسمی، مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، تهران، ۱۳۷۴.
- روزنامه وقایع اتفاقیه، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات، ۱۳۷۳.
- شفاقی، میرزا مهدی خان، خاطرات ممتحن الدوله، به کوشش حسینقلی خانشقاقی، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۱.
- سفرنامه دیالافوا در زمان قاجاریه، ترجمه و نگارش فرهوشی (مترجم همایون)، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۱.
- شهری، جعفر، چاپ دوم، تهران قدیم در قرن سیزدهم، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۹.
- صافی، قاسم، چاپ دوم، عکس‌های قدیمی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- عدل، شهریار، تهران پایتخت دویست ساله، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۷۵.

- قاسم، فرید، دانش به انضمام نشریه «مدرسه مبارکه دارالفنون تبریز»، مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، ۱۳۷۴.
- کریمان، حسین، تهران در گذشته و حال، انتشارات دانشگاه ملی، شماره ۷۸، ۱۳۵۵.
- کسرائیان، نصرالله، ذوق‌القاری، حمیده، تهران، ناشر نصرالله کسرائیان، ۱۳۷۳.
- مارکام، کلمت، تاریخ ایران در دوره قاجار، ترجمه گونه از میرزا رحیم فرزانه، به کوشش ایرج افشار، نشر فرهنگ ایران، ۱۳۶۴.

- محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۸۷،  
تبرستان  
چاپ سوم، ۱۳۷۸.

- ملک زاده، مهدی، چاپ دوم، تاریخ مشروطیت ایران، انتشارات علی‌الله، ۱۳۶۳.  
www.tabarestan.info

- معیرالممالک، دوستعلی خان، یاداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، نشر تاریخ ایران (۱۰)، ۱۳۶۱.

- نجمی، ناصر، دارالخلافه تهران در یکصد سال پیش، انتشارات ارغوان، ۱۳۶۸.

- ولایتی، علی اکبر، تاریخ روابط خارجی ایران، دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.

- Drouville, Caspard, **Voyage en Perse**, Atlas, Editors M. Moghadam, Mostafa Ansari, Imperial Organization for Social Service, April 1976.
- Flandinet, Eugene, et Costae Pascal, **Voyage en Perse**, Imperial Organization for Social Services, April 1976.
- Strayer, Joseph, **The Mainstream of Civilization**, Second Edition, Harcourt Brace Jovanovich, Inc. New York, 1974.
- Watson, Robert Grant, **A History of Persia from the Beginning of The Nineteenth Century to the Year 1858**, 1886.

## مباحث معماری:

- ابن‌اخوه، محمد‌احمد‌قریشی، چاپ دوم، آیین شهرداری، ترجمه جعفر شعار، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰.
- اردلان، نادر، «ساختمان مفاهیم سنتی معماری و شهرسازی ایران، مطالعات آغازی»، بررسی امکان پیوند معماری سنتی با شیوه‌های نوین ساختمان، وزارت آبادانی و مسکن، ۱۳۴۹.
- بحرینی، سیدحسین، تجدد و فراتجدد و پس از آن در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- بنه‌ولو، لئوناردو، تاریخ شهر (شهرهای اسلامی و اروپائی در قرون وسطی)، مرکز نشر تبرستان دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- پاکدامن، بهروز، «نگاهی به گرایش‌های معماری در تهران»، کتاب تهران، جلد چهارم، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۲.
- پیرنیا، محمد‌کریم، شیوه‌های معماری ایرانی، تدوین غلام‌حسین معماریان، مؤسسه نشر هنر اسلامی، ۱۳۶۹.
- پیرنیا، محمد‌کریم، چاپ دوم، آشنایی با معماری اسلامی ایران، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۲.
- توسلی، محمود، چاپ چهارم، ساخت شهر و معماری در اقلیم کرم و خشک ایران، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
- جوادی، آسیه، معماری ایران، انتشارات مجرد، ۱۳۶۳.
- حائری، محمدرضا، «ارزیابی معیارها و ضوابط معماری در تهران»، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم - کرمان، (جلد دوم)، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.

- حاثری، محمدرضا، شناخت معماری ایران، مجله معماری و شهرسازی، دوره هشتم، تیر، شماره ۵۱

.۱۳۷۸ ۵۰ -

- حبیبی، محسن، «مکتب اصفهان، دولت قاجار و سبک تهران»، دومین کنگره تاریخ معماری و

شهرسازی ایران، مجموعه مقالات (جلد دوم)، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸.

- جودت، محمد رضا، «دگرگونی تهران، گسیختگی یا پویایی»، مجله معماری و شهرسازی، دوره ششم،

مهر آبان آذر دی، شماره ۳۷-۳۶، ۱۳۷۵.

- ذکاء، یحیی، تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ کلستان، سلسله انتشارات

انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹.

- ریمون، آندره، شهرهای بزرگ عربی - اسلامی در قرن های <sup>۱۱</sup> و <sup>۱۲</sup> هجری، ترجمه حسین

سلطانزاده، ناشر مترجم، ۱۳۷۰.

- سحاب، عباس، «نقشه‌های تهران»، شهرهای ایران، به کوشش یوسف کیانی، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.

- سعیدنیا، احمد، ساختار تهران، شهرهای ایران، به کوشش یوسف کیانی، دانشکاه تهران، ۱۳۷۰.

- سلطانزاده، حسین، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، <sup>۲</sup>۱۳۷۰، انتشارات امیرکبیر،

.۱۳۶۷

- سلطانزاده، حسین، پنجره‌های قدیمی تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۵.

- سمسار، محمدحسن، «شهر تهران»، نظری اجمالی بر شهرنشینی و شهرسازی در ایران، به کوشش

محمد یوسف کیانی با همکاری هوایپیمایی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵.

- سمیعی، سیروس، ستون‌ها و سرستون‌های بنای‌های تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۴.

- سوادکوهی، ساسان، میدان‌های تهران در گذر زمان، انتشارات بهزاد، ۱۳۷۸.

- سلیمی، جواد، «نتایج پژوهش استخوان‌بندی شهر تهران»، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مجموعه مقالات (جلد اول)، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸.
- صارمی، علی اکبر، ارزش‌های پایدار در معماری ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
- صفامنش، کامران، «تحولات معماری و شهرسازی بین سال‌های ۱۲۲۰-۱۲۹۹ ه.ش.»، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مجموعه مقالات (جلد دوم)، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸.
- قبادیان، وحید، بررسی اقلیمی ابینیه سنتی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- قریب، فریدون، «معابر تهران در دوره قاجاریه»، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم - کرمان، (جلد دوم)، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- قزلباش، محمدرضا، ۱۳۶۴، الفای کالبد خانه سنتی، سازمان برنامه و بودجه
- کسرائیان، نصرالله، ۱۳۷۳، تهران، ناشر نصرالله کسرائیان
- گلشن، صدیق، گلستان باغ گلستان «ارگ تاریخی تهران»، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم - کرمان، (جلد دوم)، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- کیانی، محمد یوسف، معماری ایران (دوره اسلامی) فهرست بنها، جهاد دانشگاهی
- گاردنر، هلن، هنر در گذر زمان، ۱۳۶۸.
- گدار، آندره، هنر ایران، ترجمه دکتر بهروز حبیبی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸.
- گیدئن، زیگفرید، چاپ سوم، فضای زمان معماری، ترجمه منوچهر مزینی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

- مجموعه‌ای از نقاشی‌های ایران در سده دوازدهم و سیزدهم ق.م.، دفتر مخصوص فرح پهلوی،

.۱۳۵۱

- مختاری، اسکندر، «ارگ تاریخی تهران»، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، مجموعه

مقالات (جلد دوم)، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸.

- مشکوتی، نصرت الله، فهرست بناهای تاریخی و اماكن باستانی ایران، سازمان ملی حفاظت

آثار باستانی ایران، ۱۳۴۹.

- مکتب کمال الملک، نشر آبگینه وابسته به مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۴.

- موریس، جیمز، تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، انتهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۶۸.

- مهریار، محمد، «اسناد شهرهای تاریخی ایران در دوره قاجاریه»، مجموعه مقالات تاریخ معماری و

شهرسازی ایران، ارگ بم - کرمان، (جلد دوم)، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.

- مهندسین مشاور آنک، ساختمان‌های حفاظت شده و بافت‌های ذی ارزش تهران، وزارت مسکن و

شهرسازی، دفتر معاونت معماری و شهرسازی، طرح حفظ و ساماندهی تهران، ۱۳۶۷.

- نصیر انصاری، محمود، سیری در معماری ایران، هنر سرای عالی، ۱۳۵۰.

- نوحی، حمید، «پدیده حرکت اعوجاجی در تاریخ معماری معاصر ایران: سنت‌پرستی و سنت‌ستیزی»،

مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم - کرمان، (جلد نخست)، سازمان میراث

فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.

- Ardalan, Nader. **the Sence of Unity**, University of Chicago Press , 1973.

- Bacon, Edmond. **Design of Cities**, Thames and Hudson, London, 1995.

- Elsen, Albert. **Purposes of Art**, Third Edition, Holt Rinehart and Winston, Inc New York, 1972.

- Frishman. Martin. **The Mosque**, Thames and Hudson, London, 1997.
- Goodwin. Godfrey. **Islamic Architecture of Ottoman Turkey**, Scorpion Publications Limited, 1977.
- Gray, Basil. **Persian Painting**, Macmillan London Ltd., London, 1977.
- Hutt. Anthony. **Islamic Architecture of Iran**, Scorpion Publications Limited
- Leacroft. Helen and Richard. **The Building of Early Islam**, Hodder and Stoughton London, 1974.
- Pougnaud, Pierre, **Theatres 4 Sickles d'architectures et d'histoire**, Mon: tear, Paris, 1980.
- Norwich John Julius, **Great Architecture of the World**, Bonanza Books, 1979.
- Pevsner. Nicolas. **the Sources of Modern Architecture and Design**, Thames and Hudson, London, 1995.
- Pope, Arthur Upham. **A Survey of Persian Art**, Oxford University Press, London
- Trachtenberg, Marvin. **Architecture from Prehistory to Post Modernism / the Western Tradition**, Academy Edition, 1984.

## موأخذ اشکال:

### فصل اول:

شکل ۱-۱- روزنامه شرف، نمره اول، محرم ۱۳۰۰ ه.ق.

شکل ۱-۲- فلاندن، اوژن و کوست، پاسکال، سفر در ایران، ۱۸۵۴- ۱۸۴۳ ه.م.

شکل ۱-۳- آلبوم خانه کاخ گلستان



### فصل دوم:

شکل ۲-۱- روزنامه شرف، نمره پنجماهم، ربیع الثانی ۱۳۰۴ ه.ق.

شکل ۲-۲- جیمز موریه، سفری در ایران و ... تا قسطنطینیه، ۱۸۱۲ ه.م.

شکل ۲-۳- روزنامه دولت علیه ایران، نمره چهارصد و هشتاد و شش، ۲ رمضان ۱۲۷۷ ه.ق.

شکل ۲-۴- روزنامه دولت علیه ایران، نمره چهارصد و هشتاد و چهار، ۱۰ شعبان ۱۲۷۷ ه.ق.

شکل ۲-۵- روزنامه شرف، نمره هفتاد و یکم، ۱۳۰۷ ه.ق.

شکل ۲-۶- اس.جی. بنجامین، ایران و ایرانیان، ۱۸۸۷ میلادی.

شکل ۲-۷- نقاشی از موسی بن میرزا حسن، موزه کاخ گلستان، ۱۳۱۳ ه.ق..

شکل ۲-۸- نقاشی از مصور الممالک، عروس کشان، تهران، ۱۳۱۶ ه.ق.

شکل ۲-۹- اوژن فلاندن، سفر در ایران

شکل ۲-۱۰- مؤلف

شکل ۲-۱۱- میراث فرهنگی تهران، بافت‌های تاریخی و قوانینی حاکم بر آنها، اداره کل میراث فرهنگی

استان تهران، ۱۳۷۸.

شکل ۲-۱۲- همان

شکل ۲-۱۳- آلبوم کاخ گلستان

شکل ۲-۱۴- همان

شکل ۲-۱۵- سرمهنگ ف کلمباری، ۱۸۴۸ م

شکل ۲-۱۶- هاینریش بروگش، ۱۸۶۲ م، سفر هیئت فرستادگان پادشاهی پروس به ایران در سال ۶۱-



شکل ۲-۱۷- همان

شکل ۲-۱۸- اوژن فلاندن، سفر در ایران

شکل ۲-۱۹- همان

شکل ۲-۲۰- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۲-۲۱- همان

شکل ۲-۲۲- همان

### فصل سوم:

شکل ۳-۱- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۲- روزنامه دولت علیه ایران، نمره چهارصد و هشتاد و چهار، ۱۰ شعبان ۱۲۷۷ ه.ق.

شکل ۳-۳- روزنامه شرف، نمره هفتاد و یکم، ۱۳۰۷ ه.ق.

شکل ۳-۴- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۵- نقاشی از موسی بن میرزا حسن، ۱۳۱۲ ه.ق، موزه کاخ گلستان

شکل ۳-۲- روزنامه دولت علیه ایران، نمره پانصد و دو، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ ه.ق.

شکل ۳-۳- میراث فرهنگی استان تهران

اشکال ۳-۴- الی ۳-۱۲- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۱۴- نقشه توسط الیا نیکولاویچ برزین.

شکل ۳-۱۵- نقشه توسط مسیو اگوست کریشیش، چاپ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۰

اشکال ۳-۱۶- و ۳-۱۷- نقشه توسط عبدالغفارخان نجم‌الملک، چاپ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح،

۱۳۷۱

شکل ۳-۱۸- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۱۹- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۲۰- مجله آبادی، سال اول، شماره دوم، ص ۶۸

شکل ۳-۲۱- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۲۲- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۲۳- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۲۴- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۲۵- نقاشی از محمودخان صبا، موزه کاخ گلستان

شکل ۳-۲۶- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۲۷- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۲۸- فلاندن، اوژن، سفر در ایران

شکل ۳-۲۹- مؤلف

شکل ۳-۳۰- مؤلف

شکل ۳-۳۱- نقشه توسط مسیو اگوست کریشیش، چاپ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۰

شکل ۳-۳۲- روزنامه شرف، نمره پنجاه و سوم، ذیحجه ۱۴۰۴

شکل ۳-۳۳- نقاشی توسط کمال الملک، موزه کاخ گلستان

شکل ۳-۳۴- Pouynaud, Pierre, 1980, Theatres, Moniteur, Paris, P.67 & P.87



شکل ۳-۳۵- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۳۶- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۳۷- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۳۸- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۳۹- نقاشی اثر کمال الملک، تالار آینه، ۱۳۱۲ م.ق.

شکل ۳-۴۰- روزنامه شرف، نمره شصت و پنجم، ۱۳۰۶ م.ق.

شکل ۳-۴۱- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۴۲- کاتالوگ توریستی جمهوری ترکیه

شکل ۳-۴۳- مؤلف

شکل ۳-۴۴- مؤلف

شکل ۳-۴۵- Trachenberg, Marvin, Architecture from Prehistory to Post-Modernism, P.368

شکل ۳-۴۶- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۴۷- نقشه توسط عبدالغفارخان نجم‌الملک، چاپ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۱

شکل ۳-۴۸- موزه کاخ گلستان

شکل ۳-۴۹- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۵۰- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۵۱- روزنامه شرف، نمره شصت و دوم، ۱۳۰۵ق

شکل ۳-۵۲- آلبوم خانه کاخ گلستان

شکل ۳-۵۳- مؤلف

شکل ۳-۵۴- مؤلف

اشکال ۳-۵۵- الی ۳-۵۹- طرح مرمت و بازسازی ساختمان مجله شورای اسلامی سابق، وزارت مسکن و شهرسازی، مهندسین مشاور باوند، اسفند ۱۳۷۴

شکل ۳-۶۰- شادی فرزین

شکل ۳-۶۱- مؤلف

شکل ۳-۶۲- شادی فرزین

شکل ۳-۶۳- رضا عسگری و سازمان میراث فرهنگی تهران

شکل ۳-۶۴- Trachenberg, Marvin, **Architecture from Prehistory to Post-Modernism**, P.452

شکل ۳-۶۵- اثر محمود، ۱۲۸۵هـ. ق. موزه کاخ گلستان

شکل ۳-۶۶- مؤلف

شکل ۳-۶۷- مؤلف

اشکال ۳-۶۸ و ۳-۶۹- مینو قره بیکلو

اشکال ۳-۷۰ و ۳-۷۱ - مؤلف

اشکال ۳-۷۲ الی ۳-۷۶ - سازمان میراث فرهنگی استان تهران

شکل ۳-۷۷ - مؤلف

اشکال ۳-۷۸ - الی ۳-۸۸ - پردیس علیزاده و آیدا ملکی

اشکال ۳-۸۹ و ۳-۹۰ - آلبوم خانه کاخ گلستان

اشکال ۳-۹۱ - الی ۳-۹۸ - ایمان رحمانی

اشکال ۳-۹۹ و ۳-۱۰۰ - دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، مرکز اسناد

شکل ۳-۱۰۱ - کاتالوگ توریستی جمهوری ترکیه

شکل ۳-۱۰۲ - الی ۳-۱۰۴ - دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، مرکز اسناد

اشکال ۳-۱۰۵ - الی ۳-۱۲۳ - هادی شهامت

شکل ۳-۱۲۴ - کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ملی سابق)

شکل ۳-۱۲۵ - Norwich, John Julius, 1979, **Great Architecture of the world**, Bonanza Books, -۳-۱۲۵

New York. P.192

شکل ۳-۱۲۶ - کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ملی سابق)

شکل ۳-۱۲۷ - مؤلف

شکل ۳-۱۲۸ - فرامرز پارسی

اشکال ۳-۱۲۹ - الی ۳-۱۳۶ - کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ملی سابق)، توسط دانشجویان رشته

معماری دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۶۷

اشکال ۳-۱۳۷ - الی ۳-۱۴۳ - فرامرز پارسی

اشکال ۳-۱۴۴ - مؤلف

اشکال ۱۴۵-۳-۱۴۷-الی ۳-۱۴۷-فرامرز پارسی

اشکال ۱۴۸-۲-۱۴۹-و ۳-۱۴۹-مؤلف

Trachtenberg, Marvin, **Architecture from Prehistory to post**

-۲-۱۵۰-شکل

**Modernism / The western Tradition, Academy Edition, London, P.339,1984.**

#### فصل چهارم:

تبرستان

www.tabarestan.info

اشکال ۴-۱-و ۴-۲-آلبوم خانه کاخ گلستان

اشکال ۴-۳-و ۴-۴-مؤلف

اشکال ۴-۵-و ۴-۶-آلبوم خانه کاخ گلستان

## *Architecture of Tehran during Naseredin shah Period*

## *Tradition and Modernity in the Contemporary Architecture of Tehran.*

### **Summary:**

Architecture is one of few branches of science and technology which is related to almost all different aspects of human life. Architecture is influenced by social, cultural, philosophical, political, economical, scientific and technical issues and also reflects these matters in every place and period.

In this book, issues which influence the architecture of Naseredin Shah period will be analyzed. From this period, the relation between Iran and European Countries increased, and some forms of a new architecture which did not have any counterparts in the traditional Iranian architecture were introduced. In this regard, the influence of tradition and modernity is specifically very important.

This book is divided into four chapters. In the first chapter, the problem and its setting is introduced. Importance of the study and the definitions and different views about Modernity and tradition is discussed.

In the second chapter, the military, political, social and artistic changes which occurred in Iran because of confrontation with the modern world is explained. Also the history of Tehran and the physical changes in the city during this time is mentioned and finally in this chapter, different views about the architecture of this period is discussed.

In dept analysis of urban fabric and architecture of Tehran in regard with modernization in this period is presented in chapter three. Summary and conclusion is in chapter four.

According to this study, Naseredin Shah period (1848-1896) is a turning point for the architectural style of Tehran. Because from this period on, the influence of western

architecture is vivid and clear on the important buildings of the capital. This period is the beginning of introduction of modern material and European architectural styles for the important buildings in Tehran.

During the first half of the Qajar period (1779-1848) the influence of European architecture was only limited to certain decoration on few palaces and religious buildings. But with the start of Naseredin Shah period, different elements of western architecture like columns, gable roofs, pediments and Roman arches were used.

During the first forty years of Naseredin Shah ruling, the dominate style for palaces and governmental buildings was eclectic, which was a combination of neo-classic western and traditional Iranian styles. *But* within the last ten years of his period, the style changed and it became more westernized. Neo-classic architecture became the dominant style at this time.

Cast iron for Columns and railings and galvanized iron to cover gable roofs were the only modern material which was used at this time.

The reason for these new developments during Naseredin Shah time, goes back to our first encounter with the modern weaponry in the early 16th Century during the wars between the traditional Iranian army and the modern army of the ottoman Empire in the west and portuges in the south. Iran was defeated in both wars. More importantly during the first half of 19th Century when Iran lost big parts of its northern section to the Russian army, Iranian nobility and intellectuals realized that Iran is technologically and scientifically far behind the European countries.

As a result, reforms toward modernization first started in the military and educational system of the country. But the reforms didn't stop there. In Confronting with modernity, the political, economical, social and artistic traditions were gradually and step by step changed and the new European systems were introduced.

Therefore architecture like other aspects of the Iranian life was changed, in order to be adapted to the new requirements of modern life.

It should be noted that during the fifty years of the Naseredin Shah kingdom, the style and method of construction of buildings for regular people, and also religious buildings (with the exception of Tekieh Dolat- a building for mourning ceremonies) mostly remained within the framework of the Traditional Iranian architecture.

For future studies, the effect of modernity on the Iranian architecture in different Periods Since mid- 19 th Century is recommended.

In the appendixes, in table 5-1, the important dates and events during the Qajar period and especially during the Naseredin Shah period is mentioned, Bibliography, pictures credits and English summery are the final parts of this section.

# *Architecture of Tehran during*

## *Naseredin Shah period*

*Tradition and Moderity in the Contemporary Architecture of Tehran*

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

**Vahid Ghobadian (Ph.D.)**

*White Architecture Consultants*

# ARCHITECTURE OF TEHRAN DURING NASEREDIN SHAH PERIOD

TRADITION AND MODERNITY IN THE  
CONTEMPORARY ARCHITECTURE OF TEHRAN

VAHID GHOBADIAN PH.D.

